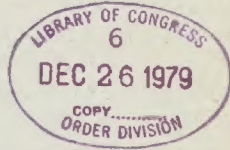


ژوندون

لڼا لار



15521/0271yoo

A-P
77-938031

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸
۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

شماره سی چهارم
سال سی و یکم

زیت کشتاره ۱۳ افغانی



استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته می‌تواند که خلق خود
در انکشاف و تکامل کشور خویش سهیم بگيرند

هفتم نوامبر مطابق به شانزدهم عسرب مصادف با شصت و دومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر بوده و بنا بر فیصله جلسه اخیر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر بعمل آمد از این روز تاریخی و پرافتخار خلق های کشور دوست، برادر و همسایه ما اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی درس تاسر همین عزیز افغانستان تجلیل بعمل آمد . رفیق امین به همین مناسبت شام ۱۵ غروب ضیافت مجللی را در خانه خلق ترتیب داده بودند که در آن اعضای شورای انقلابی و شورای وزیران جمهور ی دموکراتیک افغانستان با خاتم های شان اشتراک نموده بودند .

کمیته شهری شهر کابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انجمن دوستی افغان و شوروی روز ۱۶ غروب طر محفل شاندری در کابل ننداری شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر را تجلیل نموده همچنان به مناسبت همین روز ساعت دوی

انقلاب کبیر اکتوبر و مخصوصا با برسمیت شناختن آزادی و استقلال افغانستان آغاز گردید تاکنون سرحدات افغان و شوروی را در جهان بنام سرحدات صلح و دوستی یاد می کنند . مبصر آژانس باختر علاوه می کند که گذشت زمان و پیوند های انترناسیونالیستی انقلاب ثور و انقلاب کبیر اکتوبر می رساند که این روابط باز هم راه تکامل واطی نموده و علی الرغم توطئه ها و دسایس منابع امپریالیستی و ارتجاعی روابط بین دو کشور هرچه بیشتر تحکیم و توسعه یابد .

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت یازده قبل از ظهر ۱۵ غروب جلالتاب ولیم نورمن هیلبر - فری سفیر کبیر برتانیه در کابل را برای قبول اعتماد نامه اش در قصر گلخانه خانه خلق بحضور پذیرفتند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که در این هنگام دکتر شاه ولی

روز ۱۶ غروب در سراسر کشور عزیز مس افغانستان با شکوه مندی خاصی تجلیل بعمل آمد .

به خاطر تجلیل از این جشن انقلابی خلق های کشور پهنای شورا ها ساعت ده قبل از ظهر ۱۶ غروب محفل مجللی از طرف کمیته شهری کابل حزب دموکراتیک خلق افغانستان و انجمن دوستی افغان و شوروی در قالار کابل ننداری دایر گردیده و بنا به دستور بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رفیق دکستور شاه ولی عضو بوروی سیاسی ، منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون لوهوی وزیر و وزیر امور خارجه یبانیه جامع انقلابی ایراد نمود .

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر ساعت دومین بعد از ظهر ۱۴ غروب با ایراد یبانیه علمی و انقلابی شان اولین کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان را در قصر سلامخانه خانه خلق افتتاح نمودند .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان، شورای وزیران روز ۱۳ غروب از ساعت پنج بعد از ظهر تا ساعت هشت شب در خانه خلق جلسه نمود .

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از ساعت سه و نیم بعد از ظهر الی پنج عصر روز ۱۳ غروب در خانه خلق دایر گردید .

در ابتدای جلسه در باره اقداماتیکه به جهت تطبیق مصوبه بوروی سیاسی راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر صورت گرفته بحث بعمل آمد و اقدامات مذکور مثبت ارزیابی گردید .

رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از ظهر روز ۱۳ غروب یکمده از ژورنالستان داخلی و خارجی را در حالیکه خیال محمد کوتازی وزیر اطلاعات و کلتور نیز حاضر بود در قصر گلخانه خانه خلق برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفتند .

رفیق امین بعد از آنکه به احساسات ژورنالستان با صمیمیت پاسخ دادند و از ملاقات با ایشان اظهار خوشی نمودند و رودژورنالستان خارجی را به همین عزیز ما این سر زمین انقلاب ثور خوش آمدید گفتند .

سپس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شو رای انقلابی و لوهوی وزیر در فضای نهایت صمیمانه و دموکراتیک به سوالات ژورنالستان داخلی و خارجی جواب داده و روی موضوعات سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور روشنی انداختند .

دکتور شاه ولی عضو بوروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاون لوهوی وزیر و وزیر امور خارجه و محترمه خانم شان شام ۱۶ غروب در ضیافتی اشتراک نمودند که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر در سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی در کابل برگزار گردید .

اقتصاد و قایع مهم هفته

بعد از ظهر مسابقه بزرگ باستانی و عتقوی بزکشی در استادیوم ملی ورزشی کابل صورت گرفت و جریان آن مستیما از طریق را دیو تلویزیسون خلق افغانستان پرودکاست گردید .

مبصر باختر آژانس با ارتباط به سالروز جشن انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر می نویسد :

پس از آنکه در کشور همسایه بسزرگ شما لی ما دولت شوراها تاسیس گردید جنبش های انقلابی طبقه کارگرو نهضت آزادی بخش ملی و دموکراتیک در سراسر جهان اوج گرفت و در همین روند انقلابی خلق قهرمانان افغانستان

نیز قهرمانانه به پا خاست و عظیم ترین نیروی استعماری آن وقت را که انقلاب در دستش داشت در آن زمان غروب نمی کرد از افغانستان بیرون نموده و زنجیر های ننگین استعمار را

در آسیا برای اولین بار شکستاند و به این ترتیب افغانستان استقلال سیاسی خود را به دست آورد و روابط دوستی خلل ناپذیر میان خلقهای افغانستان و اتحاد شوروی از طریق

معاون لوهوی وزیر و وزیر امور خارجه ، محمد نادر شاه نیک یار رئیس دفتر شورای انقلابی و محمد ولی مندوزی رئیس تشریفات وزارت امور خارجه نیز حاضر بودند .

پیام رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان که عنوانی کانگرس جهانی همبستگی با خلقهای عرب منعقده لژن صادر شده است مورد استقبال نهایت گرم و پر شور شاهلان کانگرس واقع شده است .

تاسمی از فیصله بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که تحت رهبری رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لوهوی وزیر بعمل آمده بود از شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر

در محفل افتتاح این کنفرانس اعضای بوروی سیاسی و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، اعضای شورای انقلابی و شوروی وزیران کدرها بر چسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس معاونین کدرها و عدهایی از اعضای سازمان خلقی جوانان افغانستان اشتراک نموده بودند .

هنگامیکه رفیق حفیظ الله امین به قصر سلامخانه خانه خلق تشریف آوردند حاضرین بهاخسته با دادن شعار های انقلابی کف - زندنها ، پاشیدن گلبرگ ها و اهدای سبید های گل از قهرمانان دلیر انقلاب زنجیر شکن ثور استقبال کردند که با ابراز احساسات بر حرارت و صمیمانه رفیق امین مواجه شدند .

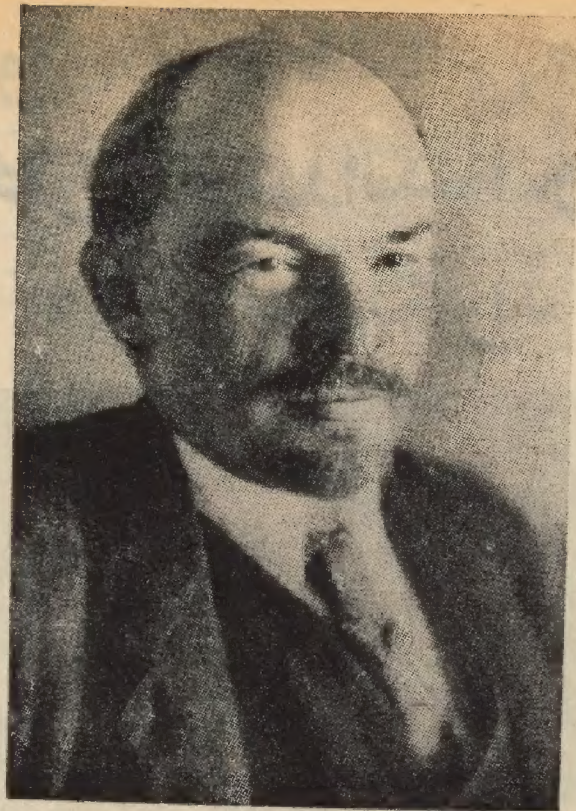
د آغاز محفل سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان بخش گردیده و متعاقبا دکتر غنی وثیق رئیس سازمان خلقی جوانان افغانستان پیرامون کنفرانس عالی سازمان خلقی جوانان افغانستان که برای اولین بار در پرتو انقلاب نجات بخش ثور در کشور ما دایر می شود توضیحات ارائه نمود .

رفیق حفیظ الله امین شخصت و -
دومین سالگرد انقلاب کبیر
اکتوبر را به رهبران
اتحاد شوروی تبریک
گفتند .

کابل ۱۶ غریب (ب):

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه
غیر میدهد ، از طرف حفیظ الله امین
مشی عمومی کمیته مرکزی حزب
دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس
شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوري
دموکراتیک افغانستان به مناسبت شخصت
ودومین سالگرد انقلاب کبیر سو سالسی
اکتوبر پیام تیر یکله آتی عنوانی رفیق
لیونید بریزنف و رفیق الکسی کاسیگین
به مسکو مغایره گردیده است:

رفیق لیونید بریزنف مشی عمومی
کمیته مرکزی حزب کمونسٹ اتحاد
شوروی و صدر هیات رئیسه شوروی
عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.



و.ا. لینن رهبر اولین انقلاب کارگری جهان و بنیان گذار حزب کمونسٹ اتحاد شوروی

شوروی سوسیالیستی مستحکمتر
گردیده و به سویه یخکی برادری تکامل
نموده است .

یقین داریم که این روابط رفیقانه و
صمیمانه و همکاری های همه جانبه ما به
منفعت خلقهای زحمتکش مردم کشور و
خلقهای زحمتکش سایر کشور های
سوسیالیستی و تمام بشریت ترقیخواه
در امر تشدید و تقویت صلح و امنیت
در جهان و ترقیات برای رفاه بشریت
انکشاف مزید یافته مفید و موثر واقع گردد -
درین هنگام خجسته که خلقهای
کشور دوست ما اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی و سایر کشور های
سوسیالیستی و تمام بشریت ترقیخواه
شخصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر
سوسیالیستی اکتوبر را تجلیل می
نمایند ما به مسرت من است ، بهترین
تمنیات گرم ، صمیمانه و رفیقانه خود را
برای صحت و سلامت شما رفقا ایران
نمایم و یقین داریم که خلق دوست
و برادر همسایه اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی تحت رهبری خردمندانه
شما رفقا حزب کمونسٹ اتحاد شوروی
به ترقیات روز افزون نایل گردیده و



لیونید بریزنف مشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسٹ و صدر هیات رئیسه شوروی
عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که به رهبری ایشان جامعه اتحاد شوروی بسوی
کمونیسم نزدیک میشود.

حفیظ الله امین مشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شوروی
انقلابی و لومړی وزیر که به رهبری ایشان افغانستان عزیز ما بسوی جامعه سوسیالیستی
به پیش میرود

مبارزات بشردوستانه شما به خاطر صلح
پایدار در سراسر گیتی با افتخارات
زیاد تر نایل می گردد .
حفیظ الله امین ، مشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان
رئیس شوروی انقلابی و لومړی وزیر
دموکراتیک افغانستان

و دوست ما اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی اظهار می داریم
با اعتقاد راسخ اطمینان میدهم که
بعد از انقلاب شکوهمند شوروی علائق دوستی
و حسن همسایگی ، نظام و همکاری
های ژمر بخش و نزدیک بین جمهوری
دموکراتیک افغانستان و اتحاد جماهیر

تبریکات گرم و نیابت صمیمانه و قلبی
خود ، کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان ، شوروی انقلابی و حکومت
جمهوری دموکراتیک افغانستان و خلق
زحمتکش افغان نستان را به شما و رفقای
گرامی ، کمیته مرکزی حزب کمونسٹ
اتحاد شوروی ، حکومت و خلقهای برادر

رفیق الکسی کاسیگین رئیس شوروی
وزیران اتحاد جماهیر شوروی
سوسیالیستی .
کریملین ، مسکو .
با کمال مسرت زیاد به مناسبت
شخصت و دومین سالگرد ستروک انقلاب
کبیر سوسیالیستی اکتوبر ، بهترین
شماره ۴۴

استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خالق خود، در انکشاف و تکامل کشور خویش سهم بگیرند



رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومیری وزیر جمہوری دموکراتیک افغانستان موقعیکہ زور نا لستان داخلی و خارجی را برای مصاحبه مطبوعاتی بحضور پذیرفته و به سوالات آنها پاسخ اوابہ میدارند.

در آغاز مصاحبه رفیق
حفیظ الله امین خطاب به
زور نا لستان گفتند :

مسرت دارم کہ شما زور نا لستان
محترم را در سرزمین انقلاب نور
استقبال نموده و با شما ملاقات میکنم
و از آنکہ به افغانستان و انقلاب
افغانستان علاقه گرفته اید تشکری
نمایم.

طوریکہ میدانید انقلاب شکوهمند
زور تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق
افغانستان، حزب طبقه کارگر کشور
صورت گرفت و سیستم فئودالی را کہ
در کشور ما حکمفرما بود از بین برده
قدرت را به خلق زحمتکش افغانستان
به نمایندگی از آن به طبقه کارگر
کشور انتقال داد و جمہوری دموکراتیک
افغانستان را تحت زعامت حزب

متن مصاحبه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای
انقلابی و لومیری وزیر با زور نا لستان داخلی و خارجی
کہ بعد از ظهر روز سیزدهم عقرب در خانه خلق بعمل آمد.

به رهبری حزب دموکراتیک خلق
افغانستان کار تسوید قانون اساسی
و اجته شعار مصوبیت، قانونیت و عدالت
رویدست گرفته است.

دشمنان انقلاب و دشمنان خلق
زحمتکش ما کہ مذبحخانه تلاش دارند
تادست آورد های انقلاب نور را تخریب
کنند اکنون نزد خلق ما و نزد خلق
های تمام جهان افشاء شده اند.

افغانستان کشوری است کہ در آنجا
قانون اساسی بشکلی تسوید خواهد
شد کہ راه را برای اعمار جامعه
فاقد استثمار فرد از فرد یعنی یک

دموکراتیک خلق افغانستان تاسیس
کرد و بدین ترتیب پروژہ های مختلفی
برای از بین بردن تمام بقایای
فیو دالیزم در افغانستان رویدست
گرفته شده.

مهمترین کار، اصلاحات ارضی بود
کہ توسط دولت جمہوری دموکراتیک
افغانستان به رهبری حزب دموکراتیک
خلق افغانستان موفقانه تطبیق شد.
از آن گذشته قدم های مثبتی برای
تکامل نیرو های مولده در افغانستان
و افزایش تولید کار اتخاذ شد.
امروز جمہوری دموکراتیک افغانستان

جامعه سو سیالستی باز کرد
پسر خلق افغانستان بشکل
روز افزونی از حکومت خود
حمایت میکنند و حزب
دموکراتیک خلق افغانستان
در وحدت کامل با خلق به
چنان مرحله رسیدہ است
کہ در تاریخ حزب ما نظیر
نداشته و میتواند مثال خوبی
برای تمام احزاب برادر در
کشور های نظیر افغانستان
باشد. اکنون افغانستان
برای تمام کسانی کہ به امور
آن علاقه میکنند به خصوص
برای زور نا لستان کہ با
اخلاق عالی زور نا لستیک
مانند شما آرا ستہ باشند
یکلی باز است.

ما بسیار خو شجا لیم
از ینکه شما را درافغانستان
ملاقات میکنیم از شما می
خواهیم سایر رفقای خود را
تشویق کنید تا به افغانستان
بیایند ما شاید نتوانیم همه
تسهیلات مادی را که شایسته
استقبال از شماست مهیا
سازیم اما یقین داریم
احساسات دوستانه ما این
کمبود را جبران خواهد کرد.
اکنون از شما دعوت می
نمایم تا در فضای کاملاً

ورفت و آمد عادی ترافیک
را در بعضی شاهرها
دچار اختلال میکنند آیا شما
درین مورد چه میفرمایید؟
جواب - انقلاب تورتنها
انقلاب کاری نیست که با
دشمنی امپریالیزم و ارتجاع
بین المللی روبرو میشود، هر
انقلاب طبقه کاری در هر
جای جهان که واقع میشود
باعین سرنوشت انقلاب
تور روبرو میشود یعنی با
توطئه ها و دسایس

قانون اساسی جدید افغانستان براساس ایدیا لوی
طبقه کارگر که قدرت خلق را در افغانستان
خواهد کرد تسوید میشود.

دوستانه و دموکراتیک
سوالات خود را طرح نمود و
جواب های مرا بشنید.
سوال نمایندۀ تلویزیون
جمهوریت دموکراتیک
آلمان - لطفاً در باره قانون
اساسی جدید افغانستان
که کار تسوید آن همین حالا
ادامه دارد قدری روشنی
بپندازید؟

جواب - قانون اساسی
جدید افغانستان بر اساس
ایدیالوژی طبقه کارگر که
قدرت خلق را در افغانستان
تمثیل خواهد کرد تسوید
میشود و راه را بسوی ایجاد
جامعه فاقده استثمار فرد از
فرد در افغانستان روشن
کرده به همه ملیت های
افغانستان حقوق مساوی
میدهد.

همچنان این قانون طریق
تکامل همه ارزش های
فرهنگی داخل جامعه افغانی
را باز خواهد نمود.

از همه گذشته این قانون
موجب ارتقای اجتماعی و
اقتصادی شده آزادی کامل
عقیده، مذهب و سایر
آزادی های اساسی را
تضمین خواهد کرد.

سوال نمایندۀ هند:
رابطه های متواتری در حلقه
های مختلف بعضی کشورها
شایع است که شورشیان
مناطق وسیعی از افغانستان
را تحت کنترل خود دارند

امپریالستی و ارتجاع
بین المللی مقابل میگرد و
حتی امپریالیزم و ارتجاع
بین المللی در امور داخلی
کشورها بیکه چنین انقلاباتی
در آن صورت میگرد مداخله
میکند.

از انقلاب کبیر اکتوبر
گرفته تا امروز هر جاییکه
قدرت کاری مستقر می
شود امپریالیزم به چنین
مداخلاتی دست زده است.
در افغانستان آنها بیکه
قدرت استبدادی خود را از
دست داده، از وطن گریخته
اند توسط امپریالیزم متحدین
آن حمایت میشوند و پروپا
گدا برای کشور ما ایجاد
کرده اند من نباید پنهان
کنم که چنین مداخلات
ادامه دارد بعضی فعالیت
های تروریستی توسط
آنها به حمایت امپریالیزم
صورت میگیرد ولی این
چنین معنی ندارد که شورشی
در کشور ما وجود دارد،
حکومت جمهوریت دموکراتیک
افغانستان کنترل و قدرت
تأمین بر تمام مناطق کشور
دارد و همچنان بشمار
ژورنالستان میگویم که
بعضی عملیات تروریستی در
بعضی نقاط صورت میگیرد
ولی شما شاید اخیراً
شنیده باشید که خلق ما
نیروهای امنیتی ما را
استقبال میکنند و این

جنایت کاران فرار میکنند و به
خارج میروند، اما وسایل
اطلاعات جمعی، رادیو ها و
منابع امپریالستی بر ضدما
تبلیغات مینمایند مثلاً می
گویند که جای یک زندگانی
آرام و مصون در افغانستان
وجود ندارد. زمانی که
کنفرانس صلح و همبستگی
با خلق افغانستان در کابل
دایر بود بعضی از نمایندگان
شامل بمن گفتند که وقتی
فامیل های خود را ترک
میکردند اعضای خانواده
هایشان میگریستند و لی
بعد از آنکه آمدند و به اکثر
ولایات رفته با مردم تماس
گرفتند و به چشم سر
اوضاع را دیدند از آرامش
وضع تصدیق نمودند.
امپریالیزم تبلیغات
زیادی در مورد کابل می
کنند حتی امروز هم از رادیو
های امپریالستی و منابع
ارتجاعی می شنویم که نمی
توان در خیابان های کابل
قدم زده و به دکان ها رفته
ولی شما میتوانید هر جاییکه
خواسته باشید بروید و قدم
بزنید و اوضاع را ببینید
و حقایق را در مورد آنچه در
افغانستان میگذرد بخود
معلوم بدارید.

باتمام اینها افغانستان یک
کشور کوهستانی است.

بتهترین استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته
میتواند که خلق خود، در انکشاف و تکامل کشور
خود سهم بگیرند.

وقتی امپریالیزم بخواهد
توسط دسته های جنایت کار
برای ما پروپاگدا کنداگر
به آنها پول و سلاح
بدهند آنها میتوانند اینجا
و آنجا بروند قیر کنند یا
اینکه بربیک موترا لاری آتش
کنند و بعد مراکز امپریالستی
آنها در رادیو ها و لود سپیکر
های خود بزرق میسازند و
میگویند در افغانستان این
وضع یان و وضع بود و
آمده تا به این ترتیب
نگذارند رفقای شان به
افغانستان بیایند و اوضاع
را خودشان ببینند.

سوال نمایندۀ آژانس
باختر: شما در جلسه شورای
انقلابی جمهوریت دموکراتیک
افغانستان که بتاريخ سی میزانه
صورت گرفت در باره انکشاف
اقتصادی و اجتماعی افغانستان
الی سال ۱۳۶۵ توضیحات همه
جانبه دادید. حالا اگر لطفاً بگویند
که برای تطبیق این پلان
بزرگ انکشافی افغانستان
انقلابی و نوین و برای انجام
دادن تمام این کارهای بزرگ
بودجه مالی آن از کجا تمویل
می شود یعنی این پلان های
بزرگ از کدام بودجه مالی
تمویل میشود؟

جواب: عرض من این بود
که در تمویل این پروژه ها
اندازه زیاد ضرورت های
مالی ما از منابع ملی ما رفع
میشود از کشورهای خارجی که با
ما مساعدت میکنند اتحاد
شوروی کشور برادر و همسایه
ما با ما کمک نهایت زیاد می
نماید ما باین اطمینان داریم
هر قدر کمکی که برای
انکشاف افغانستان بکار
انداخته بتوانیم اتحاد
شوروی و سایر کشور های
سوسیالیستی برای ما میسر
میسازد و کشور های دوست
نیز کمک می کنند.

سوال نمایندۀ روز نامه انیس:
طوری که در یک ماه گذشته
دیدم شده با فواعم ساختن

زمینه کار دولت خلقی ماسعی
نموده تا از قوای بشری حد
اعظم استفاده را در راه ترقی
و شکوفایی کشور نماید.
میخواستم سوال نمایم که چه
اقدامات عاجل را دولت برای
استفاده هرچه بیشتر از قوای
بشری روی دست خواهد گرفت؟

جواب: بهترین استفاده از
قوای بشری هنگامی
صورت گرفته میتواند که
خلق خود در انکشاف و تکامل
کشور خود سهم بگیرند.
جمهوریت دموکراتیک
افغانستان پلانهای

باین منظور روی دست دارد مخصوصاً اتحادیه هاوسازمان های مختلف را بوجود می آورد تا تمام زحماتشان را از راه سازمان های خود در سرنوشت کشور خود سهم داشته باشند و تمام امور انکشاف کشور را به سهم خود به پیش ببرند. این در صورتی بسیار خوب انجام یافته میتواند که اداره کشور بدست خلق باشد، توسط سازمان ها و از راه سازمانهایی که ایجاد میشود خلق افغانستان اداره کشور را بدست خود دارد و می داشته باشد و امور مربوط به سرنوشت خود را خود به پیش میبرد و برعکس.

وهم بگویند تا کدام اندازه در تطبیق آن موفقیت حاصل نموده اید؟
جواب - مهمترین هدف پلان پنج ساله تهیه فرصت های مساعد برای سهمگیری در اعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد است، منظور آنست تا اساسی مادی و تخنیکی محکمی را برای اعمار چنین جامعه آماده سازیم. از آن گذشته ما می خواهیم تا زراعت خود را به شکلی عصری بسازیم که کشور ما هم یک سرزمین زراعتی باشد و هم صنعتی یقین داریم که صنایع ما تکامل خواهد کرد و زراعت ما شینی خواهد شد که همه

ایدیالوژی که ما با آن معتقد هستیم ایدیالوژی

انترناسیونالیستی طبقه کارگر است.

برای اعتلای سوسیالیستی کارگران و کارکنان هموطن ما هم ترتیباتی گرفته می شود و برای تطبیق این پلان ها اقدامات لازم روی دست است و علاوه بر سکالرشپ ها و فیلوشپ ها وامگان تحصیل در خارج هم برای هموطنان و جوانان ما میسر است، مخصوصاً در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی برای صد ها هموطن ما هر سال امکان تعلیم و تربیت میسر است. برعکس بعضی از کشورهای دیگر نیز این امکان برای ما موجود است ما باید از همکاری های ملل متحد نیز یاد آوری نماییم که درین زمینه با ما مساعدت ها نموده و ما را تقویت می کنیم.

سوال ژورنالست جمهوری دموکراتیک آلمان: آیا ممکن است نقاط برجسته پلان پنج ساله انکشاف اجتماعی و اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان را توضیح نمایند

با اصول اجتماعی دین مبین اسلام مقایرت ندارد. اسلام هرگز خواهان آن نیست که خلق در فقر و گرسنگی بسر ببرد، اسلام نمی گوید که استبداد و ستم ظالمانه در جامعه حکمفرما باشد. اسلام مخالف بهبود زندگانی و افزایش تولیدات نیست. ولی ایدیا لوری ما یک سیستم اقتصادی اجتماعی است که زحماتشان را از زیر استثمار می رها ندفردت تولید را افزایش میدهد و سطح زندگی خلق را بالایی برد. پس وقتی ما جامعه سوسیالیستی بسازیم جای برای استثمار فرد توسط فرد باقی نخواهد ماند.

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب و عقاید داشته باشد و تمام مراسم مذهبی خود را باکمال آزادی بجا آورد.

اینکه میگویند ایدیالوژی ما ضد مذهب است این در واقع تعبیر خود شما است آنچه ما میگوییم آنست که ما به آرمان های مذهبی و احساس خلق خود احترام عمیق می گذاریم و در عین حال به نفع آنها کار می کنیم مانده تشابه مذهب خلق خود احترام عمیق می گذاریم بلکه در عین حال تمام امکانات مادی را برای رفاه و آوازی آنها می سازیم تا آنها به یک سطح زندگی

این کارها باید با سهمگیری کامل خلق همراه با آگاهی صورت بگیرد، طوری که برای بالا بردن سطح آگاهی خلق جها د وسیعی برضد بیسوادی آغاز شده است.

سوال ژورنالست جمهوری اتحادی آلمان: در افغانستان پیوسته احترام عمیق بدین اسلام سخن گفته میشود، با در نظر داشت این نکته ایدیالوژی شوروی که شما از آن طرف داری می کنید ضد مذهب است چه شیوه ای در اعمار جامعه فاقد استثمار فرد از فرد در پیش خواهد بود؟

جواب: ما هیچگاه اصطلاح ایدیالوژی را بکار نبرده ایم، استعمال این اصطلاح و تعبیر آن از شماست ایدیالوژی که ما با آن معتقد هستیم ایدیالوژی انترناسیونالیستی طبقه کارگر است که مطابق آن بهترین تسهیلات برای زندگی توأم با رفاه را برای خلق خود فراهم ساخته میتوانیم، این کارها هرگز

آزادی بهتر هر نوع عبادتی که خواسته باشند انجام خواهند داد.

سوال ژورنالست جمهوری فدرالی آلمان: چرا خانه خلق با محافظین و نانکها حمایت و حصار شده است؟

جواب: من گارد محافظین را در قصر ریاست جمهوری فرانسه و در قصر بوکنگهم انگلستان و قصر سفید امریکا نیز مشاهده کرده ام و اینها همه با گارد محافظه می شوند پس چرا باید در جلو خانه خلق ما گارد محافظین نباشد. وجود گارد محافظ بدان معنی نیست که خانه خلق توسط گارد ها حصار شده است.

سوال نماینده کابل تایمز: طوریکه مشاهده می شود مرحله اول اصلاحات اراضی در افغانستان موفقانه پایان یافت در مورد مرحله دوم این اصلاحات چه فکر می کنید؟

جواب - مرحله مهم اصلاحات اراضی در افغانستان عبارت از استملاک زمین از زمینداران و توزیع آن به دهقانان بی زمین و کم زمین بود که با موفقیت زیاد و در یک مدت بسیار کوتاه انجام شد امروز هیچ فردی در افغانستان سراغ نمی

انقلاب ثور تنها انقلاب کارگری نیست که با دشمنی

امپریالیزم و ارتجاع بین المللی روبرو میشود، هر انقلاب طبقه کارگر در هر جای جهان که واقع میشود با عین سرنوشت انقلاب ثور روبرو میشود

شود که بیش از سی جریب زمین داشته باشد. تا جاییکه بمن معلوم است این را دیکل تریبون دموکراتیک ترین ریفورم اراضی می باشد که در کشور های مانند افغانستان انجام شده است.

بالا تر بر سنده وقتی سطح زندگی خلق ما انکشاف یافت و خلق ما هیچگونه اختناق از ناحیه استثمار فرد از فرد احساس نکنند، وقتی آنها تمام بقایای استبداد طبقات استثمارگر و از میان ببرند با احساس

مر حله دوم عبارت از ریفرم زراعتی میباشد باین معنی که قابلیت تولید زمین قابل زرع بلندبرده خواهد شد. درین مرحله تکنالوژی عصری، کود کیمیاوی و تکنیک های مدرن زراعتی که در پیشرفته ترین کشور های جهان رایج است تهیه خواهد شد.

همین اکنون این ریفرم آغاز گردیده است.

سوال ژورنالست هندی:

امپریالیزم و کشور های امپریالستی تشویش جنگی ایجاد شده است که با اعمار پایگاه های نظامی و تشبثات نظامی در آنجا آزادی در بحر هند مختل گردیده و تشویش جنگی پیدا شده است، پس این به کشور های امپریالستی و امپریالیزم ارتباط دارد که آنها باید پایگاه های نظامی خود را از بین ببرند و به ما هیئت نظامی آن منطقه خاتمه دهند

ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان

پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوست شان

مشتراک دشمن شان مشترک است

بنظر شما کشور هند چه نقشی را در انکشاف افغانستان ایفا کرده می تواند؟

جواب: جنبه های عمومی اشتراک فرهنگی خلق های افغانستان و هند نزد تمام افراد این دو کشور و کشور های جهان روشن است. خلق افغانستان احساس دو سنی خاصی نسبت به خلق هند دارند و خواهان گسترش مناسبات اقتصادی و سایر علایق با خلق هند می باشند.

هند به مقایسه افغانستان کشور پیشرفته تری است و ما طبعاً انتظار همکاری های اقتصادی و تکنیکی از هند را داریم که خوشبختانه برای ما داده شده است. احساس خلق های دو کشور که در گذشت چندین سال نسبت به همدیگر تبارز داده شده نه تنها ادا خواهد یافت بلکه تقویه هم می شود.

سوال نماینده روزنامه هیواد: از کشور دوست ما هند یاد آوری شد از نظر قوت های صلح دوست و مترقی منطقه این مفکوره که بحر هند بحیث یک منطقه صلح شناخته شود به نظر شما بطور تحقیق یافته می تواند؟

جواب: من عرض کردم که تشویش نظامی در بحر هند همیشه یک طرفه ایجاد شده است که در آنجا از طرف

اروپا و خلق های ساکن مناطق جهان گردیده این ابتکار تنها مربوط به اروپا نبود بلکه متعلق به تمام خلق های جهان میباشد و به نفع نهضت صلح بین المللی تمام خواهد شد. من درین مورد نیز قبلاً تبصره کرده ام.

سوال نماینده روزنامه انیس:

با ارتباط به سیاست مثبت و مترقی، جمهوری دموکراتیک افغانستان که همیشه طرفدار ترقی و صلح بوده و است، میخواستم سوال نمایم که برای بهبود روابط با پاکستان و ایران آیا مذاکرات و تماس ها جریان دارد؟

جواب: افغانستان با پاکستان در تماس است و انتظار دارد که مشاور در امور خارجی جلالتماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان یعنی بنابر دعوت وزیر خارجه افغانستان به بیجاورد و درینجا به طور عادی ساختن روابط بین دو کشور مذاکرات و با وزیر خارجه افغانستان ادامه دهد. به تعقیب آن

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب و عبادت داشته باشد و تمام مراسم مذهبی خود را با کمال آزادی بجا آورد.

انتظار داریم که جلالتماب ضیاء الحق رئیس جمهور پاکستان که از طرف خود به نمایندگی از حکومت افغانستان دعوت شده است خواهند شد و مذاکرات دوستانه ما ادا خواهد کرد، و قلباً میگوئیم تائید سوء تفاهات بین دو کشور رفع شود و امکان عادی ساختن روابط دوستانه بین دو کشور ایجاد شود. به همین ترتیب علاقه آنها با اشخاص مسوول و سیاسیلا حیت ایران هم نشان

داد و ایم. شاورز دا فیر مادر تهران چند بار کوشش کرده که وزارت خارجه ایران را به این ملتفت بسازد و خودم به شاورز دا فیر سفارت ایران در کابل هم گفته ام که ما علاقمند آغاز مذاکرات دوستی بین دو کشور هستیم و ما یقین داریم طوری که خلق های زحمتکش افغانستان، پاکستان و ایران بین خود برادر هستند دوست شان مشترک دشمن شان مشترک است حکومتهای مربوط این احساسات گرم مشترک و برادرانه خلق های خود را در عمل منعکس خواهند ساخت. تا زمینه رشد دوستی بین خلق های هر سه کشور تهیه شود بتواند.

سوال نماینده جریده خلق ارگان مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طوری که برای تربیت علمی کادر های حزب دموکراتیک خلق افغانستان انستیتوت علوم اجتماعی افتتاح شده آیا رهبری حزب درین زمینه ابتکارات جدیدی را در نظر دارد و اگر دارد آیا بطور مثال پیشی بینی کرده میتوانید؟

ما عقیده داریم که هر عضو جامعه آزادی مذهب

و عبادت داشته باشد و تمام مراسم مذهبی خود

را با کمال آزادی بجا آورد.

جواب: دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در تاسیس این انستیتوت که به آن اشاره کردید برای ارتقای بیشتر سطح دانش اعضا و کادر های حزب توجه خاص داشته و دارد و علاوه بر آن نیز اقداماتی در نظر دارد که از جمله خود جریده خلق است که برای انکشاف و نشر بیشتر آن توجه خاص بعمل آمده است. همچنان بعضی سیمینار ها و کورس ها در ولایات کشور هم دایر میشود که در آن اعضا و کادر های حزبی اشتراک می

بفیه در صفحه ۷۰



«نن ډیره ستر انقلابی نیرو چی داکتوبر انقلاب ارزښتونو او بویالی توپونو ته دوام ورکوی اودن بوال انقلاب خسرڅ په حرکت راوی دسوسیالیزم دنربوال سیستم دنربوالی کارگری طبقی جنبش اودنری دخلکو دملی آزادی غوښتونکی جنبش دی»

«ملگری حقیقت الله امین»

شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۵۸ ۱۰ نوامبر - ۱۹۷۹

ډاکتوبر ستر انقلاب د بشریت لپاره د بی استثمارة ټولنی د جوړیدو د لاری روڼ مهال



استفاده از قوای بشری هنگامی صورت گرفته میتواند که خلق خود، در انکشاف تکامل کشور خویش سهم بگیرند.

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن جنبش های کارگروهایی بخش ملی جهان داکتوبر دستر انقلاب اوه شپيتمه کا لیر

نگاهی به اهمیت بین المللی انقلاب کبیر اکتوبر

انقلاب کبیر اکتوبر جنبش بزرگی بسو روشنائی و بهرړوږی

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات نگرشی بر ادبیات شوروی

درجهت آرامش و رفاه خلق شوروی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یا آغاز تاریخ نوین بشریت

دشوروی اتحاد علمي، اقتصادي، صنعتي فرهنگي بریالیټوبونه

شرح روی جلد: مشت نیرومند و پرتوان خلق که فرق زود و کور و استثمارگران رامی شکند و پوزشانرا نابودی می مالد.

پشتی اخیر تمنای از زن کوچی

بر یا لی شو . ددغه ویا ې لی انقلاب دا بر یا لیټوب چی له استثمار ، استبداد ، ظلم بی عدالتی ، جگری او نو رو راز را ز بدبختو څخه دانسان د ژغورنی په منظور تر سره شوی دی دعلمی نړی لید او دکارگری انقلابی اید یا لو زی ددغی دوران جوړوونکی اید یا لوزی د پلی کولو د ښکیر (ډاکتوبر دستر انقلاب دستر لار ښود) برکت دی ! نوله همدی امله و بلای شو چی داکتوبر ستر انقلاب بری په عین حال کی دمرقی او کارگری اید یا لو زی بری هم دی چی دلو میری خل لپاره ددی بریالیتوب دلتر وړانگی په شوروی رو سیه کی وځلیدی .

په دغه اعلامیه کی داو لیدو نو تر مینځ مساوات . برابری . ورو رو لی او په خپل سر نو شت حاکمیت او دخپل مستقل دولت دتشکیلو لو په شمول د خو دا رادیت حق د ټولو ملی او مذهبی امتیا زا نواو قیو داټو ا لفاء او دملی اقلیتو نو ازادانه انکشاف اعلان شو چی ددغه ویا ې لسی انقلاب په هماغه لو مو یو ورځو کی د روسی دپخوانی امپراطوری او لسونو دمتقابلی دښمنی ، عداوت او نقضا دوتو له لاری څخه وای و ل او ددوی تر مینځ ډیر ژر دمقتا بلی مرستی او همکاری اړیکې ټینګه شول . د اکتوبر دستر انقلاب د بریالیتوب په نتیجه کی منځ ته راغلوسی شوروی اتحاد دسوسیالیستی دولت د جوړیدو له هماغه لو مو یو و څخه سره لږدی چی له زیا تو کورنیو ستو نزو سره چی دنوار څخه ورته په میراث پاتې وی خپله اتر ناسیو نا لیستی مییځلی دنده هیڅ وخت له پا مه نده غورځولی ، او تسلیم یی په خپلو لغا لیتو نوکی اتر نا سیدنا لیستی گټی سوسیالیستی اصل او انقلابی جنبش د خپل عمل ملاک گرځولی دی .

ډاکتوبر د ستر انقلاب دغه ثمر (اتر) نا سیدنا لیستی اصل) ته دنور انقلاب زبور قوماندا ن حقیقت الله امین تیر کال ددغه ویا ې لی انقلاب دیو شپيتمی کالیز دندملنځی په غور تده کی داسی اشاره وکړه . (... ډاکتوبر انقلاب له خپل پیل څخه اتر نا سیدنا لیستی ماهیت درلود او دسوسیالیزم بریالی ځی چی په پترو مگر ادکی جکی شوی د روسی په سرحدو نو کی ونه دویدی او لکه دلمردودانگسو دخپو په شان یی پر ټوله نړی اغیزه وکړه او د هغه خلا نده رڼا دنړی داتقلابی غورود

دروان عیسوی کال دنوامبر او ومه نیټه داکتوبر د ستر سوسیالیستی انقلاب له دوه شپيتمی کالیزی سره سمون خوری . دوه شپيتمه کاله مخکی (۱۹۱۷) کال په همدی ورځ په روسیه کی دولا دیمبرایلچ کتن په مشرۍ او دکمو نیست گوند په رهبری درو سوسی قیرمانی پروتاریا نزاری نظام چی ستنی یی په یو روزوازی او ملاکتو ولادی و ی ې ننگ کسې او د بشریت په تاریخ کی دلو میری خل له پاره د یو ی داسی اولنی دجوړیدو دوران پیل شو . چی هله دانسان څخه دانسان استثمار ، استبداد ، بی عدالتی ، تیری او جگره نه وی .

ډاکتوبر ستر انقلاب له بری څخه مخکی په روسیه کی اکثریت پر گنی له لوزی او کوری او بر پندتیا سره لاس گر یوان وی دتزاری او کمنو ظلمو نه تیری او بی عدالتی او ج ته رسیدلی وی نو ددغه بی عدالتیو ملی او طبقاتی ستمونو کنترول تر مورگو ډکسوی و . چی دغه مطلب داکتوبر دستر سوسیالیستی انقلاب ستر لاریښود پخپله داسی بیان کړی دی . «بزرگ پرفرکی ژو نند کاوه . ده له خا رو یو سره یو ځای استو گنه در لوده ... بزگرانو تل ولړه سا لله اودسو کړی (وچ کالی) په وخت کسی چی ډیره ډیره پینیدله . په لسی ها ووزره بزگران له و لری او اید میو په انسر مړه کیدل .»

دغه راز په روسیه کی نه یوازی دیزرگرانو بلکی د ټولو زیار ایستو نکو ژوند له سو نزو څخه ډک او د زغملو ډوله و . په دغه نا وده استبدادی شرا یطو کی و چی داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب

تکثیر

انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر قاطع آن در جنبش های کارگری و رهایی بخش ملی جهان

با شکست تائی بار و تاسف انگیز کمون پاریس (۲۹ ماهه ۱۸۷۱) بمانا به نخستین دموکراسی توده ای در جهان که پس از ۷۲ روز استقرار حاکمیت سبیا مسی زحمتکشان «هنه خوین» در تاریخ مبارزات طبقاتی دو خصم آنتنی نابذیر و دونیروی عظیم جهانی (کار و سرمایه) ثبت گردید، هم بورژوازی و هم طبقه کارگر جهان برآن شد تا در شکل، تهیج وصف آرای نیرو برسد هم، نتایج و تجارب حاصله از آن را هوشیارانه و غایله در نظر گیرند و برای تصرف سنگر های گرم مبارزه میبندد و روش های قبلا بررسی شده و تدوین یافته ای را در تئوری و پراتیک مبارزات شان پیاده نمایند.

کارگران دوانامز و پیشوایان خردمند و سرگ آن که از اشتباهات کمون با ریس مبنی بر علم موضع گیری کمونار هانست به ناک فرانسه بسترله پشتوانه عمده مالیی ستگران، عدم مصادره دارایی عناصر ضد انقلاب و عدم پیوند عمیق طبقه میونی دهقان با کارگران زنجیر گسل، نتایج سودمندی را دریافتند و در گسترده مبارزات طبقاتی آتی به ورفسح استیلا هات خورود و بزرگی که بورژوازی را فوت وجهیه انقلاب تضعیف می نمود، کام نهادند تا نجان که کارگران و زحمتکشان قهرمان روس بر هیری ولادیمیر ایلچ لنین پیشوا ای ستغشکشان سراسر جهان کوره را ههای سوزان و پر خم و بیج مبارزه را بر ضد بورژوازی و ملاکین بزرگ، بر ضد ارتجاع و امپریالیزم بین المللی و بر ضد انواع نظریات و جریانات انحرافی چپ و راست طی نمودند و با بزمین زدن نظام پوتالی و جادترین ماشین ستگری (دولت فئودالی - نظامی - امپریالستی تزاری) و شکستن دژمادی و معنوی محیل ترین مفتنن سیاسی (گادنها، منشویکها و اساد هسل) نخستین دولت سوسیالیستی را در اکتبر ۱۹۱۷ در پنا و در ترین کشور جهان بنیان گذاشتند.

بایروزی انقلاب کبیر اکثر واستقرار اولین کشور سوسیالیستی جهان است که نه تنها خلق مبین رست و انترناسیونالیست اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از اسارت و بردگی نجات یافتند، بلکه همه کارگران، دهقانان و زحمتکشان جهان یادر جاده زندگانی نوین گذاشتند و جر خش عظیم تاریخی را بسود

شجاع ماحتی از شنیدن نام آن متفرانند.

در آن سامان با وجودیکه تقسیم ممالک ضعیف میان استعمار یون انجام یافته بود ولی این تقسیم نه تنها غش آتشین استعمار و امپریالیزم را خاموش نداشت بلکه تناقضات و تضاد هارمیان آنبا بصورت روز افزون تشدید می بخشید. تشدید تضاد ها و تناقضات میان کشور های قدیم صنعتی از یکطرف و میان این کشور ها و کشور های قدرت مند جدید صنعتی (آلمان و جاپان) از سوی دیگر چنان اوج بی سابقه یافت که جنگ بین المللی اول را به يك امر ناگزیر تبدیل نمود.

جنگ بین المللی اول که جان ملیونها عنصر فدakar و مبین پرست را با عده بی بشماره از اطفال معصوم و بیوه زنان طعمه بی حر بسق ساخت، چیزی نبود جز محصول جنایات و فحایح رژیم سرمایه سالاری که بخاطر دریافت ارزش اضافی جابران سرمایه آن همه قتل و کشتار را بحق تمدن و انسان روا داشتند.

جنگ اول بین المللی محصول تشدید این تناقضات امپریالستی بود. بدون تردید اگر جنگ جهانی اول در چار چوب نمایات امپریالستی یعنی با بیروزی این یا آن گروه امپریالستی تعام می شد وضع موجوده مستعمرات با تغییری در این یا آن جهت حفظ میگردد. در این باآت مستعمره بجای از باب قدیمی ارباب جدید راه می یافت و مناطق از این دست به آن دست می افاد ولی در اساس سیستم مستعمراتی تغییرات اساسی در دور نمای نزدیک خلفا قرار نمی گرفت و انقلابهای ملی هنوز برای دوران طولانی ما نند انقلاب مشروطیت ایران (۱۹۰۷-۱۹۰۶) و دهها جنبش انقلابی دیگر یون موفقیت نهایی به وسیله نیرو های امپریالستی سرگوب میگردد.

جنگ بین المللی اول تناقضات و بحران عمومی سرمایه داری را شدت بخشید و انقلاب کبیر اکثر بعق و دامنه آن هر چه بیشتر افزودی بعمل آورد.

بیروزی انقلاب نجات بخشی اکثر تنها با ژرفا بخشیدن تضاد های حاد طبقاتی میان کشور های سرمایه داری محدود نماند، بلکه در جنبش های رهایی بخش ملی که از انقلاب ۱۹۰۵ آغاز گرفته بود نیرو تحرک ده چندان بخشید. خلق کشور ههای مستعمراتی سابق با ناکای فوق مادی و معنوی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی جنبش های ضد استعماری و ضد امپریالستی را شدت دادند و تا ختم جنگ دوم جهانی سیستم مستعمراتی را از میان برداشتند. جنبش جهانی طبقه کارگر با استفاده از تپسا رب و رهنمون های عالم انقلاب اکثر به موفقیت های مزید و بی سابقه نایل آمد و در عده قابل اختیارات و قدرت اقتصادی و سیاسی به خلق تعلق دارد.

انقلاب دوران ساز اکثر تنها به کمیت کشور های که جنبش رهایی بخش ملی را طی مینمودند (ومی نمایند) تیزرود بلکه محتوا و کیفیت این جنبش را با روح زمان و منافع زحمتکشان همساز ساخت.

اگر جنبش های رهایی بخش ملی تا قبل از بیروزی انقلاب اکثر برهبری بورژوازی

داکتو بر داتقلاب ۶۲۲ کالزی په
منا سبت .

داکتو بر دستر انقلاب دوه شپيته کاليزه

دوه شپيته کا له دمخه دشلمی
پیری پیره ستره پیښه دشو روی
سوسیا لیستی جما هیرو داتحادپه
خاوه کی را منځ ته شوه دا پیښه
داکتو بر دستر انقلاب دبر یا لی
تر سره کیدو څخه عبارت وه.
داکتوبر ستر انقلاب چی دمار-
کسیرم او لیننیزم دافکارو او اید-
یاگانو لمره او نتیجه ده په حقیقت
کی په نړی کی دنوو انقلاب بی
میا رزویل گهل کیری . دغه
انقلاب له نړی وا لو څخه غوښتنه
وکره چی دپنډری ټولنی داو سنی
عصر دپیر ستر پرا بلم یعنی سولی
او جنگ په باب خپل نوی ابتکارونه
طرح او په کار واچوی . که څه هم
دسوسیا لیزم دپښمان ټل ټینګار کوی
چی دنړی ټولنق لابو نه او انقلابی
میا رزی له جنگ او جګړی څخه
راولاپیری خو واقعیت بل شی دی .
دمارکسیرم او لیننیزم داید یالوژی
په ریا کی دا خبره ثابت شو یسه
چی یو سو سیا لیستی انقلاب هیکله
له جګړی څخه نه را منځته کیری .
بلکی سو سیا لیستی انقلاب بو نه
تل دطبقا تی میا رزی څخه سر چینه
نیسی ، کار گری انقلابو نه دیوی
نوی مختللی اومترفی ټولنی دجوړولو
دغردی آزادیو دتامینو لو او دبشری
ټولنی دتیکمر غی او سو کا لی
دشرا یطو دپرا برو لودپاره تلل
دسو لی او امنیت ته ضرورت لری
دهمدی دلیل له مخی گورو چی
سوله او سو له ایز گد ژوند دشو-
روی اتحاد او نورو سو سیا لیستی
هیوادو دبهرنی سیا ست بنسټ
او هسته تشکیلی .

دشو روی سو سیا لیستی جما-
هیرو داتحاد داکتو بر داتقلاب دبری
دهما غو لو مړنیو ورځو څخه سو-
سیا لیستی ټولنه دنړی وا لی سولی
او بین المللی امنیت داسا سا تو
دپنګیدود پاره کار کړی او دغه
کار ته او سې هم ادا مه ور کوی هغه
فرمان او تاریخی سند چی دنړی-
والی سولی او دمو کرا تیکو آزادیو
دتا مین په خاطر صادر شو په
واقعیت کی داکتو بر دستر انقلاب

دلو مې نی رسمی سند څخه نماینده گی
کوی .
ددغه سند او تاریخی فرمان
څخه وروسته په شو روی اتحاد کی
یولی نور فرمانو نه صادر کړی شول
چی هر یوی دسو سیا لیزم دعلمی
اساسا تو په پیاوړی ټیاکی دستر
نقش در لودو نکي دی ددغه
فرمانونو په جمله کی دنړی دنورو
هیوادو نو سره دشو روی اتحاد
دخواه خیزو همکا رپواو په سوله-
کی دکم ژوند تاریخی فرمان هم
شامل دی دشو روی اتحاد دسو له
ایزو فرمانونو په صادر ریدلوسره
په ۱۹۲۲ کال کی دژنیو پین-
المللی کنفرا نس اود ۱۹۲۲ کال د
دسمبر په میاشت په مسکو کی
دو سلو او پوځی تجهیزاتو دمعیار
درا ښکته کولو بین المللی جر گه
جوړه شوه دمسکو په ښار کی
دوسلو او پوځی تجهیزاتو معوه
کولو نی یوا له جر گه په واقعیت کی
لو مې نی جر گه وه چی داکتو بر
دستر انقلاب په نتیجه کی جوړه
شویده .

دژنیو په بین المللی کنفرا نس
کی شو روی اتحاد پیشنهاد وکړ
چی په ټوله نړی کی دبی وسلی
کو لو اعلامیه خپره او ټوله نړی
له وسلو څخه پاکه شی . په دغه
کنفرا نس کی شو روی اتحاد دلو-
یدیخو گاونډیو هیوادو نو څخه
غوښتنه وکړه چی لږ تر لږه په
محدوده تو گه دبی وسلی کو لو
پا لیسې تراجرا لاندی ونیسی .
په مقابل کی یا نگه وا لو د بی-
وسلی کو لو په باب دشو روی سو-
سیا لیستی جما هیرو داتحاد
ددغه پور تنی غوښتنه لیکل د
موادو دتطبیقو لو څخه ډډه وکړه .

داکتو بر دستر انقلاب څخه
را په دپخوا ددوه شپيته کلو نو
په موده کی دسولی او بی وسلی
کولو له پاره میا رزه چی دشو روی
اتحاد دبهرنی سیا ست مهم هدف
تشکیلی پیل او لاتر او سه پوری
روانه ده . همدا رنگه په آینده کی
په هم دنړی والی سولی اوبی وسلی
کولو په خاطر مبارزه د شوروی
اتحاد دبهرنی سیا ست په سر کی
واقع دی . دژنیو د ۱۹۲۲

کال په بین المللی کنفرا نس کی چی
دشو روی اتحاد په گډون دنړی
شپږو هیوادو داستا زو په بر خي
اخستلو سره جوړ شو شو روی اتحاد
دلو ید یخو هیوادو نو څخه
وغو ښتل چی خپلی ټولی وسلی
سمد ستی مخو او له مینځه یو سی
مگر دلته هم یا نگه وا لو هیوادو نو
ددغه سو له ایز پیشنهاد دمنلو
څخه ډډه وکړه . دنړیوا لی سولی او
دجګړی دآندارو دمخه کو لو اوله
مینځه وړ لو په باب دشو روی سو-
سیا لیستی جما هیرو داتحاد داسا-
سی قا نون په ۲۸ ماده کی داسی
ویل شوی دی :

«دشوروی سو سیا لیستی جما-
هیرو داتحاد حکومت او خلک دلیننیزم
داید یالوژی له مخی دنړی دبیل-
بیلو هیوادو نو سره په سو له کی
ژوند کول غواپی او دغه راز دنړی
دټولو سوله غوښتنو نکو هیوادو نو
سره د گډو او خواخیزو همکارپو
غوښتنو نکي دی »

نن یعنی داکتو بر دستر انقلاب
دبریا لیتوب اود سولی دلو مې نی
فرمان دصا در یدو څخه دوه-
شپيته کا له وروسته بیا هم دشو-
روی اتحاد دحکومت او خلک په
نړی کی سو له غواپی او دبشری
ټولنی دافرا دو دهو سا یسی او
سو کا لی په خاطر شپه او ورځ
هلی ځلی کوی .

ټوله نړی په دی واقعیت باندی
ښه پو هیږی چی شو روی اتحاد
او نور سو سیا لیستی هیوادو نه
دنړیوا لی سولی او بین المللی
لو مې نی او یوا زنی ساتو ونکی
او ملا تې کوو نکي دی او تلل
هڅه کوی چی ټولنی جنجالی
مسئلی دروغی جوړی له
لاری څخه حل شی .

ددیتا نت سیا ست دسو له
ایز گه ژوند او سو له ایزتقا هم
دپاره ښه بنسټ او په زړه
پوری اساس گهل کیری ددغه
سیا ست له اهدا نو څخه پیروی
کول په حقیقت کی دبیل-
اجتماعی سیستمونو در لودو نکو
هیوادو نو تر منځ دسو له ایز-
گد ژوند او خواخیزو همکارپو
له پاره لازمه او اړول دی .

جاویدان باد نام و کار رهبر انقلاب کبیر اکتوبر!

محمد آصف (خر می)

نگاهی به اهمیت بین المللی انقلاب کبیر اکتوبر

به همگان معلوم است که پایان سده نزد هم و آغاز قرن بیست، این قرن توفانی و پر آشوب پایان دوران تحول سرمایه داری کهن به سر ما به داری انوین و یا بعد رت دیگر آغاز مرحله امپریالیزم به حساب می آید.

در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن جاری از نظر اجتماعی نه تنها سرمایه داری کهن وارد مرحله نوین امپریالستی گردید، بلکه سازمان های کارگری نیز رشد نموده و در دهلیز زمانه از پیچ و خم های پیکار و نبرد رویا روی به مرحله نوینی گام گذاشت که تمام حوادث اجتماعی و سیاسی بعد از آن مستقیم و غیر مستقیم به آن ارتباط پیدا می کند.

بررسی مسایل مربوط به اواخر قرن گذشته و اوایل قرن بیست نشان میدهد که نهضت انقلابی طبقه کارگر و بخصوص احزاب طراز نوین در کشورهای سرمایه داری اولین یورش ها و حملات خویش را بالای سرمایه داری بصورت منظم تحت سازماندهی انقلابی آغاز کردند که متناسب به واقعیت های همان عصر و زمان و مطابق به خواسته های اساسی زحمتکشان بود.

جنبش انقلابی در آغاز قرن بیست با جو ششس آهنین در میان ملل اروپا راهش را باز نمود و

روسیه تشدید نمود تا اینکه انقلاب بورژوا دموکراتیک فبروری سال ۱۹۱۷ و به تعقیب آن انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ به قوع پیوست و با پیروزی آن مناسبات اجتماعی نه تنها در روسیه بلکه به ارتباط روابط بین المللی و مبارزات انقلابی علیه امپریالیزم در سراسر جهان وارد مرحله نوینی گردید و تمام واقعات و تحولاتی که بعد از آن رویداد، اثر انقلاب کبیر اکتوبر را میتوان به چشم سر در آن مشاهده نمود.

با فرجام دوره کهن سرمایه داری و تحول آن به مناسبات امپریالیزم، مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان تشدید یافت و روابط اجتماعی در روند دگرگونی های عمیق به دفع پیکار گران با سرعت هرچه تمام تر راه کمال و ترقی پیمود. چنانچه با پیروزی انقلاب سو سیالیستی اکتوبر در سال ۱۹۱۷ نه تنها سلطنت تزاران روسیه و مناسبات استثمارگری سرمایه داری در آن کشور سرنگون شد بلکه مناسبات بین المللی و بخصوص آرایش نیروهای اجتماعی در جهان عملاً دگرگون گردید.

جامعه شناسان متمدنی، تحول پسندان و مبارزات سراسر گیتی از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر آگاهانه دفاع به عمل آوردند و در تمام کشورهای جهان به شیوه ها و اشکال گوناگون سنگرهای دفاع از انقلاب اکتوبر و آرمان های اکتوبر بپایان آمد، و صدای اعتراض کارگران، دهقانان و روشنفکران متمدنی در جهان بلند شد تا دست تجاوز و مداخله از امور داخلی روسیه انقلابی کوتاه گردد.

چون انقلاب اکتوبر فقط و فقط به سرحدات روسیه محدود نماند

تأثیرات عمیق آن مایه و امید مبارزان در کشورهای دیگر و بخصوص در کشورهای سرمایه داری گردید چهار ده کشور سرمایه داری با حیل مخلف و با وسایل مجهز تمام امکانات مادی و معنوی خویش را به کار بردند تا در گام اول انقلاب را در نقطه خفه کنند و اگر این امکان میسر نکرد، حد اقل از تأثیرات بین المللی آن بکاهند.

درین میان انقلاب بیون روسیه بر هیری حزب دو رانساز طبقه کارگر از میان توفان های سهمگین نبرد با غول سرمایه و ارتجاع داخلی و بین المللی پیروز ماندانه در فتن انقلاب را از گزند حملات دشمنان نگذاشتند و روز بروز بارو های انقلاب از استحکام هرچه بیشتر بر خور دار گردید چنانچه مبارزه انقلاب بیون روسیه بعد از انقلاب نشان داد که هر کوه و هر تپه و هر خانه و کاشانه و بخصوص سینه راد مردان زنان انقلابی و مبارزه در مقابل حملات کین توارنه دشمنان به سنگر دفاع از انقلاب مبدل گردید و تمام دسایس، توطئه ها و شائناژ دشمن جایی را نگرفت.

اولین پیام انقلاب بیون روسیه به خلق زحمتکش و ستمدیده آن کشور توزیع رایگان زمین به دهقانان و نخستین پیام اکتوبر کبیر به جهان نیان پیام تأمین صلح و طرف داری جدی از صلح جهانی بود که هم در روسیه و هم در جهان با احساسات انقلابی خلق های سراسر گیتی مواجه گردید و انقلاب عملاً راهش را در اردوگاه های دشمن باز کرد.

بر وایت تاریخ بعد از اکتوبر کبیر نهضت های انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری اوج گرفت و جنبش های آزادی

بقیه هر صفحه ۴۳

جاوید و مستحکم باد دوستی سلسل پاندر خلق های

انقلاب کبیرا کتوبر جهش بزرگی بسوی روشنائی و بهر روزی

اسفیل

سراسر جهان، به نام خلقهای کوهی زمین، نشان داد که طبقه ی کارگر همراه با دهقانان تبه بدست های چه قدرت عظیمی است هر گاه رهبری آن بدست حزب انقلابی مجهز با اید یا لوزی مترقی باشد. انقلاب پیروز مندان نهی اکتوبر یک انقلاب واقعا خلقی بود. بدنبال این پیروزی بزرگ و در نتیجه ی آن نظام سرمایه داری استثمارگر و ستمگر در کشوری به مساحت یک ششم کره ارض ریشه کن شد.

برای نخستین بار در تاریخ بشریت حکومت بدست زحمت کشان برهبری طبقه ی کارگر افتاد.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر، بشریت پا بر حله ی نوینی از رشد و تکامل خود نهاد، دوران تلاشی امپریالیزم و سرمایه داری دوران پیروزی سوسیالیزم و جامعه ی بدون طبقات آغاز گشت.

همه می دانیم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در بحبوحه ی جنگ جهانی اول به پیروزی رسید. روی همین ملحوظ اولین کار لازم در مقابل انقلاب مسئله ی صلح قرار داشت رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بنا بر تاریخ ۲۶ اکتوبر اولین خطابه ی تاریخی خود را در حالیکه شش صدویست و نه نفر نماینده از تمام اطراف واکتاف کشور در کاخ سمولنی جمع شده بودند در باره ی میرم ترین وظایف و در واس آنها مسئله صلح ایراد نمود. مسئله ی صلح میرم ترین و حاد ترین مسئله ی روز بود که نود و نه های ملیونی زحمت کشان، عطشان آن بردند. بنا به پیشنهاد رهبر انقلاب کبیر اکتوبر، کنگره فرمان صلح را تصویب کرد (مراد از کنگره دویست و پنج نفری نمایندگان کارگران و سربازان است که قبل از انقلاب و در پهلوی حکومت وقت و علیه آن از طرف زحمتکشان تأسیس شده بود و در طول زمان در حکومت وقت ما هیت ضد انقلابی این حکومت را وسیع افشا کرد). این نخستین اقدام صلح جوانه ی حکومت شوروی بود در برابر سیاست اشغالگرانه ی بورژوازی

بزرگترین حادثه ی تاریخ بشری بود وقوع پیوسته، حکومت سرما یه داران و ملاکان واژگون شد.

ساعت ۱۰ صبح ۲۵ اکتوبر کمیته ی انقلابی نظامی بیانی خطاب به خلق روسیه انتشار داد بیانی را شخصا ایلچ نوشته بود. دین بیانی نوشته شده بود که حکومت وقت واژگون شده و قدرت بدست شوراهاست خلق به هدفی که در راهش میارزه و فدای کار می نموده دست یافت.

شب ۲۶ اکتوبر بدستور حزبوا ایلچ فرمان صادر شد که کاخ زمستانی که در آن وزیران حکومت وقت اقامت داشتند بی درنگ اشغال شود و یونسک دیگر آفتاب اکتوبر کبیر این دوستنگرد راه خلقهای روسیه و جهان دیگر کاخ طلوع کرد، انجام پیروز مندانهای انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر دوران نوینی - دوران سوسیالیزم را در تاریخ آغاز نهاد.

بشریت گامی استواری در راه نجات و ترقی برداشت. بدینسان حزب بلشویک یک برهبری ایلچ بزرگ، خلق روسیه را به پیروزی تاریخی بی همتا رساند انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر به

در این وقت خود را شخصا و بدون هراس از هزاران خطری که دشمنان متوجه می ساختند، به مسئولی رسانیده تا رهبری قیام را شخصا بعهده گیرد. در بامداد ۲۵ اکتوبر مراکز تلیفون و تلگراف، ایستگاه رادیو، پل های عمده ی پایتخت (پترو گرام)، ایستگاه های راه آهن و مهم ترین ادارات پایتخت به تصرف کارگران، سربازان و نمایندگان انقلابی مسلح درآمده بود. به هنگام انجام قیام تیوغ بی همتای رهبر انقلاب کبیرا کتوبر در رهبری خلق در خشن بی نظیری داشت.

وی با خرسندی و با جسارت خلق های انقلابی را رهنمائی می کرد و با روشینی اعجاب انگیزی پیشرفت خود را در پیش بینی می نمود بنا به گفته ی کمانی که ناظر بودند و لادبیر ایلچ در آن روز های چرخش کبیر، شادمان بود، هیجان داشت گوئی نویری بخوشی درونش را روشن ساخته بود، تردید نداشت و مطمئن بود.

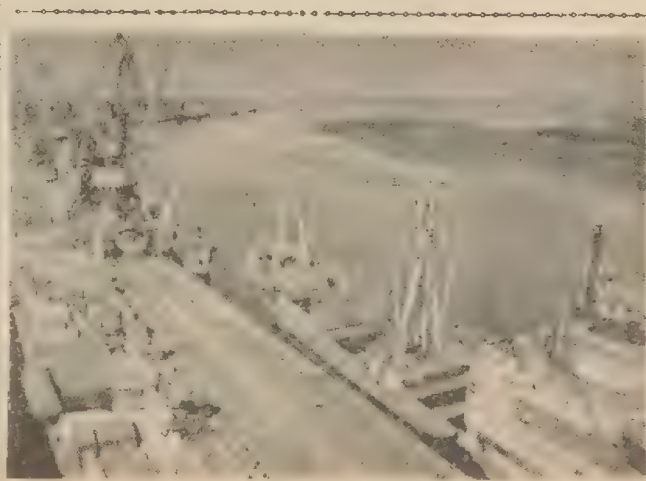
بارهبری ایلچ لیون و حزب بلشویک، با فداکاری و قهرمانی کارگران گرد سرخ، سربازان و نمایندگان انقلابی، این

هنگامیکه مطابق پلان تجاوز کواندهی «بار با روس» آلمان فاشیستی با بسیج کردن همه قوای خود بر سر زمین انقلاب کبیرا کتوبر تجاوز را آغاز نمود. همه کمانیکه عظمت و شکست ناپذیری خلق را نمی دانستند و یا تهاول عارفانه می نمودند چنین قضاوت می کردند که کشور شوراها در مقابل این تجاوز و زبیل آسما مقاومت نخواهد کرد و از پا در خواهد آمد، نظیر این قضاوت در کشور ما نیز تحت تأثیر تبلیغات دروغین انگریز و عمال داخلی آن چنین ادا جیفی زمزمه می شد. ولی تاریخ گواه است که نه تنها کشور شوراها از پا نیافت و مردانه وار تحت لوای با عظمت سوسیالیزم و برهبری حزب آهنین و قهرمان کارگری خود همه خلقها تیرا که در تحت استعمار و وحشت فاشیستی قرار داشتند آزاد ساخت.

آری در همان وقت نیز بشریت رقی خواه و مسلح پسند، انسانهای آگاه و امیدوار به آزادی واقعی انسان در پهلوی آنکه ایمان قوی داشتند که سرزمین انقلاب کبیرا کتوبر نابود نخواهد شد با همه وجود با دل و جان همراه و همروا با خلق شوروی و اردوی نجات بخش آن در نظر و عمل علیه فاشیسم این طاعون بزرگ انسانیت می رزمیدند.

انقلاب اکتوبر چرا، چی وقت، تحت رهبری کی و بطور آغاز یافت؟

صبح شامه روز ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۱۷ وقتی که حکومت وقت (این حکومت در فبروری سال ۱۹۱۷ به اشتراک همه احزاب و دسته های سیاسی پس از شکست نژاد بزم روی کار آمد ولی در ضمن حکومت اکثریت بدست ملاکان و سربازان داران بود) روزنامه ی «راه کار» گردان مطبوعاتی حزب بلشویک را مورد حمله قرار داد، بی درنگ کاردهای سرخ و سربازان انقلابی بدستور کمیته ی مرکزی بدفاع و حفظ بنای روزنامه بر داخاند و نیز در همان حال با صدای کاخ سمولنی «مقر ستاد قیام را تشکیل دادند. رهبر تابه ی انقلاب کبیرا کتوبر



افغانستان و اتحاد شوروی!

وازی امیر یالابستی. «از آنروز تا کنون سیاست خارجی دولت سوسیالیستی اتحاد شوروی همیشه و بطور یکنواخت در خدمت صلح و دوستی بین خلفها و ملل بوده است. فرمان صلح مصوبه ی کنگره ی دوم شوراهای دارای اهمیت زوال ناپذیر تاریخی است. در همین کنگره دو مین موضوع مهم مسئله زمین بود و رهبر انقلاب کبیر اکتوبر نیز پس از مسئله صلح به مسئله ی زمین پرداخت و لایحه ی فرمان زمین را که خودش تهیه کرده بود، قرائت کرد. مسئله ی دلچسپ و مهم در اینجا اینست که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر از شروع قیام با مداد ۲۴ اکتوبر الی صبح ۲۶ اکتوبر قطعاً استراحت و خواب نکرده بود و در همین حال مسائل مهم تاریخی را نیز در همانه رهبری می کرد.

(زیرا او در کمیته ی نظامی انقلابی بود و قیام را رهبری می کرد، سپس در طول تصرف کاخ زمستان فرمان می راند، در توقیف وزیران حکومت وقت، در گشایش کنگره ی دوم شوراهای ... الی صبح ۲۶ اکتوبر). فرمان زمین در کنگره ی دوم شوراهای به تصویب رسید طبق این فرمان مالکیت ملاکان بر زمین تماماً برای همیشه و بلا عوض ملغی شد، زمین به مالکیت خلق درآمد. با اجرای این فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین زراعتی مجاناً به دهقانان واگذار گردید. و لی کشور بادشاهی های بسیاری دوبرو بود. قبل از هر چیز می بایست به جنگ پایان داد. دولت انگلستان، فرانسه و ایالات متحده (متحدین روسیه ی تزاری در جنگ اول جهانی) علی رغم پیامهای مکرر حکومت شوروی از مذاکره درباره صلح با آلمان خودداری می کردند. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر با نبوغ دایمانی خود یگانه راه حل این موضوع را انعقاد صلح جداگانه با آلمان شمرد و لی باز مانده های یورژوازی و اژگون شده، منشویکها و اس - آرها و نیسز ترو تسکی و هم چنین گروه کنونیستی ایچپو ۱۹ با انعقاد صلح با آلمان مخالفت می کردند. ولی بروز ششم ماه مارچ ۱۹۱۸ هفتمین کنگره ی حزب بشویک در بطور گراگشایش یافت. مسئله ی مهم تر این کنگره در جمله ی ساتر مسائل مهم سوال صلح بود. (این کنگره اولین کنگره ی حزب پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر بود یعنی پنج ماه بعد از پیروزی انقلاب) سرانجام بعد از جروبشتر زیناد و مخالفت منحرفین و مرتجعین بتاریخ ۱۴ ماه مارچ ۱۹۱۸ قرار داد صلح پرست.

لیدر فک با آلمان امضاء شد. ازین فرصت صلح دولت شوروی تحت رهبری ایلچ لین برای تحکیم مواضع سوسیالیستی و انقلابی بر عت دست بکار شد و این کار بنیادی است لایه بود که رهبر انقلاب کبیر اکتوبر برای انعقاد قرارداد صلح ارائه می نمود. انقلاب کبیر اکتوبر در حالیکه دسیسه و توطئه ی مرتجعین و مفت خواران داخلی به کمک و حمایت یار تجار و امپریالیسم بین المللی شدت علیه آن ادامه داشت.

رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر نه فقط بطور کلی بلکه با رهنمایی های مشخص به انجام کار بزرگ و دشوار نو سازی سوسیالیستی کشور پرداخت او بود که امر نظارت کامل بر تو ایست و توزیع کار لازماً سازمان داد. او می گفت: «مخاطبه ی پول را منظم و وجدانی انجام بده، دوا بر تولید مقصد باش و ریختن پاش نکن، تبلی نکن، دزدی نکن. انضباط کار را دقیقاً مراعات کن...» اوهم چنان کارگران را برای افزایش

هم چنان معتقد بود که سوسیالیسم بدست خود توده های خلق ساخته می شود. زیرا با ساختن سوسیالیسم زندگی نوینی برای خود فراهم میکنند که رفاه مادی آنها و رهایی آنها را از قید استثمار و انواع و اشکال ظلم و ستم تا مین می کند.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر دوران نوی را پدید آورد دورانی که در آن انسانها «خود با آگاهی کامل ایجاد تاریخ خود را آغاز کردند» نقش عامل ذهنی در پیشرفت اجتماع میبازان



مردم اتحاد شوروی به جاهای سرسبز، غرض سیری کردن رخصتی های شان می روند

فوق العاده زیادی افزایش یافت. اهمیت شگرف تئوری علمی که دگر سازی سوسیالیستی جامعه بدون آن غیر قابل تصور است از همینجا ناشی می شود. اهمیت اصولی و غیر قابل تعویض نقش رهبری حزب پرولتری و انقلابی حزب طبقه ی کارگر یعنی پیشرو ترین و انقلابی ترین طبقه که با فرا گرفتن این تئوری قادر است بموقع و با قاطعت تجزیه و تحلیل

بنای در صلح ۵۶

یش با زده کار و رشد و توسعه ی صنایع سنگین، صنایع تولید سوخت، فولاد سازی و ماشین سازی فرا خواهد. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در پیشبرد کار ساختمان سوسیالیستی اقتصاد کشور اهمیت بزرگی برای سازماندهی و گسترش مسابقات توده ای قایل بود. او می گفت در سوسیالیسم برای نخستین بار امکان فراهم می شود که به مقیاس وسیع و خلقی مسابقات تولیدی سازمان داده شود. وی

راه خود را به پیش می برد و از هیچ مرتجعی و از هیچ نوع دسیسه ی هراس نداشت. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر گمانی نداشت که از پرولتری یورژوازی سخن می گفتند و به استعداد خلاقه ی خلق ها باور نداشتند، به حکومت شوروی تهمت می زدند، سنگان حقیقی می دانست که بر سر راه حرکت قبل زور مندی پارس میکنند وی می گفت: «بگذار غوغا کنند ما راه خود را خواهیم رفت».



بیکره پوشکین در شهر مسکو

اکتوبر کبیر در رابطه با هنر و ادبیات

م. عاقل بیرنگ کوهستانی

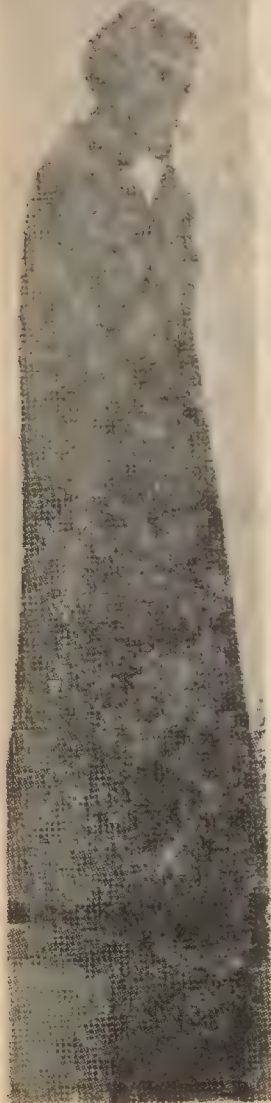


حبیب الله فیض الله شاعر معاصر جمهوری سوسیالیستی تاجکستان شوروی

از ستم استعمار ری و ملی نیست: دیکتاتوری
یرو تا دریا قرار دادن دهوگرا سی سوسیا-
لیستی برای زحمت کشان به جای دهوگرا-
سی برای استثمارگران و آغاز دوران
حاکمیت واقعی خلق است،
پس از پیروزی انقلاب کارگری اکتوبر
کبیر، کشورها یکی پس دیگر در پی
رها بی و آزادی برآمدند و برای ساختمان
سوسیالیسم در تلاش صمیمانه اند
و این ساختمان جامعه نوین و افراختن درفش
های کارگری در جهان نتیجه واقعی و آهوش
پیشوایان راستین جهان بینی علمی طبقه
کارگر است، غرض در این مقاله یفترده
آن نیست که همگی دست آورد های اکتوبر
کبیر مورد تحقیق قرار گیرد چه این
کاری است سنگین و متضمن فرصی فراوان
و حوصله ای فراخ، در این مقال فقط
به زمینه ی فرهنگی انقلاب کبیر اکتوبر
می پردازیم، زمینه های اقتصادی سیاسی
اجتماعی این رویداد بزرگ تاریخ بشریت
در رساله و مقاله و حتی کتابی نمی تواند
بگنجد، بگذریم.
از تذکر این نکته نیز ناگزیریم که
همین قلمرو فرهنگی و مسایل ادبیات و
هنر با ارتباط به انقلاب کبیر اکتوبر هم
کاری آسان نیست و خواهان پژوهش
گسترده است در این مقال سیمایسی
کلی از ادبیات پیش از پیروزی اکتوبر
کبیر کشور شوروا را به اختصار به دست
می دهیم و پس از آن اندکی مفصل تا تیر
انقلاب کبیر اکتوبر را بر ادبیات و هنر
از بکستان و تاجکستان که در شمار جمهوری-
دیت های آسیای اتحاد جماهیر اشتراکی
سوسیالیستی شوروی می آید و بیشترین
افتخارات ادبی و فرهنگی ما با آن مشترک
است بررسی می کنیم. سرزمین ما را از
روزگار دیرین باینس با ساکنان آن
طرف آمو دریا پیوند های عمیق فرهنگی
یافته است، از خوارزمی گرفته که در ستاره
شناسی و ریاضیات و الجبر استاد بود تا
روکی آن شاعر تیره چشم روشن روان،
الغ بیک که رصد خانه اش حاذق و آفرین
شگفت در آن روزگار به حساب می آمد،
تا ابوریحان بیرونی بزرگ مرد اندیشه
وقلم و علی شیر نوایی شاعر و دانشمند گرامر-
نما به گاهی این سوی دریا بود ندوگاهی
افتخار نامه های عصر خویش را در آن سوی
دریا می نوشتند، ما را با برادران تاجک
واژیک و ترکمن آن سوی دریا رابطه ای
کهن تر از تاریخ است و بسیاری از میراث
های فرهنگی ما امتزاجی جدایی ناپذیر
دارد، و با توجه به این موضوع ادبیات
این دو قلمرو را مورد مطالعه قرار می دهیم.
دگرگونی هایی که یافته، البته پیش از روسیه
نگاهی هر چند گذرا و شتاب زده به روسیه
پیش از انقلاب باید افکند، روسیه ی پیش
از انقلاب سرزمینی بود گسترده و پهناور
و تشکیل یافته از ملیت های مختلف با
فرهنگ ها و نژاد و زبان های متفاوت،
تزاران چکمه پوش و نیکلای های پاشنه
آهنین با زور سر نیزه و با منطق شمشیر
حکومت می کردند. تزاران و نیکلای ها

انقلاب کبیر اکتوبر که به پیش آهنگی
طبعی کارگر و رهبر پر نیو غ کارگران
سراسر جهان در ۲۵ اکتوبر (۷ نوامبر)
سال ۱۹۱۷ در پهنای تریسن سرزمین
(روسیه) پیروز گردید در همگی زمینه
ها دگرگونی شگفت انگیزی پدید آورد
بر خاسته توده های رژیم های استبدادی و
ارتجاعی ترین نظام های اجتماعی بنیادی
استوار گذاشت و دنیا پی دور از طبقه توتور
کنار از استثمار انسان به وسیله انسان
و مناسبات فرسوده ی اجتماعی آفرید
انقلاب اکتوبر بر همه ی نهاد های ظالمانه
را فرو ریخت و مژده آزادی و رها ی انسان
داد. رهبران جهان بینی علمی طبقه ی
کارگر از سال ها پیش شعبی را بر فراز
او پا درگوش می دیدند، شعبی
که پیام آور زندگی نوین بود و نوید
آبادی و سر بلندی ملت ها را می داد. اند-
یشه پر دازان جهان بینی علمی طبقه ی کار-
گر روح قطعی اقتصاد و فرهنگ مختصر
غرب را پیش بینی کرده بودند. و به
روشنی دریافته بودند که غرب با مناسبات
کهن سرمایه داری خویش به آخرین
مرحله امپریالیسم رسیده است
و غروب می کند، پیشوایان جهان بینی
فلسفه مترقی طبقه ی کارگر گرچه
تحقیق این آرمان را در یکی از کشور های
صنعتی سرمایه داری غرب پیش بینی می
کردند، اما به پایمردی و یکپارچگی
امان ولادیمیر ایلیچ لینن انقلاب کارگری
در سرزمین پهناور روس پیروز گردید و
این پیروزی سر آغازی دیگر است در تاریخ
تکامل اجتماعی - و شگفت انگیز
ترین حادثه است در دوازدهای تاریخ
زندگی انسان، البته نباید از نظر دور
داشت که پیش از انقلاب پروتری اکتوبر
نیز در جهان انقلاب ها پیرونتا گردیده
اما این انقلاب ها در سطح بوده و از درون
توده ها نپوشیده، و بیانگر احساناتی
نیستند که طبقات رنجبر و سازندگان توده-
ستین تا رنج جوامع انسانی حق می کنند
انقلاب کبیر اکتوبر برای رنجبر شکنان
سراسر جهان برای رنجبران و برای
آفریدن گاران واقعی تمدن های شکوهمند
مژده ی رهایی و آزادی داد. انقلاب رهایی
بخش کبیر اکتوبر به گفته ی رهبر دانشمند
آن: به سراسر جهان راه سوسیالیسم
را راه نجات طبقات رنجبر را نشان داد و
به صراحت اعلام داشت که با یان سبطه
بورژوازی فرا رسیده است. و با آسوش
انقلابی می توان برای همیشه به این آیین
پایان داد. پیشوایان جهان بینی علمی طبقه
کارگر از رشد ناموزون اقتصاد،
سیمایسی، چوا مع سرمایه داری در
مرحله امپریالیستی آن نتیجه می گیرند که کشور
های مختلف در دوران های مختلف به سوی
سوسیالیسم روی می آورند. و هدف انقلاب
های کارگری چیزی بغیر از واژگون کردن
حاکمیت استثمارگران و استواری دیکتا-
توری پرولتاریا و بنیاد نهادن مالکیت اجتماعی
سوسیالیستی به جای مالکیت خصوصی
بورژوازی، حل عادلانه ی مساله ارضی
به سود دهقانان، رهایی خلق های وابسته

و خلقی را سد کند ، انقلاب کبیر اکتو بر نیز یکشنبه نیالیده است در خستی است که ریشه های آن را خون آزادی خواها ن آب داده و شاخ و برگش را سیراب کرده است . مبارزه در راه آرمان های رها یی بخش قر با نی می طلبد ، متضمن فر صتی است که توده ها به نیروی خود ایمان بیا ووند و سازندگی خویش را دویابند بار ها از طرف طبقات حاکم برای انقلابی ها محدودیت خلق شده و شکنجه دیده اند ، بیشتر این روزهای زندگی پیشوای کارگران جهان در بیرون از خاک رو سیه گذشته و در دشواری ترین شرايط مبارزه راهبری کرده و با امکانات بسیار اندک آثا و علمی خود را تدوین کرده است ، در دشواری ترین روزهای زندان قلم را از دست نه نهاده و پیام خویش را از سلول های زندان نیز به گوش رنجبران و انقلابی ها رسا نیده است .



پیکره امیرعلی شیر نوایی درازبکستان شوروی

در می یا فتند از طرف ارباب های بی فرهنگ استثمار می گردیدند و دست به شورش می زدند ، عقب نشینی می کردند و رفودم های سطحی پدید می آوردند ، اما خلق رانمی توان برای همیشه در لباس سیانی فریفت بسا ری امتیاز هایی که نیکلای ها و نزاران ستمگر به دهقان می دادند نتوانست رو حیه مبارزه را در آنان زمین بردارد چکه پوشان پانته آهنین سنگین دل نزار با سر نیزه های شان دشت هارا و کوهپایه ها را از خون شور شیان رنگین می کردند اما نمی توانستند نیروی ایمان را و مبارزه را در آن دل سیردگان راه آزادی و حقیقت بکشند ، از خون سبک انقلابی هراوان انقلابی می روید ، اگر در فتن مبارزه از خوشی یک فدایی به زمین می افتاد فدایی های دیگر آن را برافراشته و سر بلند می داشتند ، کشا ووزان به گونه ی پراکنده مبارزه می کردند ، کارگران با دریافت این واقعیت که ثمرکار دست و دماغ شان در جیب سرمایه دار و صاحب کارخانه فرو می ریزد ، همیشه اعتراض داشتند ، ستمزه می کردند اما این ستمزه ها این اعتراض ها و نفی کردن ها ، پراکنده بود ، نظام آپ فته بود و برای تنظیم آنان و شکل و بسیج آنان به حزبی نیرومند و فدایی نیاز بود ، حزبی که بتواند با انضباط و صمیمیت آرمان های سرمایه سی طبقه کارگر را بازتاب دهد ، آنان را بسیج کند و به نیروی مادی تبدیل کند و یک مثبت محکم و همبسته سازد با باین هم بستگی و با این جهان بینی به دشمن دشمن برورش برد و قدرت سیاسی را از دست طبقات حاکم به رنجبران جامعه انتقال بد هد .

کلا سیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر از نهمین روزهای سده ی نوزدهم تا بیست و نهمی این را دریافته بودند که راه رهایی انسان آتسیده ، راه رسید سرمایه داری نیست و به این باور بودند که راه نجات توده ها و خلق ، راه رهایی استثمار انسان به وسیله انسان است که جامعه ی بدون طبقات می تواند پاسخگوی نیازهای انسان باشد . کلاسیک های جهان بینی علمی طبقه ی کارگر به روشنی دریافته بودند که شبهی که در گردش است ضامن پیروزی ، خوش بختی و آزادی آینده ی انسان های روی زمین است . و در راه تحقق این آرمان که خانواده ی بزرگ بشری را از رنج ، فقر ، شکنجه ، عذاب و تنگنا و تها ی طبقاتی نجات دهد ، مبارزه پیگیر و صمیمانه کردند و سر انجام منطق پروتاریا را به گرسنی نشانند و انقلاب کارگری را رهبری دانستند و . ا . ل . در قلمرو پنهان روس پیروز گردید ، با پدیده خفا بر سیرد که راه مبارزه را می آسان گذرد و بی خطر نیست و در هر قدمی دشمن توطئه می چند و دام می گسترد با لطایف الحیل می گو شد ، جلو سیل خروشان و توفنده ی پیکار های میهنی



سکره رودکی در شهر دوشنبه تاجکستان

می دانست و با استفاده از این نغایه عارت ناراج و بیدادگری می برداخت . مذهب در دست نزاران آلت دست بود و روحانیان اجیر نیز مسایل مذهبی را به سود ، سود پرستان و ستمکاران توجیه و تفسیر می کردند ، اگر صدای اعتراض از گوشه ای بلند می گردید ، ماموران پانته آهنین نزار به سرکوبی می شتافتند و هر صدای اعتراضی را در نطفه خاموشی می کردند یا سدا یان تا ریکی و بیداد از درخشش هر ستاره ای اگر چه کم فروغ ، در هراس بود ، آنان با سنا های و تیرگی ها نوس گشته بودند و سود خویش را در زیان دیگران می جستند . نزاران از خون و نجبران کاخ های سیم اندود می ساختند و قبه های زرین بر فراز کاخ ها و کلیساها که دا می بودند برای اغفال و فریب خلق می نشاندند گرچه این از خود را می هاو زوپرستان و ستم کیشان و خود گمان گاه های در اثر اعتراض های دهقانان که

به غیر از فرهنگ روس و زبان روس به ادبیات و فرهنگ ملت های دیگر اجازه رشد و با روری نمی دادند و اصولا می گویند که ملت های دیگر را تحت بیر حمله ترین استبداد فرهنگی قرار دهند . تلاش آنان بر این پایه بنا یافته بود که توده ها را در تاریکی و نادانی فرو گذارند تا آنان از سر آگاهان و دانایی بی به ماهیت کشف آنان نبرند طبقات حاکم و ستمگر همیشه در طول تاریخ زایداری توده ها رسیده چه بیداری خلق سرتکونی خود نشان است و باین ملاحظات ود که نزاران و سر دمداران خود خواه آن زمان با زور و شکنجه خلق های دیگر روس را می داشتند که فقط زبانه روسی را بیا موزند و فرهنگی بومی را کنار بگذارند ، روسیه ی پیش از انقلاب کبیر اکتوبر گذشته عجیبی داشت ، حتی مسایل مذهبی در زیر نظر نزاران باید انجام می پذیرفت نزار خود را وارث حکومت الهی در زمین

فرخنده باد شصت و دومین سالگرد انقلاب کیرسوسیالیستی اکتوبر!

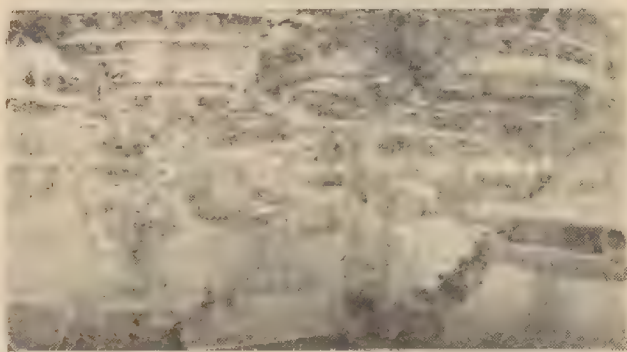
ترجمه: داود

در جهت آرامش ورفاه خلق شوروی

صحنه کنونی اتحاد شوروی را با دوران قبل از انقلاب اکتوبر مقایسه کرد زیرا در روسیه زمان تزارها برای هر ده هزار نفر صرف یک داکتر وجود داشت. امروز همه ساله از کالج های طبیبی این کشور بیش از چهار هزار داکتر فارغ التحصیل می شوند. چنانچه در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۵ تقریباً ۲۱۲ هزار داکتر و بیش از ۱۸ هزار دوا ساز از دانشگاه های طبی فارغ و آماده خدمت برای خلقهای کشور شده اند و امروز برای هر ده هزار نفر از این کارگران طبی در سرتاسر اتحاد شوروی فعالیت میکنند. خدمات طبی در اتحاد شوروی به کلی مفت و رایگان انجام میشود. همچنان این گونه خدمات برای مردم در کلینیک ها خیلی صمیمانه و بدقت صورت می گیرد و حتی داکتران کلینیک های نزدیک جهت معاینه بمنزل مریض میروند. مصارف امبولانس، داخل بستر شدن، عملیات و غیره مریض را، دولت می پردازد. بطور مثال عملیات ایمنده یسی به شمول چهار روز بستر شدن در

در چند ماه نخست انقلاب کبیر اکتوبر، فرامین و فیصله های صادر شد که بعضی ازین فرامین و فیصله ها پیرامون حفظ و حمایت و تندرستی رنجبران، زحمتمندان و زارعان و تعیین هشت ساعت کار در روز و بوجود آمدن بیمه های اجتماعی بود. اقدامات و عملیات اضطراری همزمان با صدور این فرامین و فیصله ها نیز در قسمت سلامت و سلامتی مادران و اولاد دار، پیشینیانی و حفظ سلامت اطفال، ملی کردن دواخانه ها، سنا توریم ها، اسنرا جنگاه های صحنی، که زیر بنای سیستم اجتماعی خدمات صحنی عموم مردم را در بر می گیرد نیز صورت گرفت و فیصله بعضی آمد که بیش از همه جنبه صحت خلقهای زحمت کش مد نظر گرفته شود.

حق یک نفر تبعه روسی، در مورد تضمین صحت وی، در قانون اساسی اتحاد شوروی درج است. اتحاد شوروی، در جهان از نگاه انجام خدمات صحنی برای مردم مقام اول را دارا می باشد. در سال ۱۹۷۳ به تعداد هفت صد و شصت هزار داکتر در اتحاد شوروی مصروف کار بودند که آنها یک چهارم داکتران دنیا را تشکیل می دادند با وجودیکه جمعیت آن وقت این کشور صرف هفت فیصد نفوس گیتی را تشکیل میداد و برای هر ده هزار نفر بیش از سی و پنج داکتر مصروف فعالیت بودند. (در سال مذکور در جمهوری فدرالی آلمان ۲۱۵ داکتر در امریکا ۱۹۴ در فرانسه ۱۷۵ در برتانیه ۱۵۷ نفر داکتر برای هر ده هزار نفر وجود داشت) اسنرا هرگز نمیتوان سیستم



گوشه از ورکشاپ پرژه جات وبسته کاری موترسازی «ویلوژونسکی» در اتحاد شوروی.

نفر بیش از ۲۴ داکتر وجود دارد. مکاتب متوسطه طبی، همه ساله اضافه از یکصد هزار نفر محصل بار آمد یکل را تقدیم اجتماع می کنند و اکنون بیش از ۲۱۲ میلیون شفاخانه برای حکومت ۶۵ روبل تمام میشود و طی مدت ۹ روز که یک زن حامله با طفلش در یک زایشگاه میگذرانند ۱۷۵ روبل را بمصرف می رسانند.

دولت اتحاد شوروی ، در سال ۱۹۷۴ بیش از ۱۰۶۷ هزار میلیون روبل را در این چنین خدمات بمصرف رسانید .

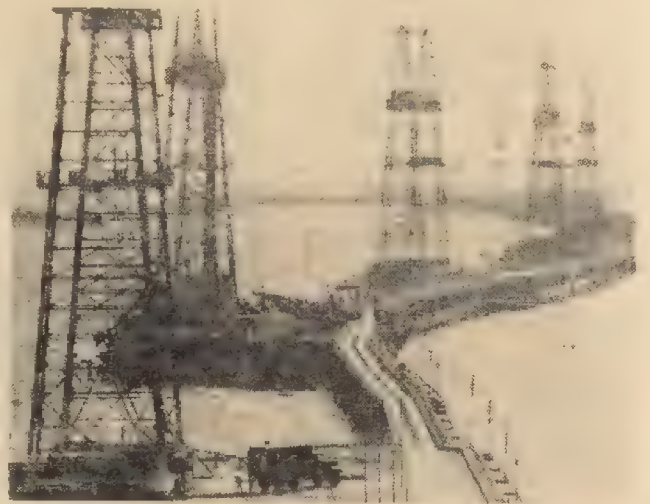
دولت اتحاد شوروی ، سالانه برای هر فامیل چهار نفری ، بیش از یکصد و پنجاه روبل را جهت مصرف خدمات صحتی آنها بمصرف می رساند و کل این یول سالانه در بودجه دولت در نظر گرفته میشود . در روسیه قبل از انقلاب مصارعت خدمات صحتی فی نفر به ۹۱ کییک می رسید و این مبلغ نیز در حساب و کتاب دولت شامل نبود .

اتحاد شوروی ، در زمینه حفظ صحت مردم چنین است : «سرویس های صحتی شوروی صحت و سلامت جسمی مردم شوروی را بدون تبعیض نژادی جنسی و سن تضمین و طور مجانی معالجه میکند» .

سرویس های صحتی به سیستم جدید مبارزات دامنه دار و فعالیت های خستگی نا پذیری را در از بین بردن امراض مختلف براه انداخته و درین راه موفقانه بیس می روند . همچنان کمبته های مخصوص بیماری های ساری که بعد از انقلاب بفعالیت های خود آغاز نموده تا اکنون برای صحت و سلامت مردم شوروی خدمات ارزنده - ایرا انجام داده و میدهند .

اینکه اوسط طول عمر در اتحاد جماهیر شوروی هفتاد سال است چنین معنی نمی دهد که بعد از سن مذکور مردم تحت کنترل

اوسط طول عمر کارگران و دهاقین قبل از انقلاب اکتوبر در حدود ۳۰ سال بود و امروز اوسط طول عمر آنها به بیشتر از هفتاد سال رسیده است و اکثر امراض ساری خوفناک ریشه کن گردیده در حالیکه در زمان تزارها سالانه



منظره یی از چاه های نفت آذربایجان شوروی

یک تعداد زیاد از مردمان روسی را این امراض بسوی نا بودی می کشانید .

همچنان در سالهای پیش از انقلاب در روسیه سالانه اضافی نیم میلیون کودک بائر کو لیرا ، چیچک و طاعون تلف می شدند .

بعد از انقلاب تمام نیرو و قدرت مردم در راه از بین بردن امراض فقر و بیسوادی و غیره بکار انداخته شد و زندگی تمام افراد شوروی از طرف سرویس های صحتی بر روی وقایع گردید چنانچه یکی از شعارهای امروز

طبی قرار نمی گیرند بلکه همیشه و بصورت پیگیر کوشش و تلاش مینمایند تا زمینه خوبی را برای صحت مردم فراهم نموده بطول عمر آنان تا سرحد امکان خدمت نمایند .

باساس همین کوششها و تلاشهای دامنه داریکه در امور طبابت صورت گرفته بعد از انقلاب کبیر اکتوبر ، داکتران آن سرزمین بر اکثر بیماری ها غلبه حاصل نموده اند .

روی این منظور است که امروز

اضافه از سی میلیون اشخاص که سن آنها از یکصد سال نچساور میکند در نقاط مختلف اتحاد شوروی بسر می برند بر علاوه بیش از دو میلیون افراد یک عمر شان از هشتادسال و بیست میلیون کسانی که عمر شان از شصت سال تجاوز میکند در روسیه پنچساور حیات به سر می برند .

امروز معیار و فیات در اتحاد - شوروی بصورت عمو می سمیت بزمان قبل از انقلاب برای هر هزار نفر چهار مر تبه ، و در سمیت اطفال یازده مرتبه پایان آمده است .

خدمات طبی در اتحاد شوروی تا مرز امکان در خدمت هر فردی از افراد آن کشور قرار داشته و هر شخص حق دارد از کمک های طبی اربرد یکتیرین کلینیک محل سکونت خویش مستفید گردد .

تا سال ۱۹۷۵ در اتحاد شوروی زیاد تر از ۴۱۰۶ هزار کلینیک معاینه بیماران در خدمت مریضان قرار داشت و طی سالهای اخیر پنجصد کلینیک بزرگ نیز روی این رقم اضافه گردیده است .

هر کلینیک خدمات اولیه طبی ، بیست و چهار ساعت بروی مراجعین باز بوده به تدای واقعات عاجل می پردازد . امبولانسهای این کلینیک ها نیز که اکثر آنها با وسایل کافی و ادویه لازم برای مریضان قلبی ، مسمومیت ها سوختگی و غیره مجهز می باشند بیست و چهار ساعت در خدمت بیماران قرار دارند .

این کلینیک ها و سائر سازمان های طبی اتحاد شوروی کارهای مقدماتی حمایتی را همیشه برای مردم انجام میدهند و آنان را از بیماری ها وقایع می کنند .

خدمات بیمارستان ها :

امروز در اتحاد شوروی ، برای بیمارانی که مرض مشخص دارند و بایست داخل بستر شفاخانه گردند بیش از ۲۸ میلیون بستر وجود دارد که این رقم برای هرده هزار نفر ۱۱۴ بستر می رسد و عدد مذکور با مقایسه با سائر کشور های جهان به شمول امریکا درشت ترین رقم می باشد .

تا اواخر سال ۱۹۷۵ تعداد بستر های شفاخانه ها در اتحاد شوروی به سه میلیون می رسید که

باین حساب هرده هزار جمعیت ۱۱۷ بستر داشتند اما امروز این رقم بیش از پیش تزیید یافته است .

اکثر بیمارستان های که درین او اخر در اتحاد شوروی ساخته شده اند خیلی بزرگ و اختصاصی می باشند . این شفاخانه ها در شهر ها دارای هزار بستر و در قریه ها از سه صد تا چهار صد بستر دارند . همچنان اکنون سازمان های اختصاصی طبی آن کشور به سطح خیلی بلند از تقاء نموده و شکل مرکز وقایوی و معالجوی را بخود گرفته اند .

خدمات طبی وابسته به سازمان ها :

بر علاوه انجام خدمات معالجوی در اتحاد شوروی در جهت طب وقایوی نیز گامهای سریع و بلندی برداشته شده و هزاران سازمان صحتی ، در سراسر اتحاد شوروی ، برای وقایع صحت افراد مصروف کار و فعالیت می باشند .

همچنان همه ای کارکنان طبی اتحاد شوروی ، از تمامی نقاط کار و مساکن بود و باش عمو می کارگران و شعبات مامورین باز - رسی مینمایند و بصورت منظم از کارگران و ماموران ، معاینه طبی بعمل می آورند و نه تنها به تدای و معالجه آنها می پردازند بلکه

کوشش می کنند در نخستین قدم به تدای او شان بپردازند .

روی هر فته این سازمان ها و موسسات تمامی پرو بلمهای طبی را منسجم کرده با داکتران دانشمند مشوره های را بعمل می آورند و بعد با قدامت موثری می پردازند . این گونه فعالیت های ارز شمند را بیشتر از سایر دستگاه های طبی در ستانوریم ، ها بیمارستان ها پولی کلینیک های امراض تناسلی و مراکز مشورتی میتوان مشا هده نمود .

در اتحاد شوروی ، همه ای مراکز صحتی و داکتر ها با همکاری اتحادیه های تجارنتی ، مصروف مطالعه شرایط عمو می تولید بوده و تلاش دارند تا زمینه های را برای کارگران بوجود آورند که بسرای حفظ صحت و تند رستی آنان مفید واقع گردد . این منظور ، همه ساله بلان انجام وظایف طبی در ساحه

لطفاً ورق بزنید

کار ، کارگران بین مو سسبات اتحادیه تجارتی و دواير ذيعلاقه بامضاء می رسد .

طب وقایوی در شوروی

در اتحاد جما هیر شوروی . برتسیب عمومی در خسد مست صحتی ، همانا جلو گیری از امراض است . باین اساس اقدامات وقایوی بر علاوه کلینیک های ایالنی از طرف مو سسبات مخصوص طبی نیز ، همه ساله انجام داده می شود . مرا کز طبی و وظیفه دارنده تا تما می افراد و خلقهای را که در محوطه و دور دست آنها می باشند بطور منظم و بصورت دقیق معاینه نمایند تا امراض مهم را قبل از آنکه گسترش یابند در یابند و از نفوذ آنها جلو گیری بعمل آورند

بر علاوه ساز مان های طبی : کلینیک ها ، از طرف شبکه عمومی صحتی بیر فعالیت های و وقایوی صورت می گیرد . شبکه عمومی صحتی که میلیون ها انسان صحت مند در آن کار می کنند توجه خاصی در قسمت معاینات اطفال ، محصلان زنان حامله و کسانیکه که درشرایط غیر صحتی کار میکند بمنول میدارد . دراتحاد شوروی همه مریضانیکه

فشار خون بلند داشته و بیمار بآنکه از ناحیه قلب و چشم و چار تکلیف باشند مو ردتوجه بخصوص قرار میگیرند

از فعالیت ها ، تلاشها ومعاینات وقایوی که در فوق ذکر گردید نتیجه قابل توجه ای بدست آمده و بیش از يك میلیون نفر بیماری که موا جه بخطر سرطان بودند از شر این مرض خا نمان سستوز نجات داده شد و اکنون در حال صحت وسلامت زیست مینمایند . این توا میت طب وقایوی ومعاملجوی است که در پهلوی فعالیت های اقتصادی اجتماعی ، صحت مندی نوام با سعادت مندی را برای همه ملیت هااتحاد شو روی ، بوجود آورده است .

مو سسبات تحقیقات طبی

در اتحاد شوروی به تحقیقات طبی توجه خاصی مبذول میشود و برای انجام این کار در آن سرزمین بیش از چهار رصد انستیتوت تحقیقاتی علمی وجود دارد که هر يك با یر ابله های جدا گانه ای

سر وکا ردارد .

در جریان چند سال اخیر زیر بنای يك تعداد انستیتوت های زیاد تحقیقاتی دیگر نیز گذاشته شد که از آنجمله میتوان انستیتوت های کسترو انتر و جی ، پلمو تولو جی ، نفلو سننرا ، پیو ندعضلات انستیتوت طبی و رالت ، کنترول اد ویه طبی و غیره را نام برد . اکا دمی علوم طبی شو روی ، درین اوا خر یکی از شعبات خود را درسا ییر یا نیز افتتاح کرده و تعدادی از دانشمندان شو روی در انجا نیز مصروف مطالعات و تحقیقات سو دمندی می باشند . بعضی از انستیتوت های تحقیقاتی بزرگ و دامنه داری رادر قسمت جلو گیری و تدای امراض و پرو سی و اتانی قلبی و غیره انجام میدهند و برخی از انستیتوت

عمده در آمد او میباشد . اما یگانه منبع عایداتی او را تشکیل نمیدهد زیرا کارگران و فامیل های شان ، بر علاوه معاش ، عواید فرعی دیگری نیز دارند و این عواید را ، منحیت حقوق و امتیازات شان از عواید ملی بدست می آورند . کل پولی را که کارگران با این نام بدست می آورند بنام سر مایه مصرف اجتماعی یاد می کنند از این رو ، عواید حقیقی خلقهای زحمتکش اتحاد شوروی عبارت از معاش آنها با ضافه امتیازاتیست که از سر مایه مصرف اجتماعی مستحق مینویسد .

به عباره دیگر ، عواید حقیقی مردم شوروی ، عبارت است از معاش و دستمزد ، تضمین های اجتماعی ، مصرف اجناس متنوع ، انجام خدمات امداد آزاد پولی



صعود و نزول قیم و غیره و این به معنی آن است که عواید حقیقی خلقهای اتحاد شوروی منعکس کننده ارزش هایست که کل آن شاخص اساسی در نشان دادن ، آسایش همه جانبه جمعیت اتحاد شوروی می باشد

بیشرفت سریع در تولیدات اجتماعی اتحاد شوروی ، توام با افزایش در عواید حقیقی جمعیت است لذا همان طوری که در اتحاد شوروی سطح تولیدات بلند رفته از سال ۱۹۴۰ تاکنون این عواید برای هر فرد ۵۰ مرتبه بلند رفته است .

امروز سویه زندگی مردم در قریه های نزدیک ، معادل به سویه زندگی مردم شهر است و در پلان

پنجساله گذشته پنجاه و چهار هزار میلیون روبل برای افزایش عواید حقیقی منظور گردیده و در پلان کنونی مبلغ مذکور به هفتاد و دو هزار میلیون روبل ارتقا داده شده این عمل باین منظور صورت گرفت که يك فامیل چهار نفری از آغاز پلان پنجساله جاری سالانه مبلغ يك هزار روبل بیشتر بدست آورد . پس در تصو رت میتوان گفت که عواید حقیقی فی نفر در اتحاد شوروی به سی و يك فیصد د پلان کنونی پنجساله به مقایسه پلان گذشته بلند رفته است .

منابع اساسی تزئید عواید جمعیت همانا بلند بردن اندازه معاشات است که برای کارگران فابریکات و کارکنان فارم ها ، پر داختر میسرود . این نول سه بر چهار حصه عواید حقیقی هر کارگر را در برمی گیرد و يك بر چهار حصه دیگران از خزانه پول مصرف اجتماعی برای آنها داده میشود . در اتحاد شوروی ، معاشات کارگران و ماموران ، در قدم نخست افزایش می یابد زیرا کار ها موار و مهارت های آنها باعث برید معاش اساسی آنان میشود

طی پلان پنجساله جاری دستمزد ها در سر تاسر کشور و در تما نسیب اقتصاد ملی افزایش داده شد و معاش آنانی که دارای عواید متوسط بودند بلند گردید برار کارگران شب کار ، نسبت بسابق دستمزد زیاد تری تادی گردید و برای کسانی که در شرایط نامساعد اقلیمی و فابریکاتی چو صنایع آهن و فولاد کار می کنند و برای خدمتگاران ترانسپورتی شبانه ، امتیازات جدیدی در نظر گرفته شد که در نتیجه در زندگی همه مردم اتحاد شوروی بخصوص نود میلیون کارگر و کارکنان شعبات گوناگون يك دگرگونی چشمگیر اقتصادی پدید آمد .

همچنان طی این پلان ، دستمزد ها و معاشات مستخدمین متوسط الحال اضافه شد و حداقل دستمزد تعیین گردید و حقوق متقاعدین به معیار جدید سنجیده و پرداخت شد .

در معاش داکتر ها ، معلمین مکاتب و سازمان های تربیت اطفال قبل از مکتب ، مکاتب ثانوی و مسلکی بیست فیصد تزئید بعمل آمد .

گذشته از آن طی این پلان امداد بولی دولت برای محصلین کسه موفق به تحصیلات عالی میشوند و مکاتب اختصاصی بصورت قابل ملاحظه ای افزایش یافت و دستمزد ها و معاشات، مستخدمین متوسط العواید مناطق شمال اتحاد شوروی، شرق دور، سایر پسا اورال و نواحی قزاquistان و آسیای میانه اضافه گردید.

معاش زنان کارگر، بدون در نظر داشت ایام حاملگی که ۱۱۲ روز را در بر می گیرد صد فی صد اضافه شد و در عواید زارعین در فارم هایشان از سی تا سی و پنج فیصد نزدیک بعمل آمد. و در باره بهبود هر چه بیشتر زندگی زارعانی که بصورت دسته جمعی روی فارم ها کار می کنند تصانیمی اتخاذ گردید.

در جهان امروز، داشتن خانه گرم یک پرابلم عمومی مردم دنیا را تشکیل میدهد و در اتحاد شوروی باین موضوع توجه خاصی مبذول میشود تا این مشکل در کوتاه ترین مدت حل شود.

روی این منظور دولت شوروی سالانه، مبالغ هنگفتی را جهت اعمار خانه ها و منازل گرم مسکونی بمصرف می رساند.

چنانچه تنها در طول دوازده سال یعنی از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۲ بیش از بیست و هفت عشایره سه میلیون آپارتمان در آن کشور اعمار گردیده و در حدود سی سی عشایره پنج میلیون نفر پادارای آپارتمان های جدید شدند و پسا شرایط منازل شان بهتر از گذشته ساخته شد.

در سال ۱۹۷۳ دو عشایره سه میلیون آپارتمان بر علاوه آپارتمان های سابق تحت ساختمان قرار گرفت و این آپارتمان ها شرایط زندگی یازده و نیم میلیون نفر دیگر را بهتر و آسوده تر گردانید. امروز اتحاد شوروی از نگاه حجم کار های ساختمانی و خانه های مسکونی در دنیا مقام اول را حایز است و از نظر تعداد آپارتمان تحت اعمار برای هر یک هزار نفر در ردیف پنج کشور جهان باز هم مقام درجه اول را دارد.

در طول دوازده سال متذکره بیش از نصف تمام جمعیت اتحاد شوروی دارای منازل عصری جدید شدند ولی باوجود این وبر علاوه

یکه در سالهای اخیر بیست و دوازده سال قبل، در شوروی آپارتمان های مسکونی اعمار گردیده و با همه سرعت بی نظیری که در اعمار منازل بکار می رود هنوز هم موضوع مسکن در آن کشور بطور کلی حل نشده است زیرا مردم شوروی قبل از انقلاب کبیر اکتوبر، زندگی فلاکتباری داشتند و جنگ عمومی دوم جهانی مشکلات فراوان و خرابی های را برای آن کشور بار آورد و طی ده سال اخیر سی میلیون نفر به جمعیت این کشور زیاد گردید.

در طول سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ شوروی ها، هفتاد و سه و نیم هزار میلیون ربل را بمصرف آپارتمان ها رسانیدند و این رقم نظر به پنج سال قبل دوازده و نیم فیصد بیشتر بود. در جریان این سالها بصورت عموم از پنجصد و هشتاد میلیون متر زمین برای ساختمان تعمیرات کسار گرفته



منظره از چاه های نفت آذربایجان شوروی

هدف از اعمار و توزیع آپارتمان ها، این است تا مردم در آرامشی و سعادت زندگی نمایند و بر همه ای وسایل و لوازم عصری مدرن استفاده نموده بتوانند.

کمترین گرایه :

دولت اتحاد جماهیر شوروی برای مردم خویش خانه را یکسان میدهد اندازه آپارتمانی که به یک نفر داده میشود مربوط به تعداد فامیل اوست. بطور مثال، در فدراسیون اتحاد شوروی آپارتمان ها به اساس ۹ متر مربع فی نفر داده میشود. اما دراو کراین این ساحه به سیزده عشایره شش متر مربع میرسد.

کرایه آپارتمان ها به شمول پول حفظ و مراقبت و خدمات اجتماعی مانند برق، گاز، آب گرم و غیره عموماً اضافه تر از چهار یا پنج فیصد بودجه یک فامیل نمیشود این پرداخت ها بر علاوه ایکه به هیچ صورت مصارف ساختمان را که از

طرف دولت صورت گرفته تکافو کرده نمیتوانند حتی از اندازه مصرف حفظ و مراقبت آن نیز خبی کمتر می باشد. باقی مصارف حفظ و مراقبت عمارت از طریق صندوق مصرف اجتماعی تادیبه میشود. از سال ۱۹۲۶ تاکنون به کرایه آپارتمان ها افزودی بعمل نیامده است.

کو پرا تیف های اماکن

ساختمان خانه های جدید تا چندی قبل در شهر ها از طرف دولت صورت می گرفت اما چون تاکنون دولت نتوانسته صد فیصد احتیاجات آپارتمان هارا برای مردم حل کند درین اواخر خانه سازی در اتحاد شوروی به شکل کو پرا تیف و تحت رهنمایی کمیته های متشکل از نمایندگان طبقه

کارگر، موسسات و سازمان های که کو پرا تیف های ساختمانی را روی کار آورده اند صورت می گیرد.

اعضای کو پرا تیف های ساختمان اماکن عبارت از کارکرانی هستند که بمیل و آرزوی خود شان میخواهند منزل شان را آباد سازند البته طرح نقشه های آن از طرف موسسات خانه سازی بر اساس استندرد قبول شده با در نظر داشت خواست های اعضای کو پرا تیف ها ریخته میشود.

چهل فیصد پول ساختمان این گونه آپارتمان باید قبل از آغاز کار آن تادیبه شود. شصت فیصد باقی پول آن از قرضه دولتی تامین میشود این پول در جریان ده سال پانزده سال باید با سود نیم فیصد واپس پرداخته شود.

دولت تمام تسهیلات حیاتی از قبیل احداث سرکها خطوط مواصلات، تلیفون، خدمات کلتوری و اجتماعی را در جوار این خانه ها بمصرف خود انجام میدهد.

در نواحی دور دست عموم ما خود مردم یا بمصرف خویش و یا به قرضه دولت و فارم های که روی آن، کار های دسته جمعی صورت می گیرد، خانه های شخصی می سازند و دولت زمین این چنین خانه ها را، در دسترس کو پرا تیف های شهری و دهاتی میگذارد.

یک آپارتمان راحت بخش برای هر فامیل :

در اتحاد شوروی، در ساختمان عمارت، از طریق های بسیار پیشرفته صناعتی استفاده بعمل می آید. روی این منظور یک تعداد زیاد فابریکات اختصاصی قسمت های عمده عمارت را، در چهار دیوار خود می سازند و صرف برای جابه جا کردن آن به تعمیر آورده میشود.

طی نهمین پلان پنجمیله خود اتحاد شوروی، توجه خاصی در قسمت جنسیت مواد ساختمانی و طرح و دیزاین بهتر و مرغو تر و نقشه خویش و مقبولتر منازل مبذول داشت تا از هر نگاه عمارات زیبایی بوجود آید.

اتحاد شوروی بزودی یک پرابلم عمده اجتماعی را از بین می برد. یعنی برای هر فامیل یک آپارتمان راحت بخش با تسهیلات لازمه آن مهیا می کند.

نگرشی بر ادبیات شـ و روی

دراوا خـ قرن ۱۹، در روسه نـزاری مبارزات طبقاتی روز بروز اوج میگرفت و مخالفت هاویر خاص ها ادامه مییافت و همین بود که سازمان طبقه کار گر بوجود آمد .
وای . لیکن در مقاله «خاطر هرتس» (۱۹۱۲) عضو سند :

«حرکت خلق ها طوفان است . کارگران یگانه طبقه ای اند که پیش روان مبارزات انداولین نسو فان در سال ۱۹۰۵ . بسو فوع بسو ست و توفان بعدی آن در پیش روی چشم ما اوج میگیرد» .
موضوع اساسی جریان ادبی این دوره همانا مبارزات خستگی ناپزیر نو یستندگان و هنرمندان مترقی بخاطر بوجود آوردن ریا لیزم سوسیالیستی و ضدیت سان در مقابل هنر اوتجای و بورژوازی بود .

ادبیات کلاسیک روس رول یزدگی را در انکشاف متوی جسمه بازی نمود . زیرا این ادبیات زیر شعار «خلق و دیوگرا نیزم» تمام خواس ته های توده های عظیم را برسمه می نمود . نویستندگان بزرگ ادبیات پروتری چون «کسم گورگی» ، «سرافیموویچ» ، «دیمان بی دنیسی» ، «اکو یان» و غیره ، مبارزات انقلابی خلتسپارا بخاطر ایدال سوسیالیزم در آثار خویش بصورت روشن ترسیم نمودند . مقالات نویسندگان مترقی به طرفداری از بلشویک ها همیشه درجرا بد «ستاره» و «حقیقت» به نشر میرسید و «نالیزم» انتقادی در شروع قرن ۲۰ رول مهمی را در روشن ساختن افذهان مردم بازی نمود .
لیو تولستوی ، چخوف ، بونین ، گوپربین ، ویدی ساییف ، الکسی تولستوی و همچنان مایا کوفسکی . بلوک و یسینین نومند گانسی بودند که آثار بزرگ و ارز شمندی از خود بجا گذاشته اند . آثار عالی ریا لیزم انستادی این دوره عبارت اند از : «حاجی مراد» و «پس از مجلس رقص» تولستوی ، «باغ آلو بالو» و «نامزد» چخوف ، «آقای از سانفرانسسکو» بونس و «بیماری از اشعار میهنی بلوک» .
نویستندگان در آثار خویش جبهات مختلف حکومت آن زمان را مورد انتقاد شدید قرار میدادند و نفرت و انزجار خود را علیه عساکرتزاری مامودین دولت دستگاه کشف بیروکراتی دولتی آشکار مساختند آنها در آثار خود جامعه طبقه نسی افشار و بی بضاعت را در شرایط کیتا لبزم بصورت واضح بیان می نمودند .

حزب بلشویک به رهبری لیکن توجه خاصی فرموده بوجود آمدن هنر جدید پروتری نمود لیکن اساسات نبور تک ادبیات سرسبب لستی را در سال ۱۹۰۵ در مقاله «سازمان حزبی و ادبیات حزبی» آماده ساخت . لیکن در این مقاله بر نسب های ادبیات حزبی را بیان نموده است . ماهیت اساسی بر نسب های حزبی را در ساحه ایدئولوژی و تیوری ، لیکن بصورت مشخص در سال ۱۸۹۰ در نوشته های خویش فود مول ندی نموده است .

لیکن می افزاید : «در آن زمان ادبیات»

ادبیات آزادی می باشد و ده عسا ملیون خلق زحمتکن را که با قدرن انسد و ملک بالای آنها استوار است می نماید .
از بزرگترین نویسندگان پایان قرن نژده یکی هم انتون پائو لویچ چخوف است چخوف در ۱۷ جنوری ۱۹۶۰ در سنسر کوچک تگازروگ تولد یافت . پدرش مالک غرقه کوچکی بود که در آن جای ، بوره صابون و غیره می فروخت چخوف ابتدا در مکتب یوانی شهر نکاروگ شامل و بعدا دا خل لیسه گردید چخوف علاقه شدیدی به ادبیات و هنر داشت . وی در منزل دراهمه های ترتیب می نمود و خودش با برادر و خواهر در رولهای آنها سهم میگرفت .

بعد از فراغت از لیسه در سال ۱۸۷۹ به مسکو آمد و شامل فاکولته طب پوهنتون دولی مسکو گردید . وی در دوره تحصیل خود برای پیدا کردن پول مصرف زندگی خود با بعضی مجلات فکاهی نویس مانند «بیمبر کت» ، «ساعت زنگ دار» ، «تئاتر چچی» و «آتم بی اشک» و غیره همکاری می نمود .



تولستوی نویسنده نامدار کتاب «جنگ و صلح»

سو من مجموعه داستانهای وی بنام «در تادیکی» از طبع خارج شد و این مجموعه برای نویسنده افتخار بزرگی بنحسب زیرا چخوف از طرف اکادمی علوم به افتخار مدال افتخاری «پوسکس» گردید .

اولین نمایشنامه چخوف به نام «ایوانوف» در سال ۱۸۸۸ روی صحنه آمد و هم در همین سال داستان بزرگ وی به نام «سهراب» انتشار یافت .

در جامعه بورژوازی «ماستدیت نیست» و این آزادی مربوط به خرابه پول است و پس وی در مورد آزادی جامعه سرمایه داری می نویسد که این آزادی ماهیت بسوز وازی وفا شیبستی داشته که دور از مردم بزانده شده است . و علاوه میکند : که «زندگی کردن در اجتماع و آزاد بودن از اجتماع ناممکن است» .
لیکن در آرزوی جهان آینده ای بود که ادبیات خلقی و سوسیالیستی ، بعد از موفقیت انقلاب محکمتر شود و انکشاف یابد و رول بزرگی را در جامعه بازی نماید .

همراه با شهرت چخوف جهان بینی این نویسنده بزرگ هم تکامل مییابد چخوف از لحاظ نظریات خود انقلابی نبود و به همین جهت اکثر نادانان وی را به سبب نداشتن جهت سیاسی مؤرذ انتقاد قرار میدادند مخصوصا انتقادشان زمانی بیشتر میگردد که چخوف موافقانه نمود تا داستانهای خود را در مجله «عصر نوین» که سیاست حکومت تزاری آنوقت را پشتیبانی می کرد ، به نشر مییارد .
چخوف مدت زیادی را این منکوره بسو د که نویسنده باشد و در از مبارزات اجتماعی قرار داشته باشد ولی در سال ۱۸۹۰ این فکر انما نگرانی را بر سر گرفت چنانچه خود س می نویسد : «اگر من ادیب و نویسنده هستم ، برایم لازم است تا در بین توده ها زندگی نمایم» .

در سال ۱۸۹۲ در «سازمان کسک» با دهقانان و گرسنه ، لیکن گوردشامل مشغول درین وقت در قریه «میلیخوف» که در شعب گیلو متری مسکو واقع است خانه ای می خرید و با فامیل خود به آنجا می رود . در آن جا دهقانان را بدون گرفتن پول معافانه و تداوی مییابد و همچنان مکی برای اهالی آنجا اعمار می کند .

در همین جاست که چخوف داستانهای «اتاق شماره ۶» ، «خانه بالا خانه دار» ، «دهقانان» ، «داستان یک انسان ناشناخته» ، «سوکا وایا» را می نویسد .
داستانهای چخوف برای ادیبان تروس وجهان سرما به بزرگی بحساب میرود . چخوف در مدت بیست و چهار سال زندگی خویش توانست این شاخه هنری را تا مر حله تکامل برساند . سیما ها و تمثال های بعضی از قبر مانهای داستان وی گنجینه و شهبازهای ادبیات جهانی گردید .

لیو تولستوی چخوف را با موپسان ناول نویس معروف فرانسه چنین مقایسه می نماید : «فرانسه سه نویسنده دارد : استندال ، باژاک و فلو بر و دیگر هم موپسان ولی چخوف بهتر از آن است» .
باید گفت که داستانهای چخوف بر علاوه ملاحظه خنده ای آن ، جنبه ها ، و سایل حاد اجتماعی و روابط عادی و روز مره را دارا می باشد بطور مثال داستانهای «چاق

ولاغر» ، «مرگ کاردمند» ، «بو قلمون» ، «ماسک» و غیره که در همه این ها مسایل عمده اجتماعی نهفته است ... «کاروندیابین» رتبه ای در تیاتر نزدیک کله نا سنجرالی عطسه میزند . از ترس اینکه میا دا روری جنرال بلایی بر سرش بیاورد . چند انس مر تبه عفو می خورند ... و بالاخره می میرد . «مرگ کارمند» این فکا هسی است ولی فکاهی کدهوان وضع روحی و ترس انسان را در اجتماع تر سسمه می کند .

حقیقت اسلحه و شعار چخوف بود : وی دو یکی از نامه های خود می نویسد : «ادبیات هنری را بخاطر ادبیات هنری ژونلون

می گویم که زندگی را آن چنان که هست ترسیم می نماید . جعفر با زبان ساده و عادی ، بدبختی ها ، حماقت ها ، محرومیت ها ، فجایع و بدبختی های حکومت تزاری روس را در داستانهای خود شرح میدهد . موردکی دیگری از نامه های خود پنهان جعفر می نویسد : « با نوشتن داستانهای کوچک خود و طیفه پس غلبی را انجام داده ام . داستانهای شما خلبان را از خواب عمیق واز زندگی نیمه مرده بیدار ساخته است » .

داستانهای جعفر تنها سرگرمی نیست ، وی سوابقات جدی را در برابر مردم طرح می کند : « به چه درد میخورد ؟ حاصل کار تو چیست ؟ » این نویسنده مانند جراح ، تیغ بدست گرفته و مهابت جاعله را عملیات نمینماید . در مجموعه « مردم نا راضی » یک دهمه



موردکی

ز روشنفکران بی اصول را می بینیم که از پیش چشم ما میگذرند . با یاد گفت کسه آنابوی به هیچ وجه منحصر به روشنفکران نیست . می توان گفت که نوشته های جعفر با سالیانه ادبی آن زمان است . در نمایشنامه « باغ آلو با او » صحنه آشکاری از تباهی ، تنگدستی و ضعف فکری نجیب دیده میشود ، آخرین نمایشنامه گان طیفه ای که قبل از آن معروف بود و حتی در دایره المعارف زمان آن آنها را می خواندند ، جعفر را از این مردم خرابی و عالو دست را فاش می کند و مجذوب مردم ساده طیفه زیر دست و فیر است . جعفر در داستانهای « میل به خواب

و سواگانه مدافع حقیقی ستمدیدگان است . در نامه بر احسان و بر از غلطی های املائی که وانگلی خرد سال به پدر بزرگش نوشته و بدرفتاری های با داران خود را برای او حکایت می کند ، کینه آشکار نویسنده در مقابل بی قیدی ها و ستمگری ها مینماید . در داستان « میل به خواب » خرد ، نگار فقیری بنا به « وانا کاسه عبیر سن لبریز شده مجبور میشود بچه با دار خود را بکشد تا لاقول یکبار در عهده آرام بخوابد » .

آثار جعفر گنجینه برادرزادهای تزاری روس است . آثار این نویسنده در اکثر زبان های جهان ترجمه گردیده است .

بنام لیوتولستوی نه تنها خلق سوری بلکه خلبانی سراسر جهان آشنا اند . لیوتولستوی در ۲۸ اکتبر ۱۸۲۸ در یاسنایا پولیانایا که در بیست کیلومتری جنوب شهر تو لاد قرار دارد تولد کرد . خانواده پدری اش

در سال ۱۸۴۸ دیپلومی از یو هنتون پترزبورگ گرفت . وی خود درین زمینه می نویسد : « از ادبیات جزئی نمی دانستم چنان می نماید که ذوق ادبی او تنها دو سال بعد از سفری که به قفقاز کرده است نهفته گردید ، زیرا در ماه اپریل ۱۸۵۱ با برادرش « نیکو لای » که در آن جا ما عورت داشت به قفقاز رفت ، ایمن سر زمین خرما و شاداب چنان نظر نویسنده را بطرف خود جلب نمود که نویسنده حاضر شد خدمت عسکری را در آن جا بگذراند . لیوتولستوی درین زمان در اندامه نوشتن رمان بزرگ می بود که میخواست در آن خاطرات و یادگارهای خانوادگی خود را جمع کند . نخستین فصل این کتاب را در قفقاز نوشت و در آن خاطرات زندگی خود را شرح داد و بعد ها کتاب مستقلی بنام « کودکی ، نو جوانی و جوانی » نشر گردید . در سال ۱۸۶۱ داستان « بالبو شکا » و بعدا در سال ۱۸۶۲ داستان « قراقها » منتشر شد .

داستان « قراقها » یکی از زیباترین و شاعرانه ترین آثار لیوتولستوی است که در آن افکار خاص فراقها را در آغوش زبانهای طبیعت قفقاز با بیان بسیار شیوا نشان داده است .

در سال ۱۸۶۹ نخستین فصل های کتاب « جنگ و صلح » را نوشت و در سال ۱۸۷۰ مجله معروف « پیام آور روس » به انتشار آن آغاز کرد . کتاب « جنگ و صلح » او به تنها یکی از شهبازهای این نویسنده بزرگداشت بلکه از جمله شهبازهای جاودان ادبیات جهانی بشمار میرود .

در مورد کتاب « جنگ و صلح » بسیار از تفاهات بزرگ جهان بحث کرده اند . ما کمترین گورگی که اعتماد را بدی نشود لیوتولستوی داشته و در آغاز دوره نویسندگی خود که مصداق بی پایان زندگی لیوتولستوی بود در یاسنایا پولیانایا به دیدن نقش رفته است در مورد این کتاب می نویسد : « جنگ و صلح عالی ترین اثر ادبی قرن نوزدهم است . گوشتنا و فلو او نویسنده معروف فرانسه ، عواطف این کتاب را تسکین دوم » خوانده و می نویسد : اگر نگوییم

این اثر در چه اول است و ما ننسند آن کمتر میتوان خلق کرد . گزافه نگفته ام .

چه نقاشی و چه روان شناسی می ماندند ؛ در ضمن خواندن این کتاب با ره ها چنان مجذوب میشدیم که بی اختیار از جای می جستم و به آواز بلند آن آفرین می گفتم .

« دکتر ماکو ویلسکی » یکی از دوستان نزدیک لیوتولستوی ، درباره پشت کار و فعالیت لیوتولستوی اینطور می نویسد : « وی هر روز و هر ساعت می نوشت و مطالعه می نمود ، نیکی را هرگز نمی دانست ... آموزش شخصی لیوتولستوی انسان را به حیرت می اندازد . قرار گرفته ماکو ویلسکی لیوتولستوی در اخیر عمر خود این زبان را به نامی دانست : فرانسوی ، انگلیسی ، جرمنی ، ایتالیایی ، یونانی ، لاتین . زبان قدیم نبود ، بلقا ریا بی هالندی و او کرالینی .

در اخیر قرن ۱۹ املاک لیوتولستوی به مرکز کلوری و ادبی بدیل شده بود . نویسنده گان و اشخاص معروف از روسیه و عمالک دیگر در آن جا می آمدند تا با این نویسنده بزرگ آشنا گردند . در آن جا نویسنده گانی چون : تورگنیف ، فیت ، جعفر ، موردکی ، کارالینکو ، و یسری سالیف و نقاشانی مانند :

ریبین ، کر مسکوی ، گی و غیره و همچنین مجسمه سازانی مانند : آرو نیسکوی . گنزیبورگ و عده بی زیادی از موسیقی دانان مآمدند .

۲۸ اکتبر ۱۹۱۰ در یکی از شبهای تاریک خزان « لیوتولستوی » با دوست خود دکتر « ماکو ویلسکی » مخفی و برای همیشه از یاسنایا پولیانایا حرکت کردند .

صحت نویسنده خوب نبود و توان مصافقت را نداشت . نویسنده در راه به مرض سیئه بغل شدید مبتلا گردید . آه مر ایستگاه راه آهن لیوتولستوی را بخانه خود برد و ۷ نوامبر ۱۹۱۰ این نابغه ادبیات در کنتست وی رافراد و صیت خودش در یاسنایا پولیانایا دفن گردید .

به گفته لیتن : « موردکی بدون شک بزرگترین نماینده ادبیات پرولتاری است » الکسی ما کسویچ گورکی (پیشکوف) ۱۶ مارس ۱۸۶۸ در نیژنی نوگورد که فعلا بنام « گورکی » یاد میشود بدنیای آمد پدر گورکی ماکسیم سواویچ پیشکوف نام داشت که در اثر مرضی که فرا در سال ۱۸۷۲ در گذشت . در ۱۸۷۸ گورکی مادر خود را از دست داد .

گورکی گورکی در فامیل پدر کلانش که رنگبالی بود سپری گردید . مادر کلان گورکی تا ثیر قابل ملاحظه را با لای افکار این نویسنده انداخت . وی زلندی بود و هر وقت خوش صحبتی که با او می های مردمی و دل انگیز خود گورکی را می خود ساخته بود .

وفاتی گورکی به سن نه سالگی رسید پدر کلانش به او گفت : « تو همدان نیستی که در گردن خود با ویزیت ، این جا جای تو نیست . برو در بین مردم .

ناتمام

پیرونی باد صلح، دموکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان

او مرد بسیار کم حرف و اصولی بود. از اوایل جوانی تا دم مرگ هر يك از لحظات زندگی اش محاسبه گردیده بود. او تحصیلات را به سویه عالی به انجام رسانید و علاوه اش به هنر برایش امکان داد تا کار نیکو و شایسته را اجرا کند یعنی برای نخستین بار در روسیه نمايشگاه ملی ایجاد نماید تا بدین وسیله بتواند شاهکارهای نقاشی روسیه را به جهان نشان دهد. در سال ۱۸۶۰ که هنوز ۲۸ سال داشت و صیت نامیده ذیل رانوشته «آرزویم صادقانه و فطری است. سر ما به يك صدو پنجاه هزار روبل نقره را غرض ایجاد موزیم هنری در مسکو بطور ذخیره میگذارم». و در جای دیگر «اولتر از همه از برادریم سرگسی خواهم شنیدم. آرزویم را درک کند و بداند که من هنر را بسیار صمیمانه دوست میدارم و کار بزرگی ازین نخواهد بود که بنشینم اولین گنجینه هنرهای نقاشی غذاشته شود تا مردم از دیدن آن ها حظ ببرند». اولین تابلو را که ترتیاکوف در سال ۱۸۵۶ بدست آورد شاهکار نکلای شلدور «گمراهی» بود.

این تابلو از نقطه نظر هنر نقاشی برتری خاصی ندارد اما واقعتاً های زندگی را بیان میکند. آرزوی ترتیاکوف در محافل نقاشی فوراً پذیرفته شد، دیدگاه نقاشان جوان که از قشر درباریان نبودند بادیدگاه ترتیاکوف مطابقت تام داشت و عقیده داشتند که هنر باید زندگی واقعی مردم را منعکس نماید. ترتیاکوف از طریق نقاشان جوان از بزرگترین نقاشان روسیه اطلاع می یافت زیرا آنها کلکسیون های ترتیاکوف را نظرها کلکسیون های شاهان و سزاده ها ترجیح میدادند. در سالهای (۱۸۷۰) در روسیه نمايشگاه های بسیار توسط نقاشان جوان ایجاد گردید. عجب اینست که شاهکارهای معروف مانند «زاغ ها پر واز میکنند» از الکسی سا ورا سوف، «صبا دان در استراحت» از واسیلی پیروف، «شب ماه می» از ایوان گرامسکی، «پتر او لار» شهزاده الکسی استنطاق عیضا بد

از نکلای گای و فیکه به عرض نمایان گذاشته میشد با لای آنها چنین نوشته شده بود: «ملکیت با ول ترتیاکوف قسمتی که بعد هاهامو شد ترتیاکوف آنها را قبل از تکمیل شدن از نقاشان خریداری نمود. بوده تمهید کننده معروف نقاشی آنوقت ولادیمیر ستا سوف را جمع به ترتیاکوف چنین نوشت: «چیزی را که مو سمات بزرگ نمیشوند اجرا کنند ترتیاکوف آنرا را بسیار ذوق و علاقه



پورتريت نقاشي شده ماري لوبوخين سال ۱۸۹۷

از سیمو نشات

ترجمه از احمد شاه

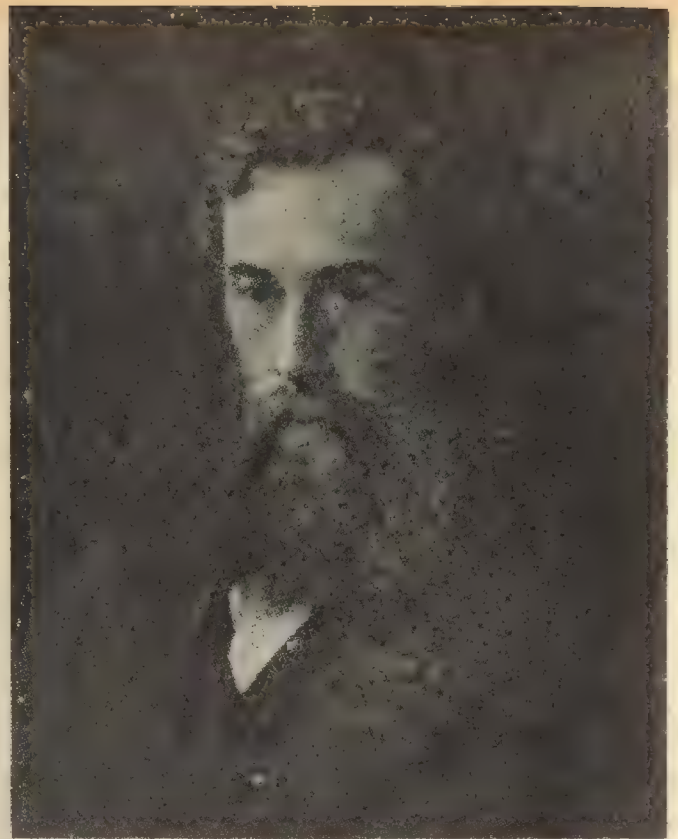
به مناسبت سالگرد انقلاب کبیر اکتوبر

نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

ترتیاکوف به مسکو آمد و آنجا که در سال ۱۸۵۶ در مسکو در یکی از خانواده ثروت مند دنیا آمد.

نمایشگاه ترتیاکوف در اتحاد شوروی است: «نمایشگاه نقاشی با ول ترتیاکوف و سرگئی ترتیاکوف که در سال ۱۸۵۶ بنیان گذاری شده است در سال ۱۸۹۲ بول ترتیاکوف با وصیت برادر خود سرگئی

نمایشگاه ترتیاکوف در اتحاد شوروی مشهورترین موزیم هنری «پتروفسک» در مسکو است که در آغازین قسمتی از قدیمی ترین قسمت های مسکو احداث گردیده چنین حک شده



یاقول ترتیاکوف

نقاشی ایوان گرامسکی

انجام می دهد و علاوه ازین هیچ کس نمی تواند این اندازه از نقاشان غمخوار و غمگین مثل اینکه ترتیاکوف از وضع زندگی آنها واری می نماید.

یکی از اولین اقدامات ترتیاکوف ایجاد «موزیم در موزیم» بود. در این موزیم ترتیاکوف سبک های نو مانند ها آهنگ سازان - اکور ها، بشرو های فرهنگ را جمع آوری نمود. او این کار را یکی از وظایف وطن پرستی خویش میدانست.



نمای بیرونی نمایشگاه مشهور نقاشی ترتیاکوف

وقت تعداد تابلوهای او به (۱۲۷۶) عدد میرسد.

مردم روسیه ازین کار وطن پرستانه ترتیاکوف قدردانی نمودند. به افتخار این کار در سال ۱۸۹۴ او لنین کنگره نقاشان سرسری روسیه دایر گردید و در آن به ترتیاکوف سند افتخاری تمبر محترم ممکو اهدا گردید.

ترتیاکوف سعی نمود تا در نمایشگاه خود نبوغ نقاشان روسی را نشان دهد. در زمانیکه نقاشی اکادمیک از طرف نقاشان جوان رد میگردد، ترتیاکوف به جمع آوری شاهکارهای اکادمیک قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ پرداخت زیرا او این کار را به حیث یادگارهای فرهنگی تلقی نمود. ترتیاکوف با درکار زندگی اقدامی به آخر برداری شاهکارهای نقاشان سبک جدید مانند والتین سیروف، میخائیل دروبیلیا پرداخت.

بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکثر بر این موزیم بنام نمایشگاه دولتی ترتیاکوف مسمی گردید. چندی بعد در نمایشگاه تغییرات جدیدی رخ داد. کلکسیون نقاشی اروپای غربی علیحده شد و به موزیم هنرهای زیبا که در حال حاضر بنام موزیم نقاشی و مجسمه سازی دولتی یو شکین باد مگر در تعلق گرفت و از اثر انجلال موزیم ها و کلکسیون های شخصی غنی تر گردید.

این موزیم در حال حاضر با زحمات تو سعه می باشد و در خود شاهکارهای نقاشان شوروی را جای میدهد.

فیلا در نمایشگاه اضافه تر از پنجاه هزار آثار نقاشی، مجسمه سازی قرن (۱۹) الی عصر حاضر وجود دارد.

هنر نقاشی روسیه از قرن یازدهم الی اواسط قرن چاردهم

در سال ۱۸۹۰ در مسکو در موزیم تاریخی کنگره نهم باستان شناسی دایر گردید. درین کنگره ترتیاکوف منجبت مهمان اشتراک نمود و به مطالعه نمایشگاه باستان شناسی پرداخت. او درک کرد که چه



خطای را مرتکب شده است زیرا که در نمایشگاه خود هنر باستانی روسیه را جای داده است. آنوقت تصمیم میگرفت تا به جمع آوری تابلوهای باستانی شروع کند و آرزو داشت که به آثار جاویدان تا بقعه بزرگ اندری روبلوف دسترس پیدا کند. اما کلکسیون تابلوهای باستانی ترتیاکوف بسیار ناقص می باشد.

نقاشان روسیه باستان اگر چه از فواین و موضوع های مذهب عیسوی و اسلوب افسانوی پیروی میکردند اما باز هم درین چوکات نکات علیحده به نظر می رسید. به این ترتیب هنر روسیه باستان تصور را تابتی مردم را در قسمت عدالت، احترام به نیکوئی بشریت، احترام در مقابل محبت مادر و استواری روحیه مدافعین وطن منعکس می نمود.

حملات مغل و تاتارها در قرن سیزدهم به فرهنگ روسیه خسارات زیادی وارد آورد و به تخریب شهرها و از بین رفتن خا طرات قیمت بنای نقاشی انجام میداد. متجاوزین تنها اوا نمشند از انکشاف سریع نقاشی جلو گیری کنند.

از نیمه دوم قرن پانزدهم به این طرف مسکو منجبت با پخت مرکزی روسیه شتاب خه شد. ازین تاریخ به بعد در تمام نقاط زندگی فرهنگی روسیه رشد سریع ایجاد گردیده منجبت با تابلوهای

نقاشی مغلقت شد و بعضی از آنها به قسم تابلوی تاریخی که واقعیتی زندگی را ترسیم میکردند ظاهر

شدند. به این ترتیب در هنر باستانی روسیه انعکاس قرائت زندگی حقیقی و ارتباط آن با هنر به نظر رسید.

در اوایل قرن ۱۸ از برکت رفویم پتر اول در فرهنگ نقاشی تحولات عمیق رخ داد. هنر روسی از اید یا لوزی پو سید ه فرون وسطی جدا شد و به اسلوب نقاشی اروپای غربی او صل جست.

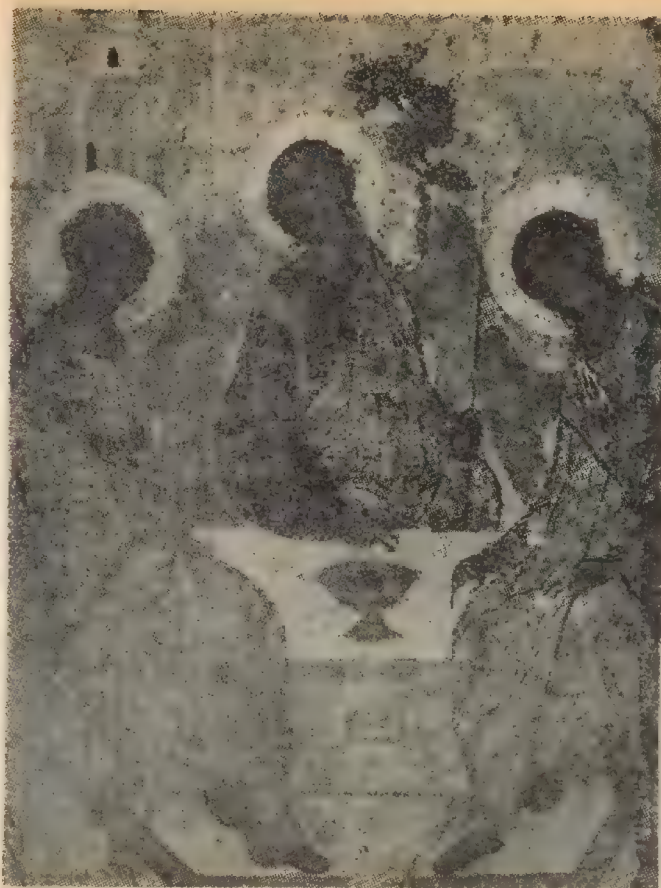
در این اوقات در هنر نقاشی اسلوب های مختلف علیحده نیز خلط شده در نقاشی تغییرات عمیق رخ داد و بعضی جنبه های زیبا پرستی به جنبه دموکراتیک و حقیقی هنر نقاشی رو آورده شده و اسلوب های علیحده ترسیم تابلوهای منظر طبیعی بیشتر مروج گردید.

در سال ۱۷۵۷ در روسیه اکادمی هنر نقاشی تأسیس گردید و هدف خود را به این شعار خلاصه نمود:

«آثار هنری درخود شکوه و عظمت هنری را باید نهفته داشته باشد».

هنر اکادمیک اگر چه از اسلوب نمونه های افسانوی استفاده می کرد اما باز هم در ضمن آن نکات بشر دوستی، شجاعت و وطن پرستی منعکس میگردد.

فارع التحصیلان اکادمی در آینده نزدیک شهرت زیاد و کسب کردند از آنجمله الکساندر ایوانوف به شهرت جهانی رسید.



تابلوی که به‌منوبه خاص کار شده در نمایشگاه تریاکوف



نقاشی کارل بروکوف سال ۱۸۳۲

زمانیکه کلکسیون تریاکوف تریاکوف گردید، اکادمی نقاشی تا اندازه زیاد اهمیت خود را از دست داد. در آثار هنری بیشتر ریا لیژم انعکاس می یافت و گمانیکه نابلو هارا جمع آوری می نمودند به آثار هنری قرن هژده اعتنا نمی کردند اما تریاکوف از اهمیت آنها آگاه بود.

او بیشتر اوقات در مغازه های عتیقه فروشی میبود به امید اینکه آثار هنری نامشروع را بدست آورد که این کارش چندین بار به موافقت انجامید. تریاکوف این را نیز میدانست که تعداد زیادی از تمثال های معروف و باستانی در خانه های شخصی مردم موجود میباشد از دوستان خود خواهش نمود تا در این مورد به او اطلاع دهند، تریاکوف خود نیز با خانواده های قدیمی تر باط مکتوبی میگردفت و از آنها خواهش می نمود تا تمثال ها را به نمایشگاه او واگذار شوند. به این ترتیب تریاکوف با چهل تمثال قرن هژده را جمع آوری نمود که در بین جمله آثار هنری نقاشان معروف نیکپین، لئونیسکی، و کوکوتوف شامل میباشند.

نمایشگاه مشهور نقاشی تریاکوف شوقین جارده نفر:

اساس و صدفه در خسان کلکسیون تریاکوف را سال ۱۸۶۱ یعنی سالیکه در روسیه رینویم بیان آمد تشکیل میداد. این شاهکار بزودی در نامجم روسیه بخش گردید علاقه مندان هنسر نقاشی را به هیجان آورده آنها قشمتی از آنها درین مورد از خود ناباوری سان میدادند. نقاشی های مذکور در مبارزه با نقاشی ها یکباره صرف جنبه اکادمیک و رسمی داشت مقام مناسب را کسب نموده است. این مبارزه نه تنها علیه اکادمیزم و علیه سبک هنری بود بلکه مبارزه چپان بینی های متضاد بود که بالاخره به شورش جارده نفر انجامید.

این جارده نفره سرگردانی یوان کرامسکی در سال (۱۸۶۳) از روش رهبران اکادمی نقاشی علم رعایت خود را اعلام نموده و برای ابد با اکادمی قطع علاقه نمودند.

در نیمه نو میر سال ۱۸۶۳ محصلین اکادمی غرض امتحان نهائی گردیدند. رئیس اکادمی معیبت سوال امتحان اعلام داشت تا در قسمت نقاشی هائی که رکنند که موضوع افسانوی وادار باشد.

درین اثنا ایوان کرامسکی از جای برخاست و اظهار داشت که جارده نفر درین امتحان اشتراک نخواهند ورزید زیرا که شورای اکادمی پیشنهاد آنسها را مبنی بر انتخاب آزاد موضوع نپذیرفته است.

هر يك از اعصاب کنندگان اختاریه تحریری با لای میز گذاشته و برای ابد ارنیاط خود را با اکادمی قطع نمودند. بعضی از مداحین وقت این عمل آنها را میخواستند «سبک مغزی و بی

دوستانه به تمام خلق بای جهان که در راه آزادی و استقلال و ترقی اجتماعی مبارزه می نمایند

معروف و مشهور در نمایشگاه تریاکوف موجود میا شد. در سال های (۱۸۹۰) واسیلی پولنوف بجهت استاد نقاشان ظهور نمود. در این وقت مباحث مستند در شاهکاری های خود هر چه اضافه تر نکات شاهکارانه را جا دهند. این قسمت صفحه دیگر هنر روسیه را نشان میدهد.

پتراول بود نقش شده است. پس از وفات پتر اول منشیکوف میخواست زمام امور را بدست گیرد اما در پلان خیر اندیش خویش موفق نگردد. نام او را لوتوت اش ضبط شدو به سایر یادگر تعبد بر سر میبرد. سوزیکوف منشیکوف و خانواده او را در خانه محقر نشان می دهد. علاوه از شاهکارهای فوق آثار هنری نقاشان

جیران نا پذیر بد در مقابل پسرش حکایت میکند. چون این تا بلو خاصیت افتاء گری را دارا بود تریاکوف به بسیار تکالیف توانست تا آنرا به عرض نمایش بگذارد. در شاهکار واسیلی سوزیکوف «منشیکوف در بر زوف» زندگانی تر از بدی و پر مشقت منشیکوف را که از بین مردم برخاسته بود و هر زم

انار این گروه در نمایشگاه ترتیب کوف بدون کم و کاست آن وجود دارد. بطور مثال آثار ایوان کرامسکی يك صالون بزرگ را اشغال نموده است. ایوان کرامسکی را جمع به تا بلو خود «حضرت عیسی در بیابان» چنین میخواند: «هر شخصی در زندگانی خود با لحظه مواجه میشود نمیداند بطرف راست و یا چپ برود، بطرف چپ روگردان شود و یا يك قسم در مقابل فجایع پابه عقب بگذارد». این تا بلو یکی از شاهکارهای بود که تریاکوف آنرا بسیار دوست داشت.

اهدای که درین نقاشی گنجینه شده است به روحیه و مفکوره روشنفکران پیشرو سالهای (۱۸۷۰) که مضمون زندگی را در منصرف شدن از زندگی شخصی بخاطر تحقق آرمانهای مردم می دیدند بسیار قرابت داشت. یکی از قسمت های نمایشگاه تریاکوف را تا بلو های تکلیفی می که نقاش مشهور بود

و مانند کرامسکی در نقاشی های خود از مان های مردم را تمثیل نموده بود تشکیل داده است. این موضوع را یکی از شاهکارهای او بنام «پتر اول از پسر خود شهنشاده الکسی استعطاق مینماید» و نقاشی های دیگر او که در اواخر زندگانی خود تحت رهنمائی های لوف تولستوی که در عین دوست بسیار عصبی گئی بود ثابت مینماید. در قسمت نیه دوم قرن نوزده تا بلو های مناظر طبیعی انکشاف سرریع نمود. در نمایشگاه سیار خود الکسی ساود اسوف یکی از شاهکارهای خود را بنام «زاغ هابرواژ نمودند» به نمایش گذاشت که به گفتار کرامسکی ازین لحظه طهش به قلب «طبیعت روسیه» آغاز گردید. در پیشرفت های که نمایشگاه سیار به آن تا میل آمد استعداد های مانند ایلیا ریپین و واسیلی سوزیکوف را با زی نمودند بطور مثال علاقه خاص ریپین به حوادث در اما تیک در بسیاری از شاهکارهای او مانند «انتظار نه کشیدند»، «ایوان گروزی و پسرش ایوان در ۱۶ نومبر سال ۱۵۸۱» از تیوغ او در مورد هنر نقاشی حکایت میکند.

یکی از شاهکارهای نمایش «ایوان گروزی و پسرش ایوان ۱۶ نومبر سال ۱۵۸۱» روی واقعیت استوار است. در این شاهکاری ها دیده میشود که ایوان گروزی در لحظه غلبه خشم پسر خود را بقتل می رساند. تمام نکات شاهکار از خطا و عمل



نقاشی فدوتف بنام عروسی قوماندان سال ۱۸۴۸

مقدمه بر سوسیالیسم اتحاد شوروی که به معنی «بشریت» است

دادعلی «نیرو»

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر یاسر آغاز تاریخ نویین بشریت

هفت نوامبر سال ۱۹۱۷ که از آن مدت ناکتونی شصت و دو سال سپری گردیده است، جهان رستاخیز ژرف و رویداد سترگت در سرزمین روسیه به وقوع پیوست که در نهایت آن دیوان کهنسال زمان و در آینه پروسه تکاملی جوامع بشری هیچ رویداد و رستاخیز، با چنین اہمیت و سکوہ کسب ماہیت سیر تکاملی زمان و زندگی اجتماعی را دگرگون ساخته باشد درج نشده و باز تاب نگردیده و نیگردد. این رستاخیز همانا انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ در روسیه بود که واقعا جهان بشریت را تکان و تحریک شگرفی بخشید.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ۱۹۱۷ اولین انقلاب بیروزمند پرولتاری بود که در فروغ نیوگ رهبر داهی حزب بلشویک و موجود و آموزگار احزاب طراز نوین پرولتاری و لادیسلاو اولیانوف (لنین) و رفیق اراده پرولتاریای رزمندہ روسیه و در نهایت بمشابه ضرورت عینی تاریخ جامعه آنجا ظهور رسید. گرچه

تاریخ انقلابات زیادی را دیده است، اما انقلاب سوسیالیستی اکتوبر با همه انقلابات پیشین که در مسیر زمان بوجود رسیده بود تفاوت کیفی داشته و به هیچوجه نمیتوان چنین انقلاب عظیم و انسانی را با آنها در مقایسه گرفت. بطوریکه همه انقلابات پیشین تنها یک فرمایشون اقتصادی، اجتماعی را بدون آنکه تر مایهت استثمار آن دگرگونی انقلابی وارد آورد، بجای فرمایشون اقتصادی اجتماعی دیگر قرار میداد و اما انقلاب اکتوبر

۱۹۱۷ از لحاظ شکل و مایهت و هدف و وظائف خودہ تنها در مایهت و مضون تاریخ جوامع بشری تفصیرات شگرفی رونما ساخت بلکه اولین بار قدرت سیاسی را از جنگال جباران و استثمارگران رها نده و بدست استثمارشوندگان انتقال داد که این اساسی ترین تفاوت کیفی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف در یوبه تاریخ به شمار می آید.

انقلاب کبیر اکتوبر سر آغاز ساختن جهان و جامعه نوین و مشابه آغاز گر انقلابات پرورمند ملی، خلقی و کارگری در سراسر جهان دارای اهمیت و مقام تاریخی و جهانی بوده که چه از جهت مبانی طبقاتی خود و چه از نگاه پایه های ایدئالوژیک و سیاسی اش فرا راه تجربی و علمی همه انقلابات پرولتاری قرار گرفته است. اما در اینجا باید گفت که این انقلاب نه اینکه آغاز انقلابات کارگری در جوامع بشری میباشد بلکه در فروغ همین انقلاب بود که نهضت های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک از مرحله کلاسیک خویش بیرون جعبه و وارد مرحله طراز نوین گردیدند، زیرا تا زمانیکه هسته جهان سوسیالیزم بوسیله فعل و انفعالات تاریخ انقلاب کارگری اکتوبر فسخ و تکوین نیافته انقلاب کارگری اکتوبر فسخ و تکوین نیافته بود سخن از انقلابات ملی و نهضت های رهایی بخش ملی به شکل نوین در میان نبود بدین مضمون که قیلا هدف نهضت های رهایی بخش ملی را صرفا حصول استقلال سیاسی احتوا نکرد در حالیکه بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر کلمه نهضت های نجات بخش ملی وارد مرحله طراز نوین گردیده و از آن به بعد تنها با حصول استقلال سیاسی کشورها بسنده ننگردد از جهت دیگر نهضت های رهایی بخش ملی و انقلابات ملی و دموکراتیک در جهان پشوانه و پیشاهنگ بهتر و برتر از اردوگاه سوسیالیزم ندارد که این اردوگاه معصوم پیروزی انقلاب اکتوبر وده آورد

تکامل پر و سه تاریخی و جهانی است. این انقلاب، واقعا دارای ویژگیهای ملی، اهمیت جهانی، مقام تاریخی مایهت انقلابی، اهداف انسانی و در بردارنده فورم و محتوای بی سابقه و بی نظیری بوده و هست که میتوان در بیان هر یک کتب و رسالات متعددی در قید نگارش کشید اما این مقال از حوصله بیان و بازتاب و وصف کلیه جهات چنین مختصات

آن عاجز است ولی لازم می بینم که نکات زیرین را بصورت مختصر از نظر خوانندگان مجله وزین ژوندون عبور دهم:

- ۱- مبانی ایدئالوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر.
- ۲- مبانی طبقاتی و اجتماعی.
- ۳- اهمیت ملی.
- ۴- اهمیت بین المللی.
- ۵- مقام تاریخی.
- ۶- اهداف.

۱- مبانی ایدئالوژیک انقلاب سوسیالیستی اکتوبر:

انقلاب کبیر اکتوبر ۱۹۱۷ که برای اولین بار بنیاد استثمار دادرهم ریخت دارای چنان مبانی ایدئالوژیک بود که آتش خاموش نشدنی را در خرمن ایدئالوژی های بورژوازی و ارتجاعی افکند و نه تنها برای نخستین بار با فرو ریختن کاخ استثمار در سرزمین روسیه پروسه افول و زوال قطعی استثمار را در قیاس جهان آغاز نهاد بلکه به نحوی علمی و عملی بی پایه بودن و مایهت ضد انسانی ایدئالوژی های ارتجاعی را که هواره بخدمت طبقات میرنده و رویه زوال عمل میکنند نیز افشا و بر ملا ساخت زیر همانطوریکه ایدئالوژی های طبقات میرنده و تاریخ زده اجتماعی در سنگر استثمار قرار گرفته و استثمار را جاودانه توصیف میکند انقلاب کبیر اکتوبر که در فروغ و بر بنیاد ایدئالوژی علمی پرولتاریا به تحقق رسید به همان سان ایدئالوژی های ارتجاعی را مایهیا افشا کرده و ثابت کرد که تمام ایدئالوژی های ارتجاعی به هر شکس و نحوه ای که عمل میکنند فاجر نیست که دردی از درد های بشریت زحمتکش را درمان کرده و یا آدمیان را بصوب قتل آرمائهای بلند پایه و مرز مصادات واقعی آنان رهنمون واقعی باشد که یکی ازین شواهد همانا زوال خود استثمار در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه بود بدین مضمون که این ایدئالوژی ها، استثمار را جاودانه و هائی توصیف کرده و برای همیشه پایدار می دانستند اما همینکه مناسبات استثمار گرانه بین انسان و در روسیه در هم شکست مسلما از یک طرف بی پایه بودن ایدئالوژی بورژوازی و پشدار ها و تصورات طبقات استثمارگر و موعظه های دروغین ایدئالوژیک های این طبقات عملا به اثبات رسید و از جانب دیگر با فرو ریختن دژهای استثمار، این حکم علمی آید بود.

لوژی علمی طبقه کارگر که سالها پیش از رهبر انقلاب اکتوبر بوسیله مارکس و انگلس تدوین شده و بوسیله ولادیمیر ایلیچ لنین در پیروزی انقلاب اکتوبر به حقایق رسید نیز ثابت گردید که استثمار همانسان که در تاریخ همیشه وجود نداشته و در یک سننر عالی جامعه نیز به کلی نابوده میگردد.

۲- مبانی طبقاتی و اجتماعی:

ایدئالوژی ای که در پرتو آن از جامعه روسیه و اوضاع جهان شناخت درست به عمل آمده و لیکن بر پایه آن حزب طراز نوین پرولتاری را ایجاد کرده و تکامل داد که در نتیجه مبارزات هدفمند و آگاهانه این حزب انقلاب کبیر اکتوبر مطابق اراده پرولتاریای یکپار جوی روس به پیروزی رسید و در نهایت این انقلاب نیز بر اساس همین ایدئالوژی و در پرتو رهنمود های خلق آن گسترش و تکامل یافت همانا ایدئالوژی علمی طبقه کارگر بوده که علمی ترین، پر توان ترین و واقعی ترین و برنده ترین ایدئالوژی ها بوده که در سنگر منافع طبقات زحمتکش و موافق به واقعیت های زمان و رشد عینی تکامل جوامع بشری عمل می کند.

ایدئالوژی طبقه کارگر که مبانی ایدئالوژیک انقلاب کبیر اکتوبر و سایر انقلابات پرولتاری جهان بوده و میباشد از جامعه و جهان شناخت درست بدست میدهد، پدیده های اجتماعی را به نحوی علمی بررسی میکند. استثمار را جاودانه نمیداند و یا اینکه خلق را سازنده تاریخ میداند و باورمند است که در سراسر جهان صلح و ترقی اجتماعی به پیروزی رسیده و بر تمام مظاهر ملی و طبقاتی و نمود های ضد ترقی و ضد انسانی پایان داده می شود. از نظرگاه ایدئالوژی علمی طبقه کارگر جامعه سیر بویایی داشته و از سکون و سکوت بعد میگرزد. ایدئالوژی علمی طبقه کارگر، آینده را از پرولتاریا میداند و پیروزی حق را بر باطل و علم را بر جهل و در فرجامین سخن غلبه ارضا را بر ارتجاع ضرورت تاریخ و حکم آمرانه داور زمان بیان می کند از نظر ایدئالوژی علمی طبقه کارگر کهنه زوال می یابد و جای خود را به نو میگذارد.

این ایدئالوژی امروز رهگشای پر توان و مشعل فروزان همه بشریت زحمتکش بوده که هیچ ایدئالوژی دیگر را توان مقاومت و نبرد در برابر آن نیست زیرا این ایدئالوژی یگانه ایدئالوژی علمی، واقعی، بران و فروزان بوده که در سنگر پرولتاریا و دیگر زحمتکشان قرار دارد و انقلاب کبیر اکتوبر در پرتو و بر پایه همین ایدئالوژی به پیروزی رسیده و تکامل دیده است و این اولین و مهم ترین انقلاب در تاریخ بود که در پرتو چنین ایدئالوژی تحقق یافت و بر بنیاد همین ایدئالوژی استحکام و تکامل کرد.

در بند پیشین دیدیم که مبانی ایدئالوژیک انقلاب کبیر اکتوبر همانا ایدئالوژی علمی طبقه کارگر بود چون ایدئالوژی طبقه کارگر سلاح همه زحمتکشان در نبرد با دشمنان ملی و طبقاتی شان میباشد لذا اولین انقلابیکه آرمانها و خواسته های طبقات استثمار شونده

رادر آینه مرآه انقلابی و در پروسه عمل خود منعکس ساخت همانا انقلاب کبیرا کتوبر بود مثلا قبل ازین انقلاب در انقلابات دیگر اهداف و ماهیت شان به سود اکثریت نبود. نه با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بود که کارگران و دهقانان که مطابق اصول علمی ایدئالوژی پرولتاریا متحدین نزدیک آنان در مبارزه علیه ارتجاع، استبداد و امپریالیزم محسوب میگردند. بهم متحد شده و در پیشاپیش دیگر اقشار و طبقات زحمتکش و مولد اجتماعی در حفظ و حراست و تکامل انقلاب خویش و در امر درهم شکستن مقاومت بورژوازی و سایر دشمنان طبقاتی شان نحت و بهری دولت دیکتاتوری تپ نوین ایشان که مولود انقلاب اکتوبر بود در دو جهت یعنی در ساختمان جامعه نوین و در برابر دشمنان خویش کار و یکپار انجام داده و میدهند. بنابرین انقلاب کبیر اکتوبر بحیث نخستین انقلاب پیروزمند کارگری نه اینکه علی الرغم دیگر انقلابات، در پرتو ایدئالوژی علمی پرولتاریا و برپایه این ایدئالوژی به پیروزی رسید بلکه اولین بار در تاریخ پایه های اجتماعی چنین انقلاب را علما و عملا کارگران دهقانان، پیشه وران واهل کسبه، کارمندان زحمتکش دولتی، روشنفکران و دیگر اقشار و اصناف مولد و زحمتکش تشکیل میداد که در انقلابات گذشته هیچ سابقه نداشت. ماهیت این انقلاب طبقاتی پیوده و نه روی ملاکهای محلی، مذهبی، ملی و فامیلی بلکه روی ملاکهای طبقاتی پایه و مایه داشت.

بدین مفهوم که انقلاب کبیر اکتوبر راه نجات کسانی را به پیش کشود که سازندگان واقعی تاریخ و مولدین اصلی نعمات مادی و معنوی بودند. واقعا این رویداد زرف و شگرف در تاریخ بشریت بی سابقه بود که قدرت سیاسی برای نخستین بار از دست طبقات استثمارگر بدست طبقات استثمار شونده انضال یافت. در اثر انقلاب اکتوبر بود که دولت مستبد تزار و ارگون شد و در جای آن دولت دیکتاتوری پرولتاریا مستقر گردید. و بدین ترتیب دولتی پدید آمد که در سنگر دفاع از صلح، استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی قرار گرفته و در مقابل ارتجاع و آگاهانه طبقاتی را در برابر غول ارتجاع و استبداد به اهتزاز در آورد.

در پایان این بند باید گفت که یکی از صفات کینی انقلاب اکتوبر با انقلابات سلف آن همانا میانی طبقاتی آن بود که عبارت از کارگران و دهقانان و سایر زحمتکش و مولدین نعمات مادی جامعه بودند و این واقعا جرجش زرف و عظیم تاریخی بود که طبقات استثمار شونده صاحب قدرت سیاسی شده و بادیست گرفتن سر نوشت خویش در راه اعمار جامعه بدون طبقات و در راه صلح و ترقی اجتماعی به کار و یکپار آغازیدند.

۳- اهمیت ملی : انقلاب کبیر سوسیالیستی در روند گسترش ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود دگرگونی های زرف و همه جانبه را در جامعه روسیه پدیدار ساخته و در پرتو همین گسترش چند بعدی، انقلاب اکتوبر بوده که اکنون کلیه جمهوریت های اتحاد شوروی

دارای زندگی آبرومندانه و شگوفان و مرفه می باشند. زیرا همینکه انقلاب کبیر اکتوبر به پیروزی رسید مائین ظلم و ستم دولتی بورژوازی تزار درهم شکست، دولت نوین پرولتاریا ایجاد شد. کارگران و دهقانان بهم متحد شدند. طبقات استثمارگر از سریر قدرت فرو افتیدند اولین بار اهمیت و نقش صلح به نحوی همه جانبه ارزیابی شده و درفش آن به اهتزاز درآمد. فرمان مساله اراضی صادر شد که مطابق آن «مالکیت ملاکان بر زمین یکجا برای همیشه و بلا عوض ملکی شد. زمین به مالکیت خلق درآمد در اجرای این فرمان یکصد و پنجاه میلیون هکتار زمین زراعتی مجانا به دهقانان واگذار گردید».

در جهت احیای فرهنگت ملیت های مختلف اقدامات به عمل آمده و در زمینه حق تعیین سر نوشت ملل، اصل آزادی ملت ها در منصفه عمل نهاده شد. قروض و اقساط دهقانان ملکی اعلام شد و عملیات واقدامات انقلابی جهت شگوفانی کشورشورا ها و بنظر اعمار جامعه بدون طبقات سرعت گسترش یافت و طبقه ارمغان انقلاب کبیر اکتوبر باین ترتیب درخشان تر گشت که : «صلح برای کشور، زمین برای دهقان، آزادی برای زحمتکشان، مساوات برای زنان، و راهی از ستم ملی برای خلقها، نجات از بند و امتیازات طبقاتی و ستم اجتماعی».

در پروسه انقلاب کبیر اکتوبر بعد از فرم سوسیالیستی ارضی، پروسه میکانیزه شدن عمیق زراعت آغاز نهاده شد صنایع ثقیل و سبک به نحوی شگرفی توسعه و انکشاف داده شد راه های آهن احداث گردید و آنچه که قبلا وجود داشتند همه عملی شده و در اختیار خلق قرار گرفت. بانک ها ملی گردید. یعنی در فروغ انقلاب کبیر اکتوبر بود که وحدت خلقهای برادر و ایمن به ملیت ها و ملل گونه گون سر زمین پهنای شوروی تامین شد زنان برای اولین بار از حقوق طبیعی و اجتماعی شان به نحوی عصری و دموکراتیک برخوردار شدند. تعلیم و تربیت اطفال و جوانان مطابق روحیه انقلاب و در پرتو جهان بینی علمی رواق انقلابی یافت، مبارزه علیه انواع بی عدالتی، تبعیض، ارتشاء، بیکاری، بیسوادی، بیماری، فقر، جهل، رذخوت سیاسی عقب مانی اقتصادی، نابرابری های اجتماعی. زور و زور گویی و نظایر اینها تشدید یافت و کار و یکپار در جهت استفاده از ذخایر سرشار طبیعی و فعال ساختن همه جانبه قوای بشری در دهکده ها و مراکز شهری گسترش داده شد و بدین نحوه خلق شوروی در پرتو انقلاب کبیر اکتوبر راه بهتر و برتر و انقلابی زندگی را جلو انداختند و روز بروز بر معایب مشکلات و مصایب گونه گون غلبه می آوردند. اما در چنین حالات ارتجاع داخلی و خارجی نیز آرام نه نشستند و به عملیات، توطئه ها، تجاوزات مسلحانه و تروریسم ها و تبلیغات

بیشمارانه و خصمانه نیز دست یازیدند. در مرتجعین داخلی و بازماندگان تزار مسواد ارتزاقی را با پول از بازار ها و مارکیت ها خریداری کرده و با بخال پنهان میکردند و یابه دریا ها می انداختند. پارچه های گونه گون

جمع آوری شده و به آتش انداخته می شدند کار شکنی و سبوتاژ، اختلال و دهشت و ترور، و تهدید اذهان به شدت دامن زده می شد. جنگهای داخلی مشعل گشت، تجاوزات مسلحانه دشمنان خارجی انقلاب اکتوبر، بره افتاد چنانچه در برابر دولت جوان شوروی (چکره) کشور امپریالیستی دست به تجاوز بردند تمام منابع تبلیغاتی و نشرانی امپریالیزم و استعمار شب و روز از سقوط و شکست و ناکامی انقلاب کبیر اکتوبر واز نا بسودی بلشویک ها گزارش میدادند. اما در چنین شرایط انقلاب به پیش می رفت و دشمنان انقلاب پیوسته و وسایه و افشا می شدند خلق و دولت شوروی در دو جنگ اول و دوم جهانی خسارات زیادی متقبل شدند اما از انقلاب خویش تا پای جان حراست و حمایت کردند و همان است که در طی شصت و دو سال کشورشورا ها از به اصطلاح پیشرفته ترین، متدین ترین و عصری ترین کشور های بورژوازی جهان پیشی گرفته و چنان جامعه بی اعمار گشت که اکنون میتوان گفت که در روند آنجا تنها در صلح و سعادت و ترقی اجتماعی می ناید و اکنون دارند که وارد مرحله دوم جامعه نوین گردند.

۴- اهمیت بین المللی :

انقلاب کبیر اکتوبر دارای اهمیت عظیم بین المللی بوده چنانکه از همانم که به پیروزی رسید بنیاد استثمار و سرمایه را در سراسر جهان به ارتعاش افکند و تمام صفحات گیتی که در سایه سیادت استثمار قرار داشت به دونیم بخش کرده و بدین ترتیب نه تنها قوت استعماری جهانخوا را ضعیف و ناتوان ساخت بلکه در همه جا پروسه تلاشی سیستم مستعمراتی سر بیا آغاز یافت جهان به دو اردوگاه متخاصم سوسیالیستی و امپریالیستی تقسیم گردید. در سراسر جوامع سرمایاداری نهضت کارگری و انقلابی پرولتاریا اوج گرفت و در کشور های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین درفش حریت طلبی و مبارزه علیه استثمار به اهتزاز درآمد چنانچه در پرتو تأثرات امواج نور انقلاب کبیر اکتوبر بود که خلق قهرمانان مانز با قیام مسلحانه خویش برای نخستین بار به سیادت مستقیم استثمار پرولتاریا در کشور شان پایان داده و باین شکل یکی از حلقه ها زنجیر استعماری را در بین صفحه گیتی از هم فرو باشتند خلقهای ایران، هندوستان چین و کشور های دیگر علیه ارتجاع داخلی و تسلط استعماری به یکپار برخاسته و بدین نحوه هر روزی که میگذشت کشوری آزادی خورا از دست استثمار بازمی ستاند.

در ادامه پروسه تکامل همین انقلاب بود که بعد از جنگ دوم جهانی یک عده کشور های دیگر در اروپای شرقی دارای نظام های خلقی و کارگری شدند و روز بروز سیستم سوسیالیزم کشی و نیروی جاذب شگرفی در میان خلقهای جهان ن باز یافت و هم اکنون اکثریت مسکونیس سیاره ما راه سوسیالیزم را در پیش گرفته اند.

یعنی انقلاب کبیر اکتوبر مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان نیز تشدید کرد و در درفش صلح و آزادی خواهی در همه جا بلند شد، و امیر یا لیزم در آستان نزوال

کلیه نهضت های ملی و انقلابی با سوسیالیزم قرین و پیوست گردیده و همین حالا سه روند نیرو مند انقلابی جهان یعنی سیستم جهانی، سوسیالیزم، نهضت بین المللی پرولتاریا و جنبش های رهایی بخشی ملی که علیه استثمار، ارتجاع و امپریالیزم مستقیم و غیر مستقیم پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتوبر میا شد.

مسلحانه تاریخی : انقلاب اکتوبر بر پروسه تاریخ و تعیین سیر تکاملی آن نقش انقلابی بیجا نهاده و سمت گرایش تکامل جوامع بشری را پیش ازین مشخص گردانید، بویژه اینکه ما میگوئیم مفهوم دوران کنونی را گذار از بورژوازی به سوسیالیزم تشکیل میدهد حرف ساده نبوده و چنین مفهون تصادفی شکل نگرفته است اما این بدان معنی نیست که از تکامل قانمند تا رنج انکارا در کنیم و مرحله سوسیالیزم را که مطابق سیر طبیعی تاریخ و برپایه جبر زمان بصورت محتوم آمدنی بود تنها فرآورده محض انقلاب کبیر اکتوبر و دیگر انقلابات کارگری و خلقی قبول کنیم زیرا سیر تاریخ بصوب همین مرحله بحرکت پیوده و بحرکت است. اگر ما بخواهیم

و یا نخواهیم روزی در سراسر جهان بشریت درفش صلح و برقی اجتماعی به اهتزاز آمده و بر همه بدبختی ها و نابرابری های اجتماعی و جنگ و نیاوز و استثمار پایان داده میشود این ضرورت عینی زمان ورشد قانونمند پروسه حدود ناپذیر تکامل اجتماعی بشری بوده که فرماید سیون در اقتصاد اجتماعی سوسیالیزم روزی در مقیاس گیتی مسلط خواهد شد و همه جوامع به سیر تکاملی خود به مرحله فاقد طبقات ادایه میدهند اما باید اذعان کرد که حقیقت و امر پیروزی آن به دفاع ضرورت دارد، لذا صلح و ترقی اجتماعی نیز ساده به جهان حاکم نمیگردد. هما نظریه که به منظور رویش لاله های دلکش صلح و سوسیالیزم در بر خسی از کشور های جهان، خون هزاران انسان مبارز و صلح طلب و ترقی خواه چهره زمین را گلگون کرده و این لاله ها را از خون خویش و به قیمت خون شان آب داده و طراوت و غر مرمی بخشیده است بهمان سان است استقرار جهانی صلح و سوسیالیزم چنین قربانی ها را بدنیال دارد زیرا طبقات مرتجع و امپریالیست ها به سهولت و سرعت عواض خویش را در هان کرده و تا پای جان در برابر مبارزات نیرو های تحول طلب و انقلابی مذبحخانه تلاشی می و رزند.

ولی فراوان مبارزات تند و شعوری و پر تون و کثیر البعد تمام خلقهای جهان مشعل اید یا لویک و نجر بیات انقلاب کبیر اکتوبر گردید زیرا با این انقلاب در ماهیت و نحوه تاریخ تکامل جوامع بشری سوبه بانه تغییر وارد آمد و سر زمین شور و ها و انقلاب پرولتاریای آن به زودی

سوداگر: هو؟ از خاطر دزدها؟ ... اما نه
می خواهم که مردم بفهمند که تومره کجا
میری . چای پای مره که پاک کنی هیچکس
نمنا نه بفهمد که تومره کجا برسدی ...
(بعد بحالت مشکوک) : برو . بپوش برو ...
به از پشت می آیم
سایه راه خود را ادامه میدهند بدون اینکه
حرفی با هم تبادل نمایند
سوداگر باخود میگوید : روی ای ریگسها
چای پای به صاحت دیده میشه . بپوش
که چای پای ره پاک آید ...
جوالی : صاحب . راه ره بالکل درست
آمدیم . هیچ غلط ندادیم . او نه ...
بیز : (از پشت اشاره میکند دریا ...
فریاده ... داباشی مره گفته بود که دریا
ماده (جوالی) ماراه ره سکر غلط
ندکیم . او گفت که ده ای وخت سال او دریا
اوقه زیاد نیس . و ما میبایم به آسانی نیس
شویم . واگه سیل آمده باشه باز دنگه
خطرناک اس و نیر شدن هیچ ممکن نیس .
- هر دو بدریا نزدیک میشوند . صدای
دریا بانگر طغیانی بودن دریاست .
جوالی : اوه سیل آمده ...
سوداگر : موقت نداریم . باید در سویم .
جوالی : نمیشه . خطرناک اس . هشت روز
باید صبر کنیم تا دریا آرام شه .
سوداگر : ما نمیتیم یکروز صبر کنیم .

مکنه ؟
سوداگر: ما، فقط ما... ای کار به هنی
سفر مابندس، به مه، به تو. فکر کو، چشم
منو نبا انسان همی لحظه به طرف
توس، بطرف تو انسان کوچک وناچیز
و تو هنوزم غفلت میکنی ووظیفته انجام
نیس .
جوالی در حالیکه از ترس بعد از هر کدبه
سوداگر سر خود را به علامت مثبت تکان
مدهد . در اخیر جملات سوداگر میگوید :
به اوبازی ره یاد ندارم . غرق شدم .
سوداگر: زندگی مه هم ده خطر س، مه از
زندگی خود نیر میشم اما تو انسان که هیچ
چیز نداری، بازهم جرئت نمی کنی . مه می فهمم
تو اصلا خوش نیستی که مزدور به جورگا
بریم . چونکه بری تو . روز مطرح اس، تو
روزانه مزد نه میگیری و هر قدر که مادر ده
راه باشم، فایده تس، مه ای گپ هواره
می فهمم توبه غیر از مزدت دیگه به هیچ
چیز ده ای سفر علاقه نداری .
جوالی که به کنار ساحل وحشت زده
ایستاده است می پرسد : مه چطور کنم ؟
بعد به آواز خوانی میردازد :
ایشم دریا
دریای پر خطر ، خطر مرع
در ساحل دورد ایستاده اند .
یکی سنایمکنند، اما دیگری معطلی دارد

جوالی از سوداگر تمنایمکنند و میگوید :
پس اجازه بتمن کنم اولا نیم روز استراحت
کنم . از بس که بار بردیم خسته شدیم .
و خسته مه ماندگی خودم گرفتم باز امکان
داره بنام خودمه به او طرف دریا برسانم .
سوداگر : مه چاره بهتری را بلد هستم .
حالا اوله قننگچه ره به پشت میبام و شرط
میکنم که توازمه بیشتر به او طرف دریا
عمر سی .
(سوداگر جوالی را با میله قننگچه بعدد
نوده میگوید) : برو ... پیش برو ... ایست
به ای قدرت ره بری مه میشه که به از دره
هاترس و دوباره فراموش کنم ... (سوداگر
در حالیکه جوالی را به داخل دریا میچسور
مسازد به آواز خوانی میردازد :
به ایتریب انسان فراموش میکند .
دست و بیابان و دریای خروشان را
به ایتریب انسان خودش را فراموش
مکند .
ونیل را: طلای سیماء را، بدست می آورد .
شب سیاه :
تاریکی شب فرارسیده . جوالی با آنکه
یکدستش شکسته و یادستمال کنه و چرک
آزرا به گردن خود آویخته است، می خواهد
خمیه را برای استراحت سوداگر ایستاده
کند . سوداگر در گوشه متفکر نشسته
است .
سوداگر خطاب به جوالی : خو گفتم که
چون دسته ده دریا شکستاندی و امکان
داره کنی دردم داشته باشه، ازی خاطر مه
خودم خیمه ره ایستاده میکنم ...
(جوالی بدون توجه به سخنان سوداگر به
آماده کردن خیمه ادامه میدهد)
سوداگر: آگه مه تزه از دریا نمیکشیم .
وخت غرق شده بودی .
(جوالی بازهم بی اعتنا به کار خود ادامه
مدهد)
سوداگر: گرچه مه در شکستن دست تو
کدام گناه ندارم ولی چون غیر از مه کس
دیگی نبود، از ای خاطر کمکت کدم، آگه نی
به مه چی، امکان هم داشت که اوتنه درخت
بدست مه می خورد و دست مره میشکستاند
در آنصورت تومره کمکت هم نمیکدی . شاید
هم نمی خواستی کمک کنی . چون تو فکر
میکنی که ده جیب مه پیمه زیادس، اما مه
خاطر ته جیب میکنم . خوب گوش کو، مه
ده جیب پیمه زیاد ندارم ، اما به جورگا که
رسیدیم بازار بانک میگیرم و مزد تره مته .
جوالی : خوب صاحب .
سوداگر (باخود) : اصلا دلش نمیشه که
درست جواب مه بده، خوب صاحب ... بلی
صاحب ... اینطور طرف سیل میکنه که فقط
دسته مه شکستاند بهش . ای جوالی ها
انسانای کثیف و بیکاره هستند ... (خطاب
به جوالی) : برو ... خوگو ...

ضعیف ... (بعد سوداگر به آواز خوانی
میردازد) :
آدم مریمیمیرد و آدم نسوی به پیش
میرود .
ایست رمز خوب زندگی .
آدم ضعیف را کمک کنید آدم نسوی را
نگد مال .
ایست رمز خوب زندگی .
نگذار بیافتد . آنچه که مافد
به اوضربه یزن که زودتر باد
چونکه . ایست
رمز خوب زندگی
جوالی آهسته نزدیک میشود ، سوداگر
موجه آمدن او شده با خود میگوید : آ
مثل اینکه گپ های مره ناما شنیده باشه .
از ترس خطاب به جوالی میگوید : ایستاد
باس ... پیش نیا، چی می خواهی ؟
جوالی: صاحب ، می خواستم عر ض کنیم
که خیمه شما نیارس و شما عیانن استراحت
کنین ...
سوداگر: دری تاریکی شو اینطور خپخ
اینطرف و آنطرف نرو، ازی کارها خوشم
نمیا به ... هر وقت که نزدیک مه میایی، می
خواهم که پیش از آمدنت صدای پایتسه
بشنوم ... راستن خوب فکر ته بگی . هر وقت
که ماهرایت گپ میزنم، می خواهم که به
چشمهایم ببینی فهمیدی ؟ (بعد به مغرض
امر میکند) برو ... خوگو ... تزه به مه غرض
نیس که خوکنم فانه کدم ...
جوالی بر میگردد که برود ... سوداگر
مثل اینکه حرفی به فکرش گشته باشد
خطاب به جوالی صدا میزند : ایستاده باش
توبروه خیمه خوگو . مه اینکه میبایم تم ...
به مه هوای تازه عادت دارم
جوالی به خیمه میرود .
سوداگر : دلش اس که مره ده خیمه نه
کنه و باز سرمه حمله کنه ... فقط مه نیر
فهمم ... می خواهم بفهمم که چقدر از اشعا
مره ای شنیده ... (بعد از لحظه سکوت)
سوداگر : چی میکنه ؟ فکر میکنم هنی
هم پسلان می سنجه
سایه جوالی بروی برده خیمه ظاهر میشو
که مصروف آماده ساختن بستره میباشد
سوداگر : ای حواقتس آگه مه مستوجه
خود نیاسم . اعتماد حواقتس ، دست او به
خاطر مه شکست و فکر میکنم که ده زندگی
دیگه جور هم نخواهد شد . البته که او حق
داره از مه انتقام بگیره ... مه باید متوجه
خود باشم، بیدار میبایم ... آدم قوی آگه
خوابشه به اندازه آدم ضعیف زدهش، و قتیکه
زور نداره ... اصلا آدم ده زندگی نیاید
خوکنه . (مثل اینکه کمی سردش شده
باشد) میگوید: اما بهتر است که ده خیمه
بیدار باشم : ده هوای آزاد امکان داره
مریض شوم . اما کدام مرضی متنا نه به اندازه
اینطور آدمها خطرناک باشه . بخاطر یک
پیشه ناچیز چند روزش که پشت پشت مه
میایه و نوکری مره میکنه بخاطریکه مه به به دار
هستم . گرچه که راه به اندازه کافی یری
هر دوی ما مشکل بود ولی او باید بارمیرد .
و قتیکه گفت مانده هستم، زدهش، و قتیکه
داباشی همایش دست دوستی داد، دستشانه
کوتاه کلم . داباشی هم رفت پشت کارش .
و قتیکه او بخاطر دزد ها چای پای ماره
پاک میکرد مه به اس بی اعتمادی کسدم .

ترجمه دکتور نجیب الله یوسفی

بر توتل برشت

قاعده و استثناء جوالی

قسمت دوم

نوخو هشت روز میگی، ما باید نیر شویم .
جوالی : پس باید یک کشتی یا تهر درخت
پیدا کنیم که غرق کنیم .
سوداگر : نمیشه وخت کم است، دیس
مسه .
جوالی : مه که اوبازی وایاد ندارم .
سوداگر : او چندان زیاد نیس که تره
غرق کنه ...
جوالی پای خود را بدریا داخل نموده و
(به اصطلاح قداو) میکند . نو باره به عجله
وترس زیاد از دریا خارج شده میگوید :
اوز بداس ، از سرم میبره .
سوداگر : و قتیکه داخل دریا شدی باز
خود بخود او بازی گله میانی ، مه می فهمم،
تونی فهمی ...
جوالی : آخر ما چرا به جورگا بریم ؟
سوداگر : آدم احق، تونی فهمی که ای
یک خدمت بزرگ برای انسانها خواهد بود،
اگر مایل بدست یابیم، وختی تیل بدست
آوردیم، اینجاره، استیشن ریل میسازیم و
زندگی مردم بهتر میشه، نان، لباس، و خدا
میداند که چه چیز های دیگی برای مردم
تیه خواهد شد .
جوالی : نان، لباس ... ای کار هاره کی

آیا آن یکی شجاع است ؟
آیا آن دیگری نرسو است ؟
به آنطرف ساحل یکی از آنها
در انتظار معامله بزرگ و گنج بزرگ
است .
یکی از خطر میرد و
نفس سوخته میرسد به ساحل سخر شده
اوبه جایگاه خود میرسد
او غذای تازه می خورد
اما آن دیگری
از خطر
شتابزده می جهد در آغوش هیچ
ن ضعیف او را
خطر دیگری در آغوش میکند
آیا هر دو شجاع هستند ؟
آخ : از دریای مشترک مغلوب
تو برنده مساوی
بیرون نمی جیند
ما ، من و تو
اینها همه یکی نیستند
ما و قتی بدست خواهیم آورد
ولی تو بر من غالب میشوی
صدای طغیان دریا صدای جوالی و انتح
تأثیر قواز میدهد . بعد از لحظه سکوت

انقلاب کبیر سوسیالیستی ♦♦♦

هیت کار و گری و انتر ناسیو نالیستی این انقلاب خوب تر و بهتر عیان گردیده و میگردد زیرا هدف انقلاب کبیر اکتوبر بر رها بی انسان از بند انواع اسارت و استثمار فرد از فرد بوده که بدین ترتیب با قاطعیت انسانهای اسیر و بدبخت و استثمار شونده ارتباط میگیرد انسانها آزادی و برابری می خواهند - انسانها صلح و سعادت می خواهند انسانها زندگی مرفه ، مشرب و پیروزی های در خشان می خواهند و بالاخره انسانها در پی آنند که در پرتو مشعل علم و در اثر کار و پیکار و مستدام و انقلابی خویش بر جهان حاکم گردند (در اینجا و فیکه انسانها می گوئیم منظور واقعاً از انسانها است نه از انسان نما ها بیکه در صفت و دونه و خصال اند) در حالیکه این مامول و هدف را میتوان در پروسه تکاملی انقلاب کبیر اکتوبر در در طی شصت سال بهتر منعکس دید .

اهداف انقلاب کبیر اکتوبر آزادی ، برابری ، برابری ، صلح و سعادت و قی برای انسان ها و در میان انسانها است . اهداف انقلاب کبیر اکتوبر نابودی استثمار ، ارتجاع استثمار و امپریالیزم بود که در همه جا استقرار نظام فاقد طبقات و عاری از عظام علی و طبقاتی و دیگر مایب و مصایب را خواهند بود و می باشد .

چون اهداف انقلاب کبیر اکتوبر آزادی انسان در سراسر سیاره ما است بنا برین این انقلاب متعلق به همه خلق ها و جهان بوده و عید همه زحمتکشان می باشد . زان جهت در هر سالگرد آن تمام زحمتکشان جهان سرود و پایکوبی نموده و بخصوص خلق قهرمانان انقلاب **۱۳ قسنت** و دوه سالگشت این انقلاب در شرایطی استیلا به عمل می آورند که انوار زرینه پوش خودشید انقلاب نو که برحق دوام دهنده سنن و اهداف و عمل کرد انقلاب کبیر اکتوبر است در سراسر افغانستان عزیز بر کدورت های مظالم علی و طبقاتی در حال غلبه است . انقلاب کبیر اکتوبر انقلاب پروتاریا و سراسر جهان است . انقلاب همه بشریت صلح خواه ، تحول طلب ، آزاد بخواد و مرفعی می باشد . همانطوریکه اهداف انقلاب کبیر اکتوبر بر تائید و استقرار صلح و تر قی اجتماعی و غلبه بر ارتجاع و استثمار و امپریالیزم در سراسر جهان میباشد . بهمانگونه که خلقهای سراسر گیتی می خواهند و درین جهت مبارزه میکنند که در فتح اهداف و آزادی مانهای انقلاب کبیر اکتوبر در همه جا پیروز مند اند و برافراشته گردند لذا جشن شصت و دومین سالروز این انقلاب ، جشن همه کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان جهان می باشد . اکنون که جهان بشریت گرایشی به تحقق اهداف والای انقلاب کبیر اکتوبر دارند امپریالیزم و ارتجاع در همه جا رو به افول قطعی بسر می برد .

زنده باد اهداف انقلاب کبیر اکتوبر برافراشته باد درونی صلح و سوسیالیزم در سراسر جهان .

پیروی در خشان و پر کشش در میان همه انقلابیون و ورزندگان را آزادی ، برابری ، برابری ، صلح و سعادت هنگامی گردید و از انقلاب کبیر اکتوبر به بعد خلقهای جهان در امر سازندگی تاریخ و منظور تائید آزادی شان بیش از پیش نیرو مند تر ، هدفمند تر و آگاهانه تر عمل کرده و یقین حاصل کردند که ظلم و استبداد و استثمار و امپریالیزم پایدار نیست .

انقلاب کبیر اکتوبر بر سیر حرکت تکاملی تاریخ و آهنگ سریع السیر داده و کلیه بشریت مترقی ، تحول طلب ، آزاد بخواد و صلح دوست را در جهت مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر علیه ارتجاع استبداد ، استثمار و امپریالیزم بسیج کرد . مبارزه طبقاتی را در مقیاس جهان بخصوص بین اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیزم پیمان آورده و تشدید بخشید با سقوط نظام مندرس بورژوازی تزار شاهل و ده پنجمین مرحله تاریخی یعنی سوسیالیزم را پایه گذاری کرده و تکامل داد . بلی اولین انقلاب ، انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بر بود که بشریت را در استان مرحله نوین تاریخ قرار داده و پیروزی صلح و ترقی اجتماعی را در مییابید .

این انقلاب کبیر اکتوبر بود که با سرنگونی نظام سرمایهداری تزاری ، بنیاد سرمایه را در همه جا لرزاند و تاریخ بشریت را معبر و آهنگ نوین داد . زیرا تا قبل از انقلاب کبیر اکتوبر پیروی سوسیالیزم و عبور بشریت به مرحله نوین تاریخی که در آنجا سید تار تاجی بورژوازی نباشد بیک ایدئولوژی و بشا به یک شیخ تصور میکرد دید چنانچه ایدئولوژی گهای بورژوازی چه در دوران مارکس و انگلس و چه در دوران لنین و بزرگوارانی که سخن از ایجاد جامعه سوسیالیستی در میان می آمد ، پوز خند زده مساله را به باد استیزا و پندار واهی می گرفت اما با انقلاب کبیر اکتوبر بر نه اینکه تاریخ وارد مرحله نوین خود گردید بلکه به اثبات رسید که جامعه سیر ایستایی نداشته و زمان در رنگ نمی پذیرد بنابراین جامعه بورژوازی و ظلم و نابرابری هسای اجتماعی بر ای هیش پایدار نیست .

همینا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر چرخ عظیم انقلابی در روند تاریخ پدید آورده و پیش بینی های مارکس ، انگلس و لنین را کاملاً در زمینه پیروزی و ایجاد جامعه بدون طبقات حقیقت بخشید بر پندار های واهی ایدئولوژی بورژوازی که نظام بورژوازی را تغییر ناپذیر و جریانی تاریخ را بر هم و در هم و تصادفی می انگاشتند یکباره خط بطلان کشید . اهداف انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر :

انقلاب کبیر اکتوبر « ۱۹۱۷ » در اتحاد شوروی دارای هدفی که چک و بسته به نیاز مسکولین یک محل و کشور نبوده بلکه دارای اهدافی انسانی بوده که همانا اعمار جامعه بدون طبقات و پیروزی صلح در سراسر جهان بوده و است این اصل از اهداف

جوانی میایستد ولی چشمهای به دوخته است .

سوداگر : مه تره نگفتم که هر وقت همرایت گپ میزنم به چشمهایم بین چرا طرف مه سیل نمی کنی ؟

جوانی : مه فکر کردم که شرق اونجهه .

سوداگر : صبر کو ، حالی مه تره شرق نشان میده ، حالی مه تره نشان میده که چطور به راه راست بری . (تاجر او را به دست افکارش میزند) حالا فهمیدی که شرق کجاس ؟

جوانی فریاد میزند : بدست اوگارم نزنین . شماره بخدا بدست اوگارم نزنین . میزند و میبرد :

سوداگر : شرق کجاس ؟

جوانی : اونجه (به سر اشاره میکند) .

سوداگر : خوب کاریز ها کجاس ؟

جوانی : اوطرف (به سر اشاره میکند) .

سوداگر : اوطرف ... اما تو خو اوطرف میرفتی .

جوانی : نی صاحب .

سوداگر : خی او طرف که نمی رفتی .

پس کجا میرفتی . (او را میزند) .

جوانی : از شدت درد فریاد میزند .

بلی صاحب .

سوداگر : کاریز ها کجاس ؟

جوانی : سکوت میکند .

سوداگر : (ظاهراً به محبت و آرامی) تو خو لحظه گفتم که کاریز ها کجاس ، بگو کاریز ها کجاس ؟

جوانی سکوت میکند .

سوداگر : او را میزند و فریاد میکند : می فهمی که کاریز ها کجاس ؟

جوانی : بلی صاحب .

سوداگر : باز میزند و میبرد : می فهمی که کاریز ها کجاس ؟

جوانی : نی صاحب .

سوداگر : مه پتک اوته .

جوانی : پتک آب خود را میدهد .

سوداگر : خوب ، مه میانم حالی ، ولو که از تشنگی هم بمیری ، بریت هیچ او تم . اما ... گرچه مه راه غلط بردی ، باز هم مه ای کاره نمیکنم . بگير يك شپ اوبخور و بر راه راست برو .

جوانی هنوز کمی آب نخورده که سوداگر پتک آب را از دستش میگیرد و میگوید : پس است . پرو دیگه ... (آنها میروند) .

سوداگر باخود میگوید : مه او ره نیاید بهای سرحد میزد . او ... مه کنترل خودم از دست دادم . (آنها میروند) .

سوداگر : (بعد از لحظه) اینجه خوب بودیم .

اینه جاب پای ما .

جوانی : فکر میکنم که از همینجه راه ره گم کردم .

سوداگر : خیمه ره ایستاده کو . پتک او ما خالی شوموده پتک خود هم هیچ اوندارم .

جوانی به آماده ساختن خیمه میپردازد . (نا تمام)

و مسکه از دریا ترسیده ، ننگچه مه ترسیده براند . همرای اینطور آدم که دلش پرازمینه ست ، چطور میتانه به یک خیمه خوش کنم ... و نمیتانه که ای چیز هاره فراموش کنه ... می خواهم بفهمم که او ده مابین خیمه چی مسکه و کشک چی ره میده ؟

سایه جوانی از بیرون دیده میشود که می خواهد بخوابد ... لحظه بعد جوانی استراحت میکند (دراز میکشد) .

سوداگر : مه خو دیوانه نیستم که همرای و نکجای خوشکنم ...

فردای آروز باز هر دو به راه خویش ادامه میدهند ، سوداگر که به جوانی اعتماد ندارد از عقب جوانی در حرکت است . آفتاب ظهر دشت ، قدرت و توان جوانی را خیلی کامته است . جوانی میایستد .

سوداگر : برو چرا ایستاده شدی ؟

جوانی : سرک اینجه خلاص میشه .

سوداگر : به قهیزه طرف جوانی میرود و میگوید : خوب ، یعنی چی ؟

جوانی : صاحب ، اگر مه میزنم ، شماره بخدا که ده دست اوگارم نزنین ... راه از پیشم گم شده ، ازی به بعد مه راه ره بلد نیستم .

سوداگر : اما او شاگرد هتلی خو بری نواره ره نشان داده .

جوانی بلی صاحب .

سوداگر : ووفتیکه مه از نوپسان کنم که راه ره بلد شدی گفتی آ ... و کلینه قیل مرغ واری شور دادی .

جوانی : بلی صاحب (لحظه سکوت) .

سوداگر : تو گپ های شاگرد هتلی ره اصلاً نفهمیدی ، درست است ؟

جوانی : بلی صاحب .

سوداگر : خی چرا گفتی که مه راه ره بلد نیستم ؟

جوانی : مه ترسیدم که اگر میگفتم که راه ره بلد نیستم ، مه هم جواب بدین ، همیندر فهمیدم که شاگرد هتلی گفت ده راه بگندریا میایه و باز کاریز ها ...

سوداگر : خوب او کاریز ها کجاس ؟

جوانی : نمی فهمم .

سوداگر : برو پیش برو و فکر نکو که مه آمم احق هستم و گپ های تره قبول میکنم ... مه خوب می فهمم که نواره ره بلد هستی و چندین دفعه ده ای ره آمدی و روتی ...

جوانی : مه ازی به بعد راه ره بلد نیستم .

بهر است که مامنتظر دیگر ها باشیم که ازینست مامی آیند .

سوداگر : خو ، منتظر باشیم ؟ و تو باز تا اوخت استراحت کنی ها ، چطور ؟

برو پیش برو ... (آنها میروند) .

سوداگر : کجا میری ؟ ای خو بطرف شمال من که تو میری ؟ شرق اونجه سی . (جوانی بطرفیکه تاجر میگوید پیش میرود) .

سوداگر : ایستاده باش .

ثور و اکتوبر

باد از جانب کوه آمد
آمد و جامهٔ راهش ر
بوی باروت گزان بر میخاست
زود در پرتو خورشید انداخت
بر لبش قصهٔ جنگ
در کفش دسته گل سوخته داشت

گفت: آنکه که زمین ملکیت دهقان شد
آتش کینهٔ فروزان گردید
گفت: ارباب
نوکرش
نوکر نوکر ارباب
خشمگین جانب کسار به راه افتادند

باد گفت:
که به پشت دشمن
نام شان با قلم تیره جا میماند
بر فراز سر شان بپرق سرخ نور است
و به بازو هاشان
خون پاکیزهٔ «اکتوبر» توان میبخشد
و به هر سنگر پیکار دفاع میهن
ارتش خلق دو مشعل دارند
یکی از «ثور» و یکی از «اکتوبر»

باد از جانب کوه آمد
آمد و جامهٔ راهش را
بوی باروت گزان بر میخاست
زود در پرتو خورشید انداخت
بر لبش حرف ستایش از «ثور»
و فرا راه درازش
تأیید مشعل «اکتوبر»

باد گفت:
تالک باغش برهول بلندگ
راه بر دشمن رهزن بسته
لشکر «ثور» به هر يك سنگر
خصم را بازو و سر بشکسته

باد گفت:
در همهٔ راه شنیدم از خلق
جاودان بادا ثور!
جاودان باد «اکتوبر»!

آفرین باد به باد
که چنین مودهٔ جانبخشی دههٔ ۱
کابل ۷ عرپ ۱۳۵۸

طلوع مقدس

در دنیا
اگر صدایی
بماند
اگر سروی
بماند
اگر کلمه ای
بماند
صدای انسان ،
سرود انسان ،
در این کلام است :
عشق من ، ای رهایی پرواز از قفس !
آزادی ای طلوع مقدس !



یادی از اکتوبر کبیر

از دورهٔ نخست سر آغاز بردگی
تا این زمان که عصر رهایی توده هاست
دیدست این جهان
این زال سالخورده
در طول قرن‌ها
در سیر حادثات
بس انقلابها

با کبر و دار غش و توفان جنگها

آری به هر زمان
هر جا که غول وحشی استمگر پلید
بر خلق بینوا
بیداد کرده است

آخر بکیفرش
جوشیده خون خلق
عصیانها پا شد بر غد این و آن
واژون گشته کاخ ستم با ستمگران

اما ...
امانیده تابه کنون چشم روزگار
آنان که در زمان «لنین»
خلق رنجبر
دهقان و کارگر
بر رهبری حزب جهان ساز بلشویک
در آخرین قیام خود از خشم انتقام

توفان سیل خلق
مواج ویر خروش
لرزاند دشمنان سیه کار توده ر
شد واژگون نظام ستم ، آن نظام شوم
ویران گشت کاخ خدا یان زود وزر
پیروز گشت جنبش پیکار کارگر
بر بار اولین
در کرة زمین
نابود گشت دشمن بد خواه توده ها
تزار خونخوار
باجمله خائنین
بهر ابد ز صحنهٔ تاریخ محو گشت

بر جان آن بنای خرافی ارتجاع
انمار شد کاخ نوین امید ها
کاخ شکوه خلق
ایجاد شد نظام نوین برادری
بر پایهٔ تعاون و عدل و برابری

فریاد آرزومان
از مافرو دیاد به آن «خلق قهرمان»
وز مافرو دیاد به آن «پیشوای خلق»
بر «لنین کبیر»
آموزگار و همزه و همزم کارگر -
همدرد و همبیرد و همآهنگ دهقان
آن بهترین رفیق گروه مستمندان
آرزومند

پیشوای

انقلاب

کبیر

اکتوبر

لنین آورده پیغام بسیار آن
به خاک افکند او کاخ تزاران
به آیین عدالت روی کرده
یکی را کشته از بهر هزاران

عقاب نیز بین ولادیمیر است
گهی اومیربان به سخت گیر است
سرپر سروری او را مسلم
که بک فرق سلطان و امیر است

تزاران را ز پا لنین بر افکند
اهر را شد رها و دیو در بند
چپانی آفرید او شد دمانه
چکن را داده او با داس پیوند

لنین با عزم و با نیروی ایمان
سم را ریشه کن کرده زمینان
ره روشن گردید و راه پیمود
رفیق کارگر شد یار دهقان

م. عاقل بیر تنگ کو هدامی

مرک

من اگر روزی مرم
باکیتارم خاکم کنید
وزیرش

من اگر روزی مرم
میان در خنان نارنج
وبوته های یونه

من اگر روزی مرم
واگر خواستید خاکم کنید
مرا در حرفشی افراشته بیجید

من اگر روزی مرم
فدویکوارسبالودکا

دغه سور بیرغ چه گور
داد لوی افغان غیرت دی
دایه وینو گیل شوی
دشپید دیا کی ونسی

دغه نیشه د عزت ده چه خلیان پیری یادی
نمو نه د شرافت ده چه خلیان پیری نا زیدی
داد خلقو لوی قدرت دی
دبابا لویه سینه کنسی
سلیمان دمو دو وروسته
به غرور با ندی ولادی

داسمبول دآزادی دی افغانان پری راتول شوی
دغه نیشه د عزت ده چه خلیان پیری نا زیدی
دی کیتی ستوری دافبالسته
دی کی ژوند دکار گر دی
دغنمو وری گسوده
دی کی خلق را اول شوی

هسک رپیری هسک ولا دی د شمنان کی شرمیدلی
دغه نیشه د عزت ده چه خلیان پری ویا یادی
دا قدرت دی دیو زلو
دا قوت د فوی مته
دعمرونو زور پد لسی
اخوانیان او د شمنان به

دامو ژوند دامو آبروده د شمنان پیری دردیدی
نمونه دسرافت ده چه خلیان پیری نا زیدی

چگون رحمن الدین (اکبری)



در قلب دشمن

نیشتر گردی

سواد آموز جانم ! تا نوهم صاحب نظر گردی
برای خویش و خلق خویش نور بصیر گردی
اگر خواهی شوی فارغ ز قید غم درین دنیا
توجه کن به آموزش که تا ورزیده تر گردی
بهر و قتیکه گری دامن دانش مده از کف
ترا منزل رسا ندگر تو دا به سفر گردی
چراغ معرفت آنگه دو چشمت میکند روشن
که آموزی سواد از حال یک دیگر خبر گردی
نکردند پرده تاریک دور از پیش چشمات
برای اینکه در بحر تغافل غوطه ور گردی

شده فرصت مبسر راه دانش را بدیر اتسو
که تا در زند گانی و افتاد ز خبر و شر گردی
ز تاریخ درخشان نیاکان درس ها آموز
تو گر آئی بخود در قلب دشمن نیشتر گردی
بنازد « هاشمی » دست رسایی را که از مرداب
نجات داد کز نیروی وحدت بهرورد گردی

اثر: میر محمد کاظم « هاشمی »

دهقان

باغ هستی خرم و سرسبز، چون بسان نیود
گر تلاش صبح و شام فغله و دهقان نیود
جمع ما آشفته و درهم چو زلف یار بود
کار ما گریانه اش بر وحدت و ایمان نیود
دهقان چون برده روز و شب اسیر رنج کار
با چنین رنجی، ورا سسمی ز گنج خان نیود
کارگر جان میکند در کارگاه و مزد نیست
دهقان را با همه زحمت به اربان نان نیود

کار فرما، کارگر را بنده پندارد. ولی
اجرانی این بنده ! را از آنهمه فرمان نیود
نان به نرخ جان بدست آورد خیل رنجبر
اینچنین نانی بدست آورد نشی آسان نیود
گر کسی دم زد ز ظلم کار فرما، پاکه خان
دادوس او را بجز تبعید یا زندان نیود
بشت دهقان ز خمدار از صوبه شلاق خان
این چنین مزدی سزای زارع افغان نیود
طفل دهقان در غم نان دیده اش گریان جوار
بزم خان را جز شراب و بوسه بر لبان نیود
این چنین ظلمی خداوند جهان کی آفرید؟
این ستمکاری عنایتی در کف یزدان نیود
آنکه گفت: عزت و ذلت از او بر ما رسد
آن بلید زشت طینت پیرو قرآن نیود
قدرت سرمایه این بنیاد را بر پا نهاد
گرچه بنیادش بدوران سخت و جاویدان نیود
دهقان زنجیر محنت را ز دست و پا گشود
این چنین کاری ز دهقان قابل کمان نیود
اوبه آزادی رسید و من به آبادی رسم
گرچه شهر عزم من هم آنچنان ویران نیود
جیان مسن با داد نثار دهقان و همنش
غیر از او میروزم وادر زندگی چنان نیود
« پیروز »

هیچکس

هیچکس جز تو نخواهد دید
که چگونه در میان صخره های سرخ فلیم
یک درخت عشق می روید
و فراشاخه های رنگداری این درخت عشق
هیچکس جز تو نخواهد دید
که چگونه نورمی ریزد

هیچکس جز تو نخواهد دید
که چگونه در نگاه تنه ام خورشید می روید
هیچکس جز تو نخواهد دید

دنیای اطفال

اطفال و سوء تغذی

اداره یو نسف در کابل چندی قبل دایر گردید که در بلند بردن سوبه مشمو لین این سیمینار نهایت مفید واقع شد .

ما پیرا مون این سیمینار صاحبه ای با دو کتور سو نا رام رئیس موسسه صحت طفل و سکرتر سکر تربیت سال بین المللی طفل بعمل آوردیم که اینک از نظر شما میگذرد :

— روی کدام منظور سیمینار تغذی و تربیه طفل افتتاح شد ؟

— چون اطفال قشر مهم جامعه میباشند و قبل از انقلاب نور در قسمت آنها توجه ای نشده بود این نو نهالان ما دچار انواع و اقسام بیماری ها می گردیدند . و نظر به احصا نیه هائیکه در دست است سوء تغذی بیشتر سبب مرگ کودکان ایکه در فقر زندگی می کنند می گردد .

سیمینار تغذی و تربیه طفل را بمنظور شروع مجادله به این آفت و متوجه سا ختن والدین افتتاح و دایر نمودیم ، در سیمینار متذکره معلمین مکاتب ابتدائی ، معلمین کود کستا نها ، بعضی از والدین و منسو بین وزار تخانه ها اشتراک نموده بودند که تعداد شان به دو صدو هشتاد و هفت نفر می رسید — تدویر چنین سیمینار ها تاجه حد مفید بوده و آیا قبلا نظیر این سیمینار ، سیمینار ی دایر گردیده یا خیر ؟

— البته که تدویر چنین سیمینار ها نهایت مفید و موثر می باشد و اشتراک کنندگان بصورت درست گردند ، تا حال گرچه چندین سیمینار تغذی اطفال دایر گردیده مگر چنین سیمینار ی بر گزار نگردیده است که این تعداد اشتراک کننده داشته باشد .

از دو کتور سو نا رام خواستم تا نتایج این سیمینار را برای ما توضیح کنند .

گفت : نتایج سیمینار را که حاوی مقالات و مطالب نهایت مفید و دلچسپ بود طور آتی خلاصه میکنم :

پراپلم ها و مشکلات فعلی ایکه اطفال ما به آن مواجه اند :

۱- فقر غذایی یکی از عوامل

معلوماتی از طرف مقامات ——— صلاحیت جهت حل پراپلم های فقدان و فقر غذایی ، در امان نگهداشتن اطفال از شر آفات و بیماری های گو نا گون و قابل وقایه بی معلوماتی در باره رشد و نمو سالم اطفال و فراهم آوردن امکانات خیلی علمی و تربیتی در بوجود آوردن یک نسل سالم و نیرو مند، شجاع و رزمنده و وطنپرست در خور اهمیت زیاد یست .

سیمینار تغذی و تربیه طفل بمناسبت سال بین المللی طفل از طرف سکر تربیت سال جهانی طفل بهمار ی موسسه صحت طفل ——— موسسات ذی علاقه و مساعدا

باشند جهت رشد سالم ، تربیه درست و مصوویت از هر نوع آفات و امراض جسمی ، دماغی و روحی خود به تشریک مساعی و جهد پیگیر ، موسسات و ارگانهای مختلف اجتماع ضرورت دارند . قبل از انقلاب نور به حال اطفال زحمتکشان که اکثریت جامعه مارا تشکیل میدهند از طرف حکومت های یو سیده فیو دالی و مستبد گذشته کمتر ین توجه بعمل نیامده و اطفال دستخوش انواع بیماری ها گر سنگی و بیسوا دی بودند . دایر نمودن سیمینار های علمی و

گراف و احصا نیه هائیکه در دست است سوء تغذی بعد از اتفاقات تنفسی و عضمی رتم عمده وفيات در اطفال میباشد . از آنجا نیکه اطفال از نگاه هستی مادی و معنوی یک جامعه همترین قسمت آن محسوب می شود ، قدرت و نیروی آینده جامعه و کشور را تشکیل میدهند رول ارتقا و تکامل جوامع بشتری را ایشان ایفا نموده و این موجودات با ارزش جامعه در سیر نشو و نمای جسمی و روحی خود با انواع خطرات و واقعات نا گوار مواجه می



سوء تغذی در اطفال سبب لاغر ی زیاد و امراض گو ناگون می گردد.



عمده بیمار پهای اثرات سوء تغذی و وفیات اطفال در افغانستان محسوب می شود ، فقر نه تنها مقاومت اطفال را در مقابل امراض انتانی پایین می آورد بلکه تأثیر مستقیم در نشو و نمای فیزیکی و حتی رشد دماغی و روحی آنها دارد . در عقب ماندگی استعداد هاء مغزی و روحی بوی لیدی اینده ضعیف می شود .

درد
قابیل مدکر است که یت سهوم تمام اطفال لیکه زنده بدنیا می آیند در اثر فقر غذایی و امراض باسی از آن قبل از آنکه به سن پنج سالگی برسند نیست می شوند .

۲- امراض انتانی و از آنجمله اسهالات پیچسپا . انتانات طریقی نفسی . توبرکلوز و امراض برازینی و طفیلی عمده ترین اسباب وفیات اطفال را تشکیل میدهد . که اطفال دارای سن قبل از رفتن بمکتب در کشور ما بیشتر قربانی این مرض می شوند .

۳- پائین بودن سطح حفظ الصحه محیطی و عدم توجه جدی فامیل ها به صحت جسمی و روحی اطفال زحمتکشان این سر زمین که ناشی از شرایط ناگوار اقتصادی و اجتماعی ، مشکلات فامیلی ، رسوم و عادات خرافاتی و عدم داشتن معلومات کافی در مورد استعمال درست مواد غذایی که همه آنها میراث عقب نگه داشتن جامعه ما توسط حکومت استبدادی و طفیلی و فساد گذشته اند .

۴- توزیع غیر متوازن خدمات صحتی ، تعلیم و تربیه و غیره بین مناطق شهری و روستائی و عدم موجودیت پرسونل کافی درین ساحت .

چهار جهت حل مشکلات فوق درین سیمینار چه توصیه های داده شد؟ وی در ادامه صحبت خود گفت : توصیه هائیکه در سیمینار تغذی و تربیه طفل جهت حل مشکلات فوق داده شده قرار ذیل می باشد :
اول در ساحت خدمات معالجوی :
۱- بسط و گسترش هر چه بیشتر مراکز معالجوی طبیبی در فواصل نزدیک مخصوصاً در روستا ها جهت بررسی و حل پرابلم های معالجوی اطفال .

۲- توسعه ، تقویه و از دیاد مراکز رفاه و حمایه طفل و مادر

و کوشش در جهت تنویر و تشویق تمام مادران به پیروی ازین اصل بعمل آید ، توصیه های تغذی طفل با شیر مادر چه از راه تعلیمات صحتی و چه از طریق نشرات رادیو ، تلویزیون ، روزنامه ها ، جراید و مجلات مفید است .
در تدریس انواع شیر های پودری و چو شکها تجدید نظر بعمل آید و اشتها رات تجارتی تا مطلوب درین زمینه منع قرار داده شود .

۳- مواد غذایی که همراه با شیر مادر ضرورتاً عوض آن به طفل داده می شود نوع و طرز تهیه آن تعلیم داده شود و کوشش بعمل آید تا از مواد غذایی محلی وارزان

در سراسر کشور تا درین زمینه از روز های نخستین حیات داخل رحم طفل ، بوی توجه جدی مبذول شده باشد .

دوم اقدامات اصلاحی ضروری :
۱- در نصاب تعلیمی مکاتب و از طریق تعلیمات سمعی و بصری جدا گانه در باره بیا لوزی انسان ، علم غذایی ، حفظ الصحه محیطی ، مضرات دخانیات و مواد نشه آور (چرس ، تریاک ، هروئین ، الکول و غیره) با در نظر داشت سطح دانش کلتور ، فهم و عادات اجتماعی هر منطقه ارائه معلومات کافی .

۲- برای نشو و نمای سالم طفل تغذی با شیر مادر یک اصل انکارناپذیر ، حتمی است تمام سعی

پنجمین جلسه در صحنه ۴۳

داکتو بر ستر سو سیالېستی انقلاب

دوه شپینه کاله دمخه دشو روی اتحاد خلک په دی بریالی شول چی داکتو بر ستر سو سیالېستی انقلاب سرته ور سوی .

دایو منل شوی حقیقت دی چی کارگری انقلاب دکار گرا نو دطبقه بی مبارزی تر ټولو لوړ پرو دی. کارگری انقلاب دټولو پخوا نیو انقلابو نو څخه په خپلو څو مهمو خصوصیاتو سره تو بیر لری . ددغو خصوصیاتو تو تر ټولو مهم خصوصیت دادی چی که ټولو تیرو انقلابو نو داستثمار دیوه دیوه شکل په ځای داستثمار پیل شکل ته ځای پرېښوده ، کارگری انقلاب له سړی څخه دسړی په واسطه پر استثمار ولاړ نظام له منځه وړی او په نتیجه کی دطبقاتود پیڅی له منځه وړلو سبب کیږی . د کارگری طبقی د گوند په لارښوونه کارگری انقلاب دبی عدا لتي اوستم دټولو ډو لو نو له مظا هرو څخه دټولنی دآزا دی په معنی دی ، دانسا نانو تر منځ دښتینی ورو ری او برابری ددوران پیل دی .

داکتو بر ستر سو سیالېستی انقلاب چی په رو سیه کی (دبلشو-یک) دگوند په لارښوونه منځ ته راغی دکلمی په رښتینی معنی سره یو اصیل کارگری انقلاب ؤ . داکتو بر انقلاب ددو لت وا گسی دخلکو په لاس کی ور کړی ، زیار ایستو نکو ته یی له استثمار څخه نجات ورکړی او دهیواد ټولی طبیعی زیر می ، ټولی تو لیدی مو سسی ، بانکونه او د اوسپنی لاری یسی دوی ته وسپار لی . ځمکه یی په مجا نی ډول سره بز گرا نو ته ورکړی او ملی ستم یی چی دروسی له نیمايي څخه زیات خلک رنځول له مینځه یو وړ ، او هیواد نه یسی له «امپریالېستی جنګ (لومړنی نړۍ یوال جنګ) څخه نجات ورکړ . چی تزاری دولت دغه هیواد دخلکو دغو ښتنو په خلاف جنګ ته ور کش کړی ؤ .

دتور دیر تمین انقلاب زړ وړ او قهرمان قوماندان ، دافغانستان دخلکو ددمو کړا تیک گوند دمر کزی کمپیتی عمو می منشی دانقلابی شورا رئیس او لومړی وزیر حفیظ الله امین په خپل نامتو اثر

(دلور انقلاب نیوری) کی داکتو بر ستر سو سیالېستی انقلاب اهمیت په باره کی داسی لیکي : «نړی په تاریخ کی راز راز پیښی شویدی . چی دټو لنیزی پر مختیا دلاری ډیر اوونوخر گندی ښی بلل کیږی اود هغو اهمیت دهغی اغیزی لهوسعت سره بر ا بر دی چی د بشری ټولنی په مادی او معنوی ژوند کی یی کوی . په هره اندازه چی دهغو داغیزی ساحه پراخه وی د بشریت یا منرنه زیاته ځان ته اړوی . دبشری تمدن په سر تو شت کی ددغو پیښو داغیزی له پلوه میخ یوه یی داکتو بر له ستر انقلاب سره دمقا یسی وړ نه ده د پرو لتری انقلاب لومړنی مشر ستر لنین داکتو بر ستر انقلاب په بری پسی ویل ، په دی ورځو کی دبشری ټولنی تاریخ خپلی ډیری لوبی او ډیری سختی څرخیدنی سر ته رسوی . دغه څرخیدنی بی پایانه اهمیت او له یوی زوی مایلغی پر ته ویلی شم تاریخ یی یوال اهمیت لری .

« دامر یکا دمتحده اضلاعو انقلابی مترقی لیکوال جان ریډ ویل ، داکتو بر لسو ورځو نړی ولې زوله ، نن په تاریخ کی دغه ثبت شوی ویناوی خپل حق نیست زیات څرگند وی . داکتو بر ستر انقلاب دعلمی سو سیالیزم تیوری پر تمین بر یالیتوب و جی هغه دژور درک ، فهم او هر اړخیز تحلیل په نتیجه کی دشو روی اتحاد دکمو نسمت گوند په برخه شو . دبلشو یکا نو گوند وکولای شول چی دکارگری طبقی دوران جوړوو نکی تیوری درو سبی په لانجمنو او پیچلیو شرا یطو کسی تطبیق کړی . هغوی وکولای شول چی ددغی انقلابی تیوری په بیروی دروسی داستثمار گرانو او ستمگرا نو نظام را نسکور کړی اود لومړی ځل دپاره به نړی کی دپرو لتاریا خورا بریالی نظام ټینګ اود استثمار گرو ستمگرا نو له منگلو څخه دټول بشریت دخلاص صون لاره پرا تیزی ..»

په رو سیه کی داکتو بر دستر

سو سیالېستی انقلاب بر یالیتوب اود خار جی یرغلگرو دتیری او تجاوز په مقابل کی چی دانقلاب په ضدرا ولاړ شوی وو ، دشو روی حکو مت ټول ورو ستنی بریا لیتوبو نه او دسولی په لاره کی دشو روی اتحاد دخلا ندهدریځ ، داکتو بر دستر انقلاب دلار ښو دله تامسه سره شلید وکی اړیکی لری ځکه چی داکتو بر دانقلاب ستر لارښود به تل ویل :

«دجنګو نوختمول ، دملنو نسوپه منځ کی سو له مینځته راوړل، دژور او تالان پای ته رسول ژمون خاص آرمان دی ...»

شوروی دولت ته له تزار یزم څخه یو داسی هیواد په میراث پاتی شو چی داتقصادی رشد په لحاظ به خورا ټیټه سطح کی واقع و . اوه کاله جنګ ، په لومړی سر کی امپریالېستی جنګ او وروسته بیا دا خلی جنګ چی دانقلاب دښمنانو له خوا پیل شوی ؤ دشو روی هیواد اقتصاد دی سطح یی دو مره را ټیټه کړی وه چی دانقلاب څخه دپخوا شاخص په نسبت یی هم تو پیر در اودد شوروی اتحاد ځوان حکو مت د خپل موجودیت له همغو لومړنیو ورځو څخه دټولنی دیبا جوړولو په کار پیل وکړ .

داکتو بر دانقلاب ستر لار ښود خپل ډولو لوړک ژوند او ټول فعا لیتونه دزیار ایستو نکود سعادت او کتوب په خاطر ، مبارزی ته وقف کړی و . دتولید په وسایلو باندی دخصو صی مالکیت لغوه کول ، دټو لو صنفی امتیازاتو لغوه کول ، اتو سا عتو نو ته دکار را ښکته کول ، دنارینه وو او ښځو دحقو قسور ا برتیا ، په ښوونه او روزنه کی ددموکراتیک رفورم منځ ته را وړل ، دپوهنی دودی په تالار کی زیار او څڅه ، دنوی او مترقی هنر پراختیا اود ملی هو ساینی منځته راوړل ، هغه ټول مسایل وو چی دشو روی ځوان حکو مت دهغوی دحل کولو له پاره په فعا لیت پیل وکړ .

دشورا گانو ځوان جمهوریت

خپل ټول خلاق او ایجاد کړو نکی قوت داتقصادی وروسته پالیسی والی ، دمرضو نو دله منځه وړلو او دغښتلیو کدرو نو دکمبود دپوره کولو له پاره په کار واچاوه . حیی دشو را گانو دهیواد څیره دسو سیالیزم له جوړولو وروسته داسی بدله شوه چی چایی تصور هم نه شو کولی ، هیواد له یوه وروسته پاتی حالت چی له څلورو بر څو

څخه یی درزی بر څی او سیدو نکی دسوا دله نعمت څخه محروم و . د شمالی سیمو ، سا پیریا اود منځنی آسیا ځینی بر خوی حتی المباح نه درلودل په یو مقتدر صنعتی او زراعتی دولت چی دلوی اوعالی فر هنگ څښتن دی بدل شو او بیسوا دی یی بیځی له منځه یو وړه . دشو روی اتحاد خلکو د علمی سو سیالیزم دارما نو نو په رڼا کی وکولی شول چی په ډیره لږه

موده کی داسی ستر بریا لیتو بونه لاس ته راوړی چی نړی ورته حیرانه شی . په شو روی اتحاد کی دسو سیالیزم دجوړولو تجرب په داثباتی چی آزا د شوی خلک یوال زی دټولنی په اجتماعی او اقتصاد دی سا ختمان کی دجدی تحولاتو په اجرا اود یو غښتلی ملی اقتصاد په جوړولو سره وکولی شی چی خپل واقعی استقلال تامین کړی . داکتو بر ستر انقلاب دخلکو قوت دنوی ټولنی دجوړولو په

لور را وگرځاوه چی په هغی کی لکه څنگه چی دشوراگانودحکو مت موسس اود اکتو بر دانقلاب لارښود ویلی وو : «چی نه د امتیاز له پاره ځای شته او نه دیو انسان له خوا په بل انسان باندی دستم له پاره ځای شته ...»

لنډه دا چی دشو روی اتحاد دخلکو دټولو تر قیو اوپر مخگنونو او دهغوی دسو سیالېستی ژوندانه ریښی د۱۹۱۷ کال داکتو بر له انقلاب څخه او په خوری ، هر څه له هغه ځایه پیل کیږی . اقتصاد ، فرهنگ ، دسو سیالیزم معنوی ارزښتونه اودانسان نوی څیره داکتو بر دستر انقلاب ډیر کت

مړهون دی .

پوهنتون

دوستی خلق



فاديژ داتينا نكو محصل شو روی بايكي از محصلين پيرو .

اگر محصلي در مدت يكسال در كورس مقدما تي آما د گي كا في گرفته نمي تواند او اجازه دارد تا مدتي كه بتواند از عهده رشتنه انتخابي پدر آيد در كورس مقدماتي بدورس خوشي ادامه داده ميتواند .

محصلين كوشش هاي زيا دي به خرج ميدهند و در فرا گيري دروس زحمات زيا دي را متقبل ميشوند .

آنها سا ختمان آخري ن نوعما شين آلات ، ما يكر سكوپ الكترو نيكو استفا ده از اشعه لايژد وغيره رامی آمو زند .

دو كتوران جوان انا تو می، فز-

يو لوژی ، درما نشنا سي و ثمام موضوعات پيچيده طبي را كه در لابرا توار هاي پوهنتون وشفا-

خانهای مسكو مپيا ديده شده است مطالعه وتحقيق ميكنند . محصلين تحت نظر استا دان مجرب و ورزيده در لابرا توار وكتا بخانه هاو كارهاي عملي و نظري انجام ميدهند .

محصلين ميتوانند بصورت داو طلبانه اساسات هنر هاي زيا را بخوانند و در مپيا حشاش تاريخ تيا تر ، موسيقي وثقا شي شركت كنند همچنان اين پوهنتون داوي يك تالار شعرو قصه خواني بنام (قوس قزح) ويك ور كشاب براي ژور نا ليستان دارد سيورت و تربيت بدني از جمله مضامين اجباري اين پوهنتون مپياشد .

زندگي اين محصلين (گردد هم آبي بين المللي محصلين) متكي بر اصل دمو كراسي و دوستي طرفيستن مپيا شد . اشتراك محصلين در جلسات ومباحثات از طرف اتحاديه



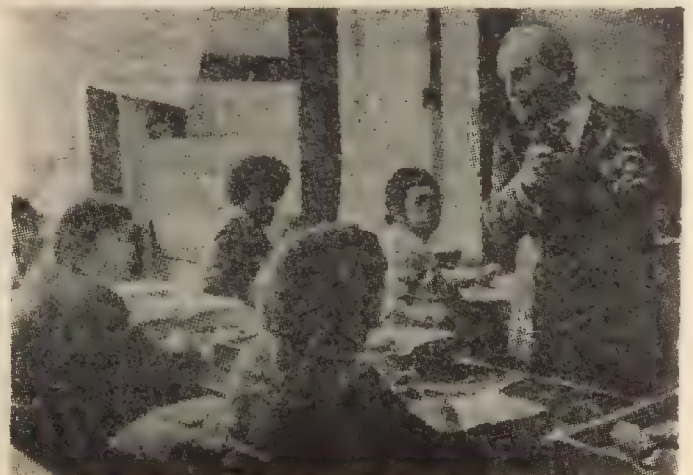
يكي از محصلين هندي دو صنف جيا لوجي در حال مطالعه اساسات كيميائي فزيكي .

بين المللي دوستي محصلين تنظيم ميگردد .

شوراي محصلين به همكاري استا دان مباحثات علمي روي پرا بام هاي اجتماعي دايرو زمينه ملاقات هارا باسا ينست هاي معروف ، نويسنده گان ، شعراء وهنرمندان وآر تيست هامپيا مپسا زدمحصلين جديده الشمول پوهنتون را باكورس اجباري مقدما تي كه مدت يكسال رادر بر ميگيرد آغاز مينماياند . محصلين رشته اي را كه در پوهنتون تعقيب خواهند نمود در سال اول به صورت عمومي خوانده و در طول اين مدت لسان روسي را نيز مي آموزند .

اين پوهنتون به اساس تصميم دولتي شوروي تا سيس گرد يد كه از تاسيس آن به مقاييسه ساير پوهنتون هاي اتحاد شو روي وقت كمی ميگذرد . زياته از شش هزار متعلمين وفارغ التحصيلان مكاتب از صد مملكت مختلف جهان درشش پوهنخي مختلف اين پوهنتون در رشته هاي انجيني ري ، فزيك ، ريا ضيات ، علوم طبيعي ، طب ، زراعت ، اقتصاد ، حقوق وعلوم سياسي ، تاريخ وزبا نشنا سي مصروف تحصيل مپيا شند .

محصلين اين پوهنتون نظر به احتياج ونياز مندي هاي مملكت خود در رشته طرف ضرورت مشغول تحصيل اند . فارغان پوهنتون دوستي در ختم سال تحصيلي ديپلوم دريا فت ميكنند كه مساوي به ديپلوم هاي ساير مؤسسات عالي تعليمي اتحاد شو روي از رشتن واعتبار دارد . اعضاي تدريس پوهنتون اعسم از پرو فيسوران ، استا دان ولكچر دهندگان به دوازده صد مير سده كه شامل معروفترين ساينست ها ميشود . همچنان هريك از استا دان از



ليف بليا كوف اسيستانست پرو فيسور در حالت توضيحات در مورد جغرافياي عمومي .

هغوی ژوندی دی

ژان لافایت

(تیربسی)

فرانسوا د هغو سگر ټو په بدل کې چې موږ ورته ورکړی و، دوه خواځه اخیستی و. لاسه کړی دی، ژوول هم یو خوراک اخیستی ته راوړی دی. له بلې خوا نه زموږ نور ملگری هم غږیږي ښه کارونه سرته رسولی دي. په تیره بیا دومره بده ورځ نه وه. ژوند ادامه لري. وگورئ چې سبا کوم شی زموږ انتظار باسي.

دموتېوزن نه ماتېدونکي تیري:

آین، زوی، فدی، و پر ... (آلمانی کلمې یعنی یو، دوه، درې، څلور ... موټرن... آه). (آلمانی کلمې یعنی څولسې وېسې) په پنځه کیږو ډلو کې او پداسې حال کې چې خپلې خولې موبه لاس کې اخیستې دي اولاسو نه مو په دواړو خواوو کې غوږ لاس نیولی له یوې دروازې څخه تیریږو. ده غه وخت احساس مو هیڅکله نه هیريږي. د شنه سپار په هوا کې په زرگونو بندیان دارد و گا ه څخه دکار ځایونو ځوانه روان دی.

د تیري نه جوړ شوی دروازې لاندی دیولوی ساعت په څنگ کې چې پنځه نیمې بجې ښیږي یو میزا ښودل شوی، داسې د هر سولو کمو د تیریدونو وروسته یو ټکی پر کاغذ پدی ډول د ځوان اس - اسونو په منځ کې چې ځلاند بوټو نه یې په پښو کې دی یو منسټر منصبدار ولاړ دی او موږ ته په ډیر غرور سره گوري، دغه منصبدار دارد و گا ه رئیس دی.

هغه ساتونکي چې دده شاوخوا نه دریدلي دي دهغو گمانو څارنه کوي چې ښی یې غلطی شي او یا د لیک څخه بهر ووځي. په هر حال کې د سوکانو اولفتو گډارونه پر لیک باندې جاری دي.

یو تور بیرغ د جمجمې د علامت سره د دروازې په سر کې راپیږي.

کله چې د دروازې څخه تیریږو، باید داسې د ساتونکو د وروستو لاسه منځ نه چې د دیواله پېشان و لاندې تیرشو.

دوه سوه پنځوس یا هری سوه تنه وسله وال میراد ورته (د څارنې برجونو) ډیر ته ستنیدو انتظار باسي.

دغه قوی نمایش ددی لپاره ده چې بندیان خپله روحیه له لاسه ورکړي. موږ ښه پوهیږو چې دغه ساتونکي هر یو سترس چا ښکاران دی او هغه سبب چې څښتیږو نه یې په لاس کې لري داسا تا نو د څیرو لوباره ساتل شوی دی.

موټرن ... اف (خولې برسر)

په بدل کې ډوډی واخلي، موږ گورو چې هغه دیوه قطی سگرت په بدل کې یواځې یوه ټوټه توره ډوډی اخلي.

(فرانسوا) (اندره) ته گوري او وایي: عقل دی با پللی دی، دیوی ټوټی توری ډوډی په بدل کې دی یو قطی سگرت ورکړ. یو نفر روس زما لستو نی کت کاږي او سو پاکت بوره واته ښی ښایي چې پنځه فاشو نه بوره ولري.

(دیه سیات پایږ وې) رو سی کلمې یعنی (لس دانی سگرت) (فرانسوا) دپوری پاکت په لاس تللی خپله گوتنه پاکت کې نه باسي او ددی لپاره چې دپوری له شته والی څخه ډاډه شي خپله گوتنه په خوله کې نه باسي او هغه څښي وروسته بیا ځواب ورکوي.

لف؟ (آلمانی کلمه یعنی پنځه) بلورونکي په ډیر ځپکان سره له موږ نه لری کیږي او کله چې گوري چې موږ هم خپل ساوړته څر څوویږتس را گورځي.

شش. (شپږ) فرانسوا له داسې ښې سره چې ښکاره کوي چې دا نې وروستی خبره ده وایي. لف آوند هاب ریگا رتن (آلمانی کلمه یعنی نڅیم دانی سگرت).

هغه مله پای ته رسیدلی ده. زه خپل سگر ټو نه ورکوم، غواړم چې یو سگرت فرانسوا ته هم ورکړم خو هغه نې نه غي، په ظاهره توگه هماغه نیمايي سگرت چې را پاتې ده هغه ته کافي ده. په څو شحالی سره واته وایي:

ښه معامله دی وکړه بوره ډیره لږه پیدا کیږي.

خو داراته ووايه چې دا بوره له کومه تړه لاسه کړې ده.

زه پدی نه پوهیږم. دلته داسې کارونه (اوگا نیږ اسون ټول کیږي، باید اقرار وکړو چې روسان پداسې کارو لاسو کې نځې دي. له همدغونه یو تن چې زما خولې بې غلاکې وه دیوه کاسه اخیستې بېل کیږي بیرته واکړه.

زموږ څلور کیږه ډله اندره، شاو لو، ریموند، او زه کله چې بلوگ ته بیرته را ستنیږو هغه منځ موچي لاس ته راوړي پرانیزو، درې ټوټی ډوډی، بوره برخه غوږې یو دانه پیاز او ددغو شیانو په بدل کې مو خپل دستگرتو نیمايي برخه شتمني لاسه ورکړي. اوږد سیره پر دی پس لودی نه نشو کولای چې دبلوگ نه بهر په چا سره اړیکې ټینګې کړو ځکه چې زموږ اړیکې د بهر سره ښیځي غوځي شوي دي.

اوس هغې ژینې کې یوچی دځاه لاند نیږیږي برخې ته رسېږي موږ پسی دیند یا لاسو بای ته نه وسیدونکي لیک وروان دی، بندیان لکه اتو ما تیکو ما شینو نو غوندې له دغه دتین و نه جوړ شوی و دانی څخه ښکته کیږي، داسې یوه منظره چې په عین حال کې ستره ده دویږي نه ډکه همدغه تقریبا دژینو په وروستیو پتو کې ژول واته وایي:

ساتا (مترو پولیس) فیلم لیدلی دی؟ نه!

په دغه فلم کې داسې ما شینې امان ښودل ماسم ددغو ۱۸۶ پته اړی ژینې څخه ښکته کیدلو په وخت کې ددهغو غوا امانا نویو شاوخوا کې فکر کاوه.

اوس د محوطې په لاندې برخه کې یو، بندیان په چپه خو له یو په بل پسی درېږي. دحاضری وخت دی. یواځې د (او برسر کاو) وچ فرمانونه نه د چا پیر یا لوبو بڼا له منځه وړي (او برکاو) دکا پود مشر نوم دی. هغه هم دیند یا نو له منځ نه انتخابیږي پدغه وخت کې (ژا ریمبا) هغه کارسره رساوه چې دغه دچنایا ترو په شمېر هیڅوک نه پوهیده او یو ځل بیا چوپه چو پتیا ده زموږ په گرد چاپېر کې یواځې د تیر و دیوالونه دي. ددغې محوطې په منځ کې درې سترې څاگانې کیندل شوي چې نه هغو کې ډېر وړی او سترې ټوټې اچول شوي دي. د آسمان د لیدو لپاره باید سرو نه پورته ونیسو، دغه ښار اوسیدونکو ته ورته یو چې په ناڅاپي توگه د یو زلزلې له کبله په مخکښکې ننوتلی وي د نېسات او حیوان هېڅ نښه نښانه نشته، طبیعت دسړي بڼه لري. داد (موټېوزن) کاره گاه ده.

(کوماند و فوهر) (پر ټوله کار گاه باندې څارو لکي اس) اوه هغه پسی (او برکاو) پداسې حال چې خپله خو لسی ئی د پلانته دزرکي نیولی، روان دی او دایکویه وړاندې تیریږي. دڅلورم ځل لپاره موږ شمیري وروستی فرمان اوریدل کیږي:

(او بریس کو ماندو) (به کوماند و کس دکارپیل).

بندیان په کار ځایونو کې سره ټول لیری څه باید وکړو؟ چیرته باید لاړ شو، له نیکه مرغه (فرانسوا) له موږ سره دی، په هغه پسی روانیږو او دغه په کوماندو کې ځسای نیسو. بیا هم حاضری. یو ځل بیا موږ شمیري. یو کابو زموږ د نمر و بادداشت نیسي او هر څوک خپل کار پسی ځي، فرانسوا هم باید خپل کار پسی لاړ شي او د (منه کار) په ډله کې کارو کړي بدغه وخت کې ما شینو نه پسه کار لویږي او بندیان په کار پیل کوي. دتیرو دماتیدونو ځاوري او دوی پورته کیږي. زموږ په سر پوری، په دیرش سړیزه او ټن کې، متحرک هوا یې بلو ته او دتیري چلو لاسو واگونونه له څاڅه پورته کیږي.

اوس باید دسپار شپږ بجې وي. موږ له اکثریتو بندیانو سره دپنډیا بو (جوانیان) په څیر کار کوو. پخپلو لاسو کې تیری ټوټو.

دکمپرسورونو، کومو تیفونواو واگونو نو

نورونه جي ڊيپلي پرمخ ڀڄي پري (ڪاٺو) غي و نه جي ناري و هي پو کون ڪو و نڪي ڇڻهه ڪونه پي منڇ تهر اوڍي دي اوڍي لپاره جي به ددي قضي وائڻ کي پو د بسل غي و اوڍو با بد چڱي ووهي . فرانسوا جي دهغه را ننگ ته عوجه شوي نه پيم ، ز ماڻهه خنگ کي خاي نسي . گرد چاڀير نه گوري اومقامي توصي اودستورونه ما تهراسپاري .

-(ڪاٺو) هغه ڪسان تي جي متر و کي به لاس کي لري . هر ڪله جي ددي سترگي درباندي لوڀري بايد وڃو خيڙي او په نيره پيا بايد زمونڊ دڻي د (ڪاٺو) سره ڏير اجباب وکري . دي هماغه سري دي جي خيلي ڪوئي خوا ته روان دي . هندا او س دهغه گرڇيدل پيل ڪيري ، هغه توه ڪه هسپانوي مرستيالان لري جي معمو لا فرانسويان نهوهي ، سره له دي هم بايد بوجه و لري د (اوڀر ڪاٺو) ڇڻهه هم جي سهار دي هغه وليد با بد خان لري و سا پي توي هر چير نه حاضر دي . (ڪو ما نندو خو هر) هم پرله پسي به هغو ڪسان پي دي جي ڪارنه کوي ، هغوي تهخيڏو اوسيزه دوي تر ٿولو خطر ناڪ دي .

او په پاي کي بايد اس-اس ته هم موچه و او سميري ، دا صول له لحاظ نه پيا بي جي ددوي ڪويم پو سري دڪار په وخت کي گير ڪري .

زه دهغه سپار بستي او د ستو رو ڪه خيلو ملگرو ته رسوم، خودزده ڪري وڃن . ڪسان تو مره زيات دي جي سري تو او نه خبر ڪبد لاي نشي .

مون او س دپوي ستر پوري پوهه منڇ نا مت پو او داسي خر گند وو جي غيا پو هغه له خايه و شيور وو خور پشپا خبره داده جي هيڃ قوت نه مصر قو و . مو پٽول يدي هڻه کي پو جي تر ممڪنه حده پو دي لڙ ڪا رو ڪر و او دا ڪا ر تو مره مشڪل هم ندي .

هغه ڏيره جي زمونڊ خوا ته گذار شوي د اندره له خنگه تيريري او پريو وا سمون باندی لکيري زه پيورته سموم هسلته پو اس - اس و لاپدي او مون خاري .

ملگر و! هغه اس-اس مودنه خير دي ڀياي جي ثبت شو .

زمونڊ سوچ بر خلاف دالما نيا نوسر و ننگي ڪول تو مره آسانه ڪارنه و ، پو ڪاٺو (سيمون) خوا ته را خي او دي (سيمون) هيچ متوجه ندي غيڻ پري ڪوو خو ڪه بله مرغه ڏير خنڊ شوي دي . دسيمون پر ستر با ندي د قمچنو گذارونه پيل ڪيري او اهر پري ڪيري جي د پو غي ٿوئي له ڇمڪي حجه پورنه او په منڇه پي وا گون نه وره سوي او دهغه ڪار بايد پي ته تم ڪيد و نه سر ته وره سيري . مو پنه و نه گوريو، گورو جي بي طاقت شوي دي خيل غا ڀيو به پو تر بل با ندي سو لوي او پيا ههم خفلي او ڪاٺويي له خنڇه زمونڊ دهغه ملگري به فيجيو و هي او هغه دانسان له قدرت خنڇه او چت ڪارونو نه هڻوي .

او س نو سيمون نشي ڪو لي جي آبيري وا گون نه پو رته ڪري او هر حر ڪنڊورته

ڏير مشڪل دي . سره له دي هم صحنه تڪرار پري او پيا خي هغه وخت باي ته رس پري جي (سيمون) له پشو نه و لوي پري . اوس به دهغه جلاڊ (ڪاٺو) هغه وڙڙي دنا تو نسي او ڪرکي او ڀڻڪي زمونڊ په ستر سو ڪسي را خي سيمون پخيل ورو سمي قدرت سره پيا هم له خايه چڱيري ، داسي ڀڻڪاري جي دزوندي با تي ڪيدو لپاره ورو سمي هلي خلي ڪوي دا خلي (ڪاٺو) هغه سره غرض نه ڪوي مو پنه لڙ هو سا ڪيري هغه سري جي زمونڊ ملگري بي وڻڪاره له پو شطاسي موسکا سره مون نه کوري اوڀه لو و غيڻ اعلانوي جي :

ناشت مال ... ڪا پوت ، الما ني ڪلمي (بل خلي ... مرگي)

او دجهني ڪنه ڪو نسي په ترخ ڪسي پيا هم ڪار پيل ڪيري (ڪاٺو) اوس دڇوڙي روسانو سره غيڙي مودهم دفرست خنڇه په امتدادي سره دڪار د شدت خنڇه ڪيو و . مو پنه غوا و جي دستر الما ن! لپاره ڪارو ڪرو . پو ڪا ميون دڪار ڳاهه غي له نه نئو خي او د تير و ديو غر تر خنگ دريري (فرانسوا) ددو هم خل لپاره مو پنه تڙدي ڪيري اوڍاي:

مساعت او ه پيچي دي .

دڪا ميون د ڪولو لپاره ٿول هغه ڪسان ددو مي جي پخيلو لاسو نو ڪي ڇه شي لري مون هم خيلو .

پس له پنڇو دقيقو خنڇه ڪاميون ڇ ڪيري او حر ڪت ڪري . دوا گو نو نو قطاره پڙ خاي نسي . وا گونوته هم په هماغه جيڪي سره ڇ ڪيري ، بند يان ددي لپاره جي د آڀر و ٿو ٿي پيدا ڪري پو دبل سره تڪراري . مون او س پو هيڊ لي پو جي بايد تر ممڪنه حده پوري لڙ ڪارو ڪر و اوڇيل قوت زيرمه ڪرو .

پيا هم مو ٿرو نه رار سيري او پيا ههم اوڙ گا دي دمو ٿرو نو خاڀونه نسي . او مون پوا خي ددو با ر ٿيو لو په منڇ ڪي ، ڪولي شو لڙ ڇه دمه وڪرو . او سره له دي نه پيا بي جي (ڪاٺو) هر ڪرو خنڇه جي په ڏير خر سره مون خاري .

اوس د لڙ وڙ انگي ڪار ڳاهه رو شا نه ڪوي او د تير و شين رنگ به ڏير ڀڻڪا سره خر گند وي .

خوسته ڪيري جي ڪاز ڪوو؟

هلته دڙينو په سرو پو تود پڪي سيوري اچو لي ساعت لس بجي دي دهغه سري د (ڪو مانڊوهر) لپاره پيو دوا راوي ده او د همدی ڪار لپاره دڙينو خنڇه پورته ڪيري (دهغه موضوع شارلو مسانه وایي ، هغه هم دفرانسوا خنڇه اوڀر دي و) .

اندره زما به غور ڪي وایي :

ڏير وڙي پم .

پول وڙي پو ، ڏير وڙي پوهه وخت به ڏوي را ڪري ؟

آهي يوج غي پورته ڪيري ڇه خبره ده ؟ خيل سرو نه پورته ڪوو ، داسي ڀڻڪاري جي ميرا دور (دخارني برج) نه نسردي اغزي لڙونکو مڙو با ندي دڪالي ٿيو نسي

بند سوي دي ڀڻه غير ڪيرو هغه پو سري دي ، پي و زلي غو ڀڻه جي د ڪا پسو د منگلو خنڇه و ٿيڻي او په همدغه ترخ ڪي له متنوعه پو لي خنڇه نير شوي و اوس به پو سا تو نڪي ددغي منظري عڪس ونسي او دهغه بندي په دو سيه ڪي به پسي ونهيلي اوڀه ليکي جي :

دلتيتيد و په وخت کي ووڙل شو .

دهغه دو سبي په خرا نه و ڀڻت زره دو سبي د جيل خاني نه د فتر ڪي شنه . (زول) را به ڪيه ڪوي هر ڪله جي ڪو به بندي مري دهغه دهری عڪس دهدد غو مزوسره نسي او هماغه مشهوره جمله پڪي ليکي .

نا زبان پخيلو ڪارونو ڪي داصول مراعات ڪوي . (!)

داسي ڀڻي په ڪار خا پو نو ڪي سري عادي ڪار دي خنڇه جي خوک نو جه نه ڪوي او پخيلو ڪارونو بوخت ڪيري خورخي ورو سته ما دما شين گنو دگو لو پسي غي و او د پڇي دنه ڏي تل پر انسا نا نسي با ندي ڪيد لي .

دڪار دپاي ته رسيد لو اعلان ڪيري .

شر مه ده ، ڪار پا ي ته رسيد لي دي .

(ڪو ماند و) سره ٿوليري .

آين ، زوه ، فري ، وڙ ...

په مر ٿيو ليکو نو ڪي ڏوڙي خو د لسو لپاره خو ڏوڙي خوڀلو خاي ، ڪارخاي ته غير مه واقع دي او هغه ديو واپ په خبردي جي بند يان په پنڇو لکيون و ڀڻل ڪيري دهر يوه ليک به وڀاندي د آتش پنڇوس لسڙ پڙه لو پسي اڀيو دل ڪيري . پو ڪاٺو بداسي حال کي جي خيل لستو بي لي پورته

ڪري دي او پوه لويه ملاقهي په لاس کي ده او هغه د آس په لوبني ننه په سي او پيو روي پي . (رو تابا ڳاس) آتش پسي دهر وڙه پوخ ڪري دي بايد جي د آتش سو ڇاڇڪي هم بيخايه تو بي نشي خنڇه جي ملاقه دهرجا دپاره پو خلي پوربه ڪيري زهونيش په سومرو شيپو ڪسي ورسيدم نو خنڇه پوا خي او به را ته ورسيد لي او پس .

شار لو جي زما نه ڀڻڪر نه ڏد پيا ٿو دري ٿوئي پي په نصيب ڪي شو . هغه وروسته رسيد لي و نو خنڇه دلو پسي ورو ستي پر خه ورنه ورسيد . آتش په ولاهه خورو او خورا خو ند را ڪوي خو زمونڊ د غو شبيي مخڪي دلو پري حالت لا هم با تي دي و يا پيا بي جي زمونڊ اشتها ڏاره شوي وي .

دخواه و يش پاي ته رسيدلي دي او مون ددي لپاره جي ددي ڀڳي د لاندني برخي خنڇه پو خه لاس ته راو پو په هلي خلي لاس پوري ڪوو خو ڪنه ڪونه دومره زياته ده جي خوک نشي ڪو لي ڏيگي ته تڙ دي شي . دهغه موضوع زمونڊ په ڳڻه ده خنڇه جي فزبابي ڳڻه گوني له ڪبله (ڪاٺو) خبر پيري او را خي او په خيل ٿول قوت سره بند يان پگوي او په نتجه ڪي غو ڪسه پر ڇمڪه لوڀري او د مڇو نو خنڇه پي ويني پهيڙي داسي ڀڻڪاري جي پو غو ڀڻڪاري سبي ددي

دخواه و يش پاي ته رسيدلي دي او مون ددي لپاره جي ددي ڀڳي د لاندني برخي خنڇه پو خه لاس ته راو پو په هلي خلي لاس پوري ڪوو خو ڪنه ڪونه دومره زياته ده جي خوک نشي ڪو لي ڏيگي ته تڙ دي شي . دهغه موضوع زمونڊ په ڳڻه ده خنڇه جي فزبابي ڳڻه گوني له ڪبله (ڪاٺو) خبر پيري او را خي او په خيل ٿول قوت سره بند يان پگوي او په نتجه ڪي غو ڪسه پر ڇمڪه لوڀري او د مڇو نو خنڇه پي ويني پهيڙي داسي ڀڻڪاري جي پو غو ڀڻڪاري سبي ددي

د لي وڙو گپ پو په منڇ ڪي لو پي دي وي . د شڪيل غي پورته ڪيري د غر مي رهندي پاي ته رسيدلي دي ، داتولي پيشي پواخي نيم ساعت وخت نسي او مون دڪار خايو نو خوا ته ديو مو .

...

فرانسوي زه فرانسو زه ... (فرانسوي ، فرانسوي ...)

پو سري جي اوڙ د قد لري زما لاس کڻ ڪا پي پيا بي جي (ڪاٺو) وي خنڇه جي په لاس کي پي ڪو نڪ دي .

ڪمبل ترا گر ، ڪمبل را گر ... (د يگي پو سي ڏيگي پوسي) .

سوچ ڪوم جي د خان تير ا بسل به به ڳڻه نه وي له هدي ڪبله پير نه گر خواو او پڊسري (ڪاٺو) هم را پسي رواني اٽڪلا ٿول فرانسويان دتسو د يگيو په شاوخوا ڪي و لاپ دي . مو پي پي نن د شو د يگيو دوڀلو لپاره پخلنخي ته انتخاب ڪري

پو . هر د يگي د پنڇه دير شي ڪيلو به ساو خوا ڪي وزن لري او مودبه ڏير زياد

سره د يگي پخيلو اوڙ و با ندي جگو و اود (ڪاٺو) تر خا رني لاندی روا تير و . ز غم

نه متو نڪي بگاڙي ده لاق او سه پنڇه سه سه مهره و آڻن پانه دي خو مو پڊير سني شوي پو پنڇه سه سه مٿرو لاروهو اوڙينو ته رسيري او بايد اوس ديو سلوشير اڀايو خنڇه پورته شو . مون دسمندري آسونو به خير ستمين و پداسي حال کي جي اومپورنه مود درانه بارله زوره ڪانه شوي دي او له دي ڇا ره جي و نه پو خيل با رو نه خاي په خاي ڪو و . زه ددغي ڏلي په منڇ ڪي پم او (پي لوني) پداسي حال کي جي خيل وروستي

سلگي و هي زما به خنڇ ڪي دي ڏيڙسري ستر ياله زوره خيل غا ڀو ته پو پو پل باندی سو لو او مو پ خيله هم حيران پو جي خر ننگه ڪو لي شو دهغه درو ند با د دڇوڙينو خنڇه پورته ڪرو . د يگيني ملگرو پوا غي

دري پسي راته ڀڻڪاري جي د (شا رلو) پسي هم دهدد غو پشو په منڇ ڪي دي . ار شا مي دکنه گوني غرونه پورته ڪيري خود د گرو خيلو او اڀيو مو صوع مطرح نده خو ورو سته پوه شولي جي پواس اس خيل چاره (دريمون) پر شا نه با سي او پير نه پي با سي دا خنڇه جي هغه لڙ ڇه سرته با تي و نيا هم پو رنه

خو . ما دڙينو ديو په شمير لو پيل ڪري . خو ڏير زڙ پوهه شوم جي دڪار هم مسڪن ندي خنڇه جي د مخڪنو ملگرو گر ند تو ب زياته شوه او (ڪاٺو) هم پخيل ڪمر بند سره زمونڊ په و هلو پل ڪري دي .

شنل ، شل ... (زڙزڙ ...)

اودادي وروستي پتي ته ورسيدو خواره دوگاه ته درسيدو لپاره ڀياي جي ديو لوڀر واپ خنڇه تير شو نورپا واپ خنڇه تير شو (نورپا)

ترکمنستان چې د شوروي اتحاد له پنځلسو جمهوريتونو څخه يو جمهوريت دی او د شوروي اتحاد په جنوبي کې مو قعت لري د ختيځې مساحه يې پنځه زره کيلو متره مربع ده .

دغه هيواد دوه مليونه اته زره تنه نفوس او د افغانستان او ايران له هيوادونو سره گډې پولې لري .

دا کڼو پر له انقلاب څخه مخکې هلته يې سوادى زياته وه او د ترکمنستان خلک سخت استعمار وېدل د انقلاب څخه دمخه د ترکمنستان خلک د جاپړ و جاني دارانو له خوا په ډول ډول گړوانو سره مخامخ وو او کله چې د ۱۹۱۷ انقلاب پر پاي شو د ترکمنستان زړه ور خلک فيو ډاليزم ډېر ډېر کړ او د استعمار کړي يې سره و شلو لي . له انقلاب څخه وروسته ددغه هيواد په هره برخه کې ستر مهم اوجياتي تحولات منځ ته راغی او په هره ساحه کې دخلکو په گټه مهم مترقي گامونه او چټ شول که څه هم له انقلاب نه مخکې شوروي ترکمنستان دکار پوهانو له کمېټې سره مخامخ و خو دغه نيمگړياد شوروي اتحاد دنورو جمهوريتونو څخه پوره گټه په داسې حال کې چې ددغه

دغه ښارکي ډېکټرانو داودادو فابريکي شته او دغه راز شل دو چولو فابريکي وجود لري په دغه ښار کې دخوراکي مواد وفابريکي شته وده کړي او شته فعاليت کوي دچرخو او نو رو شيا روڼو کې دغو ډېر فابريکي شته د عشق آباد ښارنه نږدې دودا ښو چوپو لو او لوله (گري) چوپولو فابريکي وجود لري چې د توليد او نو سطحه يې زيات ده .

په دغه هيواد کې د غا ليو او بد لسو صنعت زيات ته پر اختيا کړي او دغه کار دعو ما پښې سر ته رسوي او د ترکمنستان پښې ددغه صنعت ډير اختيا لپاره په زړه پوري ډول لوبوي .

د فراقم کا نال چې ددغه هيواد په کر نه او مسطور نيا کې زياته مر سنسه کوي داو يا کبلو مترو په شا وخوا کسی ديري چلولو لپاره مساعده ددغه راز داو سيني لاري پر اختيا مو ند لي او د مو تسر چلو لو لپاره ډيري لاري جوړ ي شوي دي . دغه هيواد ديو عني له پلوه زيات ته سر مختيا کړي او په دغه هيواد کې ۳۰ ليسې او شپږ پوهنتونونه موجود دي په دغه هيواد کې له هر ولسو

دشوروي تر کمنستان

په باب معلومات

قسم حسن

زرو څخه ۱۳۲ نه زده کوونکي دي چې دغه ټول يا رقم د سر ما پداري ټولو څخه خو چنده پنه او زيات ده . د ترکمنستان خلک چې له انقلاب څخه مخکې دېسواد ي له دردونکي رنځ څخه په عذاب و اوس پښې دي که تاريخه سواد لري او داسې خو ځانه پيدا کيږي چې سواد و نلري . د کر نسي دجا رو دزده کړو لپاره ډير متو سطې شوي . نخي تا سيس شوي دي په دغه هيواد کې ما شو مان شو ونځي نه له ورنگ مخکې په وړکونوکي ژوند کوي په دغه هيواد کې کتاب ټو ټو نه او ټبا ټو ټو نه زيات دي د هر ولسو زرو تنو لپاره د پير ش ډاکټر شته په ۱۹۷۶ کال کې د ترکمنستان د خلکو دهر ولسو زرو تنو لپاره ۲۶ تنه دالمان دايجاد ي جمهوريت دهر ولسو زرو تنو لپاره ۲۳ تنه او په انگلستان کې دهر ولسو زرو تنو لپاره ۱۶ تنه ډاکټران فعاليت کاوه .

دترکمنستان خلکو څوموده مخکې د خپلي خپلوا کې پښو سمه کالبره په شا اندارو هرامسو سره و اما نځله څرنگه چې مخکې وو پل شو او س په دغه هيواد کې صنعت پر اختيا کړي او ډيري فابريکي بکي توليد کوي د هنداري جوړ و نو اوډوډي اوډ لو فابريکي يې مشهورې دي .

دغه راز د ترکمنستان دتيلو ويستلو فابريکي چټک پرمختگ کوي او له هغه څخه به زړه پوري گټې اخلي کيږي ترکمنستان په خپله ۲۰ فيصده کاز توليدوي دسيما صنعت وده کړي او ډايمر و اسفالت د فابريکي توليدات زيات شوي دي د عشق آباد په ښار کې دچيني چوپولو فابريکي شته او ددغه ښار دپيښا توليد پوا څي اوه ملبارده کيلو واټن نه رسيري چې دغه رقم يو زيات رقم دي په

لري ددغه اکاډمي زيات تړه زده کوونکي در کمنستان خلک دي د ترکمنستان دغلو و اکاډمي په اوسني وخت کې په در يو برخو ويشله کيږي:

- ۱-د فزيک برخه
- ۲-د تخنيک برخه
- ۳-د شيميا برخه

په دغه اکاډمي کې دزلزلي دپېښې پوهنځي او د لمر څخه دانرزي دانستيا دي يو هڅي شته بابا يف د ترکمنستان د غلو موداکاډمي د سيس د نو ضيعا سو په ترڅ کې داسې وويل : څرنگه چې ترکمنستان دافغانستان په څير زيات لمر لري نو موږ دا هڅه کوو چې دلمر دانرزي څخه گټه واخلو چې له دغه کار څخه مو گټورې نېچي تر لاسه کړي دي دغه اکاډمي دصحرایي پوهنځي په نامه يو پوهنځي لري چې دټول هيواد لپاره فعاليت کوي او په دغه اکاډمي کې هرکال درزو ټوکو څخه زيات علمي کتابونه چاپيږي .

دغه اکاډمي پر له پسې غلورمجلې خپروي چې دغه مجلې د ترکمنستان دغلو و په نامه ياديږي ددغو مجلو مطالب عمو ما کيولو ټيک او فيزيکولو ټيک تشکيلوي د ټولنيز غلو مو او بيا لو ټي په نو و دي نوري مجلې خپروي او يوه مجله د صحرا يې ستو نزو په نامه چاپيږي چې له دغه مجلې څخه ټول د شوروي اتحاد خلک استفاده کوي په ترکمنستان کې مطبعاتي چارې زياته پر مختيا کړي په ترکمنستان کې اوه ورځني چاپيږي او د خلکو داستعاد ي وړ گر ځي . ترکمنستان پنځه ولايتونو لري او په هر ولايت کې ورځپاڼي په رو سي او ترکمني ژبو چاپيږي .

د پښتو ځوانانواو ماشومانو د مطالعې لپاره مجلې او ورځپاڼي خپريږي د مثال په ډول پوا څي ديو ند په نامه ورځپاڼه د ۱۸۰ زرو په تير اخبريږي .

د ترکمنستان خلکو نه پواڅي د صنعت له خوا پرمختگ کړي بلکه دژوند په ټولو برخو کې يې فوق العاده امتيا ز تر لاسه کړي او د صنعت په څنگ کې کر نه هم زياته پراختيا موند لي ده .

دپزگرانو لپاره ۱۹۲۷ او ۱۹۲۹ کالو نو د پرمختگ دژوندانه اساساتيا وي پرا سري شوي او هلته ستر کلخو ژونه ايجاد شوي دي د ترکمنستان پزگران په کلخو ژونو کې را ټول دي اوله هر ټول اسممار څخه خلاص روند لري .

امان عبدوف د کلخو ز په باب داسې معلومات ورکړ:

ز موږ د کلخو ز په ۱۹۲۹ کال کې جوړ شو او سا حېسه يسي ۲۶۶ زره هکتار څمکه ده او ددغه کلخو ز مسلکي فمالست دحارو يو او ميوو روزل دي .

امان عبيدوف وويل : موږ وکولای شوای چې تر کال ۲۷ زره ټنه زرا به لکه چنکي - هند واني - غوښه رو مي با تجان - پياز او حمير خيال حاصل واخلو او هغه صادر کړو ز موږ د تير کال حاصلات جز وار داسې خلاصه کيږي:

هندواني او خنکي څلور سوه زره اودوه سوه

تنه ، غوښه - تپه سوه تنه - غنم څلور سوه تنه اونوري ميوې د تيمپرو سوواو پنځه سوو ټنو په نسا و خواکسي . موږ په خپل کلخو ز کې ۵۵۰۰ ټول ټول حوانات تر روزني لاندې

نو لي دي او دغه راز ديو سلو نو ي زرو په شاوخوا کې الوتکي مرغان په دغه کلخو کې روزل کيږي او موږ تير کال يواځي ۲۶ ټنه ورشمين حاصل واخيست . ده وويل په اوسني حال کې ز موږ د کلخو ز يو سلو اويا تر کتوره . ۱۳۰۰ موني او له شپږو سلو څخه زيات د کر نسي ما شين ا لات لري او په دغه کلخو کې پنځه زره پنځه سوه تنه کار کوي چي يواځي د تير کال د محصولاتو پيسه ۱۲۶۸۸۰۰۰ روپلونه ورسیده .

په دغه کلخو کې دکلخو چسانو لپاره دژوندانه ټول مسایل حل دي لکه څنگه چې وليدل شول په دغه کلخو کې څلور ليسې فعاليت کوي چې له هغه څخه کلخو زچيان په لويه سو په استفاده کو لای شي .

دکلخو چيانو ژوندانه ته پوره پاملرنه شوې او د کلخو په هر کور کې ټلويزيون او راډيو شته په دغه هيواد کې د ځوانانو لپاره هر ټول وسايل موجود دي .

د ترکمنستان د خلکو د هوسا زوږيد لپاره دومره ستر او بريالي کارونه منته رسيد لي دي چې پامني ترويج تر مشيت شو نه خو اړ څخه هم لږ ده داڅکه چې دغه خلک له انقلاب څخه مخکې هيڅ نه درلودل اوداستعمار گړانو له خوا په سخت استعمار بدل . بي سوادى دومره يکي زياته وه چي حد يې نه و .

لورده ، بي سودي او بربشو تيا دپخواني چاپرو حکو متونو جيري بحمل و چي در ترکمنستان به زيار استوگو نغو نغوليد . خو اوس په دغه هيواد کې د شوروي اتحاد دنورو هيوادو په څير خلک سوکاله اوبسيا ژوند لري .

هلته لورده تنه هلته خلک يې کوره نه دي هلته بربشو نيا نشته او دټولو خلکو

لپاره دژوند ضروري شيان پوره سوي دي بي سوادى ور که شوي او اوس د ترکمنستان خلک دعلم په رڼاکي خپل ورځني کارونه سر ته رسوي چې البته دغه کار د ردديانت کړيځي دي چې ترکمنستان د ټول شوروي اتحاد د جمهوريتونو له خلکو سره مرسته وکړي .

هلته خلک يې شو بښه ژوند کوي هلته هيڅ تشویش له چاسره نشته خو بسو شويش چې دهغه ځای خلک ور سره مخامخ دي هغه دادي چې څنگه کو لای شي چي خپل هيواد لاسمبور او ودان کړي .

دغه ټولي نيکمرغي چې او س د ترکمنستان دڅارنار استوگو خلکو ته ور پيسه برخه شوي دهغي ټولني محصول دي چې په هغه کې د سړي څخه دسړي استعمار نه وي او په دغه هيواد کې دسړي څخه دسړي استعمار پښي معوضي دي .

(باي)

واژه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

روابط انسانی بین هم و نیروهای مولده و مناسبات تولید :

در حالیکه چنین تصویری از انسان تولید کننده و جامعه ای انسانی به هیچ وجه با واقعیت و حتی تئوریهای علمی است. انسان هرگز حسی در اندیشه ترین مراحل پیدایش و تکامل خود را نیز تنها نبوده و نیاز مندی های زائد نمی خواست. او مجزا از زندگی دیگران تولید نمی کرد. او است. انسان موجودی است اجتماعی و از نخستین روز پیدایش بحالت جمعی در گروه های خانوادگی می زیسته و پس از گذشت زمان جامعه ای خود را گذشت می داده می دهد.

انسان مولد نه بصورت انسان جدا از جامعه ، بلکه بصورت جزئی از یک جامعه ای مفروض تولید و مصرف می کند. او تولید اعمی اجتماعی و سازمان یافته است و لذا بجای آفریدن انسان فرعی منفرد در عالم خیال و تصور ، باید انسان واقعی اجتماعی را شناخت و دید که این انسان اجتماعی در درون چه مناسبات تولیدی و چه ساختار (سازوکار) اقتصادی مشغول تولید است و این ساختار اقتصادی چگونه و عواقب کدام قوانین تکامل میابد و چه نقشی در پیدایش و تکامل سایر مناسبات و نهاد های اجتماعی و سیاسی دارد.

برای درک این مطلب باید توجه داشت که هر انسانی بطور جداگانه برای خودش نیست. لباس ، نان خانه و ... تولید نمیکند همه ی این وسایل نیازمند پهای زندگی و یا بنا به اصطلاح اقتصادی خواسته های مادی بطور اجتماعی تولید می شود. و بسته به سطح تکامل جامعه ، تولید اجتماعی نظم معینی دارد و این افراد جامعه و در جریان تولید مناسبات معینی برقرار می شود ، موضوع رابطه ی تو ضیح می دهیم: برای تولید خواسته های مادی

۱- کار انسانی و ابزار و تجهیزات کار خانه ها و معین و بندر و سرب و ... و خود سه عامل ضروری است.

۲- وسایل کار

۳- محصول یا موضوع کار انسان کارکنان کار را نیاز می اندازد و بواسطه آن روی زمین ، یا مادی اولیه تا نسبی می گذارد. تا آنرا به صورتی که برای رفع نیازمندی های خویش لازم دارد در آورد. مثلا برای تولید گندم ، دانه ن گندم کار ، یعنی انسانی که عبارت معنای و قید و ت جزیی معینی دارد و وسایل کار ، یعنی ابزار شخم زنی ، بذر ، آبیاری ، فرو و غیره ... را بسته به درجه ی تکامل (از بیل و خیش گرفته تا تراکتور و خرمن کوب مدرن) بکار می اندازد تا در این موضوع کاره یعنی

مالک آن عامل تولید و انسان مالک و سا یل این نظام ارباب رعیتی در نقاط مختلف کشور خصوصاً داشت ولی بهر صورت اصولی کلی و شالوده ای اصلی آن که مالکیت اربابی بر زمین زراعتی بود در سراسر کشور حاکم بود و نیروی کار و سا یل تولید در اقتصاد زراعتی افغانستان بواسطه این نظام بهم می پیوسته و نه تنها درون آن بود که تولید اجتماعی ممکن می شد و تنها با پذیرش آن بود که دهقان (رعیت) بتوانست به کار زراعت بپردازد، تا سپس از حاصل آن و در حدود سهمی که به او می رسید بخورد، بپوشد بنوشد و مسکن داشته باشد.

بیمارت دیگر رفع این ایدائی در سلسله ای از مندی های تک انسان در جامعه ای که مناسبات تولیدی فئودالی (ارباب رعیتی) بر آن حاکم باشد و مکتوب نه پذیرش آنست. و لذا این مسئله ی ظاهرا ساده که انسان ها باید بپوشد و بخورند و بنشینند به مسئله ای بسیار مهم مناسبات تولیدی مربوط می شود. و همین طور بود در مورد تولید و شرايط مسئله بر کفایت در کشور ما که انسان زحمت کش را با وسایل تولید و شرايط حاکم مربوط می سازد. حال لازم است که مناسبات تولید را در هر جزو و مخفف تعریف کنیم :

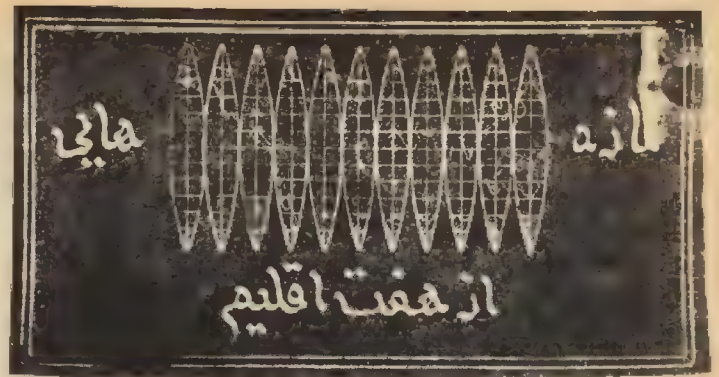
(مجموعه ای مناسبات اقتصادی که در روند تولید اجتماعی میان انسان ها برقرار می شود مناسبات تولیدی نامیده می شود. مهم ترین بخش این مناسبات عبارت است از مجموعه ای روابطی که در درون آن نیروی کار و انسان مولد به وسایل تولید پیوند میابد و حلقه ای مرکزی آن مالکیت و سا یل تولید است.

مثلا اصول زراعت ، مهم ترین بخش مناسبات تولیدی در نظام ارباب رعیتی کشور ما بود و رابطه ی مزدوری میان کارگر مجبور از وسایل تولید و مالک وسایل تولید یعنی فئودال ده و یا برده کرات شهر و با کبیله ادوران زمیندار بود.

حلقه ی مرکزی مناسبات تولیدی عبارت است از شکل مالکیت و سا یل تولید ، بسته به اینکه مالکیت وسایل تولید چگونه باشد انواع مناسبات تولیدی و اشکال سازمان اجتماعی تولید و یا ساختار اقتصادی یعنی مجموعه مناسبات تولیدی بوجود می آید.

اما باید توجه داشت که شکل مالکیت در عین حال که اساس مناسبات تولیدی است ، همه ی این مناسبات نیست. کار انسانی جنبه ی اجتماعی دارد و مناسبات تولیدی شبکه ی بسیار وسیعی از مناسباتی را که میان میلیون ها اعضای یک جامعه در جریان دروند تولید ، توزیع ، معا دله و مصرف خواسته های مادی بوجود می آید در بر می گیرد. مثلا در جامعه ی سراسر ما پیداری چندینک معا دله میان کارگر و سر ما پیداری یعنی انسان محروم

از وسایل تولید و انسان مالک و سا یل تولید رابطه ی مزدوری برقرار می شود که اساسی ترین حلقه ی مناسبات تولیدی سراسر ما پیداری است. اما علاوه بر این میان خود سراسر ما پیداری و کارگران نیز انواع مناسبات برقرار است که باید جزو مناسبات تولیدی به حساب آورد. سراسر ما پیداری با یکدیگر در رقابت اند. از رگت ها کو جگر ه را می بخند. میان وام دهند و وام گیرنده ، انگار و صاحب کار خانه ، رشته ی حمل و نقل و رشته ی زراعت و غیره و غیره را رویک پیوند برقرار می شود تا روند تولید بی وقفه جریان یابد. عبارت دیگر وقتی از سراسر ما پیداری سخن می گوئیم نباید بک سراسر ما پیداری منفرد را در نظر بگیریم ، بلکه باید طبقه ی سرما پیداری را در نظر بگیریم و آن مناسبات اقتصادی و تولیدی را که آنها را بهم پیوند می دهد و بصورت یک طبقه در می آورد جزو مناسبات تولیدی بدانیم. هم چنین در مورد کارگران نیز نباید بک کارگران تنها را در نظر گرفت ، بلکه باید به طبقه ی کارگران در نظر داشت و رقابت میان کارگران برای دست آوردن کار که در هر حال ابتدائی رشد جیش کار و غری و جوداشته و اتحاد و تشکیل کتوانی آنها را در انجاده های کار و غری و سازمان های طبقه ی کارگران برای دفاع مشترک از منافع و حقوق خویش تشکیل داده اند جزئی از مناسبات تولیدی دانست. زمانه ی که از تولید سخن میماند عبادت مثلا از تولید گندم یا بوته چه بسا در نظر اول روند تولید در معانی کاملاً محدود آن در نظر مجسم می شود: بصورت تولید گندم در مزرعه و تولید بوته در کفاشی در حالیکه وقتی از تولید اجتماعی سخن می گوئیم باید تولید را به معنای وسیع آن در نظر گرفت و توجه داشت که گندم در کفاشی و کفش در کارگاه کفشی فقط در حلقه ی معینی از تولید است و این محصولات و قتی می تواند نیازمندی های انسان را برآورند که مرا حل بهی تولید را نیز طی کرده و بدست مصرف کننده برسد برسر سفر بی قرار گیرد و یا پاسکی را بپوشاند. بنا بر این تولید اجتماعی و مناسبات تولیدی را باید بمعنای وسیع و در سبیل کامل تولید : از تولید به معنای اخص تا توزیع و معا دله و حمل و نقل تا مصرف در نظر گرفت و توجه داشت که مناسبات اقتصادی ای که میان انسان ها در جریان توزیع و معا دله و حمل و نقل ایجاد می شود جزئی از مناسبات تولیدی است. (در اینجا باید یاد یک نکته ی اساسی توجه داشت و آن اینکه توزیع و معا دله و مصرف جدا از تولید وجود ندارد و نباید جدا از تولید بررسی شود). برخی از دانشمندان روزوا چنین می کنند و بجای بررسی تولید تنها به بررسی معا دله و نوسانهای بازار می پردازند و به نتایج نادرستی می رسند.



ترجمه و تنظیم از: مرحسام الدین پرومند

صرفه‌جویی دیکتاتور رژیم پینوچت در بانکهای خارج و ورشکستگی اقتصاد چیلی

دوست نشی سال از کودتای چیلی که بوسیله فاشیست‌ها صورت گرفت، میگذرد. رژیم پینوچت که شکل دیکتاتور را دارد پیوسته تحت حمایت اقتصاد کشورهای امپریالیستی قرار گرفته. نشریه «افق» منتشره جمهوری دموکراتیک آلمان به استناد راپورهای مستند و موندوبکی از شماره‌های خود گزارشی پیرامون ورشکستگی اقتصادی چیلی مینویسد که:

اقتصاد چیلی به یک ورشکستگی جبران‌ناپذیر و برون‌بست بدیده که تا سال ۱۹۷۸ بیش از (۸۰۰) میلیون دلار در بانکهای کشورهای خارجی بوسیله دیکتاتور رژیم چیلی آنها به حساب کارهای شخصی وی پس‌انداز گردیده که روی این ملحوظات بودجه اقتصادی آن کشور کمر بزرگی وارد آمده است. در چیلی اکثر این سوال پیش آمده که صد میلیون دلار قرضه یکنگار چه قدر کی صرف گردیده. از طرف فاشیستی‌های چیلی اسلحه‌های فراوانی را که اسرا تیل آن‌ها را از آمریکا خود خریداری نموده، دریافت مینمایند چه چیلی مستحقا از آمریکا نموناسلحه خریداری نماید. خرید اسلحه بمنظور بقای دیکتاتور فاشیست مذکور و وقف نمودن یک مقدار قابل توجه پول در زمینه، در بهلولی صرفه‌جویی دیکتاتور مذکور در بانکهای آمریکا از عوامل دیگر است که اقتصاد چیلی را کاملاً تضعیف و چهره خرابی آن و از مندان دیکتاتور مستبد مذکور را بیشتر برمال میسازد، چون به حقوق انسانی و گرامت انسانی بوسیله زمامدار فاشیستی ارج گذاشته نمیشود معذالک کشورهای غربی بوسیله فیصله یکی از کنگرس‌های حقوق بشر حق فروش اسلحه‌ها را برای رژیم پینوچت ندارند.

بنابراین‌ها «گو بیلوز» وزیر خارجه چیلی به لندن رفت تا با مقامات آمریکایی

مذاکره‌ای بعمل آورد تا مگر بتواند راهی برای دریافت اسلحه پیدا کند. تا ظرین و دیپلمات‌ها این ملاقات را که شکل شخصی داشته، دنباله ارتباط قبلی چیلی با مقامات غربی میدانند. با یاد مذکور می‌دید که تاروی یکی از حکومت‌کارگری در سال ۱۹۷۰ به سفیر ما تیا گو خبر داد که پلیس مخفی چیلی در زمین‌تکنجه‌های غیر انسانی خود با دکتر «شا پلا» گامیدی «که یکی از دکتوران ورزیده آنجا بود، رویه ضد گرامت انسانی نموده و بشکل فجیعانه بیچاره زن مذکور را شکنجه نموده است. فرار یک گزارش دیگری «گابیلو ز» درماه سپتمبر با مقامات جمهوری فدرالی آلمان نیز به عرض در یافت کمک‌ها در تماس آمد.

در نشریه «لاس انجلس تا یو» از قول پتراس فرستاده از امریکای لاتین آمده است:

یکمرداد از ناظرین اده‌اندازند که‌ظاهرا دیکتاتور چیلی طوری وانمود مینماید که مویا دولتی مجازات و شکنجه از بین رفته است و لیکن دیکتاتور مزبور بخاطر بنای خود و ادامه دادن به روش‌های ضد انسانی و فاشیستی خویش اینک خواسته سرپوش قانونی بگذارد چه مو صوف اینک به اعمال مستبدانه و دیکتاتورانه خود میخا هد شکل شرعی و مذهبی بداند به استناد یک گزارش اینک تنها در مرکز چیلی (۲۰۰۰ نفر بگناه بدستور فاشیست پینوچت باربسمان‌ها بسته اند و شب و روز تحت شکنجه‌های طاقت فرسا گرفته شده اند و پینوچت با چنین رویه مخالف بشر دوستی خویش‌ها را جلب همکاری‌های فراوانتر نیز است. آیا زیر پا گذاشتن گرامت انسانی، با مال‌ماختن حقوق بشر و عدول از موازین ویرتیب‌های اخلاقی محض برای دیکتاتور فاشیستی پینوچت، چنانچه محض نیست و پروسورا

«میلتون فرید مان» بستن از مفسران اقتصادی جهان مینکارده که رژیم چیلی با و صف تلاش و دست و پا نمودن زیاد بهیچوجه نمیتوان خود را از کودتای اقتصادی و روانه چه هزینه هنگفتی وقت خریداری بمورد اضافه از حد اسلحه و صرفه‌جویی شخصی در بانک‌های خارجی گردید است. قیمت اشیای لوکس بی‌نهایت بالا رفته و میزان اقتصادی پول هر آن در کشور مذکور قوس نزولی خود را می‌پیماید.

در چیلی مجادله مردم با رژیم فاشیستی چیلی مجدداً ادامه دارد و مردم ضمن نظارت بر خواران کار، عدالت، آزادی و دموکراسی می‌اند، از همینرو بتاريخ اول می‌که مصادف بود به روز تجلیل از روز کارگران سراسر جهان، و هر سال در همین روز جشن کارگران در سراسر جهان برگزار می‌یابد، برای دیکتاتور چیلی اظهار نامه از طرف (۱۰۰۰۰) نفر کارگران رزمنده ترو آیدیده تر ساخت.



یکی از زنان در حال تطبیق دارو در تحت نظر سازندگان ادویه مذکور

داروی جدیدی بجای قرص‌های ضد حاملگی

است نظر به آزمون‌های قبلی ماده موثر و عاری از هر گونه ضرر، برای جلوگیری از آستن زنان تلقی مگر ده. این دارو که برای دانشمندان ارزش بس مهم دارد بنابر بی‌ها کشف گردیده و بعد با ساز بردارو‌ها اختلاط و از آن اینک بحیث داروی ضد حاملگی استفاده بعمل آمده میتواند. این داروی مایع برخلاف قرص‌های ضد حاملگی که تا قبل از این تهیه گردیده هیچگونه اثرات سمی و ناخوشایند و باکتریایی برای استعمال کننده آن بجا نخواهد گذاشت. (برای بگو نیست) که خود در پونیزر «تی» «هو» خیر «الا» در سویدن مصروف است دارد مدعی است که: «بجای طبیی» ما ثابت ساخته که موثریت این دارو بیش از داروهای قبلی عیباً شد. طرز استفاده و نکات گرفتن این دارو همانست که فقط یک قطره از این داروی مایع را سه بار در روز یکبار صبح، یکبار جاشت و یکبار شب با دند بدماغ رسا اند.

بوی تل مذکور بآلسیکی بوده و ساخسان آن که خود حاوی قطره چکان مخصوص روندون

از آنجاییکه اکثر هضم قرص‌های بیکه خانمان برای جلوگیری از زایمان میگردند به اثبات رسیده که بعضاً نتایج زیان‌آوری در قبال داشته است و عده بیشماری از خانمان‌ها با گرفتن قرص‌های ضد حاملگی دچار زخم معده، یبوست، بدگی و جود، زیادت وزن، سرگیجه، خرابی گردنه‌ها و ده‌ها مشکلات دیگر گردیده است. محققین و علمای طب که پیوسته در صدد کشف داروهای جدید بشری اینک نیکدکاتور سوئدنی که زن نامیده نیز دکتور ولادی و نما ایست بنام «گریستر بریکو بست» داروی جدیدی ساخته‌اند. مشخصات این دارو در نشریه طبی سویدن بنام «هو سیلا» منتشر گردیده است. درین خبر طبی گزارش یافته است که دیگر زنان نیازی به گرفتن قرص‌های ضد حاملگی نخواهند داشت. چنانچه حمله که به اشتراک (۲۷) زن طبیب از کشور‌های مختلف دایر گردید یکتو ع مایع جدید که بس نادر و کماب و قیمتی

با یسکل سواری که توانسته تا کنون فاصله ۱۵۶۰۰۰ کیلومتر را با یسکل

پیمایند

او و همسر لانی برای فریاد آفرین و آوازهای خودشان در یک بومرنگ گریه کردند. «آفو» هفت ساله ییش نداشت که بر بالای یک درخت شاخ بلوط برآمد. لانی از بالای درخت افتیده و پاهاش هر دو شکستند.

در سستی ده سالگی وی روز یک قطی سگرت میکشید وی در قطعه با زی بلندیت کامل داشته حتی به قمار متوسل گردیده بود. در دیوارها تیکه بیش از بیست متر بلند داشت می پر آمد. آخر الامر او در میدان مرها کی روی میخ پانگداشت، در هر کجا همبازی ها پیش بد نیا لثی بودند بازی تریتر مکتب ورزشی اطفال به او در خرد سالیش گفته بود: «آفو» آیا گاهی با خودت اندیشیده ای که چرا چنین نحیف آنچه و کوچک اندام هستی، برای اینکه سگرت دود ممکن؟؟ و آنوقت بود که «آفو» یکباره به کشیدن سگرت پا یا ن داد، و در تابستان همان سال بود که قدش هفت سانتی متر بلند شد «آفو» در اولین مرتبه که سوار بایسکل شد خودش در یافت که چه تند میراند، سرعت تند رانی او حتی مایه شگرف خودش گردید. از طرفی یکی از برترین ها به خاطر مهارت های چشمگیری «آفو» به نامیده بک بایسکل جدید اهداء کرد که با یسکل مذکور در فاصله (۱۸۰) کیلومتری ایشان بود آفو به سواری موتو به نقطه متذکره رفته و سپس همان فاصله ۱۸۰ کیلومتر را بدون کوچکترین توقف به اصطلاح با یک نفس آورد، متعاقبا سه ساعت تمام مصروف با زی تینس گردید، این حرکت «آفو» تریتر مذکور را بعدی بر افروخته ساخت که بناچار بایسکل را ن مذکور را نکو هشی کرد. «آفو» در راندن بایسکل مهارتی دارد که هیچ بایسکل سواری صاحب چنان مهارت نیست، صرف نظر از اینکه راننده اصولی است. در گولایی ها یا چایی برک میزند. با یسکل راه اطراف خویشی حین سوار با زاویه های مختلف می چرخاند در بهار سال ۱۹۷۳ بود که «آفو» آنهم محض برای یکبار از مقام قهرمانی افتد اما در ظرف همان سال ریکارد قهرمانی تمام قهرمانان با یسکل را شکست و با اشتراک در مسابقه موسوم به «مسابقه صلح» که در ردیف دوم قرار گرفت و شهورتش با آنهم فزونی یافت.

«الکسندر کوز یا نیکوف» کیسبان مسابقات ورزشی شوروی در یادداشت ها ییش مینویسد:

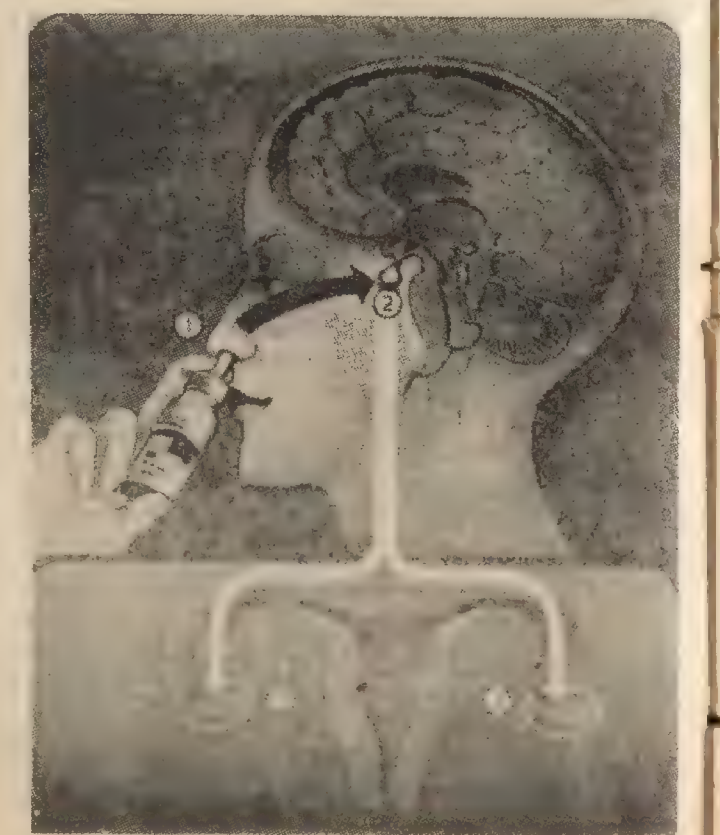
بسان تو هیچ راننده بایسکل نمی راند وی در پاسخ گفت: من میخواهم بیشتر بقیه در صفحه ۴۹

در اینجا گزارشی ارائه می یابد در مورد یک معلم سبورت، معلمی که زیاد جوانست یعنی تازه به ۲۳ سالگی پا نهاده است. وی «آفو» پیکو ووز نام دارد و توانسته تاکنون در (۷۵۰۰۰) مسابقه بایسکل را نی کنسرت و مجموعا فاصله (۱۵۶۰۰۰) کیلومتر را بایسکل با یسکل تاکنون پشت سر بگذارد. توصیف از جیره های تابان ورزش است که بخاطر سبگیری در مسابقات با یسکل دوانی با زی های المپایی «موتو ریل» توانست به اعزاز قهرمانی نایل آید. روز نخستینکه وی سوار بایسکل میشد پاهاش و ساهاها تمام اندامش درد میکرد، اما دفعات این با یسکل سواری عادی توانست سرو صدایی در حلقه های هنری راه بیندازد و مسئله در خود دقت و بسیار بسیار جالب اینست که با یسکلی را که در مسابقات المپایی «موتو ریل» نامیده سوار شد، یک با یسکل زیاد عادی و مال خودش بود، حینیکه وی میخواست سوار بایسکل شود، گرچه با یسکل قبلا چک شده بود، لانی زنجیرش خطا خورده و بیجا شد و درین میان والیری چا بلکین یکی دیگر از مسابقه دهندگان بایسکل رانی «آفو» مرادین میان کمال کرد. و وانگهی جمعی از بایسکل سواران با اعلام آغاز مسابقه توسط نر موزف شروع کردند به مسابقه با یسکل رانی، هر یک شطارت موزید، سعی میکرد تا سر یتر پا بزند و از حریفان پیشی گیرد و در فرجام همه با شگفتی در یافتند که «آفو» یکسو ووز «جان» زود تر از دیگران در محل معینه رسید و بدون نا راحتی و احساس دلگسی توانست فاصله یکصد کیلومتری را همراهی با یسکل پیماید. به علاوه وی در ۸ می ۱۹۷۷ توانست منجبت تریتر راننده بایسکل بر بالای سرک های پولیند، شناخته شود و جایزه ارزنده دیگری را کسب بدارد لانی در پایان همین مسابقات گرچه برای «آفو» پیکو ووز قهرمانی آورد، جراحا تسی بر داشت، چنان جراحی که دکور ران وی را از مسابقه مانع شدند لانی با وصف آن آفو در آرزوی پیمودن فاصله (۱۶۹۵) کیلومتری بود. در فاصله هر چند کبکس که های کشیاف با رنگ های زرد نمایان شده بود کدوی همه تکه ها را در ید و پارچه آن ها را در اخیر مسابقه دمووزیم ورزشی رسانید. «آفو» پیکو ووز که قسمت زیاد عمرش را در شیر ساد حلی «تارنو» گذرانده، مادرش «هالسی» نرس یک سفاحا نویدرش «نیکولای» پیکو ووز یک کارم ساختمانی بود. «آفو» با بچه های بز رنگر و با استعداد تر از خودش طرح رافت ریخته بود، در پنج سالگی

سوء بالای وجود بگذارند. داروی متذکره خود یک ترکیب کمیاب است، به علاوه مفادی که از آن تذکار بعمل آمد سایر نا راحتی ها را تحت الشعاع قرار داده و مشخص استعمال کنند. فرحت حس میکند.

بدین اساس دارو های ضد حاکملکی دیگر پس از عبور از راه پر پیچ و خم روده ها و معده به هدف نمیرسد فقط هورمون ها مشخصه وجود از طریق سیستم عصبی تحت کنترل آمده و محض در وقت حاد پس از اتصال و مرد فعلیت تخمه دانها بطی خواهد گردید و در نهایت از گرفتن حمل و آیین جلو گیری خواهد نمود اثرات قرص های ضد حاکملکی تا ۲۴ ساعت در وجود میماند حالانکه فقط پس از پنج دقیقه اثرات داروی جدیست مرفوع میگردد. کار تست این دارو شش ماه تمام در کلینیک یونیورسیتی سو یسین ادامه پیدا کرد. زنانیکه گر بیو سرما خور دگی داشته با شند ضمن تطبیق این دارو اثرات مذکور نیز رفع شده میتواند. خوا سازان فرا تکفورت در مرکز «هوب» خست فرانکفورت کشون سعی دارند که این دارو را بشکل بهتری عرضه بدارند، علمای سو یسین در نظر دارند که در سالان بعدی این دارو را بطور قرص نیز برای آندسته از خانم ها که مایل به تطبیق آن از طریق بینی نیستند، به بازار عرضه کنند. قرص های مذکور خود بخود به تخمدان ها خوش را خواهد رسانند. مسلما دارو های جدید جای قرص بزودی جای قرص های ضد حاملگی را خواهد گرفت.

است بعضی فشار دادن بونل دارو خود بخود از دست های ساختمانی عمده بینی گذشته و خود را بدستگاه مغز میرساند. در نتیجه هر مرتبه صفر فشار به پنج ملی گرام مواد وارد و جود میشود. داروی مذکور از طریق پوسته مخاطی بینی داخل غده های مخصوص در مغز گردید و در فرجام وارد هارمون های دماغ می گردد که عواقب آن همانا گذاشتن انس مطلوب با لای «هیپوفیز» است. «هیپوفیز» عده محصو صی است که شخصاً وظیفه ساختن هورمون هایی مخصوص را دارد. «هیپوفیز» که یک اصطلاح طبی بخصوصی است در حین حال یک مرکز اتصال بیوشیمی دماغ و سایر هورمون ها و ارگان ها را وجود داده و در ضمن آن ها را کنترل میکند. تخمائی سو یسین «کریستیر» یگوییست. و همکارانش «زین یو هان تیلوز» و «لایف وید» در واقع از اولین کسانی اند که میخواهند سایر هورمون ها و ارگان های وجود را از طریق کنترل میمنز از بسی فعلیت ها باز دارند، به عبار دیگر این دارو بعضی رسیدن در مغز شده های محرکه وجود را که در تخمدان در ارتباط بوده و فعلیت دارند، فعلیت شانرا بطی میسازد بطوریکه مانع فعالیت تخم ها میگردد. و این به مراتب بهتر است که رشته های عصبی باعث کنندی همچو فعلیت ها در موارد لازم گردد و همچو مسایل از طرف اعصاب کنترل گردد تا آنکه مسیفسا دارو ها نیچو بز گردند. چه در صورتی که ممکنست دارو اثرات



۱- دارو از بینی دماغ رسیده و پس به کمک رشته های عصبی خودش را به تخمدان رسانید و از ترشش حمل جلو گیری میدارد.

نگاهی به اهمیت ...

بخش ضد استعماری با گام های نیرومند در جهت نابودی و زوال سیستم استعماری به پیش رفت و یکی پی دیگر استقلال و آزادی کشور های تحت زنجیر استعماری تامین گردید و خلق های جهان به اکتوبر کبیر دلپسند و کشور سوراها را پایگاه مطمئن نهضت و انقلاب کارگری، دانستند.

مشعلداران انقلاب اکتوبر که اولین آزمایش انقلابی را به پیروزی رساندند همه از انقلاب و آرمان های انقلابی آن دفاع نمودند و همچنان پروگرام ها و نقشه های علمی را برای اعمار جامعه نوین سو سیالیستی طرح کردند که از همان آوان شکوفانی و آبادانی و همچنان آرامی و سعادت خلق را بشارت می داد. و گذشت زمان به اثبات رساند که رهروان راه اکتوبر بر هبری حزب واحد سرانمری کشور آگاهانه و انقلابی وطن خود را آباد ساختن، چنانچه امروز کشور سوراها در رديف اولین کشور های جهان در تمام ساحات اجتماعی به حساب می آید و در اکثر سکور های اجتماعی مقام اول را احراز نموده است.

پهلوی دیگر مسئله همان نقش و تاثیر بین المللی انقلاب اکتوبر است که در پرتو آن در ارو پای شرفی بعد از حمله خائنه و تجاوز گرانه فاشیست های آلمانی که عنوان جنگ جهانی دوم را بخود گرفته اردوگاه سو سیالیزم بنیان گذاشته شد و سنگر صلح و سو سیالیزم در جهان با قوت و نیرومندی شکست نا پذیر دژهای پارینه و پوشالی امپریالیزم را نه تنها به لرزه در آورده بلکه مؤده نابودی و زوال آنرا به جهان نیان علنا اعلام داشته که این مسیر تا کنون به پیروزی های زیادی دست یازیده است.

واقعات عصر و زندگانی نوین خلق های جهان در پرتو انقلاب اکتوبر نشان داد که انقلاب اکتوبر نه تنها در روسیه و اروپا محدود و محصور نماند بلکه در آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیز راهش را باز نمود و امروز محمکتشان گیتی باسر افراشته و امید فراوان

در آسیا نیز جنبش بیشتر از همه وسعت پذیرفته قدرت های رو بزوال استعمار و امپریالیزم و بخصوص سیستم استعماری درین منطقه جهان امیدی ندارد. حلقه های نیرومند نهضت و انقلاب از ویتنام قهرمان تا افغانستان انقلابی و تمام کشور های آسیایی روز بروز به هم می رسد که این همه جنبش و نهضت را کسی بخواد یا نخواهد در تحت تاثیر انقلاب اکتوبر بر سه پیش می برد اکنون که خلق های سراسر گیتی

شخصیت و دو مین سالگرد انقلاب اکتوبر را جشن می گیرند. بازم او ضاع و احوال در کشور های جهان پیروزی های هر چه بیشتر انقلاب اکتوبر بر را تأیید نموده و پیام انقلابی اکتوبر در دور ترین نقاط جهان به گوش جهان نیان رسیده و عملا سپاه نیرومند دفاع از آرمان های اکتوبر کبیر و تحقق آن بوجود آمده و در میدان های مخلف و در جهت های گوناگون علیه امپریالیزم می رزمند و یقین دارند که بالاخره امپریالیزم از روی کره زمین به مزبله تاریخ دفن می گردد و در فر دای زنده گی که اکتوبر آغاز گر انقلابی آن است از ظلم و ستم، بیعدالتی و تجاوز استعمار و چپا و لگری جایی نخواهد بود و جهانیان برادر وار و رفیقانه یکجا باهم زندگی خواهد داشت.

با امید های یقینی که در فروزانی مشعل اکتوبر بوجود آمده بی جا نخواهد بود به ارتباط شخصیت دومین سالگرد انقلاب سو سیالیستی اکتوبر در روسیه به پیشا هنگام انقلاب و فر زندان خلف آن تبریک بگویم و به آرزوی روابط نیک و انقلابی اتحاد شو روی سو سیالیستی با افغانستان نکات مختصری از تا ثیرات اکتوبر را در افغانستان نشان به یک نگاه مشا هده کنیم که اینک به اختصار در زیر یاد داشت می شود:

۱- بهبود بخشیدن شرایط حفظ الصحة محیطی و از بین بردن کثافات انسانی و معنوی در وقوع امراض ضایع عامل مرض توسط آب انتقال میکند کاهش قابل ملاحظه بیمار می آورد، در پروژه های صحی حق تقدیم به آن داده شود. در اینجا باید اضافه نماید که صرف با تطبیق اساسات ساده حفظ الصحة و وفیات کودکان تا حدود نود فیصد در ممالک عقب نگه داشته شده باین خواهد آمد.

چهارم - در ساحه تربیتی سر ویس های موسسات اجتماعی مرستونها و دارالتادیب در بهبودی و تجدید تربیت اطفال محروم ذیل کمک شایانی نموده می توانند:

۱- اطفال یتیم، اطفال لیکه معیوبیت

خلق وطن ما و حافظه زمان پیساد دارد که بعد از انقلاب سو سیالیستی اکتوبر در روسیه، که در سال ۱۹۱۷ به وقوع پیوست جنبش و تحول انقلابی در افغانستان نیز شکل نوین گرفت خلق افغانستان بر هبری مشروطه خواهان استقلال سیاه می افغانستان را بدست آورد و عملا زنجیر های استعماری در افغانستان به شکست مواجه گردید.

دولت نو بنیاد شوروی استقلال افغانستان را نه تنها بر سمیت شناخت بلکه با قاطعیت اعلام داشت تا دست مداخلات خارجی از افغانستان کوتاه گردد

از آن به بعد اتحاد شوروی در اکثر روره های ساحه ملی در افغانستان بصورت بی شائبه همکاری نمود و امروز بیس از بیم قرن نشا نداد که اتحاد شوروی و مشعل داران اکتوبر کبیر دو نشان نزدیک خلق افغانستان است و این دوسنی با پیروزی انقلاب شور در افغانستان از نظر محوی بیسر تحول پذیرفت

در اخیر باز هم جشن اکتوبر را صمیمانه تبریک گفته و آرزو مندیم بعد ازین نیز روابط افغانستان و شوروی هر چه بیشتر انکشاف یابد و دو کشور همسا به بصورت آزا دانه در راه آبادانی و سعادت خلق های شان به پیروزی های وسیعی دست یابند.

۲- بهبود بخشیدن شرایط

۳- بهبود بخشیدن شرایط حفظ الصحة محیطی و از بین بردن کثافات انسانی و معنوی در وقوع امراض ضایع عامل مرض توسط آب انتقال میکند کاهش قابل ملاحظه بیمار می آورد، در پروژه های صحی حق تقدیم به آن داده شود. در اینجا باید اضافه نماید که صرف با تطبیق اساسات ساده حفظ الصحة و وفیات کودکان تا حدود نود فیصد در ممالک عقب نگه داشته شده باین خواهد آمد.

چهارم - در ساحه تربیتی سر ویس های موسسات اجتماعی مرستونها و دارالتادیب در بهبودی و تجدید تربیت اطفال محروم ذیل کمک شایانی نموده می توانند:

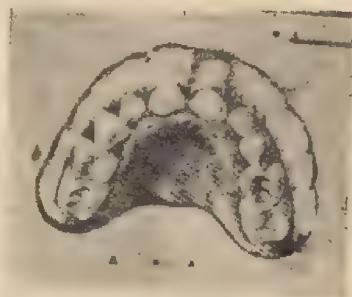
۱- اطفال یتیم، اطفال لیکه معیوبیت



مینای دندان

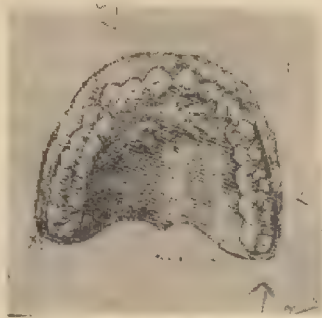
قسمت داخلی دندان

بیره دندان



دایمی یاد میشود همه دندانهای شیری قبل از آنکه طفل تولد شود در رحم تشکیل میشوند. ولی تکامل آنها تا سن دویم سالگی طول میکشد و قنبره طفل شش ماهه شد اولین دندان که در قسمت پیشروی الاشته باشتی و بالایی پیدا میشود بنام تنای یاد میشود وظیفه قطع کردن مواد غذایی را به عهده دارد. دندانهای پهلوی تنای را بنام انیاب نامیدند.

این دندانها نیز برای پاره کردن مواد غذایی بکار میروند در حالت عادی هرکس چار دندان انیاب میداشته باشد بعد از دندان های انیاب دندانهای آسیاب ابتدایی واقع شده اند و در سن ۹-۱۱ سالگی آسیاب ابتدایی میروند. و قنبره دندانهای دایمی تشکیل شد ۱۲ عدد دندان آسیاب خواهید داشت یعنی شش دندان در بالا و شش دندان در پایین ناآین واقع هستند دندان های آسیاب غذا را طوری میده میکند که در عمل به بلع و هضم سهولت بخشد مجموع دندانهای شیری ۲۰ عدد بوده در حالیکه دندانهای دایمی ۳۲ عدد می باشد.



الاسه بالای دندانهای دایمی

نیش زدن دندانها :

دندان های الاشته ناآین معمولاً قبل از دندان های الاشته بالاآی نیش میزند. دخران نسبت به پسران زود تر دندان میکشند در اطفال قد بلند دندانها زود تر از اطفال جاق نیش میزند در بعضی حالات دندانها خیلی قبل و یا دیرتر از وقت معینه نیش میزند ممکن است این دندانها طبیعی یا اضافی

باشند. دندانهای اضافی قبل از نیش زدن دندانهای طبیعی می رویند اگر این دندانها مانع در شیر خوردن و یامکیدن پستان مادر شوند باید آنها کشیده شوند. در حال طبیعی اولین دندان شیری ممکن است قبل از يك سالگی (۸-۶ ماهگی) ظاهر شود. تاخیر پیدایش دندانها بعد از يك سالگی نشانه اختلال عمومی تغذیه یا امراض هارمونی است در بعضی امراض دیگر مانند مغفین نیز این امکانات موجود است. باید رادیو گرافی یا عکس دندانها گرفته شود در هشت ماهگی اطفال میتوانند بعضی غذاهای نرم مثل بسکوت را بخورند این کار در بزی دندانهای آنها کمک خواهد کرد.

بعد از این، خوردن سیب، مالت و میوه جات دیگر دندانها را بخوبی پاک میکند ولی کبک و غذاهای نشایسته یا آردی چسبنده بوده پاک کننده نیستند. به دندانها چسبیده و به این ترتیب به رکود تجزیه مواد غذایی کمک میکند و سبب کرم خوردگی دندانها میگردد. تکامل ریشه دندانهای دایمی معمولاً ۳ سال بعد از نیش زدن دندانها شیری طول می کشد و در سن هفت سالگی اولین دندانهای دایمی ظاهر میشود و در صورت تکامل پوره دندانهای دایمی تعداد آنها ۳۲ عدد میباشد.

نظافت دندانها دوستین مختلفه:

قبل از نیش زدن دندانها نظافت مصنوعی دهان بیفایده است زیرا بخاطر دهن پیر- خوران و اطفال کوچک نازک است و به آسانی صدمه می بیند.

دندانها را باید قبل از سه سالگی پسران و قبل از سه سالگی بچه ها را می توان

نوسه • داکتر عبدالسبحان هانفی

عضو اداره تبلیغات صحی ریاست طب و فایوی

دندانهای سالم

رهمز تند رستی

دندانها علاوه بر اینکه با عمل جویدن در فعل هضم مواد غذایی

کمک می کنند در زیبایی انسان نقش اساسی داشته و در تکلم درست

کلمات درست یا ری می کنند :

نمو و ساختمان دندان :
هر دندان از نظر نمود چار مرحله دارد : است. مرحله رشد و نمو، آهکی شدن نیش زدن و بالاخره فرسودگی ، دندانها از نظر ساختمان به سه حصه تاج ، گردن و ریشه تقسیم شده است.

تاج قسمتی از دندان است که در بالای بیره واقع شده و معلوم میشود، ریشه های دندان میان بیره واقع شده و دیده نمیشود قسمیکه ریشه و تاج دندان را با هم وصل می کنند بنام گردن دندان یاد میشود پوش سفید

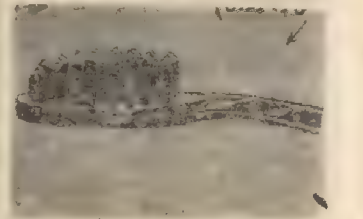
گاهی باینه آغشته با محلول نمک پلي (سودا) پاك نمود .

در سال سوم والدین مجرب باید دندانهای اطفال خود را برس کنند و از سال پنجم معمولاً اطفال خود شان این عمل را بعهده گیرند .

برای خارج ساختن غذا های نرم، چسبیده و ریشه دار از عیان دندانها لازم است از برس بامسواک استفاده شود این عمل از یوسیدی تا کرم خوردگی و امراض اطراف دندان جلوگیری میکند .

دربین جا بهتر است تذکر داده شود که برس دندان باید خرد بوده موک های آن از هم فاصله داشته و سخت باشد برس دندان باید بعد از هر دفعه استعمال پاك شود . و جهت خشک شدن آن آویزان کرده شود .

هر عضو قاعیل باید برس دندان علاوه داشته باشد در صورتیکه برس دندان کهنه و نرم شود باید از برس جدید استفاده شود.



در وقت برس نمودن الاشه پائین برس باید از پائین به بالا و در الاشه بالائی از بالا به پائین در حرکت آورده شود طوری که عوارض

های برس مواد غذایی میان دودندان را بخوبی پاك نموده بتواند بعداً با احتیاط لازم رسد داخلی دندان را باید برس نمود .

پاك نگه داشتن دهان مخصوصاً برای اطفال بسیار مهم است والدین گرامی باید افلا

روزانه دوبار دندانهای اطفال خرد سال شانرا پاك کنند برای این کار که پاكی و

دور انگشت شهادت خود پچانده و پاماده شد

غونی یا مکروب کنس آغشته نمایند و بیه آهستگی دهان و دندان های طفل پاك شود

برای پاك کردن دندانهای اطفال شش خرر کافی است يك مقدار آب به اطفال نوشانده شود .

اهمیت تغذیه:

اهمیت تغذیه به بر حسب مراحل نمو دندان

و ساختمان مخصوص آن فرق میکند اهمیت تغذیه در شیر خوردان و اطفال کوچک بیشتر

از دیگران است . زیرا در این هنگام اکثر دندانها در حال نشو نما هستند و به تدریج

دندان نشی میزند همزمان با آن اهمیت عوامل غذایی نیز کمتر میشود و بعد از خروج همه

دندانها دیگر عوامل غذایی اثر مهمی ندارد .

دندانها در وقت رشد و نمو خود به تمام غذا های اصلی احتیاج دارند مخصوصاً ضرورت

زیادتر ویتامین سی و ویتامین دی و کلسیم میباشد . مگر تجویز کلسیم یا ویتامین

« منظور تداوی کرم خوردگی میباشد است کرم خوردگی دندانها :

با وجود اینکه منشیای دندان فوق العاده سخت و محکم است باز هم اگر مراقبت درست از آن ها به عمل نیاید ممکن است فرسوده

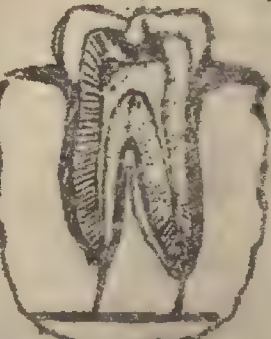
شده و سوراخ هادر آن پیدا شود



کرم خوردگی در يك حصه مینا پیدامیشود



پندیدگی در ریشه دندان



کرم خوردگی دندان به خمیر دندان راه پیدا میکند



کرم خوردگی در يك حصه مینا پیدامیشود

علت کرم خوردگی هنوز بصورت یمن فهمیده نشده مگر صرف نظر از بسیاری عوامل را در پیشرفت کرم خوردگی موثر هستند دلایل موجوده نشان میدهد که علت اصلی

کرم خوردگی دندانها مکروب است خراسی دندان یا کرم خوردگی از قسمت خارجی

دندان ها شروع میشود و به طرف داخل دندان پیش میرود اگر به علاج يك دندان فرسوده

اقدام نشود این فرسودگی پیش رفته و موجب پاك پندیدگی در همان الاشه میشود پندیدگی الاشه عبارت از جمع شدن چرك در ریشه

دندان می باشد و این پندیدگی از مسبب مکروبیایی پیدا میشود که در سوراخهای

دندان داخل میگردد . اگر این مکروبها داخل جریان خون شوند شاید به قلب مفاصل

و دیگر حصص وجود ضرر برساند پاك دندان فرسوده مقدمه يك روماتیسم بوده میتواند .

کرم خوردگی دندان های شیری در پنج تا هفت سالگی و از دندانهای دائمی بین سن (۱۲ - ۱۸ سالگی می باشد که شاید مهمترین وقت کرم خوردگی در همین سن (۱۲-۱۸ سالگی می باشد .

وقایع :

۱- از صرف نمودن یا خوردن مقدار مواد قندی برای مدتی جلوگیری کنید و در عوض آن میوه جات را زیاده تر صرف ننمائید .

۲- دندانهای خود را بعد از صرف غذا برس نمایید و یا لایق روزانه دوبار برس نمایید .

۳- از آشپای نوك تیز و فلزی مثل میخ سنجاق سوزن و غیره به منظور پاك کردن دندانهای خود استفاده نکنید .

۴- برای کشیدن پارچه های کوچک واد غذایی از بین دندان های خود ازار استفاده کنید .

۵- اگر دندانهای شما تکلیف دارند ولو کوچک هم باشد با داکتر دندان مشوره نماید

ستراتژی سیاسی و

روا یا ن لایق ؟! او جود آور دند ، که بتوانند مملکت را نگه دار ی کنند ..

انگلیس ها مرد م افغان را بحیث يك خا ن درو غكو وید قول شنا ختند ، در حاكبه

در بین فرمان روا یا ن آنها مخصو صا تر نسل پا ینده خا ن و بار كزائی ها ما ینك

عیار شرا فتو صدا قت میا یم که اکثر آنها را قابل اعتماد واطمینان می سازد...

دوست محمد خا ن اولین فرمان روا یی افغانستان بود که ثابت کرد : در زیر

كلیه ظوا هر نا استوار و كر كتر ضعیف هسند ی صدا قت و ثبات هدف در بین

رهبران بزرگ بار كزائی و جود است...

زندگی دوست محمد خا ن نشان می دهد که او يك اداره چی لایق و يك چنتملین

بزرگ بود ؟!

چرا نو یسند گان انگلیس در مورد يك فرد اینقدر متناقض و متضاد وضاحت می

كر دند ؟ برای آنكه این فرد را يك روز مخالفت خود میا فتند و روز دیگره واثق

را جع به امیر دوست محمد خا ن میزد

چنین بود مثلا بعد از آنكه انگلیس ها معا هدهی ۱۸۵۵ پشاور را با نما ینده و یسر

امیر (غلام حیدر خا ن) رسد و دوست و دشمن انگلیس را دوست و دشمن امیر فرسود

دادند و بعد ها در ۱۸۵۷ در پشاور با خود امر دوست محمد خا ن معا هده ی باطل

انگلیس دو سنا ته عقد نمودند و امرین از اعضا ی معا هده گفت : « اینك من لب

حكومت انگلیس متحد شدم و این اتحاد را نا دم مرگ حفظ خوا هم نمود و لو هر چه

امش آید من فضا ب انگلیس ...

نم در نا رفی او جواب مید...

انگلیس ها در وضاحت نسب به ... عبدالرحمن خا ن میرود بودند زیرا در ... طرف سار س و مدارا ...

بقیه در صفحه ۴۷

« او يك مرد بد ذات و بسیار بی ما یمه است » زیرا مو هن لال هندی و ستر آاد

انگلیسی را گفته بود که شما سگهای بی عنیده هستید ، در مورد امیر شیر علی خا ن

که مستطانه او قیاط با ممالك خا ر چی بس قرار و در داخل مملکت به تشکیل كایه

و قشون و نا سیس كار خا نه و چریده بر دا خت لارد لیت و سیرا ی هند « بقسول

تلر » چنین فضاوت نمود : امیر شیر علی يك و حضی نیمه دیو انه است . سپهسالار

غلام حیدر خا ن چرخي که در دفاع از وطن بسختی با انگلیس جنگید و شمشیر زد و در

مقابل تحمیلات انگلیس و خطا ستعماری دیورند مقاومت می نمود از طرف سیا ستمدار

و مورخ انگلیسی « تلر » عنوان وفا مینا سر بر چرخي « گرفت »

هنگامیکه امیر دوست محمد در صدد اسیر داد پشاور بر آمد و هم با دولتمروسی

تمامی میا می گرفت آقای سر جان ك انگلیسی در مورد او چنین نوشت : دوست

محمد يك سبا هی هزده و بی سواد و بی تعلیم و دائم الغم بوده انگلیسی د یگری

نوشت که دوست محمد خا ن در يك مکتب خیانت و وطنه و فریب بزرگ شدد

بود . اما بعد از آنكه امیر دوست محمد خا ن سر نوشت استقلال ملی و سلطنت خود را

با پشاور برتر حسم دشمن سپرد ، انگلیس ها را جع به او چنین گفتند : « امیر دوست

محمد خا ن مرد زحمتكش ، خوش خلق محبوب مردم و پا بند به عهد بود ، او را

شراب دست کشیده و قسرا ن ملامت می كرد ... فریژد تلر هم نوشت : « امیر

دوست محمد خا ن يك لیبر خوب سواد و نظام و مثل سایر اعضا ی خا نلدا ن چو

دارای نبوغ يك اداره كننده ی مادر زاد بود ... محمد زائی ها ... عكس ... زائی ها توانسته اند يك سلسله فرمان

زائی ها توانسته اند يك سلسله فرمان

در جهت آرامش...

صندوق مصارف اجتماعی :

پول این صندوق که یک جزء از عواید ملی است برای افراد کشور اختصاص داده شده تا از آن مفاد مادی و کلتوری کسب نمایند و در ضمن علاوه از دستمزد ها یشان امتیازاتی را نیز تصاحب نمایند. صندوق مصارف اجتماعی تخصیصیه ایست که از بودجه دولت و پول های سازمان های کوپراتیف های ولایتی ، فارم های زراعتی و اتحادیه های تجاری متشکل گردیده است .

چگونه ازین صندوق میتوان استفاده کرد ؟

این صندوق برای اینکه افراد نهاد شوری . تحصیلات را یگانی راه سویه عالی انجام داده بتواند آنان را کمک میکند . همچنان رای محصولاتی که مصروف تحصیل میباشند مدد معاش میدهد و برای کارگران که آرزو دارند مهارت های فنی شان بیشتر گردد و خدمات مؤثرتری را در راه تولید زیاد تر و بهتر انجام بدهند امداد هایی را بعمل می آورد . بعلاوه در راه انجام خدمات طبی را یگان برای مردم و برای اشخاص معیوب ،

برای تولد طفل . مادران بدون شوهر و یا مادران دارای فامیل بزرگ و متقاعدین و غیره کمک های مولری را انجام میدهد .

کلیه کارکنان و مستخدمین ، دولتی اتحاد شوروی ، در ایام رخصتی قانونی سالانه شان ، از این صندوق بهره مند میشوند .

کو دکستانها ، شیرخوارگاهها ،

مکاتب شبانه ، سناتوریم هایی که برای اشخاص کهستال تاسیس گردیده اند و بعضی دیگر از سازمان های که خدمات رایگان را برای خلقها انجام میدهند از این صندوق مستفید می گردند و در نهایت دولت نیز برای حفظ و مراقبت اماکن دولتی و برخی از سایر کارهایینس از صندوق مصارف اجتماعی استفاده مینماید .

این یک حقیقت روشن است که انسان میل دارد ، کاری را انجام

بدهد که به آن علاقمند باشد و آنرا با قدرت و مهارت انجام داده بتواند لذا چون افراد کارهای گوناگونی را انجام میدهند دستمزد و معاش شان نیز کم و زیاد و سطح مصارف شان از هم متفاوت است و این تفاوت بخصوص در موارد یکس کارگر یا مامور دارای فامیل بزرگ یا کوچک باشد بکلی واضح است . پس تقسیم و توزیع یک قسمت از عواید ملی ، بین جمعیت از طریق صندوق های تعاونی تا اندازه ای این بی تفاوتی ها را در بین مردم تنظیم می کند . چه کسانی که عواید کم و اشخاصی که فامیل بزرگ دارند مستحق امتیاز در یافت کمک از صندوق می گردند که از آن در فوق تدکار یافت .

از طریق صندوق مصارف اجتماعی نابرابری های مصرف نظر به عواملی که از آن تذکر بعمل آمد ، بتدریج کم شده میرود و توسط همین صندوق است که از نگاه وضع مادی ، فرصت های مساوی برای تمامی طبقه کارگر ، جهت تحصیل ، بهبود در مهارت ، تنویر فکری و در یافت کمک های طبی و غیره میسر میشود .

اکنون این صندوق مصارف اجتماعی ، ۲۵ تا ۳۰ فیصد عواید حقیقی خلقهای سر تا سر اتحاد شوروی را در بر می گیرد

در سال ۱۹۴۰ جمله مبلغ این صندوق مصارف اجتماعی ، عبارت از چهار عشرایه شش میلیون ربل بود اما در سال ۱۹۷۳ مبلغ مذکور به هفتاد و هشت هزار میلیون ربل رسید که این پول برای هر فرد از جمعیت اتحاد شوروی ، یک صد و ده ربل می رسید و طی سالهای اخیر رقم هفتاد و هشت هزار و میلیون ربل نیز خیلی زیاد گردیده است .

پنجاه فیصد سرمایه این صندوق در جهت سود و منفعت جمعیت شوروی بکار میافتد و پنجاه فیصد دیگر آن در راه حقوق تقاعد ، امداد های تعلیمی ، و غیره امتیازها صرف می شود .

در سال ۱۹۷۳ زنان کارگر مستحق امتیازات حقوق دوره ولادت شدند و زنان مذکور حق امتیاز شان را از طریق همین صندوق بدست آوردند . علاوه بر آن متقاعدین و خانواده هاییکه فرد کمایی گر شان را از دست داده بودند نیز ازین صندوق مستفید شدند .

همچنان تخصیصیه های امدادی برای شاگردان مکاتب مسلکی از راه همین صندوق تثبیت گردید . نظر به اهمیتی که این صندوق تعاونی دارد اتحاد شوروی در نهیمین پلان پنجساله اش ، معیار بهتر و متری افزایش سرمایه این صندوق را بمقایسه افزایش های عمومی دستمزد های کارگران در نظر گرفت

پس میتوان گفت که طی پلان پنجساله کنونی ، دستمزد کارگران ، مامورین دوایر ، زارعین فارم هایی که روی آنها کار های دسته جمعی صورت می گیرد ۳۶ فیصد افزایش یافته و پول صندوق مصارف اجتماعی چهل فیصد اضافه تر گردیده است .

افراد اتحاد شوروی ، برای ترقی و پیشرفت همه جانبه کشور شان و سعادت و آسودگی مردم شان میکوشند و تلاش می نمایند . این صندوق در راه تکامل و پیشرفت تعلیمات عمومی جامعه

بیشتر تعلیمات عمومی جامعه

سو سیالیستی اتحاد جماهیر شوروی بشمول تعلیمات آرت و کلتور ، خدمات ارزنده ای را انجام داده است . زیرا ، از همین صندوق مصارف اجتماعی است که برای تعلیمات عامه مردم ، سالانه بیش از بیست هزار میلیون ربل خرج میشود .

ویک اندازه پول دیگر ، در جهت انکشاف کتابخانه ها ، موزیم ها ، تئاترها ، کلوپ ها و غیره و سیستمات کلتوری و تعلیمی بمصرف می رسد چنانچه در سال ۱۹۷۵ در حدود ده هزار میلیون ربل در راه حفظ و مراقبت اماکن بزرگ و تاریخی خرج گردید همچنان در سال مذکور بیش از بیست و هفت هزار میلیون ربل در جهت پیشرفت سیستمات ساختن بناهای صحنی ، استراحتگاه ها و برای اتحادیه های زراعتی و تجارتی ، بمصرف رسانیده شد خلاصه اتحاد شوروی از طریق این صندوق سالانه کم از کم ، نود هزار میلیون ربل ، در جهت انجام خدمات اجتماعی و رایگان مصرف می نماید تا سطح زندگی خلق های آن سر از زمین بلند تر برود . مردم مان جمهورری های مختلف آن در رفاه و آسودگی هر چه بیشتر زیست نمایند و با کار و کوشش های بی گیر شان خدمات ارزنده ای را در راه صلح گیتی و آرامش جهانیان انجام بدهند .

بایسکل سواری که...

باشد که اینهمه پیروزی هار نصیب شود ورزشکار مذکور پس از تحصیلات ثانوی اینک در حال فراگیری تحصیلات عالی است ، ادبیات رایشتر دوست دارد . «آف»

در پاسخ به سوال یک نشریه سوئیسی که عما بقه بایسکلرانی چه مفهوم می

از نگاه او دارد ، جواب داد : «ما بایسکل را یسکل را نی ، شباهت شخص ورزشکار را آشکار می سازد و نیز ثابت میگرداند که ورزشکار

مذکور از توان و پادشاهیدنرا سیده ، پادوان ورعد و برق رانانیده گرفته و به آنجا که هدف است نزدیک و نزدیکتر میشود . دیده

شود «آف» با آمادگی های اساسی و فنی

اش در مسابقه ایکه بسویه جهانی بر - عزام میگردد بابا یسکلش چه کاری را از پیش خواهد برد .

بشکار به خرج بدهم ، امروز صد بار تلاش میکنم . فردا بکشم بیست ... تا خلاصی

مر بوط به ورزش مطلوبم مرفوع گردد .

در مسابقه بایسکلرانی که نه تنها فن

را تند گئی بلکه اسلوب و مقررات لازمه واز همه گذشته تسلط بر اعصاب ، امریست

مهم و جدی . چه اکثرا یا ناراحتی های

اعصاب ، خویش را به گرداب نیستی و

بد بختی غوطه ور میسازند . یک ورزشکار

خوب به هدایات نفر موظف گوش فرا

داده و به اسلوب ورزش مطلوب توجه عام

و تا به میثا بد . قهرمان عما بقه بایسکلرانی

نی منقده المپایی ۱۹۶۰ در روم به ویکتور -

کای آو نو ف از اتحاد شوروی در مورد

«آف» تعجب کنان گفت : من هیچ باورم

نمیشد که «آف» یکووز» چنین مهارت

بخصوص در قسمت بایسکلرانی داشته

له تو پیر غوښتونکو رژیمونو سره دامپریالستی ټولنوثر دی اړیکې

دیدند نا جا نیکه از استقلال کشور گذشت و خط دیووند را قبول و ولایات شرقی افغانستان را از چتر ل تا بلوچستان به انگلیس ها گذاشت : چنانچه «تتر» در همین مورد نوشت : «امیر عبدالرحمن خان رول خود را خوب بسازی کرد و نقشی را که میبایست در مذاکرات نازک و موشکلی میبخت بخوبی درک کرد تا منتج بمواظبه نهایی در تعیین تمام خط طویل سرحدی از پامیر تا ایران گردید . و حتی امیر یکبار هم مانع اقدامات حکومت انگلیس به جهت حل عادلانه مسئله (۱) نشد ولی امیر مصمم بود که نگذارد واقعیت تسلط انگلیس بصورت آشکارا در برابر دیدگان مردمش قرار گیرد ... ولی امیر عبدالرحمن برای حفظ مقام خود در نظر ملت ، علنا بر ضد انگلیس سخن زد و روحیه را بر برابر انگلیس ظاهران را زنده نگه میداشت روی همین ملحوظ انگلیس ها در قضاوت نسبت به امیر عبدالرحمن خان و معرفی او بمردم انگلیس ، فورمول تازه و مرمی ایجاب کرد . از آنجمله لاد کردن که خود پدر یا امیر عبدالرحمن آورده بودچنین گفت : «امیر عبدالرحمن خان یک معجزه نمر کبی است از سیاست مداری و ظرافت و وحشیگری . گرچه امیر این آنها و حتی گری را رد می کرد و ادعا می نمود که این روش و وحشیگری یگانه طریقهی معامله با چنین یک نژاد غدار و خیانت کار (۱) (مطلوب او مردم افغانستان می باشد) است ... همچنان «گروژن» به وضایت خاطر از قول یک نفر انگلیس مقیم کابل می گوید که امیر عبدالرحمن خان خود گفته است که ۱۲۰ هزار نفر از مردم خود را کشته است ...

«گروژن» می گوید که این پادشاه در آن واحد یک شخصی بزرگ ، یک وطن پرست ، یک عفريت و یک شریع بود ... با مزاج متغیر و زبان درشتی که داشت عموما یک دوست یا پدار و متحد دولت انگلیس بود و مستحق این است در تاریخ افغانستان و تاریخ امپراطوری هند نام او بدرجه عالی ضبط و قید گردد ...

انگلیس ها چنانیکه بوسیله فعالیت های مخفی جاسوسی خود در بین ملت افغانستان نفوذ و شقاق و اختلافات نژادی و لسانی و قبیله را تو لیسو تو سيع کرده می رفت ، تا از نظر مذهبی و شیعه ، از نظر زبان دری و پشه و از نظر نژاد پښتون و هزاره ، از نظر قبیله غلجایی و درانی و از نظر منطقه فرایی و لغمانی و امثال آن مخالف و بدبین همدیگر گردیده آتدیر بجا ن خود مشغول گردید که مصالح عمومی کشور و مخاطرات دشمن خارجی فراموششان نگردد . هم چنان انگلیس ها توسط مطبوعات خود تا نما بشکل غیر مستقیم پادشاهان افغانستان را به وارد کردن فشار با لای ملت افغانستان رهنمونی می کردند خلق افغانستان را توهین می کردند و سزاوار ظلم و استبداد

و مجازات و ستم فلعلماد می کردند چنانچه از زمان سلطنت امیر عبدالرحمن پادشاه دست نشانده و مستبد افغانان می نوشتند که يك ملت آهني (افغانان) پادشا آهني (امیر عبدالرحمن) یکبار دارد (۱) هم چنان هنگامیکه خلق منکر یکبار از فشار حواله جات غله و علوفه ی دولت ، بجان رسیده بودند و هر مقامی حکومت قیام مسلحانه کردند (۱۹۹۱ شمسی ۱۹۱۳) امیر حبیب الله بر عکس رویه ی پدش در برابر این قیام دهقانان بطور نسبی از مداوا کار گرفت و ۴۰۰۰۰۰۰۰ این روش خلاف تمایلات امیربالیست های انگلیس بود: فوراً نایم آف اندیا در ماه آگست همان سال مضمون تحریک آمیزی نشر کرد که در آن گفته شده بود: (امیر بلزبچه ی ملاها و اطرافیان خود قرار گرفته و در برابر شو و شیان منکر دولت را ضعیف نشان داده است ، در حالیکه اتحاد بین اقوام افغانستان بر ضد منافعی امیر است (۱) .

از طرف دیگر انگلیس ها برای اغفال دیگران ، از اداره ی دولت تحت الحمایه ی افغانستان بشکل مبالغه آمیز آنقدر حرف می زدند تا هر شخص به تمنای تحت الحمایگی دولت انگلیس در افتد (۱) مثلاً در سال ۱۹۱۳ يك نفر انگلیس «داکتروالتر سائز» بعد از سیاحتی به افغانستان می نویسد که : افغانستان يك مملکت شرقی نیست زیرا امیر عبدالرحمن خواب و خورود را بر خود حرام کرده بود تا به سبب ترقی افغانستان را گذاشت .

واژ مدنی حقیقی او را استفاده نمود . امیر حبیب الله در مملکت فایر یکله های اسلحه سازی ، عسکر منظم ، مکاتب : ۴۰۰۰۰۰ با این فعالیت ها غزنی فروسی دو باره عظمت گذشته ی خود را خواهد یافت (۱) .

بر عکس انگلیس ها زمانیکه با خلق افغانستان و در باره ی آنها سخن می گفتند کلمات موهن و مختصر استعمال می کردند . و هم چنین انگلیس ها میل داشتند هیچگونه افتخار دست نا خورده برای خلق افغانستان باقی نماند از نیرو هر کارنامی خلق را با نوع دیگری تعبیر می کردند مثلاً آوا نیکه خلق افغانستان در جنگ اول اردوی انگلیس را معدوم کرده و سر مشق آزاد یخو اهان مشرق زمین قرار گرفتند ، انگلیس ها چنان وانمود کردند که : قیام مردم افغانستان بر ضد انگلیس تنها از جهتی بعمل آمد که انگلیس هار ت نماند (۱) کرده بودند (۱) .

از همینجا ست که به همه خوانندگان باید عرض شود که در موقع مطالعه ی آثار مورخین دوبرای انگلیس کمال احتیاط را بدرج دهنده زیرا آنها اکثر حقایق را قلب کرده به خورده خوانندگان می دهند و هکذا در گذشته اکثر نویسندگان ما نیز بشکل ناگزیر (برای اینکه منبع دیگری بدست نداشتند) تحت تاثیر نوشته های آنها رفته اند .

دایو منلی او خرگند حقیقت دی جی به جنوبی افریقا او رودیشیا کسی د تو پیر غوښتونکو گو پادزی رژیمو نو دینا اصلی عوا مل دهغو سره د نړیوال بانگو لسی نظا موون نړیدی او یکی اود امیر یالستی قوتونو تر پردی لاندی اقتصادی او پو ځی مرستی دی .

امیر یالستی هیوا دو نه نه یوا ځسی دنړی بدغه برخه کی انما نی بند رژیمونه په پښو در و لی او دهغو د بایست د باره هر راز هلو ځلو نه لاس اچوی بلکی ددغو هیوادو نو دخلکو پوښو لړل شوو غوږ و میو باندي چی ددغو هیوادونو د خلکو دلاسونو دتپاکو محصول او دغو هیوادونو دطبیعی منابعو څخه خپل نسونه مړی دی .

لږسره سره چی دنړی مترقی هیوادونه دایا و تاید غوندی نړیوال د ریسخ غوره کړی او د نړی دټولو هیواد و نسو مترقی جنبشو نه او مترقی خلک د اپارتاید او توپیر غوښتنی پرضد را پارولی بیاهم امیر یالستی نو ددغو برخه یو خلاف په پیره کی دی چی که په رودیشیا او نامیبیا کی دهغو د گو دایو رژیمو نو لړی پای ته ورسیر ی او ددغو هیوادو نو د خلکو دغو پوځی څخه ددوی غاښو نه وویستل شی باید یو له ختبه دنړی بدغه سیمه کی په نویښه دخپل نوی استعمار خاور و غوږوی باید وویل شی چی امیر یالستان تل دنژادی تو پیر د لاپالو تیا دپاره په کلکو اقداماتو پوخت دی او ددغه انسانی ضد سیاست دوام دپاره دراز راز نیرنگو نو څخه کار اخلی او په دی لټه کی دی چی د ملی آزادی بخښونکی جنبشونو دښمنولو او دهغو دو تسو نسو د پښو د غورځولو د پاره چی دخپلو هیوادونو دپرمختگ د پاره دمترقی ټو لنیزو پالیسیو پیروی کوی به هر دول شرو مونکی عملو نو لاس یو ری کړی .

امیر یالستان نه یوا ځی درودیشیا اود جنوبی افریقای دگو دایو رژیمو نو کلک ملاتړ کوی بلکی ددغو هیوادونو داصلی اوسیدونکو (توریستکو) به استعمار و لو او پرهغو باندي دنژادی تو پیر د سیاست په عملی کو نو کی ښکاره لاس لری چی ددغو هیوادونو په کمپنیو کی د تور پوښو او سپین پوښو کارگرو ترمنځ د مزد تفاوت ددغه حقیقت داثبات خو را خرگند دلیل کیدای شی .

دهغو احصائیو له مخی چی اخیستل شوی په (۱۹۷۰) او (۱۹۷۳) کلو نوکی په جنوبی افریقا کی د موټرو نو کمپنی گا نی یوا ځی سپین پوښو کارگروته چی د جنوبی افریقای د موټرو نو د کمپنیو دکارگرو څلو رمه برخه تشکیلوی یو سلو پوښیته ملیونه دجنوبی افریقای مژد و کسری ژېداسی حال کی چی تور پوښو کارگروته دپیر یو کی بند و ساتی او پدی توگه دخپل گو دایو رژیمو نو بنا تا مین کوی .

یوا ځی اته پنځوس ملیونه د جنوبی افریقای دوی بی مز دور کړی و همدا اوس ددغه هیواد په فایر یکو کی دسپین پوښو کارگرو عایدات دجنوبی افریقای دتور پوښو کارگرو د عایداتو پنځه چنده دی .

کله کله دپانگو لی ټو لنو اجنتمان ددی دپاره چی خپل استعماری او دنژادی توپیر غوښتنی سیاست اصلی پنی نه یی ظاهری بدلون و کړی وی وائی چی تور پوښو یو ځان باورنه لری او پخپله دوی دی چی دتوری کارو نو تر سره کوی او څخه چه کوی او فکری کاوونه دسپین پوښو میراث بولی .

داهم دپا دولو وړ ده چی د جنوبی افریقای نه زیاترو فایر یکو کی هیڅ سپین پوښو کارگر کارنه کوی مگر همدا تور پوښو دی چی په نیما نی معاش هغه کارچی سپین پوښو کی نی په پوره معاش کوی په ویره ښه توگه سرته رسوی .

مگر د کمپنیو خا وندا نو دخپلو شو مو او ناروا غوښتنو او اعمالو ددولم او دهغه د پت ستلو په خاطر دافریقائی تور پوښو کارگرو دندی په بیلا بیلو نوټو یادوی لکه څنگه چی د جنوبی افریقای دار تجاوی دولت سره د اقتصادي مرستو د زیاتوالی او بایست پرضد نړیوال فشارونه او غندنی مخ په زیاتیدوی مگر ډیر ژر به دغه حقیقت و موم چی ددغو هیوادو نوکی لونی کمپنی گا نی څنگه په خورا زیرکی دخپلو چارو د پټولو دپاره په یو لړ جدی اقداماتو لاس پوری کوی دا یو خرگند حقیقت دی چی اوس دامیر یالستی کوی دپاره ډیر گران نما میری چی دنژادی تو پیر غوښتونکو رژیمونو او بانگو لټوټو ترمنځ نړیدی اړیکی د نړیوالو له مترگو څخه پټ اوپدی توگه شومو اعمالو پرمخ لاهم پری و غوړوی .

داڅنگه چی په امیر یالستی هیوادونو کی په تیره بیا په جنوبی افریقا کی چی دهغه ددولت اصلی بنسټ دنژادی توپیر غوښتنی پو سیاست ولای دی دنژادی تو پیر ضد جنبشو نه په ډیره چټکتیا سره وده کوی .

اودغه آزادی بخښونکی جنبشونه د سوسیالیستی او مترقی هیوادونو او د نړی ټولو هیوادونو د کارگری او مترقی جنبشونو دکلک ملاتړی څخه برخودار دی او ددغه حقیقت له مخی په زغرده توگه وپلاي شو چی که امیر یالیزم او دهغه توبیر غوښتنی اهنه هر څومره زیات وگا لی او دخلکو د آزادپو په لارو کی راز راز خنډ و نه واچوی او له هر ټول چمونو څخه کار واخلی بیا هم دخلکو بریالیو ب حتی دی او وروسته لدی امیر یالیزم تشی کو لای چی په راز راز چمونو او زور سره خلک د استعمار اوستعمار په گړیو کی بند و ساتی او پدی توگه دخپل گو دایو رژیمو نو بنا تا مین کوی .

نو زه ونه یی باغ باغ کبری او خوشحال
لری .
(بوگدانووا) په عقیده په ورزشی لوبو کی
ونډه اخستل هیڅکله د هغی ددر سو نود
وروسته پاتی والی باغ نه گری زی داپخبلو
تو لو در سی از مو ینو کی ښی نمری تر
غوتو کوی او د تل له پاره بر یا لسی
ده .

لکه چی د (بوگدانووا) دورزشی ژ و ند
خڅه خر گند یری دیری دوو کلو نو په
موده کی یی یوازی په یو څو محدود و
سیو دتی پرو گرامو نو او لو بو کی مانی
خوپلی او تر اوسه پوری هیڅکله مایو-
سه شوی ته ده . دا سپور تی قهر ما نه
نجلی عقیده لری چی ورزشکاران با ید
هیڅکله د مانی خو پ لو څخه وروسته نا-
امیده نه شی او د تل له پاره آیند ه ته

منوجه و او سی داورزشی خبره دژوندانه
په ټولو پر اوونو کی خپل متانت زو ورتل او
چسارت ساتی او د ورزشی لو بو په
جریان کی دقوی مودال او پیا وړی روحیاتو
خا وند ه وی . که څه هم تر اوسه یو ری
د (جولیا - بوگدانووا) په دمالونو اوجایزو-
کی پلا بیل پو لونه ش امل دی خو داکو-
نښی کوی او زیار یا سی چی دا لمبیک
په هغو تر یوا او لوبو کی چی د طرحشوی
پرو گرام له مخی د (۱۹۸۰) کال په
اوپی د مسکو په ښار کی چسوی پیری د
لامبو و هلو دورزشی په (۱۰۰) متره ایزه
مسابقه کی د سرو زرو دیوه دمال په
اخستلو موافقه شی . (جولیا) بهدی وروستو
وختونو کی دلامبو و هلو په دورزشی کی
دشو روی اتحاد یوئل نامتو او بغاوی (لینا-
کا چی ستا یا) ته بلنه ور کړیده چی
دلیننگراد په ښار کی دلامبو وهلو دسپورت
(۲۰۰) مترو په مسابقه کی ورسره مقابل
وکی .

(جو لیا - بوگدانووا) دلیننگراد په ښار
کی دخپلو ورزشی امر ینا تو دلری دتقییو-



سپورتنو

(غږور) زبانه

جولیا - بوگدانووا

او بو په واسطه خپل دلور علاج او تداوی
کو لو ته اقدام و کړی .

(بوگدانووا) پلار چی دلیننگراد د ښار
په یوه فابریکه کی کار کوی د ډاکترانو
دسپارښتی سره سم دلیننگراد دکارگرانو

داتحادیې دمعدنی اوبویه یوه ډ ښ کی
خپله لور (جولیا) تر معالجه لاندی ونیوله
(جولیا) د تداوی څخه وروسته روغه رمتیه

شوه او د څه د پاسه (۱۲) میا شوی په
موده کی یی د (میدی دو لفین) د جایزی
په گټلو بریا لی شوه . د اور ز شی خیره

دلامبو و هلو په فن کی ښه استعداد لری
او کولای شی چی د (۲۰۰ - ۳۰۰) مترو په
واتن کی پویاې سره برخه واخلي اوخپلو

حرفانو او رقیبانو ته ماتی ور کړی .
(جولیا - بوگدانووا) مور او پلار چی
دواړه په فابریکو او صنعتیو تا سیما توکی

کار کوی کله چی په ښو و نځی او اتلتيکی
کوبو کی دخپل لور پر مخنگ او حیرانو-
ونکی اړ یالیتوبونه د سر په سترگو وینی

شوه . څو موده د مخه کله چی (جولیا-
بوگدانووا) په یوه ښو و نځی دیوه ورزشی
ډاکتر له خواتر طبی کتنو او معالجه لاندی
ونیوله شوه ټاټه شوه چی دغه ځوانه
ورزشی لو بغاوی درو ما نیزم د نا روغی
له خطر سره مخامخ ده په شوروی اتحاد کی

معمول او مروج دی چی هر کال دپسرلی-
په لومړنیو شپو اوورځو کی دټولو ښو-
نځیو او تعلیمی کدرونو سپور تی سخری
دډاکترانو له خوا معاینه او تداوی کیږی او

ددغو طبی کتنو او تداویو ټول لگښت په
وړ یا ټول دولت له بود چی څخه تمویل کیږی
طبی ډاکترانو د (جولیا - بوگدانووا) پلار ته

سپارښتنه و کړه چی ډیر ژر دمد نی

زه غواړم چی دا لمبیک په لو بو کی د
سرو زرو یو بل مهال هم و گټم د نړی
سپورتي ټولنی د (۱۹۷۷) کال دمارچ په
میاشت کی هغه واپسور خپور گم چی په
هغه کی و پیل شوی و . (جو لیا - بوگدانو-
وا) دمو نتر یا ل دالمبیک په نړیوا لو-

لوبو کی خپل حریف او رقیب (مارینا - کو-
نیو یا) ته دلامبو وهلو په (۲۰۰) متره ایز
واتن کی ماته ورکړه اودسرو زرو د یوه

مهال په گټلو بریا لی شوه .

ددغه ستر بریا لیتو ب څخه وروسته
(جولیا) دخپل کور د لیننگراد په ښار کی
دلامبو وهلو په یوشمیر نورو مسابقو کی

ونه واخسته اوپه ټولو کی دمال الو نیو
او سپور تی چایزو په گټلو بریالی شوه
(جولیا) چی اوس دپارلس کلنه ده په

مونتریا ل کی دسرو زرو دمال دا خستلو
څخه وروسته هڅه وکړه چی خپل مخ دتکا-
سا نو د کمرو څخه پټه کاندی . د شوروی

اتحاد دغه نوی نامتو ورزشی څېره ډیره
شرمنه کړه او نه غواړی چی هر وخت
دتکا سانو او زور نالسا نوسره مخامخه

شی . د (۱۹۷۷) کال دمارچ د میا شتی
څخه را په دیخوا په څه دیاسه دوه نیم
کلنه دوره کی (جولیا - بوگدانووا) دتتر

په واسطه دلامبو وهلو په سلو او دوه سوه
ایزو مسابقو کی نوی قهرمان لټو نه گټلی
او په شو روی اتحاد ، اروپا او نړی کی د

زبات شهرت او زیاتی اوازی خاوند
شویده (جولیا - بوگدانووا) چی په اوسه
منیو وختو نو کی یی د شو روی اتحاد

نو و ورزشی څیرو په کتار کی دریدلی
او افای شهرت یی تر لاسه کړید دتتری
په ټولو ورزشی غونډو ، کنفرانسونو

فستیوالونو ، مټنگونو او سپوزیمونو کی
برخه اخلی یوازی یو محدود شمیر کسان
په دی واقعیت باندی پوهیږی چی (جولیا-
بوگدانووا) په ناڅاپی او تصادفی توگه

ورزش او اتلتيکی لوبو نړی ته ور داخله



(جولیا - بوگدانووا) دلامبو و هلو دورزشی په (۱۰۰-۲۰۰) متره ایزو مسابقو کی د سرو زرو دمال وړ و نکی

قهرمانان ورزشیه خو یشی شعس
میگفتند و مردم شهر برای این
قهرمانان دسته های گل تحفه
میدادند. کسانیکه درین مسابقت
بقات برنده میشد از طرف دو لت
آنوقت خانه های مجلل بدست می
آوردند و از پرداخت مالیات بیه
دو لت نیز معاف میشدند.

این بازیها تقریباً تا سال
۱۱۶۹ به همین رقم ادامه داشت که
چندی بعد از آن از طرف امپراطوری
روم شرفی منع قرار داده شد و در
حمله ایکه بالای یونان صورت گرفت
معبذب رگ المپیک و مؤسسات
ورزشی را آتش زده و غارت کردند
به این صورت بازی های المپیک
تا سال ۱۸۹۴ صورت نگرفت تا آنکه

در سال ۱۸۹۶ توسط پیکر فرانسوی
بنام «پیر وکو بریتن» که اهمیت
زیادی برای تقویت و انکشاف جسمی
جوانان فرانسه قایل بود کمیته
راینام اتحادیه ورزشی فرانسه
نسه تشکیل نمود و بازی های تازه
ریخی المپیک را سر از نو رو نقاد
که برای اولین بار این مسابقات
به یاد از بازیهای قدیمی آن در
آتن مرکز یونان برگزار گردید.

«پیر کوبر تین» میگوید: «آن
چیزیکه در بازی های المپیک اهمیت
دارد مسابقات نیست بلکه آمادگی
و تیاری گرفتن برای شرکت در آنها
است زیرا آمادگی جوانان برای
انجام مسابقات زور آزمایی و قدرت
نشان دادن زور مندی اوست».

این بازیهای سپورتی گرچه
در دوره های تاریخی نیز برگزار
میگردید و از آن به بعد در هر چهار
سال در یکی از کشورهای جهان
صورت میگرفت. اما فعلاً بازی
های المپیا دارای يك مرکز دائمی
بوده که کمیته بین المللی المپیک
نامیده میشود. در ابتدای تأسیس
المپیک دارای شعاری از این قرار بود
که: «قویتر، بالاتر، تندتر»
فعلاً حلقه های که بر روی
اتحاد و همکاری و ورزشکاران قاره
های دنیا بوده که ذیلاً تشریح
میشود.

- ۱- حلقه سیاه علامت قاره آفریقا.
- ۲- حلقه زرد علامت قاره آسیا.
- ۳- حلقه سرخ علامت قاره آمریکا.
- ۴- حلقه آبی علامت قاره استرالیا.
- ۵- حلقه سبز علامت قاره اروپا.

بیه هر صفحه ۵۸



(جولیا) به مونترال کی د لامبو و هلدیر یالی مسابقی ترسره کولو غه وروسته د نارینا امیلو و سوره د خبرو په حال کی.

مونترال کی د لامبو و هلدیر یالی مسابقی ترسره کولو غه وروسته د نارینا امیلو و سوره د خبرو په حال کی.

نه هم لاره شی (جولیا) پخوا تر دی چی
مونترال ته لاره شی او د (۱۹۷۷) کال د
المپیک په نړیوالو لوبو کی و نهمه واخلی
دمسکو په ینار کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال
د لوبو لپاره دیو لوبو ینانو په ترسره
کولو بوخته وه. دا ورزشی چهره په

لو لاره یی کلی مرکزونه لری. د شوروی
اتحاد د لامبو و هلدیر یالی دغه نوبتو
ورزشی خبره په کال کی خو خلی د شوروی
اتحاد خینو میمو ینا وونو او صنعتی مرکز
و نوبت سفر کوی او غواهی چی په مسکو
کی دالمپیا د (۱۹۸۰) کال د نړیوالو
لوبو څخه وروسته خینو اروپایی هیوادونو

عزیزه غزیزی

تاریخچه آغاز بازی های المپیا

بازی های المپیک در یونان به اسامی آن تعیین میشود.
بازی های المپیک برای اولین
بار در سال ۷۷۶ قبل از میلاد
صورت گرفت و مردم یونان نظریه
اهمیتیکه به آن قایل بودند از دور
ترین نقاط کشور برای تماشای آن
می آمدند.

در ابتدا، این بازی ها مدت پنج
روز و دو میگرد و شامل بازی های
سهو نی نیز بدن، آب بازی و

بازی های المپیک در یونان
در یم در هر چهار سال یکبار تبه
در اسباز تا در میدانهای ورزشی
لیمپ صورت میگرفت که درین
مسابقات از تمام شهر های یونان
ورزشکاران و ورزشکاران کتبی
نمودند، این مسابقات ورزشی یکی
از واقعات بزگ در تاریخ یونان
نان بشمار میرفت و اهمیت آن به
اندازه بود که دوره های تاریخی

حب وطن

کشور محبوب ما افغانستان
باشد تاریخی کهن و باستان
مردمش باشد دلیر و صلحخواه
در گذرگاه های گیتی فرمان
دیده بسی و نجهای بیکران
برده بدوش بار، این بیچارگان
بوده همیشه در نبرد و هم ستیز
با گروه خاین و اهر یمنان
کرده است پیداده، ستم و ناروا
بر همه خلق غریب، آن حاکمان
گرچه فقر و بیسودی و مرض
برده بدوش از قرونو سالیان
دارد تشنوع زاد و وار دور
واژ تمدنهای قدیم جهان گذشتگان
بهر حفظ خاک و ناموس وطن
رز میا کرده است بایگانگان
بوده پشتیبان صلح و امنیت
در همه دنیا و هر عصر و زمان
چون به نیکی و نگرانی خویشین
با زبهری که کنی ای جوان؟
در خیال زحمت و سعی و تلاش
باش وفادار چو دلدادگان
بر همه اعمال و کردار و نظر
میکنند تاریخ و هم آیند گان
در همه پیشرفت ها و اعتلا
نقش دار زحمت کار و بگریز و فرار لگان
هر که خدمت کرده به میرین ز صدق
باشد به یقین در سلك و ارستگان
باش «جولان» بهر اعمار و طین
همه و همکار با هم میسپان
جلیل جولان

یار کارگر

به زخم دست توای یار کارگر قسم است
که مرغ عشق تو کنون گرفته پر، قسم است
به آن جوان رشیدی که رفته راه ترا
به بازوان سبطرت و نجبر، قسم است
به آن رفیقی که یگشوده درب زندان ترا
به آن کسی که درین دره پیداده سر، قسم است
به اتحاد تو تا زم که سرا سر ملک
به بلند لوی سرخ تو هر سرخ قسم است
که نام تو است بلند و جهان تو است بلند
که کار تو است بلند و مکان تو است بلند

تبع و نگارش از: فاروق تیموری

احیای حماسه

«و شکست انگلیسها»

گان و حمله چنگیز یان می باشد و بسور
این حادثه در حقیقت بر اساس ضبط
سیاسی یکی از شاهان افغانستان موسوم
به سلطان محمد خوادزم شاه بوده است.
در اثر این غلبه و کشتار، مردم نارو
مار شدند و چنان ضربه یی خوردند
که تا مدت ها جز گوشه نشینی و انزوا
چیزی آنها را بخود جلب نمی کرد. این
وضع بلون شبه روحیه حماسی و اقتضای
گذشته حماسی دری گویان افغانستان
را از ذهن مردم بدور ساخت و مسردم
بدنیای تصوف گمراه شدند. بنا بران
می توان گفت که از قرن هشتم به بعد
آثار حماسی ملی در ادبیات دری ظهور
نکرد.

احیای فکر حماسی و تدوین و انشای

حماسه های ملی در ادب دری بنا بر
جنگهای مسلسل و حملات متداوم اجنبی
ها که از دوره های دور به این طرف در
کشور دیده می شد و مردم همواره از
وطن و آزادی در دفاع بودند و نمی گذار

شدند استعمار طلبان به منظور های شوم
خود بر سهند. از طرف دیگر اهل استعمار
نیز برای پیشبرد آرزو ها و اعمال خود
بیکار ننشستند. در نتیجه روحیه یی
بوجود آمد و روشی جدیدی را در ادبیات
پیش گرفتند. ظهور ادبیات حماسی و
روح تاریخ نویسی بود که مردم را بگذر
سته و آینده پیوند داد و ایشان را در مقابل
دشمن تشجیع نمودند که کارنامه های اسلاف
خویش را بغیر بیاورند و بیشتر به مجادله
و مبارزه تشویق شوند و از طرف دیگر
شعری از کارنامه ها و مجاهدت های
شان برای فرزندان شان سر مشق
و نمونه گردانند. همان بود که جنگهای
صد ساله افغانستان شروع میشود درین
وقت و پنداران غیور ما همواره از وطن و
خاک خود شجاعانه دفاع نموده و نگذا

شدند که اشغال گران و استعمار خویان
به مقاصد شوم خود برسند و شعیرای
این دوره که متوجه صحنه های خونین
جنگ بودند دوباره روحیه حماسه
سرای را زنده ساختند.

جنگهای صد ساله افغان و انگلیس در
حقیقت روح وزمی و حماسی را بیشتر در
قالب ادبیات شفا هی و تحریری حل
کرد و آثار زیادی در این نه های ملی
و محلی به میان آمد از آن جمله یکی جنگنامه
های منظوم یا ادبیات حماسی همچون اکبر
نامه حمید کشمیری که این اثر درخصوص
اولین جنگ افغان و انگلیس به نظم نوشته
شده است و دیگر از آثار حماسی این
دوره حبیب القصاید، محمد عزیز خان
ساکین حمای بسود تروینار است که
شرح کارنامه ها و دلاوری مردم اقوام
مهمند، تیرا و دیگر اهالی سرحدی افغان
نستان را به صوت فصیح با احساسات
ملی و هیجان افغانی به نظم آورده است
که از نظر تاریخی مملکت و قهرمانان
ملی و مجاهدات آنها با انگلیسها قابل
اهمیت و ستایش است.

اثر معروف دیگر درین زمینه جنگنامه
است که داستان جنگ اول افغان و انگلیس
را در وصف مجاهدات میر مسجیدی خان
غازی و سایر مجاهدین رشید ملی
علیه متجاوزین اجنبی در سالهای
(۱۸۳۹-۱۸۴۲ ع) بازگو می کند این
اثر از مولانا محمد غلام کپستانی متخلص
به «غلامی» میباشد، حالا برای خوانند
گان محترم یکی از آثار حماسی آن دوره
را که اکبر نامه حمید کشمیری است بسا
چند شعر حماسی آن معرفی می کنیم.

اکبر نامه حمید کشمیری:
ملا حمیدالله یکی از شاعران حساس
قرن سیزدهم هجری است که گزاشی
از جنگهای اول افغان و انگلیس را در سال
(۱۲۵۵ قمری ۱۸۳۹ هجری) به رشته نظم آورده
و رشادتهای تاریخی فرمانان افغانستان را یاد
می کند و کتاب خود را «اکبر نامه» نام
کرده است. وی حایق را با کمال صراحت
اظهاری داشته و امیدوار و هیچگونه
صله نبوده است.

اکبر نامه در روح رزمندگان افغان-
نسان و هندستان تا تیر گرمی
کرد و این حماسه بیش از توپ و تفنگ
برتن دشمن لرزه انداخت.

اکبر نامه اصلاح رساله است منظوم
و به پیروی شیوه حماسی که خاصه
خراسان در (۱۳۶۶) دو سال بعد از آزاد
شدن افغانستان به رشته نظم سروده شده
است.

واژ نقطه نظر ادب و امانت تاریخی اثر
گرا نباشد است که به نویسندگان
تاریخ معاصر افغانستان کمک زیاد میکند
و ممکن است این حماسه را شاهنامه
قرن نود هم افغانستان خواند و از طرف دیگر
می توان آنرا فصل معاصر شاهنامه فردوسی
حساب کرد.

در اکبرنامه همیشه از شجاعت و مردانگی
و قهرمانی افغانها ذکر شده
چنانکه در وصف اکبر خان قهرمان
جنگ چنین میگوید:

شنیدم ز دانشوران گزین
معمان غزنین و کابل زمین
که چون فتح کرد اکبر چیره دست
به شمشیر فوج مخالف شکست
بغلی دلیری چون سرباب کرد
چنان جنگ با فوج پنجاب کرد
بهر داندگی گشت تا مشی سپهر
چو رستم شد اندر جهان مشهر

و تنگه لشکر امیر دوست محمد خان
و هری سنگه در پشاور با هم مقابل می
شوند در اینجا شاعر صف آری دشمن
را با سر لشکر آن معرفی میکند. اما
این وصف در لشکر افغانها با تمام جزئیات
آن معرفی می شود. در حایکه لشکر دشمن
تنها به صورت کلی معرفی می شود:

دلیران کابل بجوش آمدند
چو شیر زبان در خروش آمدند
بجستند و بستند اسباب جنگ
روان بر گشتند و خستند سنگ
برون آمدند آن یلان سره
چو شیر در ی از دهان دده
بماندند فایم بیدان جنگ
صف آراسته همچو غران پلنگ
صف میمنه افضل نامسدا
بیاراسته همچو رو نیسن حصار
سوی میسره اکبر چیره دست
صف جنگ چون سد باجوج بست
قلب اندرون ماند جبار خان
بدشمن گشتی تنگه بسته میان
بجنگ آوری دست و بازو کشتاد
صف تو پها در مقابل نهاد ...

وقتی بر نرسید برای جاسوسی به قصد
تجارت به دربار کابل آمد و امیر از آن
آگاه شد او را از کابل اخراج کرد و به
لندن فرستاد او چنین میگوید:
چو بر نرسید کابل به لندن رسید
زاندوه و رنج سفر آرمید
بر سید از تو قلمور شهر یار
چه کردی و چون است کابل د یار

بپا جست بر نرسید زمین بوسه داد
در او عاف کابل زبان بر کشاد
که شهر است اندر هوا و فضا
بسی نزهت انگیز و فرحت فرا
چنانکه در نرسید بر نرسید
چو خلد از طرب جمله سامان درو
ولی خیل مردان او همچو دیو
بشکل و لباس و کلام و غریب
زن قاز نین چهر آن سر زمین
کشد صد فرنگی به ضرب سرین ...

چنانکه گفتیم اکبر نامه یکی از حماسه
های ملی ما و در راه مبارزه و بیگانه بر ضد
استعمار و وحدت ملی در راه پیروزی مردم
این سر زمین میباشد. لذا در سر تا سر
این منظومه هر جا دشمن افغانها را
دارد مستقیم، یا غیر مستقیم کو بیسده
می شود و آنها محکوم به بیلیدی و بستی
می گردند. چنانچه اگر بحث از زدودن
خورد افغان و انگلیس است شجاعت و امانت
افغانها را و صف و برز بونی و خواری
دشمن انگشت می گذارد. با اینکه تعداد
آنها از صد ها هزار تجاوز کند.

ملأ
ز فوج بد اندیش بد سی هزار
بقتل آمدند اندران کلر زار
بفرد هزاری ز جسم غیر
زخرد و کلان شد شهادت پذیر ...
و با از زبان فرمانروای فرنگ چنین بیان
میکند:

که ما را به گیتی وقاری نماد
بملک جهان اعتباری نماسد
زما خلق دیدند با زاری بسی
نخوردیم با زی زدمت کسی
بجز میر کابل که در وقت جنگ
سبق برد بر فیلسوف فرنگ
چنانکه وقتی بر نرسید به دربار کابل

به عنوان سوداگری می آید و در دربار
راه پیدا می کند و از این واقعه شاه ایران
خبر می شود از آنجا نامه برای امیر
کابل فرستاده و در آن انگلیس ها را معرفی
میکند.

وفا نیست در مردمان فرنگ
ندانند چون دیو جز دیو و رنگ
طلسمی ندانند غیر از لفساق
نه مردی مگر دعوی طمعراق ...
و با وقتی هری سنگ به امیر دوست محمد
خان نامه می نویسد و امیر دوست محمد
خان رابه تسلیم و امید ارد امیر دوست
محمد خان در جواب میگوید:

رسید از تو نامه پر گراف
همه محض بهتان و هذیان و لاف
مگر باده نو شیده بودی جوموش
که از جوش آن سرت رفت هوش ...

اما آنها بیکه بر مردم و دولت خود خیانت
میکند به سخت ترین زبان آنرا میکوبند
چنانکه حاجی خان و از زبان امیر-
دوست محمد خان میگوید:

بکف سبزه زنا رت اندر بغل
چه خیزد ترا ازین دعا و دغل

ببازی جوی چند دادت هری
بد نبال چو تا خنی از خسری
و میگوید:
میا دیگر ای بد نمک بیش من
میفشان نمک باز بر بش من
حمید کشمیری همیشه افغانها را سر صد
استعمار ترغیب میکند و از غیرت افغانها
در هر جا صفت میکند چنانکه اشعار او نما-
یابگر این واقعیت میباشد:

و قتی در جنگ هری سنگ، وزیر اکبر-
خان متوجه زیادی و مجهز بودن عساکر
دشمن می شود به حیرت می رود و برین
وقت افغانی از عقب او را مخاطب قرار
داده از دودلی نجات میدهد.

ای وطن به کوه وشت و بیابان تو سوگند
این بود نصیب من که در راه تو قربان شوم
دشمن نسود دشمن جانی من است
هیچ یگانه و حق ندیم که نرا بد گوید
تأسر در بدن دارم دفاع از تو کنم من
به گور برد این آرزو را دشمن نسو
بچه ام چون خوسم «آزاد» خواهد بود
انتقام تو و پدر خویش خواهد گرفت
دشمنمت بسته به زنجیر او آزاد خواهد بود

به انتخاب: اسدالله مفتون

قربانی وطن

به غیرت و مردی مردمان تو سوگند
بروح پاک شهیدان تو سوگوگرد
گر گریزم ز دشتش بی و جدائی من است
گرد هم این حق به او بی ایمانی من است
سرم را گر بپرند و دایع با تو کنم من
چون بعد از آن بچه ام اعطاء بتو کنم من
به عشق تو ای وطن دلشاد خواهد بود
انتقام تو و پدر خویش خواهد گرفت
دشمنمت بسته به زنجیر او آزاد خواهد بود

قیوم «آزاد»



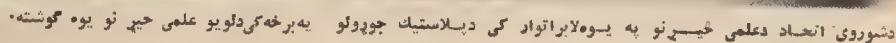
حق و حقیقت

- حقیقت تنها در پرتو دانش میتواند وجود پیدا کند.
- تسلیم شدن به حقیقت در عین زورمندی، بزرگترین نجات اخلاقی است.
- حقیقت را می توان فهم کرد، ولی نمیتوان آن را شکست.
- سراره لحظه ای میدرخشد اما نور حقیقتی است که هرگز خاموش نمیشود.
- بسا حقایق امروز موهومات فردا خواهند بود.



برهنه سرفراز

- وفاقت گفت: مرا با نشان ها و امتیازات بیارند.
- ردیلت گفت: مرا با خلعت فضیلت افتخار دهید.
- خیانت گفت: تاج امانت بر سر من ننهد.
- ظلم گفت: زنجیر عدالت بر در سرایسم بیاویزید.
- تکبر گفت: مرا به زیور نواضع مباحی کنید.
- شرارت گفت: مرا با لباس نیکی و صلاح پوشانید.
- خدعه گفت: مرا به جامه اخلاص و صمیمیت ملبس سازید.
- استبداد گفت: صورت آزادی را بر چهره من نقش کنید.
- زور گفت: بالا پوش صدق و محبت را بدوش من اندازید.
- حق درین میان گفت: مرا برهنه گذارید و پیرایه ای بر من مبنیدید. من از برهنگی خود شرمناک نیستم.

[illegible]

دشوروی اتحاد علمی، اقتصادی
صنعتی و فرهنگی بریالیتوبونه

خلک دلوړی ، فحطی ، ناروغی او نور اجتماعی
سبب و څه سخت عذاب وواړدځکو ورځنی
ژوند د زمانو کې ورو سره مخامخ ؤ .
په (۱۹۱۳) کال کې چې د تزاری روسی په
تاریخ کې د کرنی د محصولاتو له درک څخه
د سړی نه لری اودهغه هیواد خلک په سلو کې
دده ایا په کلیو او محلاتو کې ژوند کاوه اود
هغوی شمیر څه دیاسه یوسلو دیرش اعتبار په
اوه میلیونونو ته رسیده د کرنی د محصولاتو
له مدد څخه په گډه سره (۸۶) میلیون په
غله لاس ته راغلل په دسی حال کې چې د سړی
وروستی احصایی له مخی په (۱۹۷۸) کل کې
په شوروی اتحاد کې دغلو دانو د محصولاتو له
اندازه (۲۳۵) میلیون ټوټه رسیدلی ده . ک
حکم دیر کال (۱۹۷۹) د جون د مېاشی نر
مخنیو وختن نوبوری د شوروی اتحاد په کلیو
او محلاتو کې د کرنی د محصولاتو په سکتور کې
د محلی اوسیدونکو ونډه په سلو کې
اوه د سړس لږه شوی و اما هم
داکو بر د ستر انقلاب (۱۹۱۷) کال په مقایسه
د شوروی سو سیالیتی جابه و د کرنی دیداد
د نورو معیار په سلو کې خور اعشاریه شمیر ځلی

سوروي اتحاد دني دکارکړانو ترکړاد او
د دې سيمو کولو او پي هسواد پي
د باز سح په پناه وکي د سوا گانو د حار وې
په نا مه هم يا ديري د خه دپا سه دوه شپيه
کلونو په وړ دو کي دني د سوا لي و
اجست د بنکس له پا د ربا ن هلي خان
وکړ او دادی نن د خمي په کره کي ديو
مري ، پرخ ملي او دپالي هيواد په وگه
را ونخ ته شويدي .
داکتور دستوسوسيا لستي انقلاب پيغدي
(۱۹۱۷) کال داکتور خهراپه ديخوا دشوروي
سوسپالسي جهاوړو داتحاد اقتصادي، علمي
فرهنگي اوسمني برياليتونو نه اوپرمختگونه
څکه دپارلني وړدي چي دغو پرمختگونو او
برياليو بونو په مرسته شوروي اتحادو کړاي
شو چي دآسيا، افريقا ولايتي امريکي پسه
مبلايو هيوادونو کي نوپخپلواک شوو هيوادوپه
ببرليلو اقتصادي، علمي، کلتوري، راعسي،
صنعي، اوکارگري انکشافونو اونهشتونو کي
ستره اوغاله رنده واخلي.



په عکس کې د شوروی اتحاد د اذربايجان په جمهوريت کې د يو عبي ديو سنی حاصلاتو درا ټوليز پوه منظره ليدله کړی .



جای او دهغه صنعت او کرته په شوروی اتحاد او نړی کې خا ص شهرت لري. په عکس کې د شوروی اتحاد د (کرا سوډان) په سيمه کې دجاپو پوه ميکاليزه فارم

لري او له بلې خوا زيا تو بشری تو اوبه هم ضرورت لري .
او س او س په شوروی اتحاد کې په سلو کې پنځه او يا داوبو دن ټپنا او هايډرو الکتریکي پروژو څخه کار اخستل کيږي د همدې ضرورت له مخې نو لکا د نيپر او

لکه چې شوروی اتحاد انجنیرانو او ماهرانو په ورستيو راپورونو توکي ويل شوي دي اوس اوس دفرانسې ، انگلستان ، ايتاليا او نورو لو يډ بخو هيوادو طبيعی زیري محسوس ختمی شو يدي او س په دغه راز هيوادونو کې داسې پروژي طرح کيږي چله پوی خوا زيا تو سيمو او اقتصادي لکښو نو ته اړتيا

زراعتي ځمکې خړوبه کړي اوله بلې خوا څخه په کافي اندازه دپريشنا انرژی هم تر گټور کړی . او س او س د شوروی اتحاد ماهران او انجنیران په دغه کار باندې ښه پوهيږي چې څو مړه انرژی له کورني زیربني څخه دکر م مقصدو نو او اهدافو له پاره تر گټور کړي

يو سلو يو ايبا ټلو يزيو تو نه ، يو سلو درې پخچا لو نه اوڅه دپاسه يسو سلو څلوېښت د کاليو پري مينځلو ماشينو نه رسیده . دغه رقم که چيرې په نې ټوله سوه د نړی دنورو هيوادونو سره مقا سته شي څر گند پري چې دنن نيملي سيمو ډله مخي يو ډېر لو بهيار دی .

دلید و دچېره دده جي د کي م دکر . سغو تر د کتب او کتب په شته و لي سره نه پوري داخي د شوروی اتحاد د کليو او ښا ري و گټور مې مېچ سره اقتصادي روابط ټينگيږي بلکه په کليو و محلاو کي دو گټور د ژوندانه طرز و شريقه هم نمس جوري معاوني سناز مانو ته چي به واقعس کي د عمومي را په اخستلو نه فسخه کي داساسي مالي او اجتماعي رنلمو بر دخل له پا ره عوه لاه و ري د کي سسي ديوليد . بودمار کسک و دباوسي ستر ما نو يو و تر گټور د فسادې رزيو د راوپا لوي ده په زرگونو سيمه

کرويد او او ررعي کارگران د خلوت په سوزوي اتحاد کي ده ډول مذهبي ، نژادي لاسي ، سسي او نور بويرو سر څخه پر نه دکليو و محلاو خلک دنسا ريو او همسې مې کړ و نو د وسيدونکي سره مسا وي حق و مسا ر لري .

په کليو ، محلا و او ښارونو کي دښوونسي او روزني لسه پرو گرا موټو څخه ټوا خلکو به مسا وي کي رسيري او په اجايي بر که جانب مجر دي چي د ليک اولوست زده کړه ، وکړي .

د انرژی په برخه کې د شوروی اتحاد بریا لیتوونه:

د شوروی اتحاد د نامتو فز يک پوه (الکساندر سمرليووف) دويي نه مخي انسان کولای شو چي دپريشنا د انرژی په لاس ته راوړلو سره دخپلو تخيلاتو او عقلي قوا ويه انډول ژوندانه ډير مشکل را بلونه اوڅو راپه چي مسا جان کړي .

د دغه پورتنی وينا په تاييد د نيملي پري په شخص پس کيدو سر زمو س روا س پري او مړي در سيمه د عصر او وروسته د انرژي و فضا دغص نه تا مه و نه مه شوه و دادی حه ديا . اما ک نه کړي خي ا نه تا م کدي حيلي و فضا و حصب م روا اونه څرگند وي . دو . حس ټوي او رويو له مخي به شوي

اتحاد کي دپيرو پيڅو کليو نوپه دوران کي (۱۹۷۵-۷۱) کلونو په موده کي د د انرژی د توليدانو په سطحه کي څه د پاسه

دری سوه مليارو کيلو وات ساعه زيانوالی راغلي دي او دارقم تر (۱۹۶۰) کساله پوري د شوروی اتحاد د الکتریکي قواو د مجموعي ريف څخه هم زيا نوالي ټيپي . په شوروی اتحاد کي دپريشنا هغه انرژی چي دهابيدو الکتریکي پروژو څخه تر گو تسو کيږي زيا نه اقتصادي او ارزانه نامامي ي د شوروی اتحاد د انجنیرانو او ماهرانو په عقیده دانسان د علم نتیجه با يډ دا وي چي دا وبودنکار او طبيعت دنورو خلا قه قدر نونو په مرسته له پوي خوا زيا تي

برخه کی داوېو سطحه تر ټولو متروپوري ښکته رالوټيښي . په يوه کال کې دغه دېا سه يو مليا ره کيلو واته بريښنا په لاس ته راوړلو سره څه دپاسه اته سوه هکتاره څنگلو نه او شاپي ځمکې په زراعتي ځمکو باندې لټول کيږي .

د صنعتي ، تخنيکي او فلزي چارو انکشاف:

له ډيسرو پخوانيو زمانو څخه را په دېخوا فلزاتو ته د صنايعو د خواږه نسوم ور کې شو پدې . ددغه پورتنۍ اصل له مخې په شوروي اتحاد کې د فلزي چارو انکشاف او ودې ته زيات ته يا ملي نه را گرځو له شويدي او او او س د څه دېا سه (۱۲۰) زرو مو سيمو او او کا نونو په در لو دلو سره د شوروي اتحاد فلزي توليدات داوسپني اوپولا دو دسا ختماني او پراسس کولو نغو مو سيمو او ساز ما نونو په واک کې ور کول کيږي ما هرا ن او انجنيان او کولاي شي په هر هيواد کې دنورو فلزاتو د پراختيا او پراسس معيار داوسپني اوپولا دو له مخې محاسبه او ارزيا يې کړي .

په (۱۹۲۱) کال کې د شوروي اتحاد د نورو فلزاتو د توليد او پراسس ټول معيا يوازي صغي اعشا ربه دوه و يشت ميلون ټنو ته رسیده چې دا معيار دني يوب الو معيا رونو څخه ډير لږ او سکه و په شوروي اتحاد کې په څو وروستيو کلونو کې ته يوازي د فلزي چارودودې او پراسس اختيا له پاره ښه بنسټ کيښودل شو بلکه په (۱۹۷۱) کال کې داوسپني او پولا دو دپراسس کولو او توليد اتو په سکتور . نو کې په ټوله نړۍ کې لو مړۍ د رجسه مقام هم وگټا ټه . همدارنگه ديوې ملي احصائي له مخې په (۱۹۷۸) کال کې په شوروي اتحاد کې (۱۵۱) مليون ټنه پولاد توليد شو چې دغه رقم په دغه کال کې د امريکا د متحدو ايالاتو او انگلستان په ټوله څو چنده زيات او اوپو دي .

دنورو فلزاتو او په تيره داوسپنۍ او پولادو د توليد اتو د سطحې ډيرا ختيا له پاره شوروي اتحاد غواړي چې په خورا ټولو نغو کولو کې په دغه سکتور کې زياته پانگه واچوي ، او ټاکل شويده چسې دد (۱۹۷۹) کال په اوږدو کې د فلزاتو دسکتور د پياوړتيا له پاره داسې پسر وړي او پلانو ته تر اجرا لاندې و نيسي چسې دهغو په تطبيقو لو سره په (۱۹۸۰) کال کې په نو مو ډي هيواد کې د يو لادود توليد اتو او پراسس اندازه څه دېا سه (۱۶۰) مليون ټنو ته ورسيدږي په (۱۹۷۸) کال کې ددغه هيواد دپولادو توليدات او پراسس ټول له اندازه ۱۵۶ مليون ټنو ته رسيدلي دي .

تجربو څرگنده کړيده په هر اندازه چې په يوه هيواد کې د فلزي فابريکې او دهغو قدرت ډيزوي په هماغه اندازه دهغو ټولنې د اقتصادي قدرت معيار هم لوړ وي ددهدې دليل له مخې په شوروي اتحاد کې د اقتصادي او صنعتي ودې په خاطر د فلزي پکو شمير زيات دی . هر کال په دغه هيواد کې په لويو ظرفيتونو سره د پاتي ۵۸۰ ميليون

له (۲۵-۳۵) پوري ډا ښکته کيږي .

ددې له پاره چې په قفقاز اوسا بيريا کې د بريښنا دانرژي د توليداتو او لگښتونو اندازه په خپل عادي معيار کې ساتله شوي وي له (۱۹۷۰) کال څخه راپه ديخوا ددغه هيواد د ما هرا نو له خوا په ټولو هايډروالکترېکي ناسپينا توکي د (اکومو لاتيور) په نامه يو شمير دستگا وي جوړي او داستفادي وگرځه وړاندې شويدي . دغه ډول دستگاوي کيږي لای شي چې د بريښنا د لگښت او توليد دندو پخپل عادي او نور مال حالت کې وساتي .

د شوروي اتحاد انجنيان او ما هرا ن غواړي چې د مسکو ښار ته نژدې د زاگور سيمه په سيمه کې دغه دېا سه (۲۰۰) زرو کيلو واټو په ظرفيت د بريښنا د توليد و لاسو له پاره يو مو نو ي پروژم جوړه کاندې

اقتصادي او اسماري ستونزو علاوه د لينونو په اوږدو کې د بريښنا د تلفاتو اندازه هم څو چنده لوړه او زياته ده له ملي خوا د قفقاز او سايبير يا په سيمو کې د صنعتي تاسيساتو د شرخونو د فعالولو د پلان په دېر ښار زياتو انرژيو ته اړتيا محسوسه ده .

د شوروي اتحاد په اړه پايې برخو کې د حرا رتې ، هايډرو الکترېکي او هستوي بريښنا ټولي پروژې او تاسيسات داسې شرايط را منځ ته کوي چې تر ټولو څخه دمخه د کار ساحې ته اوله يسوي سيمي څخه وېلي سيمي ته د بريښنا داني ډلبري مو او له پاره غوره امکانات پيداشي . اوس اوس کله چې په قفقاز او سايبير يا کې ښه راو رسيدږي او تياره راشي ټول کورونه

دنېستېر سيندونو چې ددغه هيواد په اروپاي برخه کې موقعيت لري ډير کورني شويدي او په مترکي ډول گټه ور څخه اخستل کيږي . ددې له پاره چې د صنعتي تاسيساتو له پاره د بريښنا دانرژي له درک څخه ددغه هيواد اړتيا وي لري شوي وي له شوروي مودې څخه راپه ديخوا شوروي ما هرا ن او انجنيان ان کورنښي کوي چې د بريښنا نوي پروژې د سکرې آسيا په بېلا بېلو برخو کې جوړې کړي . دغو انجنيانانو او ما هرا نو خپله لو مړنې پروژې د شوروي اتحاد د قزاقستان په جمهوريت کې تطبيق او شپږه کچه . همدارنگه د سايبير يا په حوزه هم د بريښنا دانرژي يو زيات شمير نوي تاسيسات تر جوړېدو لاندې نيول شويدي ، د سايبيريا حوزه په اقتصادي



د (پوليتيزاد) په نامه د شوروي اتحاد د کتا بوټو د وروستۍ نړيوال نندار تون يوه څڼه .

ددغه کال دېا ره دغو ما هرا نو څخه کر يده چې د لرغونپوهنې د (زاگور سکا) په ښار کې ديو کوچني سيندې سروي کار بشپړ کړي او بيا وروسته د سيندې د پراخه د بريښنا دانرژي سيمو توليدي دستگاودوړي ، په اوسنيو وختونو کې په شوروي اتحاد کې د بريښنا دانرژي او به د (۸) مترو په پنډوالي او (۷۵۰) مترو به اوږدوالي لولو او نلونو په مرسته له يوې حوزې څخه وېلي حوزې ته ليدول کيږي په دې ډول چې دهر شپږو لولو په واسطه څه دپاسه شپاړس مليون مکعب متره اوبه دسلو مترو لوړوالی څخه تر بين نه دا خليږي . د خپل وروستيو فعاليتونو څخه د وروسته داوېو دېدند په پورتني

روښانه کيږي ټولو پيژونونو په کار لوتښي او په تدريجي او ټکا ملي ډول د بريښنا دانرژي د لگښت اندازه هم پورته کيږي . ديوې احصائي له مخې د شپږه ۱۲ بجو څخه وروسته په نو موږو سيمو کې د بريښنا دانرژي د لگښت اندازه ډير زياته شوي او خپل وروستۍ حد ته ورسيدږي . ددسې له ۱۲ بجو څخه وروسته په قفقاز او سايبيريا کې د بريښنا د لگښت اندازه دوه برابره کيږي .

هايډرويل شي چې په دغو دوو سيمو کې دژمي په نسبت د اوږې په شپو او ورځو کې د بريښنا دانرژي د لگښت اندازه په سلو کې

نخاطه ديو هايډرو الکترېکي پروژو دجوړېدلو نظره غوره شرايط او په زړه پورې امکانات لري . لکه چسې د شوروي اتحاد د ما هرا نو او انجنيانانو په يو مو ستۍ را پور کې ويل شويدي په اوسنيو وختونو کې د سايبير يا له حوزې څخه اروپا يي هيوادونو ته د بريښنا دانرژي د ليدو ډلو له پاره غوره شرايط اوپه زړه پوري امکانات تر گټور شو . يدي . بيا يډ وويل شي چې د قفقاز بيا بيجلو خپرا قيايي شرايط د شته والي له امله د قفقاز څخه اړه پايي هيوادونو ته د بريښنا دانرژي د ليدو او کار د مشکل او گران ښکاري . بيا په بېله ژبه په دغه کار کې په

پول حمام

روزی وجب خان بعد از مریضی طولی به حمام رفت چون حمامیان لباس خراب و رنگ زرد او را دیدند خدمت او را نکردند و فیکه از حمام بیرون آمد (۳۰) افغانی به حمام داد.

روز دیگر بالباس زیبا به حمام آمد چون حمامیان لباسش را دیدند پول آروزه آنرا با خود گفتند: اگر خدمت کنیم (۶۰) افغانی خواهد داد. خدمت آنرا بدرجه اعلی به انجام رسانیدند و فیکه از حمام بیرون آمد (۵۰) افغانی بالای میز حمام نهاد.

حمامی به تعجب گفت: این چیست؟

وجب خان: پول امروز از آن روز است و آن پول به امروز مجرا شود.

ارسالی احمد فواد دافع معلم صنف متوسطه محمد ایوب خان

لکه ابر

هلا نصر الدین را دیدند که در صحرا با کمال اوقات تلخی بعضی از لکه ابر عظیم را کنده چیزی را تفحص نمود.

پرسیدند چه میکنی؟ گفت: پولی را در این جا دفن کرده بودم و اینک هر قدر جستجو میکنم نمی یابم. گفتند و قستی که دفن کردی مگر نشانی نگذاشته بودی؟ گفت چرا نی، گفتند چه نشانی؟ گفت نشانی آنکه لکه ابری در آنوقت بروی آن نقطه از زمین سایه انداخته بود!

کارت ویزیت

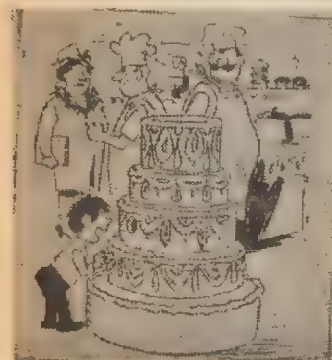
روزی یکی از اشخاصی از خود را غریب دیدن ولتر، نویسنده شهر فرا نموی رفته بود بر خلاف انتظار دید که وضع اطاق ولتر بسیار در هم و آشفته و گرد و خاک ز بساد روی میز تحریرش نشسته است! از فرط نا راحتی با انگشت خود روی همان میز گردآلود نوشت: «خرا» و رفت...

فر دای آن روز تصادفا ولتر را در راه دید و گفت دیروز خدمت رسیدیم به تشریف ندا شدند.

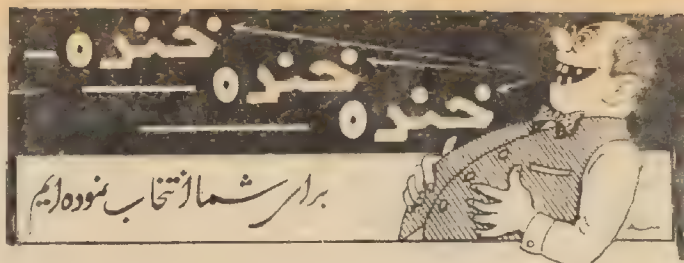
ولتر بانگهی فیلسوفانه گفت بلی! کارت ویزیت شما را روی میز تحریر بر دیدم!!

آرزوی جوانی

مردی از دوست خود پرسید: آیا تا به حال که سست سال از عمرت می گذرد به یکی از آرزوهای جوانیت رسیدهای؟ گفت: آری، فقط به یکی. هنگامی که پدرم موههای سرم را کشیده و مرا تنبیه می کرد، آرزو می کردم که به هیچ وجه مو نداشته باشم و امروز، بحمد الله، به این آرزویم رسیده ام!



احمدجان - عمو فح که سیرشده، به بیرون ناعن داخل شوم.



به غیر از پدرم..!

کریم به حمید گفت: تا هنوز به خانه جدید تان نرفته اید؟ حمید گفت: کریم: آیا برای تمام تان یک اطاق و سید؟ حمید جواب داد: برای تمام اطاق رسیده به غیر از آقایم. کریم گفت: پس آقایم در کجاست؟ حمید: بیچاره آقایم تا به هنوز در اطاق مادرم زنده گی میکند.

ارسالی حکیماله معلم صنف دهم ک ساینس لسه شیر شاه سوری



از بالا به پایین بدون شرح

اسپ هانری چهارم

هانری، چهارم را امسی بود که آنرا دوست عمداً اسب. اسب نا خوش شد. گفت هر کس خبر مرگ اسب را بیا و رد جیش میکنم، و بدارش خواهم آ و یغت. میر آخو رس که آمد شوخی بود بعد از مردن اسب پیش ها نری آمد و عرض کرد آن اسب قشنگ آن امسی که شما آنرا خیلی دوست میداد. شما آن بیچاره اسب، آن اسب، آن اسب. هانری گفت چه سده؟ مرد! مرا خور گفت خود شما فرمودید که: مردم حالا می حکم شماست را در باره خودتان معقول باند محتارند.

اگر گشته شدم آنرا بخورم

دیوانه که محو است خودکشی کند. دن را برداشته به جراحی روان شد. همبکه دیوانه در جراحی رسید در وسط جراحی خوابیده و نان را زیر سر خود گذاشت. دغا عوزری برک زده و پرسید بالا شو که مونری کشدت. دیوانه جواب داد: من می خواهم خودکشی کنم. در بود گفت: پس نان را چرا زیر سرت گذاشته ای دیوانه گفت: بخاطر اینکه اگر عوز ناوقت آمد من گشته شده ان را بخورم.

پذیرائی

معلم از احمد پرسید چرا ناوقت آمدی. احمد جواب داد: معلم صاحب من شب خواب ندانم که تر طاره به ممالک خارج سفر میکنم. معلم از محمود پرسید: تو کجا بودی؟ محمود جواب داد: من رفته بودم تر میشل که احمد را پذیرایی کنم.

انقلاب کبیر اکتوبر جهش

تئوریست پدید آمده های نو را بصورت راه حل های سیاسی درست و قابل درک برای خلق بهرورد اجرا گذارد. نیز از همه بجا سرچشمه می گیرد. آغاز به ساختن سوسیالیسم باقی راه حل برای بسیاری از بفرنج ترین مسائل گامی جدید را هم به شرح ذیل طلب می کرد:

اصول ساختمان دولست و سازمان دولتی در کشور کثیرالملیتی. تناسب اقتصاد با سیاست. نقش نظام های مختلف اقتصادی و اشکال مالکیت. خصوصیات مبارزه طبقاتی در دوران گذار. شیوه های لغو طبقات استثمارگر، خصالت روابط میان شهر و روستا و اهمیت تجارت. نقش پول، راه های گذار از تولید کوچک و انفرادی در روستا به تولید بزرگ سوسیالیستی، صنعتی کردن سوسیالیستی، مراحل و طبقه بندی و طایفه میاست در رشته ی فرهنگ، دانش و هنر، وضع قوانین و اجرای اوبورقنائی مناسبات با جهان خارج یعنی اصول سیاست بین المللی دولت پرولتری و نیروهای مسلح آن و صدها مسئله دیگر.

تئوری دولت سوسیالیستی رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بهمان به وسیله ی عمده ی دفاع و ساختمان جامعه ی نوین از اجزای مشکله ی طبیعی آنست. رهبر انقلاب کبیر اکتوبر و حزب بلشویک بر پایه ی تحلیل ساختمان طبقاتی جامعه در دوران گذار نشان دادند که استقرار حاکمیت سیاسی طبقه ی کارگر، که این طبقه در اتحاد با دهقانان و دیگر قشرهای خلق زحمت کش بوجود میآورد مهم ترین قانونی جامعه ی سوسیالیستی است.

در تئوری سوسیالیسم علمی، تجزیه و تحلیل پروسه های اقتصادی همواره همواره عمده و مرکزی را داشته است. اگر در گذشته اندیشه ی اقتصادی اید یا لوی مترقی روی این مسئله که چگونه سرمایه داری انقلاب سوسیالیستی را آماده می کند، متمرکز بود، حالا دیگر وجود آوردن دانی ساختمان اقتصاد سوسیالیستی و با لایز آن ایجاد تئوری اقتصادی تکمیل رجه سوسیالیسم و در واقع فصل نوی در مجموعه ی آموزش اید یا لوی پروولتری و مترقی ضرورت داشت. در سوسیالیست اقتصادی حکومتی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بوجود آمده بود به همین مسئله بستگی داشت. خود سرنوشت انقلاب اکتوبر هم بد رستی این مسئله وابسته بود.

یکی از عظیم ترین کشفیات رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در این زمینه «سیاست اقتصادی نو» یعنی «نیپ» بود. تجربه ی سیاست اقتصادی جدید که اصول تا مین اتحاد طبقه ی کارگر با دهقانان و دیگر اقشار غیر پروولتری از آن جمله قشرهای میانه انطباق براتیک خود را در آن یافتند اهمیت بین المللی فراوان خود را در دوران

انسداد شوروی به موجب قانون اساسی خیمت شده اند. در طرح قانون اساسی جدید موادی گنجانده شده است که بطور اصولی نو است و در قوانین اساسی کشورهای بورژوازی وجود ندارد و نمی توانست وجود داشته باشد. این مواد عبارتند از: حق شرکت در امور دولتی و اجتماعی. حق انتقاد از نا رسانی ها در کار، حق ممکن. حق حفظ تندرستی. حق استفاده از دسنا و ده های فرهنگی، آزادی کار و خلاق در زمینه ی دانش و تخنیک و هنر... غیره. همه ی این حقوق و سایر حقوق که به و انو با یستی در راه بهر وری خلق و تو ده های مردم زحمتکش چند ملیونی که بطور استوار و برای همیشه زندگی و سر نوشت خود را با سوسیالیسم پیوند داده اند، مورد استفاده قرار گیرد.

در طرح قانون اساسی اتحاد شوروی تعریف مبسوط نقش رهبری کننده ی حزب کمونیست در جامعه و در کشور به تفصیل شرح شده است. حزب که هم چنان حزب طبقه ی کارگر باقی می ماند و اکتون بهمان به حزب همه خلق عمل می کند.

منافع اقشار و گروه های مختلف را با منافع تمامی جامعه پیوند می دهد و وحدت سیاسی و معنوی جامعه را تأمین می کند.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در همان آستانه ی انقلاب ناکزیری وجود همزمان دولادای نظام های اجتماعی متفاوت و اطلی دو ران تاریخی معین مسئول ساخت، این استنتاج ناشی از قانون تشدید رشد تا برابری در درجی و مرحله ی امیر یا لیزم بود که خود او کشف کرده بود. پس از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر واقعا چنین توانست فرامسید و این زمانی بود که بنابه پیش بینی ایلچ بزرگ «کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری به زیستن در کنار هم پرداختند.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر بارها احتمال حمله ی مسلحانه به کشورهای شوروا را تندر کرد و با داور شد که باید قدرت دفاعی کشور بجای رسا نده شود که دفاع از دست آورد های سوسیالیسم را تا مین کند. حزب کمونیست اتحاد شوروی از همان اول وهله تاحال این توصیه ی ایلچ را مد نظر داشت و دارد و حالا قدرت دفاعی اتحاد شوروی دیگری کشور های جامعه سوسیالیستی بقدری است که هر نوع تجاوز را از هر قماش که باشد به اندک ترین فرصت خرد و خمیر می نماید.

رهبر انقلاب کبیر اکتوبر در عین حال وجود «حزب صلح» و «حزب جنگ» دارای روحیه ی تجاوز کارانه را در آن واحد در داخل اردوگاه بورژوازی خاطر نشان می ساخت و همواره وجود شرایط مقدما تیبی واز جمله اقتصادی همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم متضاد را یادآوری می کرد سیاست همزیستی مسالمت آمیز در سراسر دوران پس از پیروزی انقلاب سترگ اکتوبر از جانب حزب و دولت شوروی عمیقاً بررسی و تدوین شده است.

و اما انقلاب کبیر اکتوبر و کشور های عقب نگه دار شده واز جمله افغانستان: انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر موجب گسترش جنبش نیرومند آزادیبخش ملی گردید، تحولات تاریخی اخیر افغانستان در دوران اخیر در مسیر یکپارچه همان جریان را تا به انجام می گرد که در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر بوجود آمده و جزو مهم ترین واقعه ی سیر تکامل جهان شدند.

بحث بر سر جریان بحران و زوال سیستم استعماری امپریالیسم و هم چنان بر سر ملت ها و کشورهای بیست که طری سالان دراز در زیر قید فشار و استعماری و نیمه استعماری قرار داشتند و در نتیجه ی رستاخیز و انقلابات خود در راه استقلال سیاسی و اقتصادی گام نهادند. در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر در بن ششم بخش دنیا نظام اجتماعی نوینی برقرار گردید که یکی با سیستم امپریالیسم بین المللی استعماری و استعماری میانش دارد. در نتیجه ی تأسیس دولت سوسیالیستی در روسیه، موقعیت بین المللی افغان نسان تغییر کرد و مواضع محافل افغان و همین بر سر افغانستان که برای احیای حق حاکمیت کشور خویش مبارزه می کردند تحکیم یافت.

در بهار سال ۱۹۱۸ ترجمه ی شری بنام دولت شوروی به همه مسلمانان زحمتکش روسیه و خاور زمین به افغانستان رسید. درین پیام حقوق ملی خلسه ها، ام از بزرگ و کوچک، اعلام گردید و سکنه کشورهای لیکه زیر قید ستم امپریالیسم قرار داشتند به از هم گسیختن یوغ بردگی منفور استعماری فرا خوانده شدند. رخصت کشان روسیه ی شوروی اعلام کردند که مصمم اند به ملت های کشورهای ستمگریه و وابسته، در راه کسب آزادی ایشان کمک نمایند.

درین مرحله نکته ی مهم در زمینه ی پیدایش و تقویت تائیات ضد امپریالیسمی در همه کشورهای شرق میانه این بود که دولت شوروی اسناد سیاسی محرمانه ی دول بزرگ را انشا و داد و بدین نحو فضا های استعمارگرانه ی امپریالیسم را افشا نمود و علاوه بر سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ افغانانی در راه برقراری تائیات مستقیم با دولت های کشور های همسایه ی آسیائی انجام داد. در سال ۱۹۱۸ پیشنهاد دانی در باره ی برقراری مناسبات دوستانه از ترکستان شوروی بکابل رسید. با وجود دیکه در افغانستان آتوشتا معیاش و دست نشاندگی (امیر حبیب الله حکمران) وائی داشت، خبر مربوط به این پیشنهاد به سرعت در افغانستان بخش گردید و شور و شفق عظیمی در میان محافل اجتماعی افغانستان بوجود آورد. و طنین مستان افغان نیز نقشه ی تحصیل استقلال افغانستان و نابودی عمل امپریالیسم انگلیز-عز را می کشیدند و اعلان اصول برابری حقوق و آزادی ملی خلقها که دولت روسیه ی شوروی در نتیجه ی انقلاب کبیر اکتوبر تحت رهبری دها به رهبر انقلاب آرا اجرا کرد با

در فیروزی ۱۹۱۹ و وضع افغانستان تغییر کرد. دولت امیر امان الله که طرفداران بیست جوان افغانستان آنرا نایب می کرد و دیگر آمد و این دولت بلا در ننگ استقلال افغانستان را اعلان و دست به ریفرم های زیاد زد. روسیه ی شوروی بخت او لین کشور تحت رهبری، رهبر انقلاب کبیرا کتوبر استقلال سیاسی افغانستان را بر سمیت نهادن تحت دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه بتاريخ ۲۷ مارچ سال ۱۹۱۹ اعلام داشت که استقلال کامل دولت افغانستان را بر سمیت می شناسد.

در مورد خصوصیات این مبادیات جمهوری جوان شوروی با کشور همسایه ی خود افغانستان، باید این واقعیت معروف را یاد آوری کنیم که: جمهوری جوان شوروی هنگامیکه در حلقه ی محاصره ی دشمنان قرار داشت، می کوشید هر چه از دستش می آمد در زمینه ی سیاسی بکار برد تا از مداخله ی امپریالیست ها در امور داخلی افغانستان جلوگیری شود. دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه در ماه مارچ سال ۱۹۱۹ شرایطی را که توسط رهبر انقلاب کبیرا کتوبر در زمینه ی اقتصاد صلح با روسیه ی شوروی تنظیم شده بود به کفایت این صلح پارسی فرستاد، در بند اول این شرایط قیود شده بود که همه کشورها باید متقابلاً تعهد نمایند که به قوه ی قهریه برای سرنگون ساختن دولت افغانستان متوسل نشوند. روز ۲۸ فیبروری سال ۱۹۲۱، علی رغم تلاش های استعمارگران بر تانیا یی که می خواستند از تحکیم مبادیات شوروی و افغانستان ممانعت نمایند، قرار داد بین جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه و افغانستان امضاء شد. این سند سیاسی که اکنون هم معتبر است یک اقدام بین دو کشور بود که موجب تشدید پشتیبانی از استقلال افغانستان گردید و مبادی حقوقی استواری برای روابط حسن همجواری شوروی و افغانستان ایجاد نمود.

چنانچه حفیظ الله امین منشوعومی گمتهای مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولسی و وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان سال گذشته بنام سیت شصت و یکمین سالگرد انقلاب کبیرا کتوبر اتحاد شوروی سوسیالیستی جنین فرمودند: «آوانیکه رهبری خلافتور نبوغ رهبر کبیرا انقلاب اکتوبر در روسیه، اولین دولت کارگری جهان با فرمانهای پروتکتوری بای انقلابی روسیه به پیروزی می رسید و تکامل می کرد در افغانستان نیز راه اکتوبر بکلی نامعلوم نبود، جنبش آزادیخواهی، مبارزات ضد استعمار را می بالیستی و ضد استبداد فیودالی و ج می گرفت، با وجود توطئه های استعمار را می بالیستی ارتجاع و نوکران امپریالیزم و استبداد در بار امپیران نوکر استعمار را آتش آزادیخواهی خلق ما خاموش نگردید و با اوج گیری اوج انقلاب کبیرا کتوبر شعله ور تر شده می رفت تا اینکه در سال ۱۹۱۹ در قلب آسیا، خلق زحمتکش افغان

استفاده از قوای بشری

نمایند برای اینکه دانشسرمعرفت حزبی آنها توسعه یابد و انکشاف نمایند کمپسیون های مربوط حزب هم درین زمینه توجه خاصی دارد و فعالیت می نمایند. دفتر سیاسی و رهبری حزب یک پروگرام خاصی در دست دارد و آن اینست در ولایات و ولسوالی ها کارهای حکومتی و حزبی را از هم تفکیک نماید، سازمان حزبی جدا و سازمان دولتی جدا، حزب، حکومت و دولت را رهبری خواهد کرد، ولی امور دولت و وظایف آنرا انجام نمی دهد. حکومت و دولت وظایف خود را انجام خواهد داد و حزب آنرا رهبری خواهد کرد، حزب این قدم ها را بر داشته است و بر سرعت به پیش می رود که برای انکشاف و تقویت اعضا و کادرهای حزبی بسیار موثر خواهد بود.

سوال: تعداد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را گفته می توانید؟
جواب: ما کار تو ذی شع کارت های عضویت حزبی را آغاز کرده ایم، چندین هزار کارت تا حال تو ذی شع شده و تا هنوز کار تو ذی شع آن ختم نشده است. فقط در ختم کار تو ذی شع کارت ها میتوان تعداد دقیق اعضای حزب را بشمارید اظهار کنیم، ولی قبل از انقلاب نور که ما کارت های عضویت برای اعضای حزب نداشتیم تعداد اعضای حزب را تقریباً پنجاه هزار تخمین کرده بودیم.

سوال نماینده روزنامه دتور انقلاب: بایپروزی انقلاب نور در زندگی خلق ماحولات عمیقی پدید آمده است و تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان درگون شهای مختلفی زندگی خلق ما گام های وسیع و مثبتی برداشته شده است.

سوال من در زمینه تعلیم

و تربیه است در آن زمینه که شما قسمت زیادی از زندگی خود را در آنجا سپری نمودید آیا در درس های تعلیم و تربیه و به هتسون ها کدام تحول عمیق و انقلابی در نظر دارید یا نه؟

جواب: انقلاب نور که در معنی واقعی خود یک پدیده انقلابی بود که قدرت را از طبقات استعمارگر به نمایندگان زحمتکش به طبقه کارگر انتقال داد و تمام ساختار زندگی خلق ما یک تغییر انقلابی بوجود آورد درین جهت انقلابی طوریکه شما تنها به تعلیم و تربیه اشاره کردید در تعلیم و تربیه هم تغییرات انقلابی بوجود آمده است که محتوای تعلیم و تربیه از منافع استعمارگران به نفع خلق زحمتکش تمرکز یافته است اکنون تمام نصاب تعلیمی به این متوجه است که جوانان و اطفال را مطابق به منافع خلق زحمتکش تربیه نماید و در تشکیک سیستم تعلیم و تربیه نیز تغییر آمده است آن اینکه قبل از انقلاب هشت سال مکتب ابتدایی، چهار سال ثانوی و چهار سال تعلیمات عالی بود ولی در آغاز انقلاب این تدبیر اتخاذ گردید که محتوای تعلیم و تربیه غنی تر شود و از ساختارهای آن کاسته شود یعنی هشت سال تعلیمات ابتدایی دوسال دوره ثانوی یا تعلیمات متوسط و چهار سال تعلیمات عالی به این اساس در سیستم تعلیم و تربیه تغییرات بوجود آمده است. در پایان رفیق امین از اشتراک ژورنالستان درین مصاحبه دوستانه تشکر کرده اظهار امید کردند که ژورنالستان مهمان بار دیگر بتوانند از کشور ما دیدن کرده و واقعیت اوضاع کشور را به خلقهای کشور و های خود انعکاس بدهند.

جواب نامه های شما

سلام همکاران و دوستان عزیز

به امید سلامتی شما، می‌آغازیم به جواب نامه های دوستانی که مطلب فرستاده اند :

دوست عزیز ، عزیزه رسولی

دو نوشته شما را بنامهای «رسالت تاریخی زنان امروز» و «در انتخاب همس باید احتیاط را از دست نداد» دریافتیم و آرزو مندیم که همکاری قلمی تا نرا بیشتر از این گسترش بدهید و با ارسال مطالب، خوب و خواندنی همیشه با مجله تان همکاری نمایید . همچنین که فرموده اید ، باید در انتخاب همسر ، محتاط بود و با درست اندیشی دست به گزینی همس مورد پسند زد ، واقعاً درست میگویند، ولی تنها صاحب آیدالوژی و علم و دانش بودن برای زندگی مشترک کافی نخواهد بود، نه تنها بصورت ضمنی و پهلوی این صفات، تفا هم اعتماد در بهبود زندگی نقش عمده دارد و همای سعادت و خوشبختی را بر فراز خانه به گردش می آورد، بلکه اساساً خشت بنای ازدواج را بر تاقم و اعتماد گذاشت و همین است که زندگی پرالت زنا شویی را، دوست داشتنی تر میسازد .

با حفظ اینکه سواد و تحصیل، علم و دانش زندگی مشترک زن و مرد را رنگ دیگری میزند، اما شرط کافی برای یک زوج خوشبخت به شمار نمی رود . به همین ترتیب زیر نظر آورید ، زن و شوهری را که با داشتن سواد و دانش همه روز شان، به جنگ است و به ناخوشی روزگار می گذرانند .. مگر زن و شوهری بیسواد را پیش چشم مجسم کنید که شوهر دیگرانه بر میگردد، زن از آمدنش با سلام گرم صمیمانه به استقبال می شتابد که خوش آمدی، شوهر عزیز... با این مثال فقط می خواهم بگویم که تنها صاحب آیدالوژی بودن برای ازدواج کافی نیست، زندگی مشترک زن و مرد چیز های دیگری را نیز لازم دارد . بهر صورت، هر دو مطلب شما را ، در شماره های آینده به چاپ میسپاریم، انتظارش را ببرید . به امید نامه های دیگرستان خدا حافظ .

دوست مهربان وحید حیران متعلم صنف دهم اجتماعات لیمه شاه نوشهر (ع) ! «استان کوتاه واقعی» شما را خواندیم و متالی شدیم ولی در عین حال خوش شدیم و خوشی ما از غم مابیشتر بود این «استان کوتاه واقعی» شما قطعاً داستان نیست و گزارش عشق شکست خورده شماست . دوست عزیز! درس و صالی که قرار دارید ، دل و دایره خون نکند و بایک نگاه خمار گو نفلان دختر همسایه قریب نخورید، در عوض درسهای خود را بخوانید و حیران حیران به حسرت دیدار دختر شوهر کرده، چشم خیره نکنید که میلا به مرض چشم نشوید که

زمینه شعر و شاعری شما میگذریم به بعد و اینک شعر چکیده از فکر شما :
لرگس ممتش که سویم بی سرو پای تید
دل درون سینه من بسمل آسا می تید
ور نموزد شمع رویش این پر پروانه ام
در حریم او کجا پابین و با لا می تید
بسکه آن تیرنگاش کرده حال من خراب
دل بغم دست و گریبان بوده شبهای تید
گر گل رویش ببینم می تپم پیش و خش
مثل آن بلبل که آواز شوق گلهای تید
گرچه می باشم اسیر تاب زلفانش همی
بهر قتل و کشتن من چشم شبهای تید

مردمان دیده من از هجوم سیل اشک
مثل ماهی در میان موج دریا می تید
می تبیلن جز به راه خلق کی باشد سزا
طبع شعر تو «رهین» در عشق بیجا می تید
دوست گرانقدر میرحبيب الله شفق عضو
مهندسی ریاست تعمیرات وزارت دفاع !

متقابلاً سلام عرض میکنم و هیچ جای ندارد که از «عقب پرده داخل مذاکره» گردید و مطمئن باشید که مذاکره به مشاجره ختم نمیکردد . همین کلمه که بحث بالای آن است ، شرح و تفسیر آن در فرهنگ های درسی ذیل به مفهوم که شما خواسته اید دیده نشد، از آنجمله فرهنگ عمید ، فرهنگ نفیسی، فرهنگ برهان قاطع .

اما بهر حال ، حرف شما را قبول میکنم و تقاضا داریم که همان پارچه شعر تان را در باره بفرستید تا به نشر بپردازیم . آن پارچه شعر شما در لایله نامه های دوستان که جوابش ارایه شده است، گم شده است که با عرض معذرت، عذر دارم بپذیرید، آرزو مندیم همکاری خویش را با ارسال مطالب خوب با ما ادامه دهید و بگذارید که گاهی حرف و سخنی با هم یزیم و هیچ شک نیست در دل راه ندید که حرف دو دوست به محکمه بیانجامد ...

دوست گرانقدر عبدالقدیر بران متعلم صنف یازدهم لیمه رحمن بابا !
علیک میگویی و سلام میفرستیم ، چرا آورده شویم ؟ شوخی تان بالای چشم . اینهم شوخی تان .

بخت ناماز من زائل زیر جبر تقدیر
صفحه ژوندون ز ناله من رقم زورده تحریر
روزها تا شام بودم انتظار چاپ مضمون
ز طرف شما غمگین و صدای دیگران تا به تقریر
اگر از شما صدای بشنیدم قسم خورم
ز نامه من خواهد شد صفحه ژوندون سیر
به نام شعر من گر گویم حسن کلام نداشت
جوابت همان اصلاح باشد نه جواب سرتیر
گر مضمون نرسد بچاپ اینست علتش
با انتظار شما و خواهش جواب نامه من اسیر
دو جوابیکه رقم زدی در صفحه ژوندون
کس نداده جواب منفی غیر تو به قسم مضمون
غیر جواب مضمون ندارم دیگر توقعی
از انتظار زیاد جوانی ام شده پیر
دوست عزیز ، این مصراع فی البدیهه به پاسخ نامه شما از ذهن به قلم افتید و به شوخی حاشایش بدادید .

گر تو پنداشتی که حالت چو نست
بخت و روزگار تو سراسر شوشت

دوست مهربان، چندی پیش چاپ جدول مقاطع را وعده دادیم که در شماره قبل به نشر رسید و همچنین وعده چاپ مضمون «نیروی خلقها شکست ناپذیر است» را به

شما دوست عزیز دادیم که به ترتیب نوبت به چاپ خواهد رسید، دیگر چه میگویند ؟ آخر اندکی صبر باید که عجله کار شیطان است !

دوست عزیز، از شکوه و شکایت تان چنین برمی آید که بخت ناسازگان با جبر تقدیر گره خورده و عبدالقدیر را به ناله تقدیر کشانده است و به استناد قول پروین اعتصامی «این گنه تست نه حکم قضا است» به امید همکاری بیشترتان با مجله ژوندون، دعا میکنم، دعای معروف، که پیر شوید، خدا حافظ ...

دوست گرانقدر علی اصغر بختیاری سوپر وایزر ریاست مبارزه با بیسوادی !

خوشو قتیتم که همکاری تان را با مجله خود تان آغاز کرده اید . شعر «بارکارگر» شما را خواندیم و جهت چاپ به مطبعه فرستادیم. از اینکه فرموده اید «اگر این پارچه شعرم مورد قبول تان قرار نگیرد ، مهم نیست ، کوشش خواهم نمود تا استعدادش را کسب نموده، بعداً بتوانم شعری بنویسم که قابل نشر باشد ...» حرف علاقه بی زده اید و ما برای پرورش استعداد تان، تقاضا داریم که اشعار شاعران نو پرداز معاصر را بیشتر بخوانید و از خرمن شعر قداما خوشه ها برچینید و نوشته ها بپذیرید . و به این امید خدا یار تان .

دوست ارجمند اشرف رسولی مفتش وزارت عدلیه !

سلام عرض میکنم . مضمونی بنام «تازن آزاد نشود، اجتماع آزاد نخواهد شد» از شما همکار عزیز، دریافتیم خوشوقتیم که اگر این همکاری را ادامه دهید و با ارسال مطالب خواندنی، مجله خود را رنگین تر بسازید . و برای استی اگر زن آزاد نباشد، میشود از آزادی اجتماع یاد کرد، واضحاً که نه. این مضمون تان را در یکی از شماره های آینده به چاپ میسپاریم و به امید همکاری شما خدا حافظ .



مدیر مسئول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکزادی
امیر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تلفون دفتر : ۶۶۸۱۶

مطبعة دولتی



دینا دینا
کتاب پر لکھی شہرہ
www.dinadina.com